

برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد اثبات توحید و علم با اعجاز قرآن ر.ک:
 - المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ج ۱۰، ص ۱۰، ص ۱۷۱-۱۷۳.
 - التفسیر الکبیر، امام فخر رازی، چاپ اول، ج ۱۷، ص ۱۹۷
۲. در مورد اثبات نبوت خاصه با اعجاز قرآن ر.ک:
 - الالهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل، جعفر سبحانی به کوشش شیخ حسن محمد ملکی عاملی، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۴۹
 - مناهج الیقین فی اصول الدین، علامه حلی، به کوشش محمدرضا انصاری قمی، ناشر: محقق، چاپ اول، ۱۴۱۶، ص ۲۶۸-۲۶۹
۳. در مورد اثبات عدم تحریف قرآن با اعجاز قرآن ر.ک:
 - قرآن شناسی، محمدتقی مصباح یزدی، به کوشش محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹-۱۹۰
 - صیانة القرآن عن التحریف، محمدهادی معرفت، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳، ص ۳۹-۴۳.

❖ برای پژوهش

توضیح دهید که کدامیک از اموری را که با اعجاز قرآن اثبات شده است از لوازم عقلی است و کدامیک از طریق نقل قابل اثبات است و آیا علاوه بر آنچه در متن کتاب مطرح شده امور دیگری وجود دارد که با اعجاز قرآن ثابت شود.

فهرست مطالب

درس اول: کلیات

- ۱- تعریف اعجازشناسی قرآن ۱۲
- ۲- موضوع اعجازشناسی قرآن ۱۳
- ۳- اهمیت و جایگاه اعجاز قرآن ۱۳
 - ۳-۱- اعجاز قرآن و وجود خداوند ۱۳
 - ۳-۲- اعجاز قرآن و توحید ۱۴
 - ۳-۳- اعجاز قرآن و علم و قدرت فوق العاده خداوند ۱۴
 - ۳-۴- اعجاز قرآن و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۵
 - ۳-۵- اعجاز قرآن و عدم تحریف قرآن ۱۵
 - ۳-۶- اعجاز قرآن و عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۶
 - ۳-۷- اعجاز قرآن و معارف آن ۱۶
- ۴- سیری در نگارندهای اعجاز قرآن ۱۶
 - اسامی برخی از کتابهای مستقل پیرامون اعجاز قرآن در قرون گذشته ۱۸
 - برخی از کتابهای مستقل پیرامون اعجاز قرآن در عصر حاضر ۱۹
 - اعجاز قرآن در ضمن کتب دیگر ۱۹

درس دوم: تعاریف و مفاهیم

- تعاریف و مفاهیم ۲۵
- مقدمه ۲۶
- تاریخچه کاربرد واژه معجزه و اعجاز ۲۶

مفهوم لغوی معجزه	۲۸
کاربرد قرآنی اعجاز	۲۹
مفهوم اصطلاحی معجزه	۳۱
واژه‌شناسی در قرآن	۳۲
۱. آیه	۳۳
۲. برهان	۳۵
۳. بصائر	۳۵
۴. سلطان	۳۶

درس سوم: قرآن و معجزات دیگر

مقدمه	۴۲
راز تنوع معجزات	۴۲
۱. تفاوت رشد عقلی امتهای	۴۳
۲. تناسب با مدت زمان شریعت	۴۴
۳. تناسب با پیش‌رفته‌ترین علوم و فنون زمان	۴۵
برخی از تفاوت‌های قرآن با معجزات دیگر	۴۸
۱. اتحاد معجزه با پیام وحیانی	۴۸
۲. جاودانگی و جهانی بودن	۴۹
۳. مصونیت از تحریف	۴۹
نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن	۵۰
۱. نقش پیامبران علیهم السلام در اعجاز	۵۰
۲. نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن	۵۲

پرسش

۱. نحوه اثبات علم خداوند با اعجاز قرآن را توضیح دهید.
۲. توحید را با اعجاز قرآن ثابت کنید.
۳. مراتب پنج‌گانه توحید را بیان کنید.
۴. آیا نبوت خاصه با اعجاز قرآن ثابت می‌شود؟ توضیح دهید.
۵. اعجاز قرآن چگونه بر قدرت خداوند دلالت می‌کند. توضیح دهید.
۶. کیفیت اثبات عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در تلقی و ابلاغ وحی را با اعجاز قرآن تجزیه و تحلیل نمایید.

۷. اعجاز قرآن چگونه عدم تحریف قرآن را ثابت می‌کند؟
۸. آیا با اعجاز قرآن، می‌توان معارف قرآن را اثبات کرد؟

۷. اگر در قرآن تحریفی - پس از ابلاغ آن به مردم - صورت گرفته باشد، امکان همانندآوری آن وجود دارد، در صورتی که هیچ کس نتوانسته است همانند آن را بیاورد، پس تحریف رخ نداده است.

۸. با اثبات نبوت پیامبر ﷺ، عصمت پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ قرآن و عدم تحریف قرآن به وسیله اعجاز قرآن، خدایی بودن معارف قرآن ثابت می شود.

درس چهارم: راههای تشخیص اعجاز قرآن

مقدمه	۶۰
۱. علم حضوری	۶۱
۱-۱. علم حضوری پیامبر ﷺ به اعجاز قرآن	۶۱
۱-۱-۱. دلیل عقلی	۶۱
۱-۱-۲. دلیل نقلی	۶۲
۱-۲. علم حضوری ائمه علیهم السلام به اعجاز قرآن	۶۳
۱-۲-۱. دلیل عقلی	۶۳
۱-۲-۲. دلیل نقلی	۶۴
۲. تخصص	۷۲
۳. رجوع به متخصص	۷۳
تفاوت بین معاصران و غیر معاصران پیامبر ﷺ	۷۳

درس پنجم: مبانی اثبات اعجاز قرآن (۱)

مقدمه	۸۰
تعریف تحدی	۸۱
اقسام تحدی در قرآن	۸۲
نکاتی درباره آیات تحدی	۸۳
۱. نکات عمومی	۸۳
۲. نکات اختصاصی	۸۶
راز تحدی های گوناگون	۹۲
قلمرو تحدی (مخاطبان تحدی)	۹۴
۱. عمومیت و جاودانگی تحدی	۹۵

۲. اختصاص تحدی به معاصران نزول قرآن ۹۷
۳. تفصیل بین وجوه ۹۸

درس ششم: مبانی اثبات اعجاز قرآن (۲)

- مقدمه ۱۰۶
- انگیزه‌های مشرکان برای همانندآوری ۱۰۶
۱. مبارزه پیامبر ﷺ با ائین شرک‌آلود عرب ۱۰۷
۲. مبارزه پیامبر اکرم ﷺ با بت پرستی ۱۰۸
۳. گمراه شمرده شدن پدران عرب توسط پیامبر ﷺ ۱۰۹
۴. نادان شمرده شدن مشرکان عرب توسط پیامبر اکرم ﷺ ۱۱۰
۵. پدید آمدن تفرقه بین عرب در اثر روشنگری‌های پیامبر ﷺ ۱۱۱
۶. روحیه تکبر و استکبار عرب ۱۱۱
۷. تشویق قرآن به همانندآوری ۱۱۲
- نحوه برخورد مشرکان ۱۱۲
- نمونه‌ای از همانندآوری‌ها در تاریخ ۱۱۳
۱. مسیلمه کذاب ۱۱۳
۲. اسود عنسی ۱۱۵
۳. نصر بن حارث ۱۱۶
۴. چهار دانشمند عهد عباسی ۱۱۶
۵. نصیرالدین ظافر ۱۱۹
۶. علی محمد باب ۱۱۹
۷. حسین علی بهاء الله ۱۲۱
۸. غلام احمد قادیانی ۱۲۲

خلاصه:

۱. اگر قرآن برخاسته از علوم بشری بود، همانندآوری آن امکان داشت. ولی از آنجاکه مشرکان نتوانستند همانند آن بیاورند، دانسته می‌شود که قرآن از علم ویژه خدا نشأت گرفته است.
۲. قرآن همه به ویژه مشرکان را به همانندآوری قرآن و استمداد از بتها دعوت می‌کند. اگر بتها مشرکان را در این شرایط یاری نکنند، معلوم می‌شود که معبود نیستند و معبود تنها خداست.
۳. توحید در الوهیت، مرتبه پنجم از توحید است و با اثبات آن، توحید در ربوبیت شرعی و تکوینی، خالقیت و وجوب وجود ثابت می‌شود.
۴. علاوه بر دلالت اعجاز قرآن بر نبوت خاصه در آیات، برهان نیز بر آن دلالت می‌کند به این بیان که: اظهار اعجاز قرآن در دست مدعی کاذب، مستلزم اغرای به جهل است و کذب و اغرای به جهل، منقصت وجودی دارند. و خداوند منزّه از هرگونه نقص می‌باشد. لذا صدور چنین امری از او ممتنع است.
۵. اعجاز قرآن به جهت اینکه خارق‌العاده و فوق توان بشر است، بر قدرت خداوند دلالت می‌کند.
۶. اگر در قرآن در مرحله تلقی یا ابلاغ تغییری صورت گرفته باشد، و آنچه را که پیامبر ﷺ بر مردم ابلاغ می‌کند، کلام خدا نباشد، همانندآوری آن ممکن می‌شود ولی چون همانندآوری ممکن نیست پس روشن می‌شود که پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ قرآن معصوم است.

همانندآوری آن وجود دارد، در صورتی که هیچ کس نتوانسته است همانند آن را بیاورد. پس قرآن از تحریف در امان مانده است.

۷. معارف قرآن

با اثبات نبوت پیامبر ﷺ، عصمت پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی و عدم تحریف قرآن به وسیله اعجاز قرآن، خدایی بودن معارف قرآن ثابت می شود. بنابراین، فرق آثار گذشته با این اثر در این است که آثار گذشته، آثار مستقیم اعجاز قرآن است و این اثر، اثر غیر مستقیم که به جهت اهمیت آن ذکر گردید.

شبهه ۱۲۳

درس هفتم: مبانی اثبات اعجاز قرآن (۳)

مقدمه ۱۲۸

شهادت بر ناتوانی ۱۲۹

۱. شهادت ولید بن مغیره ۱۲۹

۲. شهادت نصر بن حارث ۱۳۲

۳. شهادت عتبه بن ربیع ۱۳۴

۴. شهادت انیس بن جناده ۱۳۶

۵. شهادت طفیل بن عمرو الدوسی ۱۳۶

۶. شهادت ابوسفیان، ابوجهل و اخنس ۱۳۸

نحوه برخورد مشرکان با قرآن و پیامبر اکرم ﷺ ۱۳۹

۱. تهمت و ناسزاگویی ها ۱۳۹

۲. آزار و اذیت پیامبر ﷺ ۱۴۱

۱-۲. اذیت های مشرکان در مکه ۱۴۲

۲-۲. اذیت های مشرکان بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه ۱۴۳

نتیجه مبانی سه گانه ۱۴۳

درس هشتم: وجوه اعجاز (۱)

مقدمه ۱۴۸

درآمدی بر وجوه اعجاز ۱۴۸

۱. تاریخچه بحث از وجوه اعجاز ۱۴۹

۲. درک یا عدم امکان درک وجه اعجاز ۱۵۰

۳. درک مستقیم یا غیر مستقیم وجوه اعجاز ۱۵۱
۴. گستره وجوه اعجاز ۱۵۱
- ۴-۱. انحصار وجه اعجاز در یک وجه ۱۵۱
- ۴-۲. وجوه متعدد ۱۵۲
۵. موجبات اختلاف در تبیین وجوه اعجاز ۱۵۴
- الف - عوامل برون قرآنی ۱۵۵
- ب - عوامل درون قرآنی ۱۵۵
۶. فراگیری برخی از وجوه نسبت به همه آیات ۱۵۵
۷. تفاوت مراتب ظهور اعجاز در آیات ۱۵۵
۸. تقسیمات مختلف وجوه اعجاز ۱۵۶
- ۸-۱. اعجاز متعلق به نفس قرآن و به صرف مردم از معارضه ۱۵۶
- ۸-۲. وجوه مختص به عرب و وجوه مشترک ۱۵۷
- ۸-۳. اعجاز بیانی، علمی، تشریعی و غیبی ۱۵۷
- ۸-۴. وجوه برون متنی و وجوه درون متنی ۱۵۸
- وجوه اعجاز قرآن ۱۵۸
۱. وجوه برون متنی ۱۵۸
- ۱-۱. امی بودن آورنده قرآن ۱۵۸
- شبهه ۱۶۱
- جواب ۱۶۱

درس نهم: وجوه اعجاز (۲)

- مقدمه ۱۶۸
- مفهوم صرف ۱۶۸

۵. تغییر و تبدیل آیات در عین حفظ سور و آیات: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام ابلاغ، نظم آیات را تغییر دهد. اگر تغییر و تبدیل در حدی باشد که نظم ظاهر یا محتوای قرآن نازل شده را به گونه ای تغییر دهد که تفاوت موجود با نظم اعجاز آمیز برای اهل فن روشن باشد، همانندآوری آن ممکن است. در صورتی که هیچ کس نتوانسته است همانندی بیاورد. پس اعجاز قرآن این گونه تغییر را منتفی می سازد. ولی اگر تغییری باشد که چنین اختلال نظمی ایجاد نکند، با اعجاز قرآن، نمی توان آن را نفی نمود.

۶. عدم تحریف قرآن

یکی از مباحث علوم قرآنی، بحث عدم تحریف قرآن است. با اثبات عدم تحریف قرآن، مطابقت قرآن کنونی با قرآن نازل شده به پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت می شود. در این صورت، قرآن کتابی صددرصد قابل اعتماد و اطمینان است.

اثبات عدم تحریف قرآن نیز از آثار اعجاز قرآن است. در بحث عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در تلقی و ابلاغ وحی احتمالاتی ذکر و بررسی شد. همان احتمالات و بررسیها در بحث عدم تحریف قرآن مطرح است؛ با این فرق که بحث گذشته مربوط به امکان تغییر قرآن در مرحله تلقی و ابلاغ قرآن بود ولی بحث فعلی (عدم تحریف قرآن) مربوط به امکان تغییر قرآن پس از ابلاغ وحی و پس از رسیدن وحی به مردم است. لذا از ذکر احتمالات و بررسی آنها صرف نظر کرده و به بیان کلی می پردازیم. اگر تحریفی در قرآن صورت گرفته باشد - با توجه به احتمالات گذشته - امکان

دریافت کند و بخشی را از فرشته وحی، یا اینکه در هنگام ابلاغ قرآن، بخشی از سوره را عمداً یا سهواً از خود اضافه نماید و بخشی را از آنچه که وحی شده است، ابلاغ کند. اعجاز قرآن، این احتمال را نیز منتفی می‌سازد. زیرا آوردن چنین سوره مرکبی (از کلام الهی و کلام غیر الهی) ممکن است. به این بیان که بخشی که از غیر خداست، به دلیل غیر الهی بودن، همانندآوری آن ممکن است. بخشی که از جانب خداست، مورد تحدی قرار نگرفته است؛ چرا که در آیات تحدی، به یک سوره تحدی شده است نه کمتر. بنابراین، دلیلی بر نیاوردن یک سوره همانند سوره مذکور وجود ندارد. در صورتی که هیچ کس نتوانسته است همانند یک سوره از سوره‌های قرآن را بیاورد. پس معلوم می‌شود که قرآن از چنین افزایشی مصون مانده است.

۳. کاهش یک سوره: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام تلقی وحی، یک سوره را دریافت نکرد یا هنگام ابلاغ، یک سوره را عمداً یا سهواً بکاهد. اعجاز قرآن، کاهش یک سوره را نفی نمی‌کند. زیرا اعجاز به سوره‌های موجود تعلق گرفته و تمام است.

۴. کاهش بخشی از یک سوره: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام تلقی وحی بخشی از یک سوره را دریافت نکرد یا هنگام ابلاغ، بخشی از سوره را عمداً یا سهواً بکاهد. اعجاز قرآن، کاهش بخشی از یک سوره را نفی می‌کند. زیرا با توجه به اینکه تحدی به یک سوره تعلق گرفته است، نه کمتر، دلیلی بر عدم امکان همانندآوری کمتر از یک سوره نیست. در صورتی که کسی نتوانسته است همانند بخشی از یک سوره که از آیات دیگر مستقل است، بیاورد.

تاریخچه و منشأ قول به صرف.....	۱۶۹
تفاسیر سه گانه برای صرف.....	۱۷۰
دلایل قول به صرف.....	۱۷۳
۵. برخی از آیات.....	۱۷۴
بررسی اصل ادعا.....	۱۸۰
عامل اصلی طرح «صرف».....	۱۸۱

درس دهم: وجوه اعجاز (۳)

مقدمه.....	۱۸۸
وجوه بیانی.....	۱۸۸
۱. فصاحت و بلاغت.....	۱۸۹
۱-۱. جایگاه و اهمیت وجه فصاحت و بلاغت.....	۱۸۹
۲-۱. تعریف فصاحت و بلاغت.....	۱۹۰
۳-۱. گزینش الفاظ.....	۱۹۱
۴-۱. شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل.....	۱۹۲
۵-۱. نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت تام و کامل.....	۱۹۵
۶-۱. معارضه با قرآن در شبکه اینترنت.....	۱۹۹
بررسی معارضه‌های جدید.....	۲۰۳
۲. تصویر هنری در قرآن.....	۲۱۰
۳. سبک و نظم خاص قرآن.....	۲۱۴
۴. نظام‌هنگ و موسیقی قرآن.....	۲۱۶

درس یازدهم: وجوه اعجاز (۴)

مقدمه	۲۲۶
۱. هماهنگی آیات قرآن	۲۲۶
۱-۱. دلیل عقلی	۲۲۷
۱-۲. دلیل نقلی	۲۲۷
۱-۲-۱. آیه ۸۲ سوره نساء	۲۲۷
۱-۲-۲. صفت حق	۲۳۴
۱-۲-۳. صفت صدق	۲۳۵
۱-۲-۴. صفت متشابه	۲۳۶
۱-۳. بررسی	۲۳۷
بررسی چند شبهه	۲۳۸

درس دوازدهم: وجوه اعجاز (۵)

مقدمه	۲۴۶
۲. علم و معرفت	۲۴۸
۳. هدایت‌گری	۲۵۰
۴. خبرهای غیبی	۲۵۲
۴-۱. از گذشته	۲۵۲
۴-۱-۱. حضرت آدم و حواء	۲۵۲
۴-۱-۲. پیامبران و اقوامشان	۲۵۳
۴-۲. آینده	۲۵۳
۴-۲-۱. پیروزی روم	۲۵۳
۴-۲-۲. برگشت به مکه	۲۵۴

فوق العاده خداوند دارد.

۵. عصمت پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی

یکی از مباحث مهم کلامی که آثار با اهمیتی دارد، عصمت پیامبر اکرم ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی است. اگر عصمت پیامبر ۹ اثبات شود، قرآن عرضه شده از سوی ایشان، قابل اعتماد کامل خواهد بود و به طور قطع و واقعی می‌توان به آن کلام الله اطلاق نمود.

عصمت پیامبر اکرم ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی با اعجاز قرآن ثابت می‌شود. اینک احتمالات تغییر در هنگام تلقی یا ابلاغ وحی بیان و بررسی می‌گردد.

۱. افزایش یک سوره: به این بیان که پیامبر ﷺ سوره‌ای را (سهواً) غیر از آنچه که نازل می‌شود، دریافت نماید. مثلاً شیطان در هنگام تلقی وحی دخالت کرده و یک سوره را از نزد خود به پیامبر ﷺ القا کند. یا پیامبر ﷺ هنگام ابلاغ قرآن، یک سوره را عمداً یا سهواً اضافه نماید. اعجاز قرآن، افزودن یک سوره را نفی می‌کند. زیرا همانندآوری سوره افزوده شده، به دلیل غیر الهی بودن، ممکن است در صورتی که همانندآوری هیچ یک از سوره‌های قرآن ممکن نیست و هیچ کس نتوانسته است، همانندی برای یک سوره از قرآن بیاورد.

۲. افزایش کمتر از یک سوره: پیامبر اکرم ﷺ مقداری از سوره را بر اثر دخالت شیطان در هنگام وحی و لقاء شیطان بخشی از کلام خود را به پیامبر ﷺ از شیطان

می‌گویید ده سوره ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فراخوانید.) در این دو آیه، ضمن رد افتراء پیامبر ﷺ به خدا، لازمه افتراء، همانندآوری بیان شده است. و در صورتی که مشرکان نتوانستند همانندی بیاورند، پس معلوم می‌شود که قرآن به دروغ به خدا نسبت داده نشده است. بنابراین، قرآن بر پیامبر اکرم ﷺ وحی شده و ایشان، قرآن را به عنوان کلام الهی به مردم ابلاغ کرده‌اند. پس اعجاز قرآن دلیل بر نبوت پیامبر ﷺ است.

در مورد دلالت معجزه بر نبوت برخی آن را مطمئن‌ترین راه و برهانی^(۱) و برخی اقناعی می‌دانند.^(۲) به نظر می‌رسد دلالت معجزه بر نبوت برهانی است. البته تقریرات مختلفی از دلالت برهانی ارائه شده است که تقریر شهید صدر از همه اشکالات مصون است. ایشان برهان را این طور تقریر می‌کنند: ۱. اظهار معجزه در دست مدعی کاذب، مستلزم اغرای به جهل است. ۲. کذب و اغرای به جهل منقصت وجودی دارند. ۳. خداوند منزله از هرگونه نقص می‌باشد. لذا صدور چنین امری از او ممتنع است.^(۳) بنابراین، طبق این برهان، اعجاز قرآن بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ دلالت برهانی دارد.

۴. قدرت خدا

اعجاز قرآن به جهت اینکه خارق العاده و فوق توان بشر است، دلالت بر قدرت غالبه و

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۶؛ الالهیات، ج ۲، ص ۸۶ - ۹۵؛ المیزان، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۶؛ آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.
۲. الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۲۰۱، الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقادات، ص ۳۳۴ - ۳۳۷، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، ص ۹۴.
۳. بحث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

۲۵۵	۴-۲-۳. ورود به مسجدالحرام و انجام مناسک حج
۲۵۵	۴-۲-۴. وجود نسل فراوان پیامبر ﷺ
۲۵۷	۴-۳. مطلق
۲۵۷	نحوه دلالت خبرهای غیبی
۲۵۹	چند اشکال
۲۶۰	۵. علمی
۲۶۱	نمونه‌هایی از اعجاز علمی
۲۶۱	۵-۱. نقش باد در باروری گیاهان
۲۶۲	۵-۲. وسایل نقلیه جدید
۲۶۳	۵-۳. عسل
۲۶۴	نحوه دلالت و بررسی

درس سیزدهم: آثار اعجاز قرآن

۲۷۲	مقدمه
۲۷۲	۱. علم خداوند
۲۷۳	۲. توحید
۲۷۵	۳. نبوت خاصه
۲۷۶	۴. قدرت خدا
۲۷۷	۵. عصمت پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی
۲۷۹	۶. عدم تحریف قرآن
۲۸۰	۷. معارف قرآن

با اعجاز قرآن پنج مرتبه از توحید (وجوب وجود، خالقیت، ربوبیت تکوینی، ربوبیت تشریعی و الوهیت) ثابت می‌شود.

۳. نبوت خاصه

آیات متعددی از دلالت اعجاز قرآن بر نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حکایت می‌کند. برخی از این آیات عبارتند از: الف «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۱) (و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس اگر - راست می‌گویید - سوره‌ای از مانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید)

در این آیه، صریحاً نزول قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده و شک‌کننده در قرآن به تحدی و همانندآوری فراخوانده شده است. در نتیجه عدم همانندآوری دلیل بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

ب «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۲) (یا می‌گویند: آن را به دروغ ساخته است؟ بگو: اگر راست می‌گویید سوره‌ای همانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید، فراخوانید)

ج «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۳) (یا می‌گویند: این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو: اگر راست

۱. بقره / ۲۳.

۲. یونس / ۳۸.

۳. هود / ۱۳.

خود در چنین شرایط بحرانی و حساس پاسخ مثبت دهند، این امر خود نشان معبود نبودن ایشان و دلیل توحید الوهیت است.^(۱)

۲. اگر مخالفان قرآن نتوانند همانند قرآن را بیاورند و نیروهائی (از جمله الهه ایشان) را که به کمک طلبیده به ایشان پاسخ مثبت ندهند، از سوی خدا بودن قرآن و حقانیت معارف قرآن به اثبات می‌رسد. بخشی از تعالیم و معارف قرآن، بلکه اساسی‌ترین آنها توحید در الوهیت است.^(۲) بنابراین، لازمه اعجاز قرآن، طبق این بیان فقط اثبات توحید در الوهیت نیست بلکه معاد که رکن دیگر دین است نیز اثبات می‌شود. بلکه همه معارف قرآن اعم از کلیات و جزئیات ثابت می‌شود.

به نظر می‌رسد ظاهر آیه با بیان اول تناسب بیشتری دارد و بر بیان دوم ترجیح دارد. البته باید متذکر شد که اقوال مفسران در مقصود از عبارات آیه شریفه متفاوت است ولی آنچه با ظاهر آیه سازگارتر و بلکه تنها وجه سازگار با آیه است، ذکر شد.^(۳)

با توجه به اینکه توحید در الوهیت، از جهت رتبی، موخر از مرتبه ربوبیت تشریعی، ربوبیت تکوینی، خالقیت و وجوب وجود است،^(۴) لذا اثبات توحید در الوهیت، مستلزم اثبات ربوبیت تشریعی، ربوبیت تکوینی، خالقیت و وجوب وجود است. متقابلاً اثبات عدم صلاحیت بتها برای الوهیت، مستلزم اثبات عدم ربوبیت تشریعی، عدم ربوبیت تکوینی، عدم خالقیت و عدم وجوب وجود بتهاست. بنابراین،

۱. همان.

۲. تفسیر کبیر، ج ۱۷، ص ۱۹۷.

۳. رک: المیزان، ج ۱۰، ص ۱۷۱-۱۷۵، تفسیر کبیر، ج ۱۷، ص ۱۹۶-۱۹۷، روح المعانی، ج ۷، ص ۳۲-۳۴.

۴. معارف قرآن، ص ۴۷-۶۱.

درس اول

کلیات

از دانش پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. علم اعجاز قرآن را تعریف نماید.
۲. موضوع علم اعجاز را بیان کند.
۳. اهمیت و جایگاه اعجاز قرآن را تجزیه و تحلیل نماید.
۴. درباره سیر نگارشهای قرآنی توضیح دهد.

در این آیه بر اعجاز قرآن (تحدی به ده سوره و پاسخ مثبت ندادن نیروهای غیر خدایی به مشرکان در همانندآوری) دو اثر ذکر شده است: ۱. علم به نشأت گرفتن قرآن از علم خدا ۲. علم به توحید.

در مورد ارتباط اعجاز قرآن با علم به نشأت گرفتن قرآن از علم خدا اتفاق نظر وجود دارد که اگر قرآن برخاسته از علوم بشری بود، همانندآوری آن امکان داشت ولی از آنجا که مشرکان در عین استمداد از کلیه نیروهای غیر الهی نتوانستند همانند ده سوره قرآن را بیاورند، دانسته می شود که قرآن از علم ویژه خدا نشأت گرفته است.^(۱)

۲. توحید

در خصوص ترتب علم به توحید بر اعجاز قرآن دو قول وجود دارد: ۱. قرآن مجید همه انسانها به ویژه مشرکان را به تحدی و استمداد از دیگران برای همانندآوری دعوت می کند. با توجه به اینکه قرآن کریم بابت پرستی از اساس مخالف است، اگر الله یا خدایان دیگر وجود داشت، در چنین شرایط بحرانی که نیاموردن سوره ای مانند سوره های قرآن به معنای شکست مشرکان و بطلان آیین بت پرستی و شرک است، باید خدایان دیگر، مشرکان را در این امر یاری دهند تا از آیین بت پرستی که مورد تأیید ایشان است، حمایت کرده باشند و نیز با این کار ربوبیت خود را نسبت به مشرکان به منصفه ظهور رسانند. اگر خدایان مشرکان نتوانستند به استمداد پرستندگان

۱. قرآن شناسی، ص ۱۸۹ - ۱۹۰، المیزان، ج ۱۰، ص ۱۷۱ - ۱۷۳.

قبل از ورود به هر بحثی، آشنایی با کلیات بحث مانند تعریف، موضوع، جایگاه و اهمیت، پیشینه تاریخی و... امری ضروری است. نپرداختن به این مسائل، موجب عدم موفقیت کامل در بحث و بررسی می شود. لذا ما در این فصل، مسائل مذکور را بررسی می کنیم.

۱- تعریف اعجاز شناسی قرآن

«اعجاز قرآن» مرکب اضافی، از قبیل اضافه مصدر به فاعلش است؛ در حالی که مفعول و آنچه که به آن تعلق دارد، به دلیل علم به آن حذف شده است. پس تقدیر چنین است: ناتوان کردن قرآن خلق خدا را از آوردن چیزی که آنها را به آن تحدی کرده است^(۱). غالب نویسندگان، سخنی از تعریف علم اعجاز قرآن، به میان نیاورده اند؛ ولی به نظر می رسد، می توان آن را به این گونه تعریف نمود: علم اعجاز قرآن، علمی است که درباره مسائل مرتبط با اعجاز قرآن بحث می کند؛ مثل قلمرو تحدی، و نصاب اعجاز، و جوه اعجاز و...

۱. مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۲۷.

۲- موضوع اعجازشناسی قرآن

موضوع علم اعجاز قرآن، همانگونه که از نامش پیداست، قرآن کریم از جهت معجزه بودن است.

۳- اهمیت و جایگاه اعجاز قرآن

اعجاز قرآن در میان مجموعه مباحث علوم قرآنی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با بسیاری از مباحث مهم کلامی، تفسیری، فقهی و دیگر علوم و معارف اسلامی ارتباط تنگاتنگی دارد. مهمترین امور نشانگر اهمیت این مبحث به شرح زیر است:

۳-۱- اعجاز قرآن و وجود خداوند

خداشناسی امری فطری است. این امر فطری، ممکن است به مرور زمان و بر اثر عوامل مختلف چون تربیت خانواده، محیط... پر رنگ یا کم رنگ گشته و چه بسا به حدی ضعیف گردد که انسان، وجود خدای متعال را انکار کند. حال برای اثبات خداوند برای منکر یا معتقدی که می‌خواهد اعتقادش، از روی استدلال و برهان باشد، چند دلیل وجود دارد. برخی از دانشمندان اسلامی معتقدند که اعجاز قرآن، به عنوان کار خارق‌العاده و امری که به اصل علل و اسباب طبیعی نمی‌تواند استثناء شود، بر وجود خداوند دلالت می‌کند. در واقع پیامبر ﷺ قرآن را به عنوان کاری که تنها از خداوند می‌تواند صادر شود، ارائه کرده است، اگر اعجاز قرآن ثابت شود، به این معنی است که موجودی که آفریننده این کتاب است وجود دارد.

مقدمه:

اینک که معجزه بودن و برخی از جهات اعجاز قرآن ثابت شده است، ضروری است بررسی شود که اعجاز قرآن چه آثار و لوازمی دارد. غالب دانشمندان اثر اعجاز قرآن را اثبات نبوت پیامبر اکرم ﷺ می‌دانند. برخی علاوه بر اثبات نبوت پیامبر ﷺ علم خداوند و توحید را با استناد به برخی از آیات، نتیجه اعجاز قرآن دانسته‌اند. ولی به نظر می‌رسد که اعجاز قرآن آثار بیشتری دارد. برخی از این آثار عبارتند از: عصمت پیامبر ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی ۲. عدم تحریف قرآن

۱. علم خداوند

«قَالُوا يَسْتَغِيْبُوا لَكُمْ فَاَعْلَمُوا اَنَّمَا اُنْزِلَ بِعِلْمِ اللّٰهِ وَ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ» (۱) (پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما کردن می‌نهیید؟)

۲-۳- اعجاز قرآن و توحید

اصل توحید از اصول اساسی ادیان الهی مخصوصاً اسلام است. بعد از اثبات وجود خداوند، نوبت به اثبات صفات الهی به ویژه توحید می‌رسد. اصل توحید همواره بین موحدین و مشرکین، مورد نزاع بوده است. یکی از راههای اثبات توحید، اثبات اعجاز قرآن کریم است. به این بیان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را به عنوان معجزه مطرح کرده و از مشرکین (طرفداران خدایان دیگر) می‌خواهد که از خدایان خود برای همانندآوری یاری طلبند. مشرکین یا اصلاً به دلیل عالم بودن به ناتوانی خدایان، یاری نمی‌طلبند؛ یا آنکه یاری می‌طلبند، ولی خدایان به خاطر ناتوان بودن، نمی‌توانند یاری کنند. در هر صورت، نتیجه ناتوانی آنهاست و بدیهی است که موجود ناتوان نمی‌تواند خداوند باشد. بنابراین، عدم الوهیت آنان و وحدت الوهیت خداوند متعال ثابت می‌گردد پس با اثبات اعجاز قرآن، توحید ثابت می‌شود.

۳-۳- اعجاز قرآن و علم و قدرت فوق العاده خداوند

خداوند متعال دارای صفات ذاتی و فعلی است. علم و قدرت از مهم‌ترین صفات ذاتیه هستند. اعجاز قرآن کریم دلالت بر علم و قدرت الهی دارد. به این بیان که هر معجزه‌ای به دلیل آنکه کار خارق العاده و فوق توان بشر است، دلالت بر قدرت غالبه و فوق العاده خداوند دارد. بر این اساس اعجاز قرآن نیز، نشانگر قدرت غالب خداوند است. تحقق معجزه دلالت بر علم خداوند دارد؛ زیرا خود برخاسته از علم اوست. در منظری دیگر، هر معجزه‌ای و از جمله قرآن، دلالت بر آگاهی خداوند از کم و کیف

درس سیزدهم

آثار اعجاز قرآن

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس بتواند:

۱. با اعجاز قرآن، توحید را اثبات نماید.
۲. نحوه اثبات علم خداوند با اعجاز قرآن را بداند.
۳. با کیفیت استفاده نبوت خاصه از اعجاز قرآن آشنا شود.
۴. با اعجاز قرآن، عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در تلقی و ابلاغ قرآن را اثبات نماید.
۵. چگونگی اثبات عدم تحریف قرآن با اعجاز قرآن را تجزیه و تحلیل نماید.
۶. معارف قرآن را با اعجاز قرآن ثابت کند.

- من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، حسن ابوالعینین، ریاض: مکتبة العبیکان،

ط ۱، ص ۱۴۱۶- ج ۱ و ۲.

- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد، یزد: بنیاد فرهنگی

شهید دکتر پاک‌نژاد، چاپ اول، ۱۳۶۳، ج ۵- ۱۰.

- الکون و الانسان بین العلم و القرآن، بسام دفضع، دمشق: مطبعة الشام، ۱۴۱۱.

آفرینش پدیده‌ای خارق‌العاده با ویژگیهای مبین آن دارد. از این جهت نیز معجزه قرآن از علم خداوند است.

۳-۴- اعجاز قرآن و نبوت پیامبر اکرم ﷺ

پس از قبول لزوم نبوت، این مسأله مطرح می‌شود که اثبات صدق ادعای نبوت چگونه و از چه راهی ممکن است. از جمله اموری که به عنوان راه اثبات نبوت و به نظر برخی، تنها راه اثبات آن مطرح گردیده، معجزه است. پیامبر اکرم ﷺ قرآن را به عنوان معجزه و دلیل نبوت خویش ارائه کرد و دعوت به همانندآوری نمود؛ اما مخاطبین نتوانستند همانندی بیاورند. در نتیجه نبوت پیامبر ﷺ ثابت می‌شود. پس اثبات نبوت، منوط به اثبات اعجاز قرآن کریم است.

۳-۵- اعجاز قرآن و عدم تحریف قرآن

یکی از مباحث مهم و با ارزش علوم قرآنی، بحث عدم تحریف قرآن کریم است. بسیاری از علماء شیعه و سنی، به عدم تحریف قرآن عقیده دارند. یکی از دلایل عدم تحریف قرآن، اعجاز قرآن است. به این بیان که با وقوع تحریف (به زیاده، به نقصان، به تبدیل) مجالی برای تحدی باقی نمانده و همانندآوری ممکن می‌شود؛ در حالی که خداوند متعال، همانندآوری را ناممکن می‌داند. بنابراین، اثبات عدم تحریف، منوط به اثبات اعجاز قرآن است.

۳-۶- اعجاز قرآن و عصمت پیامبر ﷺ

یکی از مباحث مهم کلامی بحث عصمت پیامبر اکرم ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی است. خدشه به عصمت، خدشه به معارف عرضه شده از سوی حضرت است. یکی از ثمرات اعجاز قرآن، اثبات نوعی عصمت برای پیامبر در تلقی و دریافت وحی است. به این صورت که اگر اعجاز قرآن کنونی به اثبات رسد، به این معنی است که قرآنی که در اختیار ماست، همان قرآن نازل شده از سوی خداوند است و هیچ نوع تحریفی که به اعجاز آن خدشه زند، در آن رخ نداده است و این امر دلالت بر آن دارد که قرآن در هنگام دریافت و ابلاغ پیامبر اسلام ﷺ دچار نقصان نشده و در این دو مرحله از خطا و نقص سهو و فراموشی، مصون بوده است.

۳-۷- اعجاز قرآن و معارف آن

قرآن کریم، اقیانوس بی کران معارف است که به ژرفای حقایق آن نمی توان رسید. با اثبات اعجاز قرآن کنونی، خدایی بودن محتوای آن به اثبات می رسد و در این صورت همه محتوای قرآن (اعم از معارف، احکام، قصص و...) سخن خداست. به دلیل اینکه سخن خدا، حق و مطابق با واقع و خطاناپذیر است، از طریق اعجاز می توان همه این آموزه ها را اثبات شده، حق، مطابق با واقع و خطاناپذیر دانست.

۴- سیری در نگارشهای اعجاز قرآن

تحدی قرآن کریم و ناتوانی همه از همانندآوری، در طول تاریخ اسلام، موجب

❖ برای پژوهش

۱. خبرهای غیبی دیگری را که مربوط به آینده است، استخراج نمایید.
۲. نمونه های دیگری از اعجاز علمی قرآن را پیدا کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد علم و معرفت ر.ک:
- البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم: دارالتقلین، ط ۳، ۱۴۱۸، ص ۴۸-۵۷.
- تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، محمد رشید رضا، بیروت: دارالمعرفه، ط ۲، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷.
۲. در مورد خبرهای غیبی ر.ک:
- تفسیر المنار همان، ص ۲۰۴-۲۰۵.
- آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۹-۱۱.
- مباحث فی اعجاز القرآن: أ.د. مصطفى مسلم، دمشق: دارالقلم، ط ۴، ۱۴۲۴، ص ۲۵۹-۲۸۶.
۳. در مورد اعجاز علمی ر.ک:
- پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، رشت: انتشارات کتاب مبین، ج ۱ و ۲.

پرسش

۱. مستند خاص علم و معرفت را ذکر و نقد کنید.
۲. چگونه می‌توان علم و معرفت را دلیل بر نبوت پیامبر ﷺ گرفت؟
۳. آیا می‌توان علم و معرفت را وجه اعجاز شمرد؟
۴. کدام آیه دلیل بر قلمداد نمودن هدایت‌گری به عنوان وجه اعجاز ذکر شده است. آن را ذکر و بررسی نمایید؟
۵. نحوه دلالت هدایت‌گری قرآن بر نبوت پیامبر ﷺ را توضیح دهید.
۶. آیا می‌توان هدایت‌گری را وجه اعجاز شمرد؟
۷. خبرهای غیبی چند نوع است.
۸. نمونه‌هایی از خبرهای غیبی از آینده را ذکر کنید.
۹. نحوه دلالت خبرهای غیبی بر نبوت پیامبر ﷺ را بررسی کنید.
۱۰. آیا می‌توان خبرهای غیبی را وجه اعجاز قرآن تلقی نمود؟
۱۱. اعجاز علمی را تعریف کنید.
۱۲. چگونه می‌توان از اعجاز علمی به نبوت پیامبر ﷺ استدلال نمود؟
۱۳. آیا می‌توان اعجاز علمی را وجه اعجاز به حساب آورد؟

پیدایش سؤالاتی در اذهان دانشمندان شده است. سؤالاتی از قبیل وجه تحدی، قلمرو تحدی، وجوه اعجاز و... این سؤالات، آنان را به بررسی جوانب مختلف این موضوع وادار نموده است که تحقیقات نسبتاً گسترده و تدوین آثار فراوانی به همراه داشته است. در این تحقیقات آراء مختلفی مطرح شده است: گرچه برخی از آراء مورد مناقشه قرار گرفته است. بدیهی است که نظرات و انتقادات سبب نزدیک شدن و رسیدن به سخن حق و بارور شدن اندیشه می‌گردد.

درباره نخستین کتاب پیرامون اعجاز قرآن، اختلاف نظر است. چندین نفر به عنوان اولین مدوّن و نویسنده اعجاز قرآن، ذکر شده است. اسامی آنان بدین ترتیب است:

۱- کسائی (م ۱۸۹ هـ) مؤلف کتاب «الهاءات المکنی بها فی القرآن»

۲- فراء (م ۲۰۷ هـ) مؤلف کتاب^(۱) «معانی القرآن»

۳- ابو عبیده (م ۲۰۹ هـ) مؤلف کتاب «مجاز القرآن»

۴- جاحظ (م ۲۵۵ هـ) مؤلف کتاب «نظم القرآن»

علت اختلاف نظر، برگرفته از گستردگی مفاد مفهوم اعجاز است. برخی علوم بلاغت، به معنای عام را درباره اعجاز قرآن می‌دانند و کتابهای بلاغی را در فهرست کتابهای اعجاز قرآن یادآور می‌شوند؛ ولی این نظریه به این گونه درست نیست، و باید آن دسته از کتابهای بلاغی‌ای که استشهاد به آیات قرآنی کرده و در جهت نمایاندن اعجاز بلاغی قرآن همت گمارده است، در فهرست کتابهای اعجاز قرآن گنجانده شود. گویا همانگونه که بیشتر دانشمندان اسلامی نیز پنداشته‌اند، نخستین نویسنده

۱. در تدوین این بخش از کتاب «کتابشناسی اعجاز قرآن» تألیف آقای محمد علی رضایی کرمانی، استفاده گردید.

درباره اعجاز قرآن، جاحظ (م ۲۵۵ هـ) است که کتاب «نظم القرآن» خود را درباره یکی از وجوه اعجاز قرآن (نظم) نوشته و به دفاع از آن برخاسته است.

پیش از آشنایی اجمالی با اندیشمندان اسلامی و کتابهایشان، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱- به دلیل رعایت اختصار، اندیشمندان برجسته از هر قرن و ترجیحاً کتابهای شخصیهایی که در دست است، ذکر می شود.

۲- چون دانشمندان معاصر اسلامی، کتابهای زیادی نوشته اند، به ذکر مشهورترین آنها بسنده می شود.

۳- بسیاری از دانشمندان، بحث اعجاز قرآن را به طور ضمنی در کتابهایشان ذکر کرده اند که باز به ذکر مشهورترین آنها اکتفا می شود.

اسامی برخی از کتابهای مستقل پیرامون اعجاز قرآن در قرون گذشته

ردیف	نام مؤلف	تاریخ وفات	نام کتاب	ملاحظات
۱	ابو عثمان عمرو (جاحظ)	۲۵۵	نظم القرآن	مفقود
۲	علی بن عیسی رمانی	۳۸۶	اعجاز القرآن	موجود
۳	محمد بن طیب باقلانی	۴۰۳	اعجاز القرآن	موجود
۴	عبد الجبار بن احمد همدانی	۴۱۵	جلد ۱۶ از المغنی فی ابواب التوحید والعدل	موجود
۵	محمود بن عمر زمخشری	۵۲۸	الکشاف	موجود
۶	قاضی عیاض	۵۴۴	اعجاز القرآن	موجود
۷	محمد بن عمر (فخر رازی)	۶۰۶	نهایة الایجاز فی درایة الاعجاز	موجود
۸	محمد بن قدامة	۶۲۰	البرهان فی بیان القرآن	موجود

۷. اعجاز علمی عبارت است از گزاره های قرآن در مورد وسایل علمی که در عصر نزول برای بشر معلوم نبوده و پس از پیشرفت علوم تجربی به کمک آنها کشف شده است.

۸. نحوه دلالت اعجاز علمی بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این بیان است که مطالب گفته شده مطابق یا واقع است و مطابقت با واقع نشانگر ارتباط با ماوراء طبیعت و وحی است. پس مطالب و گزاره ها بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می کنند.

۹. در دلالت اعجاز علمی بر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله شبهه ای نیست. تنها در وجه اعجاز شمردن آن اشکال وجود دارد. زیرا در هر سوره اعجاز علمی وجود ندارد در صورتی که به مطلق سوره تحدی شده است.

خلاصه:

۱. علاوه بر آیات خاص، برای دلالت علم و معرفت بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این بیان می توان استدلال نمود که قرآن دارای معارف عمده و دقیق است و معارف عمده و دقیق از علوم مختلف تنها از کسی ارائه می شود که با ماوراء طبیعت در ارتباط بوده و پیامبر باشد. پس قرآن نشانگر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۲. گرچه وجه اعجاز شمردن این وجه مشکل است، لکن در دلالت بر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله اشکال وجود ندارد.

۳. برای دلالت هدایت گری بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - علاوه بر آیه خاص - به این بیان می توان استدلال نمود که قرآن هدایتگر است و هدایت گری تنها از راه وحی میسر است و از عهده پیامبر بر می آید. پس قرآن، دلیل بر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۴. گرچه در دلالت این وجه بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشکالی وجود ندارد، لکن از وجوه اعجاز شمردن آسان نیست.

۵. نحوه دلالت خبرهای غیبی بر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله به این بیان است که خبرهای غیبی قرآن مطابق با واقع است و مطابقت با واقع نشانگر ارتباط با ماوراء طبیعت و وحی است. پس خبرهای غیبی، نشانگر وحی و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۶. خبرهای غیبی از گذشته و آینده که محقق شده است، بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می کند، ولی اثبات آنها به عنوان وجه اعجاز دشوار است زیرا در همه سوره ها خبر غیبی وجود ندارد و حال آنکه به مطلق سوره تحدی شده است.

۹	ابن قیم جوزی	۷۵۱	الفرائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان	موجود
۱۰	ابن جزری	۸۳۳	اعجاز القرآن	موجود
۱۱	عبد الرحمان بن ابی بکر (سیوطی)	۹۱۱	معتزک الاقران فی اعجاز القرآن	موجود
۱۲	عبد الله بن عمر بن محمد (افیونی)	۱۱۵۴	زنة المثانی فی حکم الانتباس القرآنی	موجود
۱۳	سید محمد حسن بن محمد نقی اصفهانی	۱۲۶۳	اعجاز القرآن	موجود

برخی از کتابهای مستقل پیرامون اعجاز قرآن در عصر حاضر

۱	علامه سید هبة الدین شهرستانی	معاصر	المعجزة الخالدة
۲	مصطفی صادق الدانعی	معاصر	اعجاز القرآن
۳	عبد الله دزاز	معاصر	النبا العظيم
۴	علامه سید محمد حسین طباطبایی	۱۴۰۲	اعجاز قرآن
۵	ناصر مکارم شیرازی	معاصر	قرآن و آخرین پیامبر

اعجاز قرآن در ضمن کتب دیگر

۱	محمد هادی معرفت	معاصر	ج ۴-۶ از التمهید فی علوم القرآن
۲	محمد جواد بلاغی	۱۳۵۲	مقدمة تفسیر آلاء الرحمن
۳	سید ابو القاسم خوبی		البیان
۴	جلال الدین سیوطی	۹۱۱	الانقار فی علوم القرآن ج ۲
۵	بدر الدین زرکشی	۱۴۱۰	در البرهان فی علوم القرآن ج ۲
۶	ناصر مکارم شیرازی و همکاران	معاصر	تفسیر نمونه ج ۱
۷	نصر حامد زبد	معاصر	مفهوم النص، دراسة فی علوم القرآن

خلاصه:

۱. علم اعجاز قرآن، علمی است که درباره، مسائل مرتبط با اعجاز قرآن بحث می کند مثل قلمرو تحدی، نصاب اعجاز، وجوه اعجاز....
۲. به نظر برخی، می توان با اعجاز قرآن، از آن جهت که کار خارق العاده است، وجود خداوند را اثبات نمود.
۳. با اعجاز قرآن، می توان توحید را ثابت نمود. چرا که پیامبر ﷺ با ارائه قرآن از مشرکان می خواهد از خدایان خود برای همانندآوری یاری طلبند آنان یا اساسا یاری نمی طلبند چرا که می دانند آنها ناتوانند یا یاری می طلبند ولی خدایان به خاطر ناتوان بودن نمی توانند یاری کنند. در هر صورت نتیجه ناتوانی آنهاست. پس عدم الوهیت آنان و وحدت الوهیت خداوند متعال در صورت اثبات اعجاز قرآن، ثابت می شود.
۴. قرآن، که کلامی خارق العاده است، نشانگر قدرت و علم خداوند است، لذا با اثبات اعجاز قرآن، می توان قدرت و علم خدا را ثابت نمود.
۵. یکی از راههای اثبات نبوت پیامبر اکرم ﷺ اعجاز قرآن است.
۶. در صورت اثبات اعجاز قرآن، معنویت از تحریف ثابت می شود. چرا که با وقوع تحریف، مجالی برای تحدی باقی نمی ماند (همانندآوری) ممکن می شود در حالی که تاکنون همانندآوری صورت نگرفته و تا ابد نیز صورت نخواهد گرفت.
۷. اگر اعجاز قرآن ثابت شود، به این معناست که قرآن کنونی، همان قرآن نازل شده است و این امر دلالت می کند که قرآن در هنگام دریافت و ابلاغ از اشتباه مصون

به نظر می رسد این وجه، وجه مستقلى نیست و تحت عنوان (اخبار غیبی) قرار می گیرد. گرچه به خاطر گستردگی و اهمیت فوق العاده آن، امروزه مستقلاً بحث می شود. بنابراین اعجاز علمی - که ما با عنوان (خبرهای غیبی مطلق) از آن یاد می کنیم - قسم سومى از خبرهای غیبی تلقی می شود. در دلالت این وجه بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ نیز اشکالی وجود ندارد. تنها اثبات تحدی به آن مشکل است. زیرا چنانکه ذکر شد در برخی از آیات تحدی به یک سوره تحدی شده است و سوره نیز مطلق است، پس وجه اعجاز - به تمام معنا و رعایت ویژگیها - باید در همه سوره ها وجود داشته باشد. در حالی که اعجاز علمی در همه سوره ها وجود ندارد، در نتیجه دلالت بر نبوت پیامبر ﷺ جای مناقشه نیست ولی اثبات تحدی به آن دشوار است.

در مورد آیات نیز چنانکه مکرر ذکر شد لسان آیات، لسان تحدی نیست.

برای خود درست کن، سپس از همه میوه‌ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه، بی‌پوی [آنگاه] از درون شکم آن، شهادی که به رنگهای گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است.)

طبق آیه شریفه غسل چند ویژگی دارد: ۱. محصول همه میوه‌هاست ۲. نوشیدنی است ۳. رنگهای گوناگون دارد. ۴. شفابخش مردم است.

خصوصیت شفابخشی برای مردم صفت مهم غسل است که در روایات نیز اشاره شده است^(۱) و امروزه تأثیرات غسل بیشتر روشن شده است. برخی از آثار آن عبارت است از: ۱. جلوگیری از ایجاد عفونت در معده و روده ۲. در خون سازی ۳. برطرف کردن یبوست ۴. خواب آوری ۵. رفع خستگی و فشردگی عضلات و کنترل انقباض عضلات ۶. افزایش میزان کلسیم خون ۷. رفع سرفه ۸. تقویت قلب ۹. درمان آسم ۱۰. درمان زخم معده و اثنی عشر و....^(۲)

نحوه دلالت و بررسی

نحوه دلالت اعجاز علمی به این بیان است که مطالب گفته شده مطابق با واقع است - چنانکه دانشمندان تجربی به صورت قطعی تأیید کرده‌اند و مطابقت با واقع نشانگر ارتباط با ماوراء طبیعت و وحی است. پس این مطالب و گزاره‌ها بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ دلالت می‌کنند.

۱. ر.ک: سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۴۸ - ۲۴۹. ۲. ر.ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵.

مانده است و این اثبات عصمت پیامبر ﷺ است.

۸. با اثبات اعجاز قرآن، خدایی بودن محتوای قرآن ثابت می‌شود و در این صورت همه محتوای قرآن سخن خداست و چون سخن خدا حق و مطابق با واقع است، حقانیت این آموزه‌ها اثبات می‌شود.

۹. درباره اولین مؤلف اعجاز قرآن اختلاف نظر وجود دارد. قول صحیح که غالب نویسندگان نیز بدان معتقدند، این است که جاحظ (م. ۲۵۵) مؤلف «نظم القرآن» اولین نویسنده اعجاز قرآن می‌باشد.

پرسش

۱. علم اعجاز را تعریف نموده و موضوع آن را ذکر کنید.
۲. چگونه می‌توان با اعجاز قرآن، وجود خداوند را ثابت نمود.
۳. آیا با اثبات اعجاز قرآن، توحید اثبات می‌شود؟ توضیح دهید.
۴. آیا اعجاز قرآن، دلالت بر اثبات صفات خداوند می‌کند؟ کدام صفات؟
۵. دلالت اعجاز قرآن بر اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را توضیح دهید.
۶. چگونگی اثبات مصونیت تحریف به وسیله اعجاز قرآن را بیان کنید.
۷. چگونه می‌توان با اعجاز قرآن، عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله را ثابت نمود؟
۸. آیا با اعجاز قرآن، می‌توان آموزه‌های قرآن را ثابت کرد؟
۹. نظرات مختلف و دیدگاه صحیح درباره اولین مؤلف اعجاز قرآن را ذکر کنید.
۱۰. برخی از کتاب‌های اعجاز قرآن را نام ببرید.

نقل بشر را آسان ساخته و حتی مسافرت به کرات آسمانی را برای او میسر ساخته، باشد. این حقیقت برای کسانی که پیشرفتهای امروزی را درک نکرده‌اند، روشن نیست. اما برای ما - که در عصر ماشین و وسایل نقلیه سریع السیر زندگی می‌کنیم - درک این جمله ساده و آسان است. مطمئناً در آینده نیز وسایل نقلیه عجیب‌تر از وسایل امروزی اختراع خواهد شد که ما بدانها علم نداریم و از این جهت ما نیز مشمول (ما لا تعلمون) هستیم.

ممکن است گفته شود که اختراعات از خلقت خدا نیست. لکن توجه به نیازمندی ذاتی انسان و همه موجودات به خدای متعال، این شبهه را بر طرف می‌کند. خداوند، انسان را آفریده و به او فکر و اندیشه داده است. موجودات دیگر نیز آفریده خداست. پس انسان با فکر خدادادی و با تغییر موجودات و مخلوقات خداوند به صورتهای گوناگون و ارتباط دادن آنها به همدیگر اختراع می‌کند. در نتیجه خداوند به وسیله بندگان برخی از چیزها را می‌آفریند.

۳-۵. عسل

«وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِمَّنَ الْجِبَالِ يَبُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^(۱) (و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] کرد که از پاره‌ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست و [چفته‌سازی] می‌کنند، خانه‌هایی

ندارد بلکه پرده‌برداری از یک واقعیت است. «لواقح» جمع لاقحه از ماده لَقَح است. وقتی گفته می‌شود (لَقَح النَّخْلَ لِقَاحًا) (درخت خرما باردار شد) به معنای این است که لِقَاح (گرده درخت خرماي نر) بر روی ماده قرار داده شد، تا بارور شود. امروزه ثابت شده است که تمام گیاهان، نر و ماده دارند و باها در وزش خود، ذراتی از گرد گیاه نر را به گیاه ماده منتقل می‌کنند و آن را بارور می‌سازند.^(۱) بسیاری از دانشمندان، دلالت آیه شریفه بر باروری گیاهان به وسیله بادها را پذیرفته‌اند^(۲)

لازم به ذکر است که قرآن، زوجیت گیاهان بلکه هر چیز را بیان کرده است مانند «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»^(۳) (پاک [خدایی] که از آنچه زمین می‌دویند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است.)

۲-۵. وسایل نقلیه جدید

«وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^(۴) (و اسبان و استرنا و خرا را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمی‌دانید، می‌آفریند.)

عبارت (يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) می‌تواند اشاره به وسایل شگفت انگیزی که حمل و

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. البیان همان، مدخل التفسیر همان، الاعجاز العلمی فی الاسلام القرآن الکریم، ص ۱۳۸؛ الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۸۶ و...

۳. یس / ۳۶.

۴. نحل / ۸.

❖ برای پژوهش

برخی از کتابهای معاصران درباره اعجاز قرآن را شناسایی کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد اهمیت و جایگاه اعجاز قرآن ر.ک:

- مقاله قلمرو دلالت معجزه از مصطفی کریمی در مجله معرفت، سال هفتم،

شماره دوم پائیز ۷۷ ص ۵۴-۶۱

۲. در مورد سیر نگارندهای قرآنی ر.ک:

- کتابشناسی اعجاز قرآن، محمدعلی رضایی کرمانی، قم: دفتر انتشارات

اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰

۳. در بیان مطالب و مثالهای علمی قرآن دو نظریه وجود دارد:

۱. بیان مطالب علمی از اهداف اصلی قرآن است. مبنای این دیدگاه وجود همه معارف دینی و علوم بشری با استناد به آیه ۸۹ سوره نحل در قرآن است.^(۱)

۲. هدف اصلی قرآن، هدایت است و مطالب مربوط به جهان و طبیعت به طور استطرادی و طفیلی به میان آمده است.^(۲)

به نظر می‌رسد نظریه دوم صحیح است و نظریه اول نادرست است که اشکال این نظریه در وجه علم و معرفت ذکر شد.

نمونه‌هایی از اعجاز علمی

۵-۱. نقش باد در باروری گیاهان

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ»^(۳) (و بادهای را باردار کننده فرستادیم)

قدمای مفسر لقاح در آیه را به اعتبار اینکه یکی از معانی آن حمل است - به معنای حمل گرفته و آیه کریمه را به حمل شدن ابرها توسط بادهای یا حمل شدن باران توسط ابرها - که آن را حمل می‌کنند - تفسیر می‌کردند.^(۴) لکن این تفسیر وجهی ندارد. زیرا علاوه بر نادرستی آن - به خاطر اینکه بادهای ابرها را حمل نمی‌کنند، بلکه از مکانی به مکان دیگر دفع می‌کنند و پیش می‌رانند - عنایت خاص و اهتمام قابل توجهی در آن وجود ندارد.^(۵) در صورتی که لقاح اگر به معنای ظاهری آن گرفته شود، نه تنها اشکال

۱. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸ - ۴۸۲. ۲. معارف قرآن، ص ۲۲۶؛ علوم قرآنی، ص ۴۱۴.

۳. حجر/ ۲۲. ۴. تفسیر طبری، ج ۷، ص ۵۴ - ۵۶.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۷۲ - ۷۳؛ مدخل التفسیر، ص ۸۰.

۳. اگر خبر غیبی معجزه باشد، لازمه اش این است که آیاتی از قرآن - که خبر غیبی ندارد - معجزه نباشد.

جواب: چنانکه در جواب اشکال گذشته ذکر شد، برخی از وجوه مثل فصاحت و بلاغت و ... عام است. بنابراین وجوه دیگر در آیاتی که خبر غیبی ندارد، صادق است. پس اشکال در صورتی وارد است که وجه اعجاز تنها خبر غیبی باشد در صورتی که چنین نیست.

۵. علمی

یکی از ابعاد اعجاز قرآن - که در قرون اخیر ظاهر شده است و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشته است، گزاره های قرآن در مورد مسایل علمی است. در حالی که انسانها تا قرنهای بعد از نزول قرآن بدان مطالب دسترسی نداشته یا به خلاف آن معتقد بودند. قبل از پرداختن به این وجه تذکر چند نکته ضروری است:

۱. مقصود از علم در اینجا علم تجربی است. علم در اصطلاح جدید به مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد، گفته می شود.^(۱) بنابراین، اعجاز علمی به مطالبی گفته می شود که در قرآن بیان شده و در عصر نزول قرآن برای بشر معلوم نبوده و پس از پیشرفت علوم تجربی و به کمک آنها کشف شده است.

۲. تفسیر علمی آیات قرآن برای نشان دادن اعجاز علمی تنها در صورتی است که علوم در فهم قرآن استخدام شوند. نه اینکه نظریات علمی بر قرآن کریم تحمیل شود.

۱. آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱.

درس دوم

تعاریف و مفاهیم

از دانش پژوه انتظار می رود پس از مطالعه این درس:

۱. تاریخچه کاربرد واژه معجزه را بداند.
۲. مفهوم لغوی معجزه را بشناسد.
۳. با مفهوم اصطلاحی معجزه آشنا شود.
۴. واژه های قرآنی معجزه و حکمت کاربرد آنها را دریابد.

در حالی که خبرهای غیبی در همه سوره‌ها وجود ندارد. در نتیجه این وجه گرچه بر نبوت دلالت می‌کند ولی اثبات تحدی به آن، دشوار است.

چند اشکال

۱. یک یا دو بار مطابقت با واقع، خارق‌العاده نیست و به حدی نیست که اخبار، خارق‌العاده شود.

جواب: ۱- مطابقت خبرها با واقع در یک یا دو مورد نبوده و بیشتر بوده است. ۲- هیچ کدام از خبرهای غیبی، با واقع مخالف نشده است. بنابراین، کثرت اخبار غیبی و مطابقت آنها با واقع دلالت بر خارق‌العاده بودن می‌کند.

۲. اگر خبر غیبی، معجزه باشد، لازمه آن، این است که خبر غیبی منجمان و کاهنان - که غالباً با واقع مطابق است - معجزه باشد.

جواب: ۱. ادعای مطابقت با واقع در بیشتر اوقات، صرف ادعاست و دلیلی ندارد. ۲. تحدی و عدم امکان همانندآوری از شرایط معجزه است. در صورتی که به خبرهای منجمان و کاهنان تحدی صورت نمی‌گیرد و همانندآوری آن نیز محال نیست. ۳. خبرهای غیبی منجمان و کاهنان نتیجه تحصیل علوم خاصی است. در صورتی که خبرهای غیبی قرآن، نتیجه تحصیل علوم خاصی نیست. بلکه پیامبر اکرم ﷺ به گواهی تاریخ درس ناخوانده بود. ۴. در درس هشتم ذکر گردید که برخی از وجوه مانند فصاحت و بلاغت و... عام است. بنابراین، خبر غیبی که در قالب فصاحت و بلاغت تام باشد معجزه است نه هر خبر غیبی.

مقدمه:

قبل از بررسی مسائل اعجاز قرآن، تبیین مفهوم معجزه ضروری است. چراکه در آغاز باید روشن شود که معجزه به چه معناست و سپس مسائل مربوط به اعجاز قرآن تجزیه و تحلیل شود. لذا ابتدا جستجوی خویش را از مفهوم این واژه آغاز می‌نماییم. بعد از بیان مفهوم لغوی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا معجزه در اصطلاح کلام نیز به معنای لغوی است یا معنای دیگری دارد؟ و سؤال دیگر اینکه آیا قرآن کریم این واژه را استفاده کرده است یا اینکه واژه‌های دیگری را برای بیان این معنا به کار برده است؟ در صورت دوم، حکمت آن چیست؟

تاریخچه کاربرد واژه معجزه و اعجاز

در مورد اولین کاربرد واژه اعجاز و معجزه اختلاف نظر وجود دارد. برخی گفته‌اند: واسط بن عطاء (م ۱۳۱) شیخ معتزله در بصره اولین بار واژه اعجاز را به کار برد و گفت: اعجاز قرآن به ذات قرآن نیست؛ بلکه به صرف کردن خداوند، فکر مردم را از معارضه آن است. سخن واسط بن عطاء اشاره به دیدگاهی دارد که پس از وی، ابراهیم

مطابقت با واقع نشانگر ارتباط با ماوراء طبیعت و وحی است. در نتیجه خبرهای غیبی، نشانگر وحی و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

به نظر می‌رسد باید بین اخبار غیبی تفکیک نمود. زیرا اثبات مقدمه اول در همه اخبار آسان نیست و اگر مقدمه اول اثبات نشود، استدلال عقیم می‌شود. یقین به مطابقت خبرها با واقع نسبت به اخبار گذشته با تعالیم صحیحی که از انبیاء گذشته صلی الله علیه و آله در اختیار اهل کتاب بوده است حاصل می‌شود. زیرا خبرهای غیبی قرآن، اجمالاً با تعالیم اهل کتاب تطابق دارد. جز آنچه که دلیل قطعی عقلی یا نقلی، آن را تکذیب کند. و احیاناً حلقه‌های مفقود آنها با توجه به بیان قرآن تکمیل می‌شود. بنابراین، با توجه به عدم یادگیری پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل کتاب^(۱) و موافقت اجمالی قرآن با تعالیم اهل کتاب، به مطابقت خبرهای غیبی مربوط به گذشته با واقع یقین پیدا می‌شود!

در مورد اخبار غیبی از آینده، خبرهایی که تاکنون محقق شده‌اند و به مطابقت آنها یقین حاصل شده است، می‌توانند نشانه ارتباط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ماوراء طبیعت دنیوی وی باشند. اما با خبرهایی که تاکنون محقق نشده‌اند، نمی‌توان پیامبری پیامبر صلی الله علیه و آله را ثابت نمود. گرچه بعد از ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دلایل دیگر به مطابقت خبرهای غیبی واقع شده، یقین حاصل می‌شود.

درباره آیات خاص نیز باید توجه شود که لسان آنها، لسان تحدی نیست. تمسک به اطلاق (مثل) نیز اشکال دارد زیرا یکی از تحدیها - تحدی به سوره است. و سوره نیز مطلق است لذا وجه اعجاز - به تمام معنا - باید در همه سوره‌ها وجود داشته باشد.

۱. چنانکه در درس هشتم، درس ناخوانده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم یادگیری ایشان از اهل کتاب بیان شد.

بن سِیّار (م ۲۳۱)، یکی دیگر از شیوخ معتزله، آن را پایه گذاری کرد و به دیدگاه صرفه معروف گشت.^(۱) واژه معجزه به معنای مصطلح از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم شایع گشت.^(۲) برخی دیگر بر این باورند که این دو واژه به معنای مصطلح از نیمه دوم قرن سوم یا ابتدای قرن چهارم رواج یافته است.^(۳)

اگر این دو دیدگاه در جنبه اثباتی، مستندی تاریخی داشته باشند و اثبات شود که واژه معجزه و اعجاز در این دو مقطع تاریخی به کار رفته است ولی در جنبه سلبی و اینکه پیش از آن به کار نرفته است، دلیل متقنی ندارد. بلکه شواهدی در دست است که استفاده از این واژه در قرن اول و دوم را نشان می‌دهد. در روایتی از امام سجاده علیه السلام (شهادت ۹۵) نقل شده است که هنگام حرکت به سوی تبوک، حضرت علی علیه السلام مأمور شد تا در مدینه بماند. حضرت علی علیه السلام تمایل داشتند تا در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام بشارت دادند که به خاطر محبتی که به پیامبر و ملازمت رکاب آن حضرت و اصحابش دارند، در طول سفر به صورت خارق العاده، ایشان و اصحابش را مشاهده خواهند کرد. هنگامی که امام سجاده علیه السلام این سخن را فرمودند، مردی بلند شد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! این امر خارق العاده چگونه برای علی باشد؟ این، تنها برای انبیاست نه غیر آنان. امام سجاده علیه السلام فرمودند: این، معجزه برای محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله است نه برای غیر او.^(۴) از این روایت کاربرد واژه «معجزه» در قرن اول استفاده می‌شود.

دلیل دیگر بر رواج واژه معجزه روایت ابی بصیر است. ابی بصیر و امام صادق علیه السلام

۱. مباحث فی اعجاز القرآن، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. البیان فی اعجاز القرآن، ص ۲۵.

۴. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.

(شهادت: ۱۴۵) از این واژه استفاده می‌کنند. ابی بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خداوند عز و جل به چه علت به پیامبران و رسولانش و شما معجزه داده است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: تا دلیلی بر راستی کسی باشد که آن را آورده است و معجزه علامت برای خداست که آن را به غیر از پیامبران و رسولان و حجت‌های خویش عطا نمی‌کند تا به وسیله آن، راستگویی راستگویان از دروغگویی دروغگویان باز شناخته شود.^(۱) از این روایت به دست می‌آید که واژه معجزه در نیمه اول قرن دوم در میان عرف مردم مطرح بوده و کاربرد داشته است.

مفهوم لغوی معجزه

معجزه، اسم فاعل مفرد از باب افعال است و هاء در آن، برای مبالغه^(۲) مانند علامه یا تأنیث^(۳) است. این واژه از ریشه «عجز» به معنای ضعف و ناتوانی در مقابل قدرت گرفته شده است و معانی مختلفی که برای این ریشه ذکر شده است، هر یک مصداق و مورد یا کاربرد خاصی از همین معنی است.^(۴)

بنابراین، عجز دارای مراتب است و با منتفی شدن قدرت، بر هر چیز و در هر مقدار که باشد، مفهوم عجز تحقق می‌یابد همانگونه که با وجود قدرت، بر هر چیز و در هر مقدار که باشد، مفهوم قدرت تحقق می‌یابد.^(۵)

۱. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱. ۲. المغنی، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۳. البیان فی اعجاز القرآن، ص ۲۳، عقاید نسفی، ص ۴۵۹.

۴. برخی از این معانی عبارتند از: ۱. قاطع و استوار نبودن ۲. کهنسال شدن ۳. پایانه و انتهای هر چیز. لسان

العرب، ج ۵، ص ۳۶۹، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۵۹، مفردات راغب، ص ۵۴۷، معجم الوسیط، ص ۵۸۵.

۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۸.

كَفَرُ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^(۱) (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داده و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند. [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند. و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.)

بنا بر روایات متعدد، این آیه درباره حضرت بقیه الله الاعظم - عجل الله فرجه الشریف - و شیعیان اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.^(۲)

آیات قسم دوم نیاز به بیان ندارد و بیشتر آیات قرآن به این قسم مربوط می‌شود.

۴-۳. مطلق

این اخبار گزاره‌هایی است که واقعیت داشته ولی برای بشر مجهول بوده است و بعد از قرن‌ها از نزول قرآن کشف شده است که تحت عنوان نحوه دلالت و بررسی و اعجاز علمی، بررسی می‌شود.

نحوه دلالت خبرهای غیبی

نحوه دلالت خبرهای غیبی به این بیان است که اخبار غیبی مطابق با واقع است و

۱. نور، ۵۵.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۸ - ۱۶۱؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۳.

دادیم. پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن. دشمنت خود بی تبار خواهد بود.)

گرچه اقوال مفسران در تفسیر «کوثر» مختلف است. لکن با توجه به ذیل آیه (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) که «ابتر» به معنای کسی است که نسلش منقطع است، مقصود تنها زیادی ذریه پیامبر ﷺ است یا اینکه مراد خیر زیاد است و زیادی ذریه پیامبر ﷺ در ضمن خیر زیاد اراده شده است. چنانکه روایات مستفیضه^(۱) دلالت دارد به اینکه این سوره در شأن کسی نازل شد که بعد از مردن پسران پیامبر ﷺ (قاسم و عبدالله) پیامبر ﷺ را بلاعقب و دم‌بریده خواند.^(۲) گذشت زمان، بشارت خدای متعال و وعده او را ثابت نمود. با اینکه بسیاری از فرزندان فاطمه علیها السلام شهید شدند، ولی هزاران نفر از اولاد فاطمه علیها السلام در سراسر جهان پخش شدند. در میان آنها علمای بزرگ و مبارزان فراوانی همواره وجود داشته و منشأ خدمات بزرگی شده‌اند.

تذکر:

برخی از خبرهای غیبی قرآن، تاکنون محقق نشده است که به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱. دنیوی (پیش‌گوئی‌های که در این دنیا محقق می‌شوند). ۲. اخروی (پیش‌گوئی‌های که در آخرت محقق می‌شوند). نمونه آیات قسم اول عبارت است از «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ

۱. خبر مستفیض، خبری است که تعداد روایاتش بیشتر از سه نفر باشد. اصول الحديث و احكامه، ص ۳۴.
 ۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۰-۳۷۳.

لغت‌شناسان برای کلمه اعجاز چند معنا ذکر کرده‌اند: ۱. رفتن، سبقت گرفتن و از دست در رفتن کسی (اعجز فلان ای ذهب او سبق فلم یدرک) ۲. فوت شدن و از دست رفتن چیزی (اعجزه الشیء ای فاته و لم یدرکه) ۳. ناتوان یافتن (اعجز فلانای وجده عاجزا) ۴. ناتوان ساختن (اعجز فلانای صیرّه عاجزا)^(۱) در بحث معجزه، معنای اخیر مراد است. البته باید توجه داشت که ناتوان ساختن بر دو گونه است: ۱. توانایی کسی قهر از وی سلب شود و او به عجز در آید؛ مثلاً اگر شخصی قدرت مالی یا مقامی دارد، آن مال یا مقام از او با زور گرفته شود. ۲. کاری انجام گیرد که دیگران از انجام یا هم‌اوردی با آن عاجز شوند.^(۲) دیدگاه صرفه در اعجاز قرآن با معنای دوم سازگار است و سایر دیدگاه‌ها با معنای اول تناسب دارد.

کاربرد قرآنی اعجاز

اعجاز در قرآن در قالب فعل و اسم به کار رفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. «نعجز» (وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا)^(۳) (و ما می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم در زمین خدا را ناتوان کنیم و هرگز او را با گریز [خود] درمانده نتوانیم کرد) ۲. «لیعجزه» (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا)^(۴) (و هیچ چیز، نه در آسمانها و نه در زمین، خدا را درمانده نکرده است، چرا که او همواره دانای تواناست) ۳. «بمعجز» (وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۹، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۵۹، مفردات راغب، ص ۵۴۷، معجم الوسيط، ص ۵۸۵.
 ۲. علوم قرآن، ص ۲۰۴.
 ۳. جن / ۱۲.
 ۴. فاطر / ۴۴.

لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^(۱) (و کسی که دعوت کننده خدا را اجابت نکند، در زمین درمانده کننده [خدا] نیست و در برابر او دوستانی ندارد. آنان در گمراهی آشکاری اند) ۴. «معجزین» (أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ)^(۲) (آنان در زمین درمانده کنندگان [خدا] نیستند و جز خدا دوستانی برای آنان نیست)^(۳) ۵. «بمعجزین» (إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ)^(۴) (قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود، آمدنی است و شما درمانده کنندگان [خدا] نیستید)^(۵) ۶. «يعجزون» (و لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ)^(۶) (و زنه‌ار کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیشی بسته‌اند، زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] درمانده کنند. در همه موارد مذکور، مقصود ناتوان ساختن و درمانده کردن است).

علاوه بر کاربرد واژه اعجاز، واژه «معجزین» نیز در قرآن به کار رفته است مانند: «و الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»^(۷) (و کسانی که در [تخطئه] آیات ما می‌کوشند [و به خیال خود] عاجز کنندگان ما هستند، آنان اهل دوزخند)^(۸)

مفسرین برای این واژه چندین معنا ذکر کرده‌اند: ۱. منع کردن دیگران از کارهای نیک ۲. پیشی گرفتن از انبیاء و خداوند ۳. ناتوان ساختن انبیاء و خداوند ۴. استمرار ناتوانی. به نظر می‌رسد معانی مذکور، به دلالت التزامی یا مطابقی بر ناتوانی و ناتوان

۱. احقاف / ۳۲. ۲. هود / ۲۰.

۳. این واژه در سوره نور / ۵۷ نیز به کار رفته است.

۴. انعام / ۱۳۴.

۵. این واژه در یونس / ۵۳، هود / ۳۳، نحل / ۴۶، عنکبوت / ۲۲، زمر / ۵۱ و شوری / ۳۱ به کار رفته است.

۶. انفال / ۵۹. ۷. حج / ۵۱.

۸. این واژه در سبأ / ۵ و ۳۸ نیز به کار رفته است.

می‌دهد.^(۱) این بشارت و پیش‌گویی با فتح مکه و پیروزی اسلام بر کفر تحقق می‌یابد.

۴-۲-۳. ورود به مسجدالحرام و انجام مناسک حج

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ»^(۲) (حقاً خدا رویای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود] شما بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید با خاطری آسوده در مسجدالحرام در خواهید آمد).

پیامبر اکرم ﷺ در مدینه و قبل از اینکه به حذیبیه برود - در خواب می‌بیند که مسلمانان داخل مسجدالحرام - می‌شوند و به اصحابش خبر می‌دهد. ایشان خوشحال شده و گمان می‌کنند که در همان سال (ششم هجری) داخل مسجدالحرام می‌شوند. وقتی که در آن سال نمی‌توانند داخل مکه شوند، منافقان می‌گویند: «ما سر نتراشیدیم و مو و ناخن کوتاه نکردیم و داخل مسجدالحرام نشدیم». خدای متعال این آیه را نازل کرد و خبر داد که او به پیامبر اکرم ﷺ واقعیت را نشان داده است. مسلمانان در سال بعد (هفتم) با اوصاف ذکر شده در آیه وارد مسجدالحرام شده و پیش‌گوئی محقق می‌گردد.^(۳)

۴-۲-۴. وجود نسل فراوان پیامبر ﷺ

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^(۴) (به راستی که ما تو را کوثر

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۸۶-۸۸. ۲. فتح / ۲۸.

۳. مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۶-۱۲۷. ۴. کوثر / ۱-۳.

قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱) (الف، لام، میم، رومیان شکست خوردند، در نزدیکترین سرزمین، و [لی] بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید [سررشته] کار در گذشته و آینده از آن خداست و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند. هر که را بخواهد یاری می کند و اوست شکست ناپذیر مهربان. وعده خداست. خدا وعده اش را خلاف نمی کند، ولی بیشتر مردم نمی دانند.)

آیات مذکور به اتفاق مفسران، به پیروزی روم بر ایران بشارت می دهد و بعد از چند سال این بشارت و پیش گویی محقق می شود.^(۲)

۲-۴. برگشت به مکه

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»^(۳) (در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به بازگشتگاه باز می گرداند.) گرچه مفسران در معنای «معاد» اختلاف نظر دارند.^(۴) لکن تدبیر در سیاق آیات سوره نشان می دهد که «معاد» بر مکه انطباق دارد، همان گونه که برخی گفته اند. بنابراین، خدای متعال به پیامبر ﷺ بشارت می دهد که به زودی به مکه بازگشته و قدر و منزلتش را ارتقاء داده و نفوذ کلمه می دهد و دینش را بر سایر ادیان برتری می بخشد و سلامتی را بر او و مؤمنین به او گسترش

۱. روم/ ۱-۶.

۲. تفسیر طبری، ج ۱۰، ص ۱۶۲-۱۶۷؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۵-۲۹۶؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۳. قصص/ ۸۵.

۴. تفسیر طبری، ج ۱۰، ص ۱۱۶-۱۱۸؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۸۶-۸۷.

ساختن دلالت می کنند. به همین جهت بسیاری از مترجمان، این واژه را به ناتوان ساختن ترجمه کرده اند.

مفهوم اصطلاحی معجزه

معجزه در اصطلاح چند معنا دارد:

۱. معجزه در اصطلاح عام: هر امر شگفت انگیز و اعجاب آور معجزه نامیده می شود. سنت آگوستین (۴۰۵ ق م) در کتاب اعترافات معجزه را بدین معنا، تفسیر می کند.
 ۲. معجزه در اصطلاح خاص: هر کار خارق العاده که به دست خداوند صورت می گیرد و برای اثبات مدعای دینی است. توماس اکویناس (۱۲ و ۱۳ م) در کتاب جامع الهیات معجزه را چنین تعریف می کند. این نظریه مورد نظر متکلمان مسیحی است.
 ۳. معجزه در اصطلاح اخص: متکلمین برای این اصطلاح تعاریف متعددی ارائه کرده اند. تعریف مشهور و نسبتاً جامع این است که «الاعجاز امر خارق للعاده مقرون بالتحدی سالم عن المعارضة يظهر الله علی ید انبیائه لیکون دلیلاً علی رسالتهم»^(۱) (معجزه امری خارق العاده، همراه با تحدی و سالم از هر گونه معارضه است که خداوند آن را به دست پیامبرانش آشکار می کند تا دلیل بر صدق رسالتشان باشد.)
- از تعریف یاد شده معلوم می شود که اعجاز دارای ویژگیهای زیر است:

۱. معجزه امری خارق العاده است؛ امری است برخلاف جریان طبیعی عالم و خارج از توان بشر. البته خارق العاده بودن اعم از قول، مثل قرآن کریم و فعل، مثل

۱. شرح اصول خمس، ص ۵۶۸، تلخیص المحصل، ص ۳۵۰، نهایه الاقدام، ص ۴۲۳، تعریفات، ص ۹۶.

تبدیل عصا به اژدها است.

۲. معجزه امری است همراه با تحدی و فراخوانی همگانی به همانندسازی؛ برخلاف امور خارق‌العاده دیگر که همراه با تحدی نمی‌باشد.

۳. معجزه امری است که خداوند متعال برای اثبات نبوت پیامبرانش به وسیله دست آنان آشکار می‌کند؛ برخلاف کرامات اولیاء و صالحین که برای اثبات نبوت نیست. (۱)

۴. معجزه امری است که اذن خاص و امداد ویژه الهی را می‌طلبد؛ چرا که هیچ‌گاه نباید مغلوب شود.

۵. معجزه امری است که همانند ندارد؛ برخلاف امور خارق‌العاده دیگر که امکان همانندآوری برای آنها وجود دارد.

واژه‌شناسی در قرآن

قرآن کریم در مقام بیان معجزات انبیاء علیهم‌السلام و از جمله معجزه جاویدان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از واژه و ماده «معجزه» استفاده نکرده است. بلکه کلمات دیگری را که با مفهوم معجزه انطباق مصداقی دارند، به کار برده است. برای یافتن دلیل این نکته، باید هدف معجزه مورد توجه قرار گیرد. آیات و روایات و بحثهایی که در مبحث نبوت عامه در کتب کلامی مطرح شده است، دلالت بر آن دارد که معجزات به خودی خود

۱. به نظر شیعه معجزه علاوه بر اثبات نبوت، می‌تواند برای اثبات امامت باشد. اما اهل سنت این تعمیم در معجزه را قبول ندارند. ر.ک: استاد محمدتقی مصباح یزدی، اصول عقاید ۲، راهنماشناسی، ص ۲۱۱.

چسباندن برگهای بهشت بر خود. و [این‌گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سپس پروردگارش او را برگزید و بر او بیخشود و [وی را] هدایت کرد.

۴-۱-۲. پیامبران واقوامشان

بعد از نقل قصه حضرت نوح علیه‌السلام می‌فرماید: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (۱) (این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو. پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقواییشان است).

عین یا شبیه به عبارت صدر آیه در آیات دیگری نیز وارد شده است. (۲)
قبل از بیان قصه حضرت موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (۳) (بخشی از گزارش [حال] موسی و فرعون را برای [آگاهی] مردمی که ایمان می‌آورند، به درستی بر تو می‌خوانیم).

۴-۲. آینده

قبل از بیان آیات، باید توجه داشت که مقصود از آینده، آینده به حسب نزول آیه است. یعنی آیه هنگام نزول، از رویدادی که بعداً اتفاق خواهد افتاد، خبر می‌دهد.

۴-۲-۱. پیروزی روم

«الَّذِينَ ظَلَمُوا فِي الْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ

۲. آل عمران / ۴۴، یوسف / ۱۰۲.

۱. نوح / ۴۹.

۳. قصص / ۲.

۴. خبرهای غیبی

بسیاری از دانشمندان، غیب‌گویی قرآن را از وجوه اعجاز قرآن یاد کرده‌اند. گرچه در جزئیات اختلاف دارند. آیات متعددی برای استشهاد به این وجه ذکر شده است که نخست شایسته است به نمونه‌ای از آیات اشاره شود.

۴-۱. از گذشته

۴-۱-۱. حضرت آدم و حواء

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^(۱) (اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد).

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ... فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَئِيلَى فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفَفَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى»^(۲) (و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم، «برای آدم سجده کنید» پس، جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند. پس گفتیم: «ای آدم در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است، زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردی. ... پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود، راه نمایم؟» آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به

مد نظر نیستند و اصالت ندارند. هدف امر دیگری (اثبات نبوت) است؛ چنانکه از این حقیقت نیز حکایت دارند که هدف ناتوان ساختن دیگران نیست. پس هدف اصلی اثبات صدق ادعای پیامبر در خصوص ارتباط وی با خدای متعال است. در واقع ادعای نبوت به معنای ادعای ارتباط خارق‌العاده با خداوند متعال است. به همین دلیل چنین ادعایی دلیل مسانخ خویش را می‌طلبد. یعنی نوعی ارتباط قابل اثبات برای توده مردم که در پرتو آن امکان و اثبات ادعای ارتباط و حیانی را به کرسی نشاند و نشان وجود چنین ارتباطی باشد. با توجه به چنین هدفی، قرآن مجید برای اشاره به معجزات انبیاء و بُعد اعجاز‌آمیز قرآن از واژگان زیر که هر یک به وجهی بر این حقیقت دلالت دارد، استفاده می‌کند تا هم با حقیقت معجزه تناسب بیشتر داشته باشد و هم بینش صحیح و دقیقی در مورد معجزه به انسان ارائه نماید.

۱. آیه

آیه در لغت به معنای علامت و نشانه روشن است.^(۱) و به معنای امر مایه عبرت و ساختمان رفیع نیز به کار رفته است. به نظر می‌رسد معنای اصلی این واژه مفهوم نخست است و دو معنای اخیر از لوازم آن است. به همین دلیل این مفهوم خود دلالت بر آن دارد که معجزات اصالت ندارند و هدف اثبات نبوت است؛ چنانکه از این حقیقت نیز حکایت دارد که هدف ناتوان ساختن دیگران نیست.

آیه در قرآن کریم نیز همین سه کاربرد را داشته و به ویژه در معنای نخست فراوان

استفاده شده است. آیه به معنای نخست در مورد پدیده‌های تکوینی به طور عام (همه مخلوقات الهی)^(۱)، پدیده‌های تکوینی خارق‌العاده،^(۲) پدیده‌های تکوینی خارق‌العاده نشانه نبوت (معجزات) و نیز در مورد آیات تشریعی (کتب آسمانی) به ویژه آیات قرآن به کار رفته است.^(۳) اینک به برخی از آیات که «آیه» را به معنای معجزه اصطلاحی به کار برده‌اند اشاره می‌شود ۱. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»^(۴) (و به تحقیق به موسی نه نشانه روشن دادیم) ۲. «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى»^(۵) (به او نشانه روشن بزرگ را نشان داد) ۳. «وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَآتُبْتُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۶) (و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد، که او به آنان می‌گوید: [در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه‌ای روشن آورده‌ام: من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرند می‌سازم و آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود و به اذن خدا نابینایان مادرزاد و پیر را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌گردانم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم مسلماً در این [نشانه‌ها] برای شما اگر مؤمن باشید - عبرت است).

۱. مانند «وَ آيَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهَا يَأْكُلُونَ» پس / ۳۳

۲. مانند «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ازْوَاجُنَا أَتَتْ حَيرَ الرَّازِقِينَ» مانده / ۱۱۴

۳. «آیه» در آیه ۹۲ / یونس به معنای پند و اندرز و در آیه شریفه ۱۲۸ / شعراء به معنای ساختمان مرتفع و برج می‌باشد.

۴. اسراء / ۱۰۱.

۵. ال عمران / ۴۹.

۶. نازعات / ۲۰.

و هدایت‌گری - به جهت توقفش بر شناخت مصالح و مفاسد و انسان به طور کامل - تنها از راه وحی میسر است و از عهده پیامبر بر می‌آید. پس قرآن از راه وحی میسر بوده و از عهده پیامبر ﷺ بر می‌آید، در نتیجه دلالت بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ می‌کند.

بررسی:

استناد به آیه فوق دارای چند اشکال است: ۱. آیه مذکور نمی‌تواند ناظر به تحدی باشد، زیرا در تحدی گفته نمی‌شود (بروید از نزد خدا بیاورید) بلکه گفته می‌شود «همانندی از نزد غیر خدا و از پیش خودتان بیاورید».

۲. در آیات تحدی، همانندی (مثل) درخواست شده است نه بالاتر. در صورتی که در آیه شریفه، همانند و نمونه‌ای برتر درخواست شده است.

۳. لازمه ادعای مذکور این است که تورات نیز معجزه باشد. زیرا، ضمیر در (منهما) به تورات و قرآن برمی‌گردد و تورات در کنار قرآن قرار داده شده است و قرآن معجزه است. در حالی که کسی به معجزه بودن تورات قائل نیست.

۴. آیه در مقام بیان تحدی نیست. بلکه در مقام بیان بهانه‌گیری آنها و عدم پذیرششان به خاطر لجاجت است. زیرا در آیه قبل می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ»^(۱).

با صرف نظر از آیه فوق، گرچه این وجه بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ دلالت می‌کند ولی اثبات تحدی به آن آسان نیست.

می شود.^(۱) و قرآن کتاب انسان سازی است و نازل شده است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی (تقرب به خدای متعال) نیاز دارد، به او بیاموزد.^(۲) در آیه دوم نیز محتمل است که مقصود از «کتاب مبین» لوح محفوظ باشد؛ چنانکه برخی گفته اند.^(۳)

۲. در اینکه قرآن در همه ابعاد علوم از اعجاز برخوردار باشد محل بحث است. زیرا لازمه آن، اشتغال قرآن بر مطالب قابل توجه در هر علم است. در صورتی که از ظواهر قرآن، مطالب قابل توجه از هر علم یافت نمی شود.

۳. لحن آیات مذکور، لحن تحدی نیست.

با صرف نظر از استناد به آیات خاص، اشکالی در دلالت علم و معرفت بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ نیست ولی اثبات تحدی به آن دشوار است.

۳. هدایت گری

برخی از دانشمندان، هدایت گری قرآن را وجه اعجاز شمرده و به آیه شریفه ۴۹ سوره قصص تمسک کرده اند.^(۴) «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۵) (بگو: پس اگر راست می گوئید کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو، هدایت کننده تر باشد تا پیرویش کنم).

بدون در نظر گرفتن آیه، می توان به این بیان استدلال نمود که قرآن هدایتگر است

۱. قرآن شناسی، ص ۳۹.

۲. معارف قرآن، ص ۲۲۶.

۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۲۶۱، تفسیر تحریر و تنویر، ج ۱، ص ۱۲۴، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۰۴.

۵. قصص / ۴۹.

۲. برهان

برهان در لغت به معنای دلیل،^(۱) حجت جداسازنده آشکار^(۲) و کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفا ندارد^(۳) اطلاق می شود. به نظر می رسد برهان به هر دلیلی گفته نمی شود، بلکه به دلیل آشکار گفته می شود و لازمه آن نزدیک به بدیهی بودن و صادق بودن همیشگی آن است. در قرآن واژه برهان علاوه بر کاربرد آن در معنای عام دلیل روشن، در یک مورد در خصوص معجزه نبوت حضرت موسی ﷺ به کار رفته است. «اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا فَاسِقِينَ»^(۴) (دست خود را به گریبان بیاور تا سپید بی گزند بیرون بیاید و (برای رهایی) از این هراس، بازویت را به خویشتن بچسبان، این دو (نشانه) معجزه از جانب پروردگار تو است به سوی فرعون و سران او، آنان همواره قومی نافرمانند) این واژه در مورد دیگری نیز به کار رفته است که محتمل است بر معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ (قرآن کریم) منطبق باشد^(۵) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»^(۶) (ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستادیم).

۳. بصائر

بصیرت در اصل به معنای وضوح و آشکاری چیزی است.^(۷) سپس به علم (چه با

۱. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۷۸.

۲. مصباح المنیر، ص ۴۶.

۳. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴. قصص / ۳۲.

۵. المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰.

۶. نساء / ۱۷۴.

۷. مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۵۳.

دیدن چشم حاصل شود یا با دیدن قلب^(۱) یا بینش^(۲) اطلاق شده است؛ چرا که علم و بینش سبب روشنی می‌گردند. و چون برهان و حجت سبب روشنی چیزی می‌شود، به برهان و حجت، بصیرت اطلاق شده است.^(۳)

بصیرت در قرآن کریم، دوبار به صورت مفرد به معنای علم یا بینش استعمال شده است.^(۴) و پنج بار به صورت جمع به معنای برهانها و حجتها یا بینشها به کار رفته است.^(۵) به نظر می‌رسد در بین موارد فوق، تنها در یک مورد به معنای اصطلاحی است «فَالَّذِي لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِضَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا»^(۶) (گفت: قطعاً می‌دانی که این [نشانه‌ها] را که باعث بینشهاست، جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده است و راستی ای فرعون، تو را تباه شده می‌پندارم). بضائر در بقیه موارد، کلام الهی (قرآن و غیر قرآن) را توصیف می‌کند.

۴. سلطان

سلطان در لغت به معنای مصدري (چیره شدن) و اسم فاعلی (چیره شونده) به کار رفته است و بر دلیل و برهان نیز اطلاق می‌شود. کسانی که دلیل را سلطان نامیده‌اند، از این جهت است که دلیل، هجوم بر قلبها را به دنبال دارد^(۷) و یا گفته‌اند: سلطان در اصل

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. قرآن‌شناسی، ص ۴۵.

۳. مقایس اللغة، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. یوسف/۱۰۸ و قیامت/۱۴.

۵. انعام/۱۰۴، اعراف/۲۰۳، اسراء/۱۰۲، قصص/۴۳، جائیه/۲۰.

۶. اسراء/۱۰۲.

۷. مفردات، ص ۴۲۰.

نمی‌آید وحی [نامه‌ای است از حکیمی ستوده [صفات]]. و «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^(۱) (بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهدارنده آن خواهیم بود). بنابراین، قرآن کتابی است که غبار نسخ بر آن نمی‌نشیند و دست تحول و تکامل به دامان آن نمی‌رسد.^(۲) پس وجه دلالت این وجه بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ^(۳) به این بیان است که قرآن دارای معارف عمده و دقیق از علوم مختلف است و معارف عمده و دقیق از علوم مختلف تنها از کسی صادر می‌شود که با ماوراء طبیعت در ارتباط بوده و پیامبر باشد. در نتیجه قرآن از کسی صادر می‌شود که پیامبر باشد. پس قرآن بر نبوت پیامبر اکرم ﷺ دلالت می‌کند.

بررسی:

استناد این وجه به آیات مذکور چندین اشکال دارد: اگر مقصود از اشتغال بر معارف دربر داشتن اکثر معارف علوم انسانی با همین بیان ظاهری باشد هرچند با سعادت ابدی و هدایت واقعی انسان مرتبط نباشد چنین برداشت گسترده‌ای محل تأمل است زیرا معنای «کل شیء» مورد اختلاف مفسران است. برخی معتقدند که منظور از آن، هر چیزی است که مربوط به هدایت باشد.^(۴) به عبارت دیگر مقصود از «تبیان لکل شیء» روشن ساختن امور است که بیان آنها در شأن قرآن می‌باشد و کلمه (شیء) به اصطلاح، مقید است که قید آن از قرائن مقامی و مناسبت حکم و موضوع فهمیده

۱. حجر/۹.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۶۲.

۳. دلیل تکیه بر نبوت این است که هدف اصلی و اولی از آوردن قرآن، اثبات نبوت پیامبر ﷺ است.

۴. کشف، ج ۲، ص ۶۲۸، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸.

۲. علم و معرفت

به نظر برخی از دانشمندان، علم و معرفت یکی از وجوه اعجاز قرآن است. مخصوصاً دو آیه از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»^(۱) (و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم). «وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا زَرْعٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»^(۲) (و هیچ برگگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است).

هر کس در متن تعلیمات والای اسلام - اعم از کلیات قرآن و جزئیات آن که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارجاع داده شده است^(۳) - سیر کند، می بیند که اسلام معارف عمده و دقیق از معارف الهی (فلسفه)، اخلاق فاضله، قوانین دینی و فرعی - اعم از مسائل عبادی، معاملات، سیاسی، اجتماعی - و هر چیزی را که با فعل انسان در ارتباط است، عرضه کرده است. همه این معارف بر اساس اصل توحید و فطرت است؛ به طوری که جزئیات، با تحلیل، به اصل توحید بر می گردد و اصل توحید، با ترکیب، به جزئیات بر می گردد. خدای متعال در طی آیاتی دوام و بقاء این احکام و قوانین و انطباق آنها را بر صلاح بشر در تمام ادوار بر همه نسلها، به وسیله آیاتی اعلام کرده است مانند «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^(۴) (و به راستی که آن کتابی شکستناپذیر است از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویی

۱. نحل / ۸۹
۲. انعام / ۵۹
۳. حشر / ۷، نسا / ۱۰۴
۴. فصلت / ۴۱ - ۴۲

قدر تمند و چیره شدن همراه با برتری است به همین حقیقت اشاره دارند^(۱) سلطان در قرآن کریم هم به معنای چیره شدن^(۲) و هم به معنای حجت و دلیل^(۳) به کار رفته است. در مواردی نیز بر معجزه اطلاق شده است زیرا معجزات پیامبران نیز وسیله چیره شدن آنان بر مخالفان در مقام اثبات نبوت است. در آیه شریفه یازدهم از سوره ابراهیم آمده است «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^(۴) (پیامبرانشان به آنان گفتند: ما جز بشری مثل شما نیستیم ولی خدا به هر یک از بندگان که بخواهد منت می نهد و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجتی بیاوریم و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند).

در آیه سی و هشتم از سوره ذاریات می خوانیم: «وَ فِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»^(۵) (و در (ماجرای) موسی، چون او را با حجتی آشکار به سوی فرعون گسیل داشتیم).

و در آیه نوزدهم از سوره دخان وارد شده است «وَ أَنْ لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتَيْكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»^(۶) (و بر خدا برتری مجوید که من برای شما حجتی آشکار آورده ام).

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۰۵.

۲. حجر / ۴۲، نحل / ۹۹.

۳. یونس / ۶۸، یوسف / ۴۰، نمل / ۲۱ و...

۴. ذاریات / ۳۸.

۵. ابراهیم / ۱۱.

۶. دخان / ۱۹.

خلاصه:

۱. به نظر برخی، واژه اعجاز برای اولین بار در قرن دوم و واژه معجزه از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم شایع شده است و به نظر برخی دیگر این دو واژه از نیمه دوم قرن سوم یا ابتدای قرن چهارم رواج یافته است.

۲. قول صحیح این است که این دو واژه در قرن اول و دوم به کار می‌رفته است.

۳. معجزه اسم فاعل از باب افعال از ریشه «عجز» است. «عجز» به معنای ضعف و ناتوانی و در مقابل قدرت گرفته شده است و معانی مختلفی که برای این ریشه ذکر شده است، هر یک مصداق یا کاربرد خاصی از همین معناست.

۴. اعجاز چند معنا دارد: ۱. سبقت گرفتن و از دست در رفتن ۲. فوت شدن ۳. ناتوان یافتن ۴. ناتوان ساختن. معنای اخیر در بحث معجزه، مراد است.

۵. اعجاز در قرآن کریم در قالب فعل و اسم به کار رفته است که در همه موارد به معنای ناتوان ساختن است.

۶. معجزه سه اصطلاح دارد: ۱. هر امر شگفت‌انگیز ۲. هر کار خارق‌العاده که به دست خداوند صورت گیرد و برای اثبات مدعای دینی باشد. ۳. امری خارق‌العاده، همراه با تحدی و سالم از هر گونه معارضه است که خداوند آن را بر دست پیامبرانش آشکار می‌کند تا دلیل بر صدق رسالتشان باشد. اصطلاح سوم مورد قبول است.

۷. واژه اعجاز و معجزه بر معنای مصطلح در قرآن به کار نرفته است و از واژه‌های دیگر استفاده شده است تا نشان داده شود که معجزات اصالت ندارند و هدف از آنها اثبات نبوت است.

۸. واژگانی که در قرآن دلالت بر معجزه می‌کنند، عبارتند از: ۱. آیه ۲. برهان ۳. بصیرت ۴. سلطان

غیر مذکوره - که امکان ذکر وجود داشته باشد - است. چنین اطلاقی نیازمند احراز مقدمات اطلاق‌گیری است که در علم اصول مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در علم اصول از چهار شرط با عنوان مقدمات اطلاق‌گیری یاد شده است: ۱. قید نخوردن واژه مورد نظر ۲. منصرف نشدن آن به افراد خاص ۳. نبودن قدر متیقن در آن خصوص ۴. در مقام بیان تمام مراد خویش بودن گوینده.

در آیات تحدی هیچ دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. اینکه خداوند در این آیات می‌خواسته است تمام مراد خود را از تحدی به مثل بیان کند، قابل اثبات نیست و امکان دارد که آنچه مورد نظر خدا بوده همین مقدار بوده است که در صورت شک در حقانیت قرآن، همانند آن را بیاورید. اما اینکه آنچه همانند قرآن است، باید در چه جهتی همانند قرآن باشد، مسأله‌ای است که آیه نسبت به آن ساکت است و یا قدر متیقن آن، مثل بودن در همه جهات و یا جهاتی که در آیات دیگر به آن تحدی شده مانند عدم اختلاف و آورنده‌امی است و بنابراین شرط سوم یا چهارم از مقدمات اطلاق‌گیری فراهم نیست و نمی‌توان اطلاق‌گیری کرد. بنابراین، اطلاق مذکور به وسیله دلایل فوق مقید می‌شود و شمول اطلاق بر وجوه دیگر نیاز به دلیل دارد؛ و اثبات تحدی برای وجوه دیگر دشوار است. پس گرچه برخی از وجوه یقیناً بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت می‌کنند ولی اثبات تحدی برای آنها آسان نیست و نیاز به تأمل فراوان دارد زیرا تحدی به یک سوره نیز شده است در صورتی که اثبات وجوه مذکوره - به غیر از سه وجه مقبول - در همه سوره‌ها آسان نیست. و الله اعلم. اینک به ذکر و بررسی وجوه درون‌متنی ادامه می‌دهیم.

پرسش

۱. نظرات مختلف و قول صحیح در باب تاریخچه کاربرد واژه اعجاز و معجزه را بیان کنید.
۲. معانی لغوی معجزه را ذکر کنید.
۳. اعجاز در قرآن کریم به چه معنا به کار رفته است؟
۴. معانی اصطلاحی معجزه چیست؟
۵. وجه کاربرد واژه‌های دیگر برای دلالت بر معجزه چیست؟
۶. واژه‌های قرآنی معجزه را ذکر کنید.

مقدمه

تاکنون به چندین معجزه برون‌متنی و درون‌متنی اشاره کردیم. در وجوه برون‌متنی، وجه امی بودن آورنده قرآن، مقبول و وجه صرف مردود شد. در وجوه درون‌متنی، اعجاز بلاغی و هماهنگی آیات قرآن مذکور و مقبول شد. علاوه بر این دو وجه، وجوه دیگری نیز گفته شده است که بررسی همه آنها در حال حاضر نه ضرورت دارد و نه با مجال محدود این کتاب میسر است. لذا به ذکر و بررسی چندین وجه از وجوه دیگر می‌پردازیم. این وجوه عبارتند از: ۱. علم و معرفت ۲. هدایت‌گری ۳. اخبار غیبی ۴.

علمی

قبل از پرداختن به این وجوه، بیان یک نکته ضروری است. این نکته عبارت است از اینکه با صرف نظر از مرحله ثبوت اعجاز قرآن، مستند وجوه اعجاز در مرحله اثبات، دو چیز می‌تواند باشد: ۱. دلیل خاص ۲. اطلاق «مثل» در آیات تحدی. دلیل خاص هر وجه باید در جای خود ذکر و بررسی شود و ما به دلایل خاص وجوه چهارگانه فوق در این درس اشاره می‌کنیم. در این قسمت دلیل عام و اطلاق بررسی می‌شود. اطلاق آیات یا از جمیع الجهات است که شامل همه وجوه مذکوره و حتی

❖ برای پژوهش

با بررسی آیاتی که واژه‌های مزبور در آنها ذکر شده است، چند نمونه از آیاتی را که برای دلالت بر معجزه اصطلاحی، از واژه‌های مذکور استفاده شده است، مشخص نمایید.

📖 برای مطالعه بیشتر

- در مورد تعریف معجزه ر.ک:

- شرح المقاصد، سعد الدین تفتازانی، تحقیق: عبدالرحمان عمیره، قم، منشورات الشریف الرضی، ط. ۱، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱-۱۳.

- کشف الاسرار فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، با تعلیقه حسن حسن زاده آملی، ص ۳۵۰.

- الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، جعفر السبحانی، قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ط. ۳، ۱۴۰۲ هـ.ق، ج ۳، ص ۶۹-۷۲.

درس دوازدهم

وجوه اعجاز (۵)

وجوه درون متنی (۳)

اعجاز معنوی (۲)

از دانش پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس بتواند:

۱. با وجه علم و معرفت آشنا شود.
۲. وجه هدایت‌گری را تجزیه و تحلیل نماید.
۳. وجه خبرهای غیبی را توضیح دهد.
۴. از اعجاز علمی آگاه شود.

❖ برای پژوهش

آیاتی را که به عنوان تناقض در قرآن ذکر شده است، همراه با پاسخ‌هایشان استخراج کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد هماهنگی در قرآن ر.ک:

- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، قم: منشورات
جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسه، ج ۱، ص ۶۶-۶۷ و ج ۵، ص ۱۹
۲۱-

- قرآن‌شناسی، محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم:
انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴ -
۱۶۴.

- معجزة القرآن، محمد متولی شعراوی، بیروت: دارالعترة، ص ۶۳-۸۱.
- بحار الانوار، علامه محمدتقی مجلسی، تهران، مکتبة الاسلامیه، چاپ دوم،
۱۳۶۶، ج ۹۲، ص ۱۴۱، ۱۴۶.

درس سوم

قرآن و معجزات دیگر

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. راز تنوع معجزات را بداند.
۲. با برخی از تفاوت‌های قرآن با سایر معجزات آشنا شود.
۳. نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن را توضیح دهد.

پرسش

۱. دلیل عقلی بر هماهنگی آیات قرآن ذکر کنید.
۲. نحوه استدلال بر هماهنگی آیات قرآن طبق آیه ۸۲ سوره نساء را بیان کنید.
۳. اختلاف در لغت، اصطلاح قرآنی و آیه مذکور به چه معناست؟
۴. ویژگی‌های انسان و آثار او و قرآن را نام ببرید.
۵. چگونه می‌توان از واژه حق بر هماهنگی آیات قرآن استدلال نمود؟
۶. آیا می‌توان از واژه صدق بر هماهنگی آیات قرآن استفاده نمود؟ توضیح دهید.
۷. صفت متشابه چگونه بر هماهنگی آیات قرآن دلالت می‌کند؟

مقدمه:

در درس گذشته معانی لغوی و اصطلاحی معجزه ذکر شد. همچنین گفتیم که علت گزینش الفاظ دیگر برای مفهوم معجزه، بیان اصالت نداشتن معجزات و وسیله بودن برای اثبات نبوت است. بنابراین، هدف از معجزات، مشترک است. از سوی دیگر، معجزات انبیاء علیهم‌السلام به ویژه قرآن در مقایسه با سایر معجزات، متفاوت است. حال، چند سؤال مطرح می‌شود: ۱. راز تنوع معجزات چیست؟ ۲. برخی از تفاوت‌های قرآن با سایر معجزات چیست؟ ۳. پیامبران و از جمله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تحقق معجزه چه نقشی دارند؟

راز تنوع معجزات

به طور قطع معجزاتی که پیامبران علیهم‌السلام ارائه می‌کردند، یکسان نبوده است. معجزه حضرت موسی علیه‌السلام ید بیضاء، تبدیل عصا به اژدها و ... معجزه حضرت عیسی علیه‌السلام زنده کردن مردگان، شفا دادن بیماران و ... و معجزه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرآن کریم است که از مقوله کلام می‌باشد. حال، با توجه به اینکه ما خداوند متعال را حکیم و پیامبران علیهم‌السلام

در صورت دوم با ضمیمه کردن دو مقدمه (سخنان خدا از حقایق حکایت می‌کند و حقایق با هم ناهماهنگی ندارند) هماهنگی آیات قرآن به اثبات می‌رسد.

۸. کاربرد صدق بر قرآن، به لحاظ مطابقت آیات قرآن با واقع است. هماهنگی آیات با ضمیمه کردن یک مقدمه (حقایق با هم ناهماهنگی ندارند) ثابت می‌شود.

۹. بر اساس صفت متشابه، همانندی آیات از جهت بیان و معنی اثبات می‌شود.

را مظهر حکمت می‌نامیم، این سؤال مطرح می‌شود که حکمت تنوع و گوناگونی معجزات چیست؟ در این باره سه نظریه مهم وجود دارد که به اختصار نقل و نقد می‌شود.

۱. تفاوت رشد عقلی امتها

برخی می‌گویند: معجزاتی که پیامبران علیهم‌السلام آورده‌اند، دو نوع است: ۱. حسی، ۲. عقلی. معجزه حسی، معجزه‌ای است که دارای این خصوصیات هست: ۱. به وسیله چشم درک می‌شود مثل ناقه صالح علیه‌السلام و عصای موسی علیه‌السلام. ۲. عامه و خاصه در ادراک آن مشترک هستند. ۳. در قلوب عامه بهتر جای می‌گیرد. معجزه عقلی، معجزه‌ای است که واجد این خصوصیات می‌باشد: ۱. به وسیله بصیرت [که امر باطنی است] درک می‌شود مانند خبر دادن از غیب به گونه اشاره یا به صورت آشکارا. ۲. گروه ویژه‌ای از انسانها که کامل و دارای عقل برترند، می‌توانند آن را درک کنند.

خدای متعال، اکثر معجزات بنی اسرائیل را حسی قرار داد؛ زیرا آنان کندذهن و کم بصیرت بودند و اکثر معجزات این امت را عقلی قرار داد؛ زیرا که آنان دارای هوش بسیار و در کمال فهم هستند؛ به طوری که به همین دلیل به پیامبران تشبیه شده‌اند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم فرمودند: «کادت امتی تکون انبیاء» (نزدیک است که اتمم پیامبران شوند)^(۱).

بررسی:

هر چند تقسیم معجزات به حسی و عقلی درست می‌باشد ولی اینکه اکثر معجزات

۱. مقدمه راغب بر تفسیر، ص ۱۰۲-۱۰۴ به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۱۷-۱۸ و الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳ و نفحات الرحمان، ج ۱، ص ۳-۴ به نقل از علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ۴۰۳-۴۰۴.

امتهای گذشته حسی بوده و اکثر معجزات این امت عقلی است، نادرست می باشد زیرا از میان معجزات پیامبر ﷺ تنها قرآن، معجزه عقلی است و در میان امتهای پیشین نیز افراد دارای عقل برتر وجود داشته و تمدنهایی درخشان را آفریده و از امکاناتی برتر از امت اسلام برخوردار بوده اند. علاوه بر آن، بلاهت اکثر امتهای پیشین و دارای عقل برتر بودن اکثر امت اسلام در صدر اسلام مدعایی بی دلیل است. افزون بر آن، همان معجزات حسی نیز در اثبات نبوت پیامبر ﷺ برای صاحبان عقل برتر کفایت می کند

۲. تناسب با مدت زمان شریعت

صاحبان این نظریه که به راز تفاوت قرآن با سایر معجزات توجه کرده و بر مقطعی بودن سایر معجزات و جاودانه بودن قرآن تأکید دارند، معتقدند که چون نبوت پیامبران گذشته به دوران معین و محدودی اختصاص داشت، دوران معجزه آنان نیز طبعاً کوتاه و محدود و تنها برای مردم آن دوران بوده است. زیرا برای مردم آن عصر و دوران، معجزه های موقت و محدود برای اتمام حجت کفایت می کرد و برای مردم پس از آن پیامبر تا آمدن پیامبر بعدی نیز به وسیله نقل پیامی و متواتر آن معجزه، یقین حاصل و حجت خدا بر آنان تمام می شد.

ولی یک شریعت و نبوت جاودانی باید دارای معجزه جاوید و همیشگی باشد. زیرا معجزه اگر محدود و منحصر به یک زمان گردد، مردم زمانها و عصرهای آینده نمی توانند آن را با چشم خود درک کنند. اخبار و نقلهای متواتر نیز در اثر طول زمان ممکن است از بین برود و لااقل در اثر عوامل مختلف مورد شک و تردید قرار گیرد و

خلاصه:

۱. هدف از نزول قرآن هدایت بشر است و ناهماهنگی در آیات موجب گمراهی یا تحیز می شود و این نقض غرض بوده و با حکمت خداوند سازگار نیست.
۲. استدلال بر هماهنگی آیات قرآن طبق بیان آیه ۸۲ سوره نساء به این صورت است که «لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً و لکن لم یجدوا فیه اختلافاً کثیراً فهو لیس من عند غیر الله»
۳. اختلاف از خلف به معنای وقوع در پشت چیزی است. اختلاف معانی مختلفی دارد که عدم اتفاق از جمله آنهاست و در آیه مذکور به این معناست.
۴. ویژگی های انسان عبارت است از: ۱. تکامل تدریجی ۲. تأثیرپذیری ۳. خطاپذیری ۴. محدودیت. بر اساس این ویژگی ها افکار، سخنان و رفتارهای انسان، همواره در معرض تفاوت و احیاناً تناقض است.
۵. ویژگی های قرآن عبارت است از: ۱. نزول در طول ۲۳ سال ۲. نزول در شرایط گوناگون ۳. فصاحت و بلاغت تام و کامل ۴. اشتمال بر معارف متنوع و ارزش مند. چون گوینده قرآن، خدای متعال است و او فاقد صفات ناقص مخلوقات است، کلامش در شرایط گوناگون، دچار تفاوت و تعارض نیست.
۶. اطلاق حق بر قرآن یا به لحاظ حقایقی است که از آنها حکایت می کند یا به لحاظ درست بودن ادعایش که از طرف خدا نازل شده است.
۷. در صورت اول، با ضمیمه کردن یک مقدمه (حقایق با هم ناهماهنگی ندارند) و

کتابی که بنویسد، اختلاف فراوان در آن یافت می‌شود و هر کتابی خدا پدید آورد، اختلاف در آن نیست؛ بلکه مقصود این است که این کتاب (قرآن) با خصوصیات که دارد، اگر بخواهد بشری باشد، اختلاف فراوان در آن پدید می‌آید.

۳. اعجاز قرآن در هماهنگی همه ابعاد آیات آن را در بر می‌گیرد. در صورتی که آیات قرآن از جهت فصاحت و بلاغت، در یک حد نیستند بلکه برخی نسبت به برخی فصیح‌تر و بلیغ‌تر است.

در بیان و در فصاحت کی بود یکسان سخن

گرچه گوینده بود چون جاحظ و چون اصمعی

در کلام ایزد بی‌چون که وحی منزل است

کی بود «تبت یدا» مانند «یا ارض ابلعی»

پس قرآن از جهت فصاحت و بلاغت دارای تفاوت و اختلاف است.

پاسخ: چنان که از ظاهر آیه، هویداست مقصود از اختلاف و تفاوت، تفاوت و اختلافی است که نشان بشری بودن و غیر خدایی بودن باشد و پذیرش تفاوت در فصاحت و بلاغت آیات، در صورتی که خارق‌العاده بودن آنها نفی نشود، لازمه‌اش بشری بودن نیست.

به علاوه، این تفاوت معلول نادیده گرفتن مجموعه آیات مرتبط باهم و مثله کردن آنهاست و گرنه با توجه به همه مقتضیات به این نتیجه خواهیم رسید که هر کدام در جای خودش و مجموعاً به عنوان یک کل، بهترین است.^(۱)

در این صورت بر مردم اعصار آینده حجت تمام نمی‌شود.^(۱)

۳. تناسب با پیش‌رفته‌ترین علوم و فنون زمان

این دیدگاه در بین شیعه و اهل تسنن طرفداران زیادی دارد، پیشینه این نظریه، به روایت نقل شده از امام رضا علیه السلام بر می‌گردد. مرحوم کلینی از ابی‌یعقوب بغدادی نقل می‌کند که: «ابن سکیت به ابی‌الحسن (امام رضا علیه السلام) گفت: چرا خداوند حضرت موسی بن عمران علیه السلام را با عصا و ید بیضا و ابزار جادو فرستاد؟ و چرا عیسی علیه السلام را با ابزار طب مبعوث کرد؟ و چرا محمد صلی الله علیه و آله را با کلام و خطبه‌ها ارسال نمود؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند متعال، موسی علیه السلام را هنگامی فرستاد که جادوگری بر مردم آن زمان غالب بود، پس او از طرف خداوند چیزی را آورد که توانایی مقابله با آن را نداشتند و به وسیله آن، جادوی آنان را باطل ساخت و با آن حجت را برایشان تمام و ثابت کرد. و خداوند مسیح علیه السلام را زمانی فرستاد که فلج و زمین‌گیری زیاد شده بود و مردم نیاز به طب داشتند. پس او از جانب خدا چیزی را آورد که همانند آن، نزد آنان یافت نمی‌شد. مردگان را به اذن خدا زنده کرده و کور مادرزاد و مبتلا به برص و پیری را به اذن خدا شفا داد و حجت را بر آنان تمام نمود. و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را هنگامی مبعوث نمود که در عصر ایشان، خطبه‌ها و کلام - و گمان می‌کنم شعر را نیز فرمود - غالب بود. لذا ایشان از طرف خدا، پندها و دستوراتی شیوا آورد که گفتار آنان را باطل کرد و حجت را بر ایشان تمام نمود.^(۲)

هر چند سند این روایت به دلیل ضعیف بودن احمد بن محمد بن سيار^(۱) اعتبار لازم را ندارد ولی به عنوان مؤید می تواند مورد توجه قرار گیرد. مرحوم بلاغی در کتاب ارزشمند آلاء الرحمن این روایت را به خوبی تشریح می کنند که به اختصار نقل می شود. در عصر موسی علیه السلام سحر، که مبتنی بر قوانین عادی بود و تعلیم و تعلم آن جریان داشت، بین مصریها رایج بود و آنان سحر را به خوبی می شناختند به همین جهت حکمت اقتضاء می کرد که با آنان به وسیله عصا احتجاج شود. فلسطین و سوریه در عصر مسیح علیه السلام مستعمره یونان بود و یونانیهای زیادی در آنجا اقامت داشتند و طب در آنجا رواج داشت. در فصل سیزده و چهارده از سفر «لاوین» از تورات رایج آموزش طولانی در مورد علاج برخی از بیماریها وجود دارد؛ به نحوی که این معالجه به کاهنان اختصاص یافته و گویا علاج نیز از برکات و آثار روحی آنان است. لذا معجزات حضرت مسیح علیه السلام شفای بیماران بود و آنان می دانستند که شفا دادن چنین بیمارانی از قدرت بشر خارج است. مردم عرب نوعاً ادب عربی می دانستند و از سایر علوم و فنونی که قابل تعلیم و تعلم بود، آگاه نبودند. لذا اگر پیامبری برای اثبات راستی خویش از صنایع و علوم استفاده می کرد، در معرض شک و تردید اعراب قرار می گرفت. به ویژه اگر آن علوم و فنون، برخلاف عاداتها و رسوم وحشیانه و جاهلانه آنان باشد. قدرت ادبی آنان در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اوج خود رسید و برای بزرگداشت اوج و فصاحت، محفلهها و جشنها برقرار می کردند تا به عظمت بلاغت

۱. رک به: معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۷۶، رجال نجاشی، ص ۸۰، فهرست شیخ، ص ۲۳، رجال ابن غضائری، ص ۱۴۹، رجال طوسی، ص ۳۶۹، رجال ابن داود، ص ۳۷۸، رجال علامه، ص ۱۸۳.

بودن حکم منسوخ را یا بیان نکرده و یا صریحاً از آن ذکر می میان نیاورده است. به این ترتیب، ناسخ و منسوخ قرآن، نظیر موردی است که حکمی به صورت موقت اعلام شود و پس از پایان یافتن زمان آن، حکم جدیدی جعل شود. روشن است که در چنین شرایطی هیچ کس، چنین دو حکمی را متناقض و مخالف با یکدیگر نمی داند.

۲. مفاد آیه شریفه آن است که اگر قرآن از سوی غیر خدا می بود، در آن اختلاف زیادی مشاهده می شد. لازمه چنین سخنی این است که حال که قرآن از سوی خداست، در آن اختلاف زیادی نیست و یا چون در قرآن اختلاف زیاد نیست، پس قرآن از سوی خداست. معنای این سخن آن است که امکان دارد در قرآن اختلاف کم وجود داشته باشد. در صورتی که اختلاف کم هم نشان خدایی نبودن قرآن می شود. علاوه بر آنکه طبق بیانی که در باب ویژگیهای انسان و سببیت آنها نسبت به پیدایش اختلاف ذکر شد، باید در هر کتابی که بشر فراهم آورد، اختلاف فراوان وجود داشته باشد. در صورتی که کتبی یافت می شود که اختلاف در آنها بسیار کم است.

پاسخ: چنانکه در توضیح ملازمه گذشت آیه در صدد بیان این مطلب است که اگر قرآن محصول اندیشه بشر بود، به خاطر ویژگیهای یاد شده برای انسان، اختلاف فراوان در آن یافت می شد و اکنون که سخن خداست - که ویژگیهای انسان در او یافت نمی شود - هیچ اختلافی در آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، مفاد آیه شریفه این است که اگر بشر این کتاب را می نوشت، در آن اختلاف پدید می آمد و آن اختلاف، زیاد می بود و به اصطلاح قید توضیحی است نه احترازی. همچنین یک محور ملازمه در آیه شریفه، خود قرآن با ویژگیهای آن است. پس سخن بر سر آن نیست که بشر هر

این علوم باشد و بدون هیچ گونه غرضی، قرآن را بررسی کند، آیات قرآن را کاملاً هماهنگ می‌یابد. دلیل بر این ادعا، بررسی دانشمندان مفسر است که به هماهنگی قرآن معترف بوده و در صدد توجیه و حل تعارض ابتدایی و ظاهری که در برخی آیات مشاهده می‌شود برآمده‌اند.

بررسی چند شبهه

۱. در قرآن مواردی از تناقض یافت شده و کسانی به جمع آوری آنها پرداخته‌اند. بنابراین، قرآن از تناقض و اختلاف، تهی نیست. به عنوان مثال می‌توان از تناقض و ناهماهنگی ناسخ و منسوخ یاد کرد که در قرآن چندین نمونه از آن وجود دارد.

پاسخ: این موارد که در ابتدا متناقض به نظر می‌رسد قبلاً به وسیله مفسران قرآن کریم شناسایی شده و تعارض ظاهری و ابتدایی آنها توجیه و حل شده است و در کتب تفسیر و علوم قرآنی، ذکر گردیده است. ولی عده‌ای از روی غرض ورزی، بار دیگر آن موارد را با حذف پاسخها گردآوری کرده و دوباره به عنوان شبهات جدید مطرح کرده‌اند. برخی نیز در اثر عدم آشنایی با قواعد محاوره و یا غفلت از به کارگیری آنها در حل این موارد، آیات را متعارض و غیر قابل حل پنداشته‌اند.

آیات ناسخ و منسوخ نیز که به عنوان روشن‌ترین مصادیق اختلاف در قرآن ذکر شده است، طبق اصول محاوره، تناقض و مصداق اختلاف شمرده نمی‌شود. به ویژه آنکه در نسخ آیات قرآنی، صاحب سخن در هنگام جعل حکم منسوخ، خود از موقتی بودن آن آگاه بوده و تصمیم به نسخ آن در آینده دارد؛ ولی به خاطر مصالحی، موقتی

خود افتخار نمایند. توانایی آنان در ادبیات به حدی رسیده بود که یک فرد به خوبی می‌توانست تشخیص دهد که بلاغت، در چه حدی در حیطه قدرت انسان معمولی است و یا خارج از حیطه قدرت اوست. این شرایط اقتضا می‌کرد که قرآن کریم، به خاطر بلاغتش بهترین دلیل برای اعراب باشد.^(۱)

با توجه به آنچه گذشت روشن می‌شود که راز تنوع معجزات به طور کلی تناسب معجزه هر پیامبر با برترین دانش دوران خویش است تا هم امکان همانندآوری به بهترین وجه فراهم گردد و هم با ناتوانی انسانها از همانندآوری، نبوت پیامبران به بهترین شکل ممکن اثبات گردد ولی در خصوص معجزه جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از مقوله علم و کتاب است، یک راز دیگری نیز نهفته است و آن تناسب این معجزه با دعوت جهانی آن حضرت و خاتمیت پیامبری و نزول آیین جدید از آسمان است. البته هر چند جاودانگی سایر معجزات به صورت خارق العاده امکان داشته است، ولی سنت خداوند بر آن تعلق نگرفته و حتی دیگر معجزات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز باقی نمانده است ولی بقاء آنچه از مقوله علم و کتاب است، نسبت به دیگر معجزات به طور طبیعی بیشتر و در خصوص قرآن به خواست خداوند این معجزه پایدار مانده و خواهد ماند. چنانکه خداوند خود در قرآن فرموده است «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^(۲) و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^(۳)

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ص ۴. مضمون روایت در بسیاری از کتب ذکر شده است که برخی عبارتند از: کفایة الموحدين، ج ۱، ص ۵۲۴، الخرائج، ج ۳، ص ۹۹۲، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸ - ۵۰، الاعجاز النحوی، ص ۲۹ - ۴۰، معجزة القرآن، ص ۷ - ۱۱، مفهوم النص، ص ۱۳۷ - ۱۳۸ و...

۲. حجر / ۹.

۳. فصلت / ۴۲.

برخی از تفاوت‌های قرآن با معجزات دیگر

قرآن کریم تفاوت‌های زیادی با معجزات دیگر دارد که به برخی از تفاوت‌های مهم و متقن اشاره می‌شود.

۱. اتحاد معجزه با پیام و حیانی

هر یک از پیامبران گذشته با درک وحی الهی به مقام نبوت خویش پی برده و سپس برای رساندن پیامی که از سوی خدا می‌آورده‌اند، ابتدا قوم خویش را در جریان نبوت و ارتباط و حیانی خویش با خدا قرار می‌دادند و سپس به طور طبیعی ایشان برای اثبات مدعای آنان (ارتباط و حیانی) تقاضای معجزه می‌کردند و پیامبران به اذن خدا معجزاتی را برای آنان می‌آوردند. پس از اثبات نبوت، آنان پیام الهی را که دریافت می‌کردند، در اختیار قوم خویش قرار می‌دادند. در مورد این پیامبران سه عنصر ارتباط و حیانی اولیه، معجزه و پیام الهی دریافت شده، سه مقوله جداگانه و دست کم معجزه از آن دو مقوله متمایز و مقوله‌ای دیگر بوده است. ولی

در خصوص معجزه جاودانه پیامبر گرامی اسلام (قرآن) و وحی، معجزه و پیام یک مقوله و با هم اتحاد دارند. هم درک ارتباط و حیانی اولیه، هم معجزه اصلی و جاودانه آن حضرت ﷺ و هم پیامی که برای مردم از سوی خدا آورده است، یک مصداق بیشتر نداشته و بر هم منطبق و با یکدیگر اتحاد دارند و این ویژگی حتی برای سایر معجزات پیامبر اسلام ﷺ وجود ندارد.

أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَفْشَعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»^(۱)؛ (خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، [متضمن وعده و وعید]، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد).

و در یک مورد دیگر صفت بخشی از آیات قرآن است، در برابر بخشی دیگر که محک‌های نامیده می‌شود «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^(۲) (اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم است. آنها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند).

وصف کردن همه قرآن به متشابه به لحاظ همانندی آیات قرآن است. این همانندی یا ظاهری است و یا معنوی. همانندی ظاهری به لحاظ این است که همه آیات آن در حد اعجاز و دارای بلاغت می‌باشد. همانندی معنوی بدین لحاظ است که تضاد و تخالفی در مفاهیم قرآن وجود ندارد؛ بلکه همه با یکدیگر متناسب و هماهنگ می‌باشند و هدف واحدی را دنبال می‌کنند.^(۳)

۳-۱. بررسی

همان گونه که پژوهش در هر موضوعی، به مقدمات خاصی وابسته است، پژوهش در وجود یا عدم هماهنگی در قرآن نیز به مقدمات مخصوصی نیاز دارد. این مقدمات عبارتند از: ادبیات، علوم بلاغی، منطق، فلسفه، اصول فقه، فقه و کلام. اگر کسی واجد

متفاوت می شود. صدق در اعتقاد به معنای این است که اعتقاد، مطابق با حق واقع ثابت باشد. صدق در خبر به معنای این است که خبر با مخبر عنه مطابقت داشته باشد و...^(۱)

صدق در آیات متعددی بر قرآن کریم اطلاق شده است، مانند «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ. وَ الَّذِي جَاءَ بِالْصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^(۲) (پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ بست و [سخن] راست را چون به سوی او آمد، دروغ پنداشت؟ آیا جای کافران در جهنم نیست؟ و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود؛ آنانند که خود پرهیزگاراند.) اطلاق صدق بر قرآن کریم، به اعتبار مطابقت آیات قرآن با واقع است. هماهنگی آیات قرآن به وسیله صفت صدق با ضمیمه کردن مقدمه‌ای (حقایق با هم ناهماهنگی ندارند) ثابت می شود. به این بیان که سخنان و آیات قرآن، مطابق با حق و واقع است و حقایق با هم ناهماهنگی ندارند پس آیات قرآن ناهماهنگ نیست.

۴-۲-۱. صفت متشابه

متشابه از واژه «شبه» به معنای همانند است.^(۳) و چون باب تفاعل همانندی دو چیز را با یکدیگر می‌رساند، هرگاه شیء واحدی به آن متصف شود، به لحاظ اجزاء آن و یا به لحاظ تعدد دیگری است که در نظر گرفته می شود.

واژه «متشابه» در قرآن تنها در یک مورد صفت همه قرآن واقع شده است «اللَّهُ نَزَّلَ

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۲. زمر/ ۳۲-۳۳.

۳. مقایس اللغة، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. جاودانگی و جهانی بودن

همان طور که در راز تنوع معجزات اشاره شد، چون شریعت اسلام، شریعت جاودانه و پیامبر اکرم ﷺ خاتم الانبیاست، چنانکه می فرماید «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ»^(۱) (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.) معجزه او باید جاودانه باشد و چنین نیز هست برخلاف دیگر معجزات که محدود به زمان خاصی بوده اند.

برخی از معجزات برای قوم خاصی ارائه شده بود مانند ناقة صالح برای قوم ثمود. لکن قرآن کریم معجزه‌ای است که به قوم و نژاد خاصی اختصاص ندارد و برای همه بشریت تا روز قیامت نازل شده است.

۳. مصونیت از تحریف

قرآن بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ باقی مانده و تا روز قیامت نیز باقی خواهد ماند برخلاف دیگر معجزات که با رحلت پیامبر از بین می رفت یا تبدیل و تغییر در آن صورت می گرفت مثل تورات و انجیل.^(۲)

به نظر می رسد مصونیت قرآن از تحریف صحیح است. دلیلی بر تحریف و تغییر در معجزات دیگر وجود ندارد. تورات و انجیل که به عنوان معجزه تحریف یافته ذکر شده است، معجزه نیستند.

۱. احزاب / ۴۰.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۷۲.

نقش پیامبر اکرم ﷺ در اعجاز قرآن

برای بررسی نقش پیامبر اکرم ﷺ در اعجاز قرآن، باید نقش پیامبران علیهم السلام در اعجاز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. لذا ابتدا به نقش پیامبران علیهم السلام در اعجاز پرداخته و سپس نقش پیامبر ﷺ را در اعجاز قرآن بررسی می‌کنیم.

۱. نقش پیامبران علیهم السلام در اعجاز

درباره نقش پیامبران علیهم السلام و از جمله پیامبر اکرم ﷺ در غالب معجزات غیر قرآنی دو دیدگاه وجود دارد: ۱. پیامبران علیهم السلام صرفاً ابزار اجرای معجزه هستند و هیچ نقش دیگری ندارند. بنابراین، خداوند می‌تواند به وسیله هر کسی معجزه را ظاهر نماید. چنانکه اشعریان و اتباع آنان قائلند.^(۱) ۲. پیامبران علیهم السلام دارای قدرت نفسانی بوده و معجزات، افعال مستقیم آنان است که از قداست روح آنان نشأت گرفته و به اذن و مشیت خداوند موجود می‌شوند. بنابراین، بر اساس دلیل عقلی (قانون علیت و مسانخت میان علت و معلول، تنها ولی خدا، که دارای کمال روحی و معنوی است، اعجاز می‌کند.^(۲) این حقیقت برهانی مورد تأیید آیات قرآن نیز می‌باشد؛ به عنوان نمونه مائده/۱۱۷ و مؤمن/۷۸. ظاهراً علت قائل شدن به قول اول، شریک پنداشتن پیامبران علیهم السلام در صورت انتساب مستقیم معجزه به ایشان که این فهم، از عدم درک توحید افعالی سرچشمه می‌گیرد. براساس توحید افعالی، اراده پیامبران علیهم السلام در طول

۱. المطالب العالی، ج ۸، ص ۹۹.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۸۰ و ج ۳، ص ۲۰۰، پیرامون وحی و رهبری، ص ۷-۸، آشنایی با قرآن، ج ۱-۲، ص ۲۲۰-۲۲۱.

مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ»^(۱) (ای مردم، آن پیامبر [موعود] حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است). بنابر تحقیق برخی از مفسران معاصر، «حق» در سی و شش مورد بر قرآن اطلاق شده است و در هفت مورد دیگر ظهور یا احتمال اراده قرآن وجود دارد.^(۲) استعمال حق در مورد قرآن یا به لحاظ حقایقی است که از آنها حکایت می‌کند یا به لحاظ درست بودن ادعایش که از طرف خدا نازل شده است.^(۳) بنابر اراده نخست، برای اثبات هماهنگی آیات، تنها ضمیمه کردن یک مقدمه ضرورت دارد و آن، اینکه حقایق با هم ناهماهنگی ندارند. پس نحوه استدلال به این بیان است: ۱. قرآن از حقایق حکایت می‌کند ۲. حقایق حکایت شده با هم ناهماهنگ نیستند. پس قرآن ناهماهنگ نیست. بنا بر اراده دوم ضمیمه کردن دو مقدمه ضروری است و آن اینکه سخنان خدا از حقایق حکایت می‌کند و حقایق با هم ناهماهنگی ندارند. پس چگونگی استدلال به این بیان است: ۱. ادعای نزول قرآن از سوی خداوند، ثابت و مطابق با واقع است؛ پس قرآن سخن خداست. ۲. سخنان خدا از حقایق حکایت می‌کند. ۳. حقایق با هم ناهماهنگی ندارند. پس قرآن ناهماهنگی ندارد.

۳-۲-۱. صفت صدق

صدق در اصل به معنای تمامیت و بر حق بودن است و به اختلاف موارد، معنای آن

۱. نساء/۱۷۰.

۲. قرآن‌شناسی، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۳۷.

کند، و آن طور که باید تدبیر کند با شعور زنده و قضاوت فطری خود حکم خواهد کرد که کسی که این سخنان را گفته از کسانی نیست که مرور ایام و تحول و تکاملی که در موجودات مؤثر است، در او مؤثر باشد؛ بلکه گوینده آن خدای قهار واجد است.^(۱)

اینک به مقایسه کلام بشری و قرآن کریم می‌پردازیم. همان گونه که گفته شد انسان طبق قانون تکامل تدریجی و تأثیرپذیری و خطاپذیری در طول زندگی همواره در حال تغییر بوده و افکار و رفتار و سخنان وی در حال تفاوت و حیثاً تعارض است. انسان به دلیل ویژگی‌های مزبور نمی‌تواند سخنی در طول سالیان دراز و در شرایط گوناگون ارائه کند که علاوه بر اشتغال بر فصاحت و بلاغت تام، حاوی معارف والا و گوناگون باشد. برخلاف خدای متعال که فاقد ویژگی‌های مذکور است. پس می‌تواند کلامی عرضه کند که از ناهماهنگی‌ها مصون باشد. بنابراین، قرآن کریم با نزول در سالیان دراز و شرایط مختلف، همواره فصاحت و بلاغت تام را حفظ و معارف گوناگون و متعالی را عرضه کرده است بدون اینکه بین آنان ناهماهنگی وجود داشته باشد. بنابراین، قرآن، کلام بشری نیست بلکه کلام غیر خداوندی نیست و تنها کلام الهی است.

۲-۱-۲. صفت حق

«حق» مصدر به معنای ثبوت و مطابقت با واقع است.^(۲) حق گاهی به معنای وصفی (ثابت مطابق با واقع) به کار می‌رود. حق در آیات بسیاری به قرآن اطلاق شده است

۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۸۳.

۱. المیزان، ج ۵، ص ۲۰.

اراده خداوند متعال بوده و همه کارهایشان به ویژه صدور معجزه به اذن خداوند متعال وابسته است. بنابراین، از جهت توحید، هیچ گونه اشکالی وجود ندارد.

مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله با استفاده از آیه «وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»^(۱) می‌فرماید: صدور معجزات از پیامبران به خاطر مبدأ اثر گذاری است که در نفوس شریفه آنان وجود دارد که تأثیرش بر اذن متوقف است. طبق اشاره کلام خدای سبحان^(۲) نه تنها معجزات، بلکه همه امور خارق‌العاده (معجزه، سحر، کرامات اولیاء...) و دیگر خصلتهایی که با تمرینها و کوششها به دست می‌آیند، مستند به مبدأهای نفسانی و مقتضیات ارادی است. لکن کلام الهی تصریح می‌کند به اینکه مبدئی که پیش انبیاء و رسل و مؤمنان وجود دارد، برتر و غلبه کننده بر هر سبب و در هر حال است «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ. إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ. وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»^(۳) از اینجا می‌توان فهمید که این مبدأ موجود منصور، امری وراء طبیعت و فوق ماده می‌باشد. امور مادی هنگام تزاخم و کشمکش، مقدر و محدود و مغلوب مافوق از جهت قدر و حد هستند. گرچه امور مجرد نیز این طورند، لکن تزاخم و کشمکشی بین آنان وجود ندارد؛ مگر هنگامی که به ماده، و لو مقداری، تعلق گیرند. این مبدأ نفسانی مجرد، که با اراده خدای سبحان، منصور است، وقتی با مانع مادی مواجه می‌شود، امدادی به سبب افاضه می‌کند که به واسطه آن، هیچ سبب مادی، که آن را منع کند، نمی‌تواند با آن مقاومت نماید.^(۴)

۲. بقره / ۱۰۲ و مؤمن / ۷۸.

۴. المیزان، ج ۱، ص ۸۰.

۱. مؤمن / ۷۸.

۳. صافات / ۱۷۳.

ایشان در ذیل آیه «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ»^(۱) نیز می‌فرمایند: ظاهر قول خدای متعال این است که این آیات، از حضرت عیسی علیه السلام در عالم خارج صادر می‌شود؛ نه اینکه کلام برای مجرد احتجاج و تحدی بیان شده باشد. علاوه بر این، کلام خدای سبحان درباره گفتگویش با حضرت عیسی علیه السلام در روز قیامت^(۲)، دلالت تام بر وقوع این آیات دارد.^(۳)

۲. نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن

نسبت به قرآن که تنها معجزه متحد با وحی است، باید از منظر دیگری نگریست. چرا که قرآن، مانند دیگر معجزات، از باب اعمال ولایت و تصرف در جهان نیست. قرآن کلام خداست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واسطه رساندن آن به مردم. قرآن از این جهت معجزه است که کلام خداست و با سایر کلامها تفاوت دارد. دریافت این کلام از ذات اقدس الهی، چه بدون واسطه و چه با واسطه جبرائیل، نیاز به تکامل روحی و معنوی دارد. تنها، کسی می‌تواند این کلام را دریافت کند که به اوج قداست روحی رسیده باشد و این، شخصی نیست جز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. بنابراین، نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن، دریافت و رساندن بی‌کم و کاست قرآن به مردم است.

پیامبران الهی و از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای دریافت وحی باید به حدی از کمال و طهارت باطنی برسند که شایسته دریافت فیض الهی شوند و چنین مرتبه‌ای برای

۱. آل عمران / ۴۹.

۲. مانده / ۱۱۰.

۳. المیزان، ج ۲، ص ۲۰۰.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیات را بر مردم خوانده است.

۲. نزول در شرایط مختلف: قرآن کریم در شرایط و اوضاع گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. در طی این مدت، فراز و نشیبها و تحولات بسیار ناهمگون وجود داشته است که در منابع تاریخی بدان اشاره شده است^(۱). شرایطی چون شب و روز، جنگ و صلح، سفر و حضر، سختی و راحتی، حکم فرما بوده است.

۳. فصاحت و بلاغت تام و کامل: قرآن کریم در بعد بیانی، همواره فصاحت و بلاغت اعلی را حفظ نموده است. اولین آیات نازل شده با آیات دیگر و آخرین آیات تفاوتی در فصاحت و بلاغت ندارد.

۴. اشتغال بر معارف متنوع و ارزشمند: قرآن کریم در بعد معنوی نیز معارف الهی، اخلاق فاضله و احکام دینی در همه شئون فردی و اجتماعی را بیان نموده است و در هیچ کدام از اینها اختلافی وجود ندارد. بلکه آخرین آیه منعطف به همان حقیقتی است که اولین آیه تقریر کرده و شاخ و برگها و تفصیلات قرآن، برگشت به همان دارد که در رگ و ریشه آن ثابت و برقرار است. هنگامی که تفصیلات قانون گذاری و حکمت‌های قرآن، تجزیه و تحلیل شود، همه به حاق توحید خالص برمی‌گردد و توحید خالص قرآن را هم وقتی به صورت ترکیب درآوریم، عیناً همان می‌شود که از تفصیلات استفاده می‌کنیم. این خصوصیت و شأن خاص قرآن مجید است. کسی که در قرآن تدبیر

۱. سیره ابن هشام، ج ۱-۲، ص ۲۳۴-۶۷۷ و ج ۳-۴. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۶-۳۷۸. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۱۴-۵۸۵.

پیشین خود را نقض کند و نیز چون قبلاً سخنی برخلاف مقتضای فطرت خویش گفته است، در شرایط دیگر ناخودآگاه به مقتضای فطرت و متناقض یا متفاوت با سخن پیشین خود مطلبی ارائه دهد.

۳-۴. محدودیت

انسانها از نظر استعدادها متفاوت آفریده شده‌اند. هر یک در برخی از زمینه‌ها استعداد فوق العاده دارند ولی در سایر زمینه‌ها از حداقل یا حد متوسط فراتر نمی‌روند. و این امر سبب می‌شود آثاری که ارائه می‌دهند، به تناسب زمینه‌ها متفاوت شود. همچنین هر یک از نظر کسب کمالات در محدودیتند و امکان دستیابی به همه کمالات و در سطح عالی وجود ندارد. هر کدام برخی از کمالات را دارا می‌شوند و در برخی از کمالات به اوج می‌رسند و امور یاد شده موجب تفاوت آثار آنان می‌شود. تفاوت در استعدادها و محدودیت در کسب کمالات به میزان تعدد و تنوع کمالات و تخصصی شدن علوم و فنون، فراوانی زمینه‌های اختلاف را به همراه دارد و آشکار می‌سازد. در یک جمله تکامل تدریجی، تأثیرپذیری، خطاپذیری و محدودیت از ویژگیهای جدا ناپذیر انسان است و هر یک سبب پیدایش تفاوت و ناسازگاری در آثار انسان به ویژه آثار فکری و معرفتی اوست.^(۱)

۴. ویژگیهای قرآن

۱. نزول در طول ۲۳ سال: قرآن کریم در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و

۱. قرآن‌شناسی، ص ۱۵۸-۱۵۹.

افراد نادری از انسانها که خداوند می‌داند حاصل می‌شود. (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ)^(۱) (خداوند داناتر به این حقیقت است که رسالتش را در کجا قرار دهد.) در دریافت حقیقت قرآنی نیز ضرورت دارد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مرتبه‌ای از کمال برسد که قابلیت معارف قرآنی را، که مرتبه‌ای از علم الهی است، دارا شود. در چنین شرایطی خداوند قرآن را در قالبی که فراتر از الفاظ مادی و نوشته‌های ملموس و محسوس مادی است، بر او نازل می‌کند. از سوی دیگر، نفس پیامبر صلی الله علیه و آله در تنزل آن معارف تا حد الفاظ ملموس و محسوس مادی تأثیر دارد و به تلاوت آیات بر مردم به اذن خداوند می‌پردازد. این حقیقت را فلاسفه اسلامی به لحاظ فلسفی نیز تأیید و تثبیت کرده‌اند.^(۲)

۱. انعام/۱۲۴.

۲. اسفار اربعه، ج ۷، ص ۲۴.

خلاصه

۱. برخی در راز تنوع معجزات گفته‌اند: چون امت‌های گذشته کندذهن و کم‌بصیرت بودند، معجزات پیامبران‌شان حسی بود و چون امت اسلام در کمال فهم قرار دارند، معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (قرآن) عقلی است.

۲. در جواب این تحلیل باید گفت: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزه حسی متعددی داشته‌اند. ۲. در میان امت‌های پیشین، افراد دارای عقل برتر وجود داشته و تمدن‌های درخشانی آفریده‌اند. ۳. ادعای بلاهت اکثر امت‌های پیشین و دارای عقل برتر بودن امت اسلام در صدر اسلام، ادعایی بی دلیل است. ۴. معجزات حسی در اثبات نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله برای صاحبان عقل برتر کفایت می‌کند.

۳. قول دوم در راز تنوع معجزات این است که چون مدت زمان پیامبری پیامبران گذشته محدود بوده، معجزات‌شان نیز محدود به زمان خاصی بوده است ولی نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاودانه است، لذا معجزه‌اش نیز جاویدان است. این قول صحیح است.

۴. قول سوم این است که معجزات هر پیامبر متناسب با پیشرفته‌ترین علم و فن زمان است. این قول نیز صحیح است.

۵. برخی از تفاوت‌های قرآن با سایر معجزات عبارتند از: ۱. اتحاد ارتباط و حیانی اولیه، معجزه و پیام الهی دریافت شده در قرآن و جدایی آنها در سایر معجزات. ۲. جاودانگی قرآن و محدودیت زمانی و مکانی معجزات دیگر. ۳. مصونیت قرآن از تحریف

و معنای آیه این است که: اگر قرآن از نزد غیر خدا بود، در آن اختلاف می‌یافتند و این اختلاف، زیاد بود؛ همان گونه که در هر چیزی که از نزد غیر خداست، اختلاف زیاد وجود دارد. پس معنای آیه این طور نیست که قرآن اختلاف زیاد ندارد؛ ولی ممکن است اختلاف کمی داشته باشد. (۱)

۳-۲. تأثیر پذیری

تحول مداوم شرایط بیرونی و درونی انسان و اثرگذاری آن بر تراوشات فکری و اندیشه وی، سبب می‌شود که انسان آثار ناهماهنگ و احیاناً متضادی را پدید آورد. به ویژه آن که این اثرگذاری، در بسیاری از موارد، به صورت ناخودآگاه روی می‌دهد. تأثیر شرایط مختلف بیرونی و درونی از قبیل آسایش و آرامش، تنگدستی و گشایش، پیری و جوانی، سلامتی و بیماری، فراغت و اشتغال و نظائر آن، در رفتار و افکار انسان امری است که هر کس در زندگی شخصی خود می‌یابد و تجارب فراوان بر آن گواهی داده و آیات و روایات بر آن صحه می‌گذارد. به ویژه آثار قلمی و فکری انسان - که نیازمند تمرکز ذهن و به کارگیری دقیق قوای فکری است - تحت تأثیر این شرایط متفاوت، دچار تناقض می‌شود. (۲) بنابراین، طبق دو ویژگی مذکور، کارها و سخنان انسان در زمان‌های مختلف، به ویژه زمان طولانی و در شرایط مختلف، همواره دچار تفاوت و احیاناً تناقض است.

۳-۳. خطا پذیری

خطا پذیری انسان نیز موجب می‌شود که انسان با پی بردن به اشتباهات خویش گفته

۳. ویژگیهای انسان

۳-۱. تکامل تدریجی

این دنیا، دنیای ماده است و قانون تحول و تکامل در آن حاکم. وجود هر موجودی از موجودات جهان، تدریجی و دائماً از ضعف و نقصان به قوت و کمال متوجه است. این تغییر و تحول، شامل ذات، افعال و آثار آن می‌شود. انسان از جمله این موجودات است که همواره ذات، افعال و آثارش، دارای تحول و تکامل است. هر انسان، هر روز خود را عاقل‌تر از روز گذشته می‌بیند و عملی را که انجام می‌دهد یا نظری را که برمی‌گزیند، محکم‌تر و متین‌تر از عمل و نظر او مشاهده می‌کند. حتی انسان در کاری - که امتداد وجودی دارد مثل نوشته‌ای که نویسنده می‌نویسد یا شعری که شاعر می‌گوید یا خطبه‌ای که خطیب می‌خواند - دقت کند آخر آن را بهتر از اول و برخی را بدتر از برخی می‌یابد.

بنابراین، انسان در ذات و عمل خود از اختلاف مصون نیست و تناقض و تضاد، یک یادو مورد نیست؛ بلکه اختلاف زیادی وجود دارد و این، قانون کلی است که در انسان و موجودات پایین‌تر از او وجود دارد که تحت سیطره تحول و تکامل عمومی هستند. هیچ یک از موجودات در دو لحظه بر یک حال قرار ندارند؛ بلکه همواره اختلاف در ذات و احوالشان وجود دارد^(۱). با این بیان روشن می‌شود که چرا «اختلاف» به «کثیرا» مقید شده است. وصف «کثیراً» صفت توضیحی است نه احترازی

۱. مرحوم علامه در این عبارت، به مسأله حرکت جوهری نظر دارند. رک: آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۳۲۹.

۶. درباره نقش پیامبران علیهم‌السلام در اعجاز دو دیدگاه وجود دارد: ۱. پیامبران صرفاً ابزار اجرای معجزه هستند و هیچ نقش دیگری ندارند. ۲. پیامبران علیهم‌السلام دارای قدرت نفسانی بوده و معجزات فعل مستقیم آنان است که از قداست روح آنان سرچشمه گرفته و به اذن الهی موجود می‌شوند. براساس دلایل عقل و نقل قول دوم، حق است.

۷. نقش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اعجاز قرآن، دریافت و رساندن قرآن به مردم است.

پرسش

۱. دیدگاه تفاوت رشد عقلی امتها در باب راز تنوع معجزات را توضیح داده و نقد نمایید.
۲. اقوال صحیح در باب تنوع معجزات را بیان کنید.
۳. برخی از تفاوت‌های قرآن با دیگر معجزات را توضیح دهید.
۴. اقوال گوناگون در نقش پیامبران علیهم‌السلام در اعجاز قرآن را بیان نمایید و قول صحیح را مشخص نمایید.
۵. نقش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اعجاز قرآن چیست؟

تناقض و تضاد. یعنی برخی از عبارات، عبارات دیگری را رد کند و اجتماع آنها ممکن نباشد. مانند اینکه گوینده‌ای در قسمتی از کلامش بگوید: «امروز یکشنبه است» و بعد از گذشت چند دقیقه بگوید: امروز دوشنبه است. ۲. تفاوت. یعنی در بین سخنان گوینده، نابرابری وجود داشته باشد. مانند اینکه برخی از عبارات در اوج فصاحت و بلاغت باشد و برخی در حد فصاحت و بلاغت عادی یا فاقد فصاحت و بلاغت.

«اختلاف» در آیه ۸۳ سوره نساء شامل هر دو مفهوم می‌شود. نه در قرآن تناقض وجود دارد که برخی از آیات با برخی دیگر منافات داشته باشد و نه تفاوت وجود دارد که برخی از آیات از جهت بیان یا معنی با دیگر آیات به گونه‌ای تفاوت داشته باشد که از حد اعجاز فروتر رود و امکان همانندآوری وجود داشته باشد.

۲. بیان ملازمه

آیه شریفه، ملازمه را بین قرآن و از سوی بشر بودن آن قرار داده است. به این معنی که اگر کتابی با این خصوصیات از موجودی با ویژگیهای انسانی فراهم آید، موارد اختلاف فراوانی در آن مشاهده خواهد شد. ولی موارد اختلاف فراوانی در آن مشاهده نشده است، پس معلوم می‌شود که توسط انسان فراهم نیامده است.^(۱)

۱. البته در آیه شریفه بر خصوص انسان تکیه نشده است ولی از آنجا که محور اصلی بحث اعجاز قرآن و دیدگاههای مخالف و موافق آن، در حد توان بشر بودن یا فوق توان بشر بودن است، برای اثبات اعجاز در هماهنگی، در نظر گرفتن ویژگیهای انسان کفایت می‌کند. علاوه بر آن، اکثر این ویژگیها اختصاص به انسان ندارد و شامل سایر مخلوقات نیز می‌شود.

۱. مفهوم اختلاف

اختلاف از واژه «خَلَف» گرفته شده است. خَلَف به معنای قرار گرفتن یک شیء پس از دیگری است خواه به لحاظ زمانی باشد یا مکانی و یا مقام و یا کیفیت^(۱) معانی اختلاف عبارتند از ۱. ضد اتفاق (موافق و یک جور نبودن) ۲. جانشین کسی شدن ۳. جانشین کردن کسی ۴. از پشت گرفتن ۵. رفت و آمد کردن^(۲).

اختلاف در قرآن کریم به دو معنا به کار رفته است: ۱. عدم تساوی و اتفاق: مانند اختلاف انسانها (بقره/ ۲۱۳، آل عمران/ ۱۹، مریم/ ۳۷) اختلاف کلام غیر الهی (نساء/ ۸۲) اختلاف زبانها و رنگها (نحل/ ۶۹، فاطر/ ۲۷-۲۸) اختلاف خوراکی (انعام/ ۱۴۱) اختلاف سخن (ذاریات/ ۸) اختلاف در خبر بزرگ (نبأ/ ۳) علت تعبیر از عدم اتفاق به اختلاف این است که ابتدا یک چیز وجود دارد و سپس چیز دیگر - که با قبلی تفاوت دارد - واقع می شود و به این نابرابری اختلاف گفته می شود. به عنوان مثال، ابتدا یک زبان وجود دارد و سپس با زیاد شدن انسان، زبانهای دیگری به وجود می آید که متفاوت با زبان پیشین است و به این لحاظ، اختلاف زبانها گفته می شود.

۲. رفت و آمد مانند (بقره/ ۱۶۴ - آل عمران/ ۱۹۰) که درباره شب و روز ذکر شده است. علت تعبیر از رفت و آمد به اختلاف این است که در رفت و آمد، ابتدا یکی واقع می شود و سپس دیگری.

وصف اختلاف به معنای عدم اتفاق برای کتاب و سخن، شامل دو مفهوم است: ۱.

۱. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۲.

۲. المعجم الوسيط، ص ۲۵۱، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۲۹۵، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۰۲-۲۰۳.

❖ برای پژوهش

با بررسی کتب اعجاز قرآن و کتابهایی که درباره اعجاز قرآن بحث کرده اند مثل کتب علوم قرآنی یا تفاسیر، تفاوت قرآن با سایر معجزات را پیدا کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد راز تنوع معجزات ر.ک:

- آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۴-۵.

۲. در مورد تفاوت قرآن با معجزات دیگر ر.ک:

- همان، ص ۵-۹.

- معجزة القرآن، محمد متولی شقراوی، ص ۳۱.

- قرآن شناسی، استاد محمد تقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۴۲-۱۴۶.

۳. در مورد نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعجاز قرآن ر.ک:

- الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، جعفر سبحانی، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۴۱.

- آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸،

ج ۱-۲، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۱-۱. دلیل عقلی

هدف از نزول قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت نهایی او با بهترین شیوه است. ناهماهنگی در آیات موجب گمراهی یا حداقل تحیر می‌شود و این، نقض غرض و با حکمت خداوند سازگار نیست. پس خداوند باید قرآن را هماهنگ نازل کند تا به هدف مذکور نایل شود. همان گونه که خداوند قرآن را چنین نازل کرده است. این بیان، حداقل هماهنگی محتوایی کل آیات قرآن را به کرسی می‌نشاند.^(۱)

۱-۲. دلیل نقلی

۱-۲-۱. آیه ۸۲ سوره نساء

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند)

این آیه به روشنی بر اعجاز قرآن از جهت پیراستگی از ناهماهنگی و اختلاف دلالت می‌کند. آیه شریفه در واقع یک قیاس استثنایی است که صورت کامل آن به این بیان است «لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» و لکن لم یَجِدُوا فيه اختلافاً کثیراً فهو لیس من عند غیر الله» یعنی اگر از نزد غیر خدا بود در آن اختلاف زیادی می‌یافتند، لکن در آن اختلاف زیادی نیافتند، پس از نزد غیر خدا نیست. اینک جهت تبیین آیه ذکر چند نکته ضروری است.

درس چهارم

راههای تشخیص اعجاز قرآن

از دانش پژوه انتظار می رود که پس از فراگیری این درس:

۱. چگونگی پی بردن پیامبر ﷺ به اعجاز قرآن را دریابد.
۲. راه پی بردن ائمه معصومین علیهم السلام به اعجاز قرآن را بشناسد.
۳. به تفاوت متخصصان و توده مردم در کشف اعجاز قرآن پی برد.
۴. تفاوت معاصران پیامبر ﷺ با غیر معاصران ایشان را در کشف اعجاز قرآن بداند.

مقدمه:

در درس گذشته به بُعد بیانی قرآن اشاره شد و گفتیم که قرآن کریم علاوه بر اشمال بر معارف والا و ارزش مند، از جهت بیانی نیز، بیانی بی نظیر دارد. در نتیجه، افزون بر عقل آدمی، احساسات و عواطف او را سیراب می کند. در این درس، به بُعد معنوی قرآن کریم اشاره می شود. بررسی این درس به معنا و محتوای قرآن اختصاص دارد. در بین وجوه معنوی - که وجوه زیادی گفته شده است - وجه هماهنگی آیات قرآن، اهمیت بسزایی دارد. زیرا هم به خودی خود مهم است و نیز به خاطر اینکه در قرآن ذکر شده است. به همین جهت، مناقشه ناپذیر است. بعد از اثبات این وجه، دفع برخی از شبهات ضروری است و در پایان، به برخی از ناهماهنگی های کتاب مقدس - که از غیر الهی بودن آن حکایت می کند - اشاره می شود.

۱. هماهنگی آیات قرآن

همان گونه که بیان شد، این بعد، افزون بر اهمیت نفسی آن، ذکر آن در قرآن بر اهمیتش می افزاید. علاوه بر دلیل نقلی، دلیل عقلی نیز بر این وجه دلالت دارد که به بررسی دلایل عقلی و نقلی و غیر آن می پردازیم.

درس یازدهم

وجوه اعجاز (۴)

وجوه درون‌متنی (۲)

اعجاز معنوی (۱)

هماهنگی آیات قرآن

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس بتواند:

۱. دلیل عقلی بر هماهنگی آیات قرآن ارائه کند.

۲. نحوه استدلال بر هماهنگی آیات قرآن را بنابر آیه ۸۲ سوره نساء بیان کند.

۳. با توجه به ویژگیهای انسان و قرآن، هماهنگی آیات قرآن را ثابت کند.

۴. از صفات قرآن برای اثبات هماهنگی آیات قرآن استفاده کند.

۵. به شبهات هماهنگی آیات قرآن پاسخ دهد.

مقدمه

شناخت موجودات جهان متناسب با چگونگی وجود آنها، راه مناسب خویش را می‌طلبد. بر همین اساس طبقه‌بندی علوم و روشهای شناخت، صورت گرفته و برای شناخت هر مجموعه از موجودات روش خاصی پیشنهاد شده و بکار گرفته می‌شود. در این میان، پدیده‌هایی مانند ارتباط و حیانی با خدا از ویژگیها و ظرافتهایی برخوردارند و راه کشف و شناسایی آنها نیازمند تأمل و تعمق بیشتر است. در خصوص راه یا راههای کشف اعجاز نیز این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به اعجاز قرآن پی برد؟ آیا همه می‌توانند معجزه بودن قرآن را کشف کنند؟ یا اینکه تنها عده معدودی به فهم اعجاز قرآن قادر هستند؟ بر فرض اینکه چنین توانی در همه وجود داشته باشد، آیا کیفیت کشف اعجاز قرآن برای همه یکسان است یا متفاوت؟ آیا میان معاصران و غیر معاصران در این زمینه تفاوتی وجود دارد؟ بطور کلی از علم حضوری، بررسی تخصصی و مراجعه به متخصصان می‌توان به عنوان سه راه شناخت اعجاز یاد کرد که در این درس به طرح و بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. علم حضوری

علم حضوری، علمی است که بدون واسطه به ذات معلوم تعلق می‌گیرد و وجود واقعی و عینی معلوم برای عالم و شخص درک کننده منکشف می‌گردد. بنابراین، چون واسطه‌ای در علم حضوری وجود ندارد، امکان اشتباه منتفی است. در علم حصولی وجود خارجی معلوم، مورد شهود و آگاهی عالم قرار نمی‌گیرد، بلکه شخص از راه چیزی که نمایانگر معلوم باشد و اصطلاحاً صورت یا مفهوم ذهنی نامیده می‌شود، از آن آگاه می‌گردد. چون واسطه‌ای در این علم وجود دارد، امکان اشتباه وجود دارد.^(۱)

۱-۱. علم حضوری پیامبر ﷺ به اعجاز قرآن

۱-۱-۱. دلیل عقلی

برای عصمت پیامبران علیهم‌السلام به ویژه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که افضل انبیاست، دلایل گوناگونی ذکر شده است. یکی از دلایل به دلیل حکمت معروف است. طبق این دلیل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت مردم مبعوث شده است. حال اگر ایشان به دستورات الهی پایبند نبوده و کار ناشایست انجام دهد، مردم به ایشان اعتماد نکرده و در نتیجه هدف از بعثت محقق نخواهد شد. پس حکمت و لطف الهی اقتضاء می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گناه مصون بوده و حتی کار ناشایسته‌ای از روی سهو و نسیان هم از ایشان سر نزنند.^(۲)

برای تکمیل بحث توجه به چند نکته ضروری است. ۱. قرآن کریم، منبع اصیل و

۱. آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. آموزش عقاید، ج ۲، ص ۶۷. الالهیات، ج ۳، ص ۱۶۷.

مهم شریعت است. ۲. عمل پیامبر ﷺ به شریعت (دستورات الهی) باید بر علم مبتنی باشد. ۳. اگر علم ایشان به قرآن از طرق عادی باشد (که قطعاً چنین نبوده است) علم ایشان، علم حصولی بوده و امکان اشتباه وجود دارد. ۴. ممکن است عمل ناشایستی بر اساس فهم نادرست، صادر شود. ۵. صدور کار ناشایست، طبق مقدمات مذکور در عصمت، مخالف حکمت الهی است. در نتیجه علم ایشان به قرآن کریم، علم حضوری است و علم حضوری به قرآن مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است. چرا که علم حضوری به حقیقت قرآن (که کلام الله، تجلی و تنزل یافته ذات مقدس خداوند است) عین علم حضوری به اعجاز قرآن و ناتوانی بشر از همانندآوری است.

۲-۱-۱. دلیل نقلی

اثبات نحوه علم حضوری پیامبر ﷺ به اعجاز قرآن، از طریق دلیل نقلی، متوقف بر بررسی کیفیت تلقی قرآن است. طبق مسلمات قرآن مثل «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلٰی قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ»^(۱) و تاریخ و حدیث، پیامبر ﷺ قرآن را از طرق عادی دریافت نمی کرد. پیامبر اکرم ﷺ هنگام وحی، بدون اینکه از حواس ظاهری استفاده کند، فرشته وحی را دیده و صدای وی را می شنید. اگر دیدن و شنیدن با چشم و گوش مادی بود، باید بین او و دیگران مشترک بوده و مردم آنچه را که ایشان می دید و می شنید، می دیدند و می شنیدند. در صورتی که نقل قطعی این را تکذیب می کند. در بسیاری از اوقات که پیامبر ﷺ در بین مردم بود، به ایشان وحی می شد و مردم چیزی

- قرآن شناسی، استاد محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش: محمود رجیبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴- ۱۷۵.

۴. در مورد نمونه ای از فصاحت و بلاغت تام و کامل ر.ک:

- التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ط. ۱، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۴- ۹۸.

۵. در مورد تصویر هنری در قرآن ر.ک:

- آفرینش هنری در قرآن، سید قطب، مترجم: محمد مهدی فولادوند، بنیاد قرآن، ۱۳۵۹.

۶. در مورد سبک و نظم خاص قرآن ر.ک:

- التمهید، ج ۵، ص ۱۳۱- ۱۵۰.

۷. در مورد موسیقی قرآن ر.ک:

- التمهید، ج ۵، ص ۱۵۸- ۲۱۸.

۸. مبانی هنری قصه های قرآن، ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

❖ برای پژوهش

با مراجعه به کتب علوم قرآنی و اعجاز قرآن، نمونه‌هایی از فصاحت و بلاغت تام و کامل را استخراج کرده و وجوه برتری آنها را ذکر کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد اهمیت و جایگاه وجه فصاحت و بلاغت ر.ک:

- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسه، ج ۱، ص ۶۸.

- قرآن‌شناسی، استاد محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. در مورد معانی فصاحت و بلاغت ر.ک:

- الجواهر البلاغه، سید احمد هاشمی، قم: انتشارات مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۴۴-۶.

- کرانه‌ها/ شرح فارسی کتاب مختصر المعانی، حسن عرفان، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۲-۱۴۸.

۳. در مورد شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل ر.ک:

- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسه، ج ۱، ص ۶۹-۷۳.

احساس نمی‌کردند، نه شخص را دیده و نه کلام القاء شده (قرآن) را می‌شنیدند.^(۱) چنین علمی از مقوله و سنخ علم حضوری است. بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را با علم حضوری درمی‌یابد و اعجاز آن را نیز از طریق علم حضوری و همراه با دریافت قرآن می‌یابد. چرا که علم حضوری به قرآن (که کلام الله، تجلی و تنزل یافته از ذات مقدس خداوند است) عین علم حضوری به اعجاز قرآن و ناتوانی بشر از همانندآوری است.

۱-۲. علم حضوری ائمه علیهم السلام به اعجاز قرآن

۱-۲-۱. دلیل عقلی

حقیقت امامت نزد شیعه، انجام وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت ایشان است، پس امام باید شایستگی‌های ایشان را داشته باشد. یکی از شایستگی‌ها، مصونیت از خطا در علم و عمل است. با توجه به اینکه ۱. هدف از امامت، حفظ شریعت و هدایت مردم به سوی خداوند است. ۲. با عدم مصونیت از خطا در علم و عمل، شریعت حفظ نشده و امام نمی‌تواند مردم را به سوی خداوند هدایت کند. در نتیجه هدف از امامت تحقق پیدا نمی‌کند، حکمت الهی اقتضا می‌کند که امام به وسیله عصمت (مصونیت از خطا در علم و عمل) شریعت را حفظ و مردم را به سوی خداوند هدایت کند.^(۲)

نکاتی که توجه به آنها ضروری است: ۱. چنانکه روشن است، متعلق علم امام (جهت حفظ شریعت و هدایت مردم) شریعت است. ۲. منبع اصیل شریعت، قرآن

است. ۳. موهبتی نبودن علم به قرآن و یادگیری از طرق عادی سبب عدم مصونیت از خطا می‌شود چرا که علم حاصل شده از این طریق، حصولی است. ۴. با وقوع اشتباه شریعت حفظ نشده و مردم هدایت نمی‌شوند و این خلاف حکمت الهی است، چنانکه ذکر شد. در نتیجه علم امام به قرآن، علم حضوری است و همانگونه که ذکر شد، علم حضوری به قرآن، مستلزم علم به اعجاز قرآن است. پس ائمه علیهم‌السلام علم حضوری به اعجاز قرآن دارند.

۱-۲-۲. دلیل نقلی

۱-۲-۱. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^(۱) (پس هر که در این [بار] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسران آنان و زنانمان و زنان آنان و نفسهایمان و نفسهای آنان را فراخوانیم؛ پس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.)

برای استدلال به آیه شریفه چند مسأله باید روشن شود: ۱. مقصود از «ندع ابنا ونا و انفسنا و...» چیست؟ ۲. مراد از «انفسنا» کیست؟

پاسخ سؤال اول این است که در این سخن، ایجاز لطیفی وجود دارد و آن، اینکه منظور از کلام این است که ما پسران، زنان و نفسهای خود را فراخوانیم و شما نیز پسران، زنان و نفسهای خویش را فراخوانید. دلیل وارد ساختن پسران، زنان و نفسها در مباحله، دلالت بیشتر بر اطمینان به راستی ادعا کننده و حقانیت اوست. زیرا

۱. آل عمران / ۶۱

پرسش

۱. جایگاه وجه بیانی اعجاز قرآن را توضیح دهید.
۲. ثابت کنید که وجه فصاحت و بلاغت قرآن چه اهمیتی دارد.
۳. معنای لغوی و اصطلاحی فصاحت و بلاغت را تعریف و شروط آنها را بیان کنید.
۴. تأثیر گزینش الفاظ و ویژگیهای الفاظ قرآن در فصاحت و بلاغت آن را ذکر کنید.
۵. شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل را نام ببرید.
۶. آیه قصاص با جمله معروف نزد عرب را مقایسه کرده و حداقل هشت وجه برتری آن را بیان کنید.
۷. معارضه جدید را نقد نمایید.
۸. تصویر هنری در قرآن را توضیح دهید.
۹. سبک و نظم خاص قرآن چگونه است؟
۱۰. موسیقی قرآن چه تفاوتی با سایر موسیقی کلامها دارد؟

۸. سبک و اسلوب قرآن برخلاف روشهای متداول کلام عرب (نظم، نثر، سجع و...) است و مزایای آنها را جمع کرده و از عیبهایشان منزّه است.

۹. شنیدن آیه‌های قرآن، نه تنها برای عرب زبان بلکه برای غیر عرب زبان نیز، احساسات را تحریک و دلها را شیفته کرده و لذت توصیف‌ناپذیری به انسان دست می‌دهد.

خداوند محبت آنان را در دل انسان به گونه‌ای قرار داده است که برای حفظ و حراست آنان و دفع خطرات از ایشان، از آسایش خود و بلکه از جان خود می‌گذرد. بنابراین، مراد از «ندع... انفسنا» این است که ما نفسهای خود را فراخوانیم و چون صحیح نیست انسان، نفس خود را فراخواند، پس باید فردی وجود داشته باشد که به منزله نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

پاسخ سؤال دوم این است که گرچه مفهوم «انفسنا» عام است، لکن از نظر مصداق و شأن نزول بر فرد خاصی منطبق است، چنانکه نظایر آن در قرآن فراوان است.^(۱) این فرد بنا بر گواهی تاریخ و حدیث، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.^(۲) علاوه بر این، شواهد بسیاری وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به عنوان نفس خویش اعلام کرده است.^(۳)

بنابراین، با توجه به مطالب مذکوره به استدلال به آیه می‌پردازیم. در آیه شریفه، حضرت علی علیه السلام به منزله نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر شده است و چون این سخن، مقید به صفت خاصی نشده است، اطلاق دارد و همه صفات و حالاتی را که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد ثابت می‌کند مگر آنچه با دلیل از این اطلاق خارج شود. صفتی که

۱. مثل مجادله/ ۲ - آل عمران/ ۱۸۳ و بقره/ ۲۱۹.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۶۳۷، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۳۲؛ المیزان، ج ۳، ص ۲۲۸ - ۲۳۵؛ کشف، ج ۱، ص ۳۶۸ - ۳۶۹؛ تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۸۵ و...

۳. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره برخی از اصحاب سؤال شد، حضرت فرمودند: او گوینده کار من است. سپس فرمود: از مردم سؤال کردی ولی از نفس من (حضرت علی علیه السلام) سؤال نکردی. مجمع البیان، ج ۲ - ۱، ص ۴۵۳. یاد در فضیله قرائت سوره برائت بر مشرکین بر پیامبر نازل شد که، این آیات را نمی‌رساند جز تو یا کسی که از تو باشد. لذا حضرت، حضرت علی علیه السلام را برای قرائت سوره برائت فرستادند. علل الشرائع، ص ۱۹۰.

تنها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد، صفت نبوت است. پس این صفت از دایره اطلاق خارج می‌شود. یکی از صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درک قرآن و اعجاز قرآن با علم حضوری است. در نتیجه حضرت علی علیه السلام نیز علم حضوری به اعجاز قرآن دارند.

۲-۲-۱. «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^(۱) (و کسانی که کافر شدند می‌گویند: تو فرستاده نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد).

محور سخن در این آیه، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این آیه شریفه در برابر موضع کفار - که رسالت آن حضرت را انکار می‌کردند - می‌فرماید: شهادت خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، برای حقانیت و پایان دادن به خصومت در مسأله رسالت کفایت می‌کند. نکته مهم در این آیه روشن ساختن سه مسأله است: ۱. مقصود از شهادت چه نوع شهادتی است؟ ۲. مقصود از کتاب چه کتابی است؟ ۳. کسی که علم کتاب در نزد اوست، کیست؟

شهادت سه مرحله دارد: ۱. تحمل (فعل و سخنی که دیده و شنیده می‌شود) ۲. ضبط (آنچه که دیده و شنیده شده، نگهداشته می‌شود) ۳. اداء (آنچه دیده و شنیده شده و نگهداشته شده است، ابراز می‌شود). بنابراین، شهادت در مرحله دوم، بر شهادت مرحله اول متوقف است و شهادت سوم بر شهادت مرحله دوم و اول متوقف دارد. شهادت در مرحله اداء دو نوع است: ۱. شهادت لفظی (که در قالب الفاظ و عبارات ابراز می‌گردد). ۲. شهادت عملی (که با انجام فعلی، شهادت ابراز می‌شود).^(۲)

خلاصه:

۱. قرآن کریم علاوه بر اشتغال بر حقایق والا، از جهت بیان نیز زیبایی خاص و توصیف‌ناپذیر دارد.

۲. قرآن با فصاحت و بلاغت بی‌نظیر خود، مشرکان فصیح و بلیغ را به تحدی فراخواند و آنان لفظاً و عملاً به ناتوانی اعتراف نمودند.

۳. فصاحت در لغت به معنای آشکار شدن و در اصطلاح به معنای شیوایی کلمات می‌باشد. بلاغت در لغت به معنای رسیدن به چیزی و در اصطلاح به معنای رسایی الفاظ می‌باشد.

۴. قرآن با انتخاب واژه‌های مناسب، در حد اعلای فصاحت و بلاغت قرار دارد؛ به گونه‌ای که حذف یا جایگزینی یک کلمه، سبب فقدان برخی از مفاهیم می‌گردد.

۵. شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل عبارت است از، الف: شروط مربوط به گوینده: ۱. احاطه بر لغات ۲. احاطه بر قواعد فصاحت و بلاغت ۳. داشتن معارف. ب: شروط مربوط به کلام: ۱. تطابق کلام با قواعد فصاحت و بلاغت ۲. تطابق کلام با مافی الضمیر گوینده ۳. تطابق مافی الضمیر با واقعیت خارجی.

۶. انسان نمی‌تواند مجموع شرایط فصاحت و بلاغت تام را در همه سخنانش تأمین کند و به همین دلیل کلام وی نمی‌تواند فصیح و بلیغ تام و کامل باشد و تنها کلام خدای متعال و قرآن کریم می‌توانند فصیح و بلیغ تام و کامل باشند.

۷. تصویر هنری، اسلوب خاص قرآن است؛ ابزاری که به وسیله آن، معانی ذهنی و حالت‌های نفسانی، بیان یا حوادث گذشته و نمونه‌های انسانی، مجسم می‌گردد.

می دهد؛ سخنی که از جلال و شکوه نثر، چیزی فراتر دارد و از جمال و شیرینی شعر مایه ای افزون تر.^(۱)

استاد دراز گفته است: «وقتی آدمی می بیند که از این مخرجهای سخت جوش، چنین گوه‌رهای تابناکی با این ترتیب حروف و چنان آذین‌بندی بیرون آمده، التذادی بی حساب می‌برد و وجدی بی انتها به او دست می‌دهد. در این حروف گویی یکی می‌نوازد، دیگری طنین انداز، سومین نجواگر و چهارمین بانگ برآورنده است، پنجمین نفس را می‌لغزاند و ششمین راه نفس را می‌بندد و شما زیبایی آهنگ را در دسترس خود می‌یابید. مجموعه‌ای گوناگون و همساز، نه تکرار مکرر و نه یاه‌وار، نه سستی و نه غلظت و نه تنافری در حروف و آواها، بدین سان کلام قرآن نه به... خواری سخن بدویان و نه به نرمی کلام شعریه‌هاست؛ بلکه آمیزه‌ای است از هر دو، صلابت اولی را دارد و لطافت دومی را؛ گویی شیرۀ جان دو زبان است و نتیجه آمیختگی دو گویش.

آری قرآن چنین جامه تازه و زیبایی به تن دارد و این پوسته نیز در حکم صدفی است که در جان خود گوه‌رهای گرانبها نهفته است و مرواریدهای ارزشمند را در آغوش می‌گیرد. پس اگر زیبایی پوسته تو را از گنجینه پنهان درونش باز ندارد و تازگی و شادابی، پرده راز نهفته در ماورای خود را بر تو حایل نشود و تو پوسته را از مغز کنار زنی و صدف را از مروارید جدا بنهی و از نظم و آرایش الفاظ به شکوه معانی برسی، مایه‌ای شگفت‌تر و شکوهمندتر بر تو تجلی می‌شود و معنایی بدیع‌تر می‌یابی»^(۲)

معنای «شهاد» مورد اختلاف است. برخی معتقدند که مقصود شهادت در تحمل است نه اداء. لکن حق این است که به معنای شهادت در اداست. زیرا ارجاع دادن امر اختلافی به علم خداوند... که مفاد شهادت تحمل است... و علم خدا را دلیل بر ضرر خصم گرفتن بی معناست چرا که خصم در امر اختلافی راهی برای پی بردن به آنچه در علم خداست، ندارد. اما اگر مراد شهادت اداء باشد، ارجاع امر اختلافی به شهادت اداء راهگشاست و حق را روشن می‌سازد. شهادت خداوند که در مرحله سوم است، از نوع شهادت لفظی است؛ همچنانکه در آیه شریفه «لَکِنِ اللّٰهُ یَشْهَدُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ الْمَلٰٓئِکَةُ یَشْهَدُوْنَ وَ کَفٰی بِاللّٰهِ شَهِیْدًا»^(۱) فرموده است، این شهادت، به وسیله آیات قرآن است که رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق می‌کند. شهادت کسی که علم کتاب نزد اوست، نیز شهادت اداء و از نوع شهادت لفظی است.

در معنای «الکتاب» نیز اختلاف وجود دارد. قول صحیح این است که مقصود، قرآن کریم است. دلیل بر اراده قرآن از «کتاب» این است که احتمالات معنای «کتاب» عبارتند از: ۱. لوح محفوظ ۲. تورات ۳. تورات و انجیل ۴. قرآن. اشکال احتمال اول این است که این فرض، برخلاف ظاهر عطف است زیرا در عطف باید معطوف و معطوف علیه متفاوت باشند؛ در صورتی که طبق این فرض، یکی هستند. چرا که منظور از (من) خدای سبحان می‌شود و حال آنکه، آن عیناً در معطوف علیه ذکر شده است. علاوه بر این، این فرض، مصداقی از عطف ذات (من) با صفتش (عنده علم الکتاب) به خود ذات (الله) می‌شود که در کلام فصیح، قبیح است. اشکال احتمال دوم و

سوم این است که آنچه در آیه ذکر شده است، شهادت است نه مجرد علم در صورتی که سوره مکی است و هیچ یک از علماء اهل کتاب در آن روز ایمان نیاورده بودند. پس احتجاج به وسیله استناد به شهادتی - که احدی شهادت نداده است - معنا ندارد. بنابراین، تنها احتمال شایسته قرآن کریم است. پس معنای آیه این است که کسی که این کتاب را فرا گرفته و بدان عالم گشته و در آن تخصص یافته باشد، او گواه است بر اینکه قرآن از ناحیه خداست. در نتیجه پایان سوره به آغاز سوره برمی گردد که می فرماید: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»^(۱)

به تبع اختلاف در معنای «کتاب» مقصود از «من» نیز مورد اختلاف واقع شده است. این اقوال عبارتند از: ۱. خدای سبحان ۲. علمای اهل کتاب ۳. حضرت علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام. با توجه به اینکه در ضمن بررسی احتمالات سه گانه در معنای «کتاب» معنای (من) نیز گفته شد و بررسی گردید، از تکرار آنها صرف نظر می شود. قول صحیح این است که مقصود از (من) حضرت علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام است چنانکه در روایات وارد شده است.^(۲)

اینک به مقدمات استدلال به آیه اشاره می شود: ۱. شهادت اداء خداوند - که حضوری است - مبتنی بر شهادت تحمل حضوری است، چرا که علم خداوند به اشیاء حضوری است. ۲. عطف (من عنده علم الکتاب) بر (الله) و با یک عبارت (شهیدا) نشان می دهد که شهادت اداء (من)، فوق شهادتهای عادی است و با شهادت خداوند

آهنگی ببخشند و به نفس کشیدن قاری کمک کنند تا به سر حد فاصله و آن جایی که استادان ترتیل به طور قراردادی وضع کرده اند برسد و نفسی تازه کند.

هرگاه کسی برای چند بار به یک شعر گوش می سپارد، لحن و آهنگ آن برای او تکراری و ملال آور می شود؛ اما به هنگام شنیدن آوای گوناگون و هر دم تجدید شونده قرآن که اسباب و اوتاد و فواصل^(۱) آن پی در پی جای خود را عوض می کنند و هر کدام گوشه ای از قلب را به نوازش و می دارند، نه تنها خسته و آزرده نمی شود، بلکه عطش او برای شنیدن، همواره، فزونی می گیرد.

عرب، پیش از نزول قرآن، گاهی در شعر خود از این تنوع صوت بهره می برد؛ اما اغلب به دلیل اسراف و تکرار، تنوع آنان به ملال می انجامید. در نثر - چه مرسل و چه مسجع - نیز، چنین سلاست و روانی و شیرینی، که در قرآن مشهود است، سابقه نداشت. در بهترین نثرهای عرب عیب هایی یافت می شود که از سلاست و روانی ترکیب آن می کاست و امکان نداشت مثل قرآن قابل ترتیل باشد. اگر هم برای ترتیل آن پافشاری می شد، بوی تکلف از آن به مشام می رسید و از شأن کلام نیز می کاست.

بر این اساس، هیچ جای شگفتی نیست که عرب، در گمان خود کم ترین لقبی که به قرآن داده بود، این بود که این سخن شعر است و اگر شعر نباشد سحر است و افسون؛ و این گفتار خود حیرت زدگی عرب در قبال سخن شکوهمند و بدیع قرآن را نشان

۱. این واژه ها اصطلاحاتی در موسیقی عروض است. اگر بعد از یک حرف متحرک، یک حرف ساکن بیاید، سبب خفیف گفته می شود. اگر بعد از دو حرف متحرک، حرف ساکنی نیاید، سبب ثقیل نامیده می شود. اگر بعد از دو حرف متحرک، یک حرف ساکن بیاید، و تد مجموع نامیده می شود. اگر حرف ساکن در میان دو متحرک قرار گیرد، و تد مفروق نامیده می شود. اگر سه حرف متحرک پی در پی باشد، فاصله کوچک گفته می شود و اگر بعد از چهار حرف متحرک، یک حرف ساکن بیاید، فاصله بزرگ نامیده می شود.

عجیب و اسلوب بیگانه قرآن که برخلاف شیوه‌های کلام عرب و روشهای نظم و نثر آنان بود. پیش و پس از آن نظیری برای آن یافت نمی‌شود و کسی قادر به همانندآوری آن نیست. بلکه عقول عرب در قرآن دچار حیرت شدند و اندیشه‌شان حیران شد. مثل قرآن را در انواع کلام خویش (نثر، نظم، سجع، رجز و شعر که سخن متداول آنها بود) نیافتند. این چنین زبندگان عرب و فصحای اولین آنان در مقابل قرآن به زانو درآمدند.^(۱)

۴. نظام‌هنگ و موسیقی قرآن

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، که اخیراً بیش‌تر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، نظام‌هنگ و اژگان قرآن و به عبارت رایج دیگر، موسیقی قرآن است. نظام‌هنگ و اژگان قرآن، نغمه‌ای دلکش و نوایی دلپذیر پدید می‌آورد؛ نوایی که احساسات آدمی را بر می‌انگیزد و دلها را شیفته خود می‌کند. نوای زیبای قرآن برای هر شنونده‌ای، هر چند غیر عرب، محسوس است، چه رسد به اینکه شنونده عرب باشد. هنگام گوش جان سپردن به آوای قرآن، نخستین حالتی که اذهان را جلب می‌کند، نظام بدیع و شیوای صوتی آن است. در این نظام، حرکات و سکناات و اژگان به شکلی آرایش شده است که به هنگام شنیدن، آوایی دلنشین به گوش می‌رسد؛ آوایی که شوری در دلها می‌اندازد و نشاطی در جانها می‌دمد. از جهتی، حروف «مدّ» و «غنه» در کلمات آن به شکلی حساب شده نشسته‌اند، به طوری که می‌توانند به پژواک صدا

سنخیت دارد. علاوه بر این، اگر شهادت آنان، هم ردیف شهادت دیگر انسانها بود، وجهی برای ذکر آنان - به خصوص توصیف به (من عنده علم الکتاب) نبود. ۳. همانگونه که شهادت اداء آنان، با شهادت عادی دیگران متفاوت است. شهادت تحمل آنان نیز باید چنین باشد. دلیل نکته یاد شده این است که اگر شهادت تحمل آنان، همانند شهادت تحمل دیگران بود، وجهی برای ذکر شهادت آنان در عرض شهادت خداوند متعال نبود. بعلاوه قید (عنده ام الکتاب) از باب (تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعلية) دلالت بر آن دارد، که علت شهادت و هم‌تراز قرار گرفتن شهادت آنان با شهادت خداوند، علم ویژه آنان به کتاب است که در اختیار دیگران نیست.

با توجه به مقدمات یاد شده روشن می‌شود که ائمه معصومین علیهم‌السلام که شهادت به حقانیت رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهند، از طریق علم حضوری به حقیقت قرآن منزل و بر اساس آن، شهادت می‌دهند و حقیقت اعجاز قرآن را با علم حضوری می‌یابند و علم حضوری آنان به قرآن که عین درک خدایی بودن و معجزه بودن است، مرحله شهادت تحمل است. به عبارت دیگر، از آنجا که اداء شهادت آنان علیهم‌السلام هم‌ردیف با شهادت خداوند ذکر شده است، شهادت آنان به حقانیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قرآن کریم بر اساس تحمل حضوری است و چنانکه گفته شد علم حضوری به حقیقت قرآن، مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است. بنابراین، ائمه معصومین علیهم‌السلام به ویژه حضرت علی علیه‌السلام از طریق علم حضوری به اعجاز قرآن پی می‌برند.

۱-۲-۲-۳. «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»^(۱) (آیا کسی که از جانب

پروردگارش، بر حجتی روشن است و شاهدی از او، پیرو آن است [مانند دیگران است].
برای استدلال به آیه باید نکاتی متذکر گردد: ۱. مقصود از «من» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حسب مورد و مصداق است. ۲. «بینه» به قرینه «اولئک يؤمنون به» مطلق بصیرت الهی است، نه قرآن کریم. ۳. «یتلو» از تلو به معنای از پی رفتن و تبعیت است نه از تلاوت. ۴. ضمیر مفعولی در «یتلوه» به «من» یا «بینه» به اعتبار اینکه، آن نور یا دلیل است بر می‌گردد و در هر صورت نتیجه یکی است زیرا شاهدی که از صاحب بینه پیروی می‌کند، از بینه او نیز پیروی می‌کند. ۵. مقصود از «شاهد» طبق روایات فریقین، حضرت علی علیه السلام است. ۶. ضمیر «منه» به «من» بر می‌گردد چنانکه در آیه ۶۱ سوره آل عمران و روایات، حضرت علی علیه السلام نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شمرده شده است. ۷. مراد از شهادت، شهادت اداست نه تحمل، زیرا مقام، مقام تثبیت حقانیت قرآن است و آن با شهادت اداء مناسب است نه تحمل ۸. متعلق شهادت، حقانیت قرآن است.^(۱)

توجه به نکات ذیل نیز ضروری است: ۱. از خصوصیات «شاهد» (از «من» بودن و از پی او رفتن) فهمیده می‌شود که شهادت حضرت علی علیه السلام بر حقانیت قرآن با شهادت‌های دیگران فرق می‌کند و مبتنی بر تحمل حضوری است، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به قرآن تحمل حضوری دارند. ۲. علم حضوری به قرآن مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است.

بنابراین، حضرت علی علیه السلام علم حضوری به قرآن دارند و علم حضوری به قرآن مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است.

۱. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۸۳ - ۱۸۵ و ۱۹۴ - ۱۹۶.

شیوه بیان قرآن با هیچ یک از شیوه‌های متداول عرب شباهتی نداشت. با اینکه این گونه نظم و تألیف کلام، تازگی داشت ولی از چارچوب اسلوبهای کلامی عرب بیرون نبود. شیوه بیانی قرآن، مزایای انواع کلام را جمع نمود بدون آنکه از معایب آنها در آن پیدا شود. انواع کلام، که در میان فصحای عرب متداول بود عبارت است از شعر، نثر و سجع.^(۱)

حُسن شعر در گیرا بودن آن است که مایه جذب و نفوذ در اعماق قلب می‌گردد؛ ولی قید قافیه و رعایت وزن خاص، آزادی صاحب سخن را تا حدودی سلب می‌کند. حُسن نثر در آزاد بودن صاحب سخن است. هرگونه کلمات و الفاظی که متناسب با معنای مراد خود می‌داند آزادانه انتخاب و به کار می‌برد، ولی آن گیرایی و جذبه شعری را ندارد. سجع گرچه احیاناً به ظاهر زیباست و یک گونه هنرنمایی سخن‌وری به شمار می‌رود، ولی تکلف و دشواری و احیاناً به کار بردن کلمات نامناسب، از زیبایی آن می‌کاهد.

قرآن میان این سه نوع کلام جمع کرده است بدون اینکه معایب آنها در آن پیدا شود و این از شگفتیهای قرآن است. جذایب شعر همراه با آزادی کامل نثر و زیبایی سجع بدون تکلف را دارا می‌باشد. این ویژگی عجیب برای سخن‌دانان و سخن‌سنجان عرب از همان آغاز آشکار بوده و همواره برای علمای ادب مشهود بوده است. لذا بسیاری از بزرگان ادب، برجسته‌ترین جنبه اعجاز قرآن را در همین جهت یاد کرده‌اند، از جمله شیخ عبدالقاهر جرجانی، سکاکی، راغب اصفهانی و...^(۲)

امام کاشف الغطاء فقیه و دانشمند ادیب معروف می‌گوید: چنان است صورت نظم

۱. شعر: سخن موزون و دارای قافیه. نثر: سخن پراکنده (فاقد وزن و نظم خاص) سجع: جملات کوتاه و دارای قافیه ولی فاقد نظم و وزن خاص.
۲. علوم قرآنی، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

می‌کنند و با زبان جان دعا و استغفار! حضور زنده و گویای آنها را نه در گذشته، که فوق از منه و امکانه و نسلها، همواره، در برابر خود می‌بینیم: «وَ إِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ اَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^(۱) (و هنگامی که ابراهیم با اسماعیل پایه‌های کعبه را بالا می‌بردند [دعا می‌کردند که: ای پروردگار ما از ما بپذیر که در حقیقت تو خود شنوای دانایی! ای پروردگار ما! ما را فرمانبردار خودت قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود پدید آر و مناسک ما را به ما نشان بده و بر ما نظر لطف فرما به راستی تنها تو توبه‌پذیر مهربانی! ای پروردگار ما! در میان آنها از خود ایشان فرستاده‌ای برانگیز تا آیات خود را به آنها فرو خواند و بدانها کتاب و حکمت بیاموزد و پاکشان کند زیرا تنها تو شکست‌ناپذیر حکیمی!)

حرکت شگفت انگیزی است که از خبر به دعا منتهی می‌شود؛ نخست از ساختن خانه خدا خبر می‌دهد به قسمی که گویی پرده‌ای بالا می‌رود و ما حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل را گرم ساختن کعبه می‌بینیم و آنگاه دعای سوزان آغاز می‌شود. در متن عربی کلمه «يقولان» (آن دو می‌گویند) حذف شده و عبارت را برجسته و جاندار ساخته است و بخشی از سرِ اعجاز قرآن در همین ریزه کار یهاست.^(۲)

۳. سبک و نظم خاص قرآن

قرآن کریم با سبک جدید و اسلوب یگانه عرضه شد؛ به گونه‌ای که برای عرب بیگانه بود.

۴-۲-۱. «لقد سمعت رثة الشيطان حين نزل الوحي عليه ﷺ فقلت: يا رسول الله ما هذه الرثة؟ فقال: هذا الشيطان قد ايس من عبادته انك تسمع ما اسمع وترى ما ارى إلا انك لست بنبي و لكنك لوزير و انك لعلی خير»^(۱) (هنگامی که وحی بر پیامبر ﷺ فرود آمد، ناله شیطان را شنیدم. گفتم: یا رسول الله! این ناله، چیست؟ فرمود: این، شیطان است که از پرستش خویش مأیوس شده است. تو آنچه را که من می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را که من می‌بینم، می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و بر راه خیری.)

مؤید این روایت، روایتی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که علی علیه السلام با پیامبر ﷺ قبل از رسالت، نور می‌دید و صدا می‌شنید و پیامبر ﷺ به او فرمود: اگر من خاتم الانبیاء نبودم، تو در نبوت شریک من بودی. پس اگر پیامبر نیستی، وصی پیامبر و وارث او هستی؛ بلکه تو سید اوصیاء و امام اتقیاء هستی.

روشن است که دیدن و شنیدن با چشم و گوش مادی نبوده است؛ بلکه با قلب (روح مقدس) دیده و شنیده شده است. علمی که از چنین راهی به دست آید. علم حضوری است و همانطوری که مکرر ذکر شد، علم حضوری به قرآن، مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است. باید توجه داشت که علم حضوری حضرت ﷺ منحصر به شهود در ابتدای وحی نبود و تا پایان نزول قرآن ادامه داشت. زیرا جمله «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری» مطلق است و کل آنچه را پیامبر ﷺ در طول عمر شریفش شنیده و دیده است، شامل می‌شود.

۲. تخصص

خدای متعال به انسانها، استعدادهای مختلفی داده است. یکی از مهم‌ترین استعدادها، استعداد کسب علوم و معارف است. برخی از این استعداد استفاده نموده و به مراحل کمال علم می‌رسند و متخصص و کارشناس آن قلمرو علمی به حساب می‌آیند و نسبت به موضوعات مطرح در آن حوزه تخصصی، صاحب نظر بوده و درستی و نادرستی مدعیات در آن حوزه را می‌توانند تشخیص دهند.

در خصوص معجزات انبیاء علیهم‌السلام متخصصان می‌توانند با تدبیر در همه جوانب امر به خوبی دریابند که معجزه کاری همانند کارهای بشری نیست و مافوق کارهای متخصصان این رشته است. چنانکه ساحران فرعون، با تدبیر در نحوه کار موسی علیه‌السلام فهمیدند که کار حضرت موسی علیه‌السلام از سنخ کار آنان نیست تا با پیشرفت رشته تخصصی سحر، آنان یا متخصصان دیگر بتوانند همتای آن را بیاورند. لذا به حضرت موسی علیه‌السلام ایمان آوردند و هرگونه خطری را برای دفاع از حقیقتی که به آن رسیده بودند، تحمل نمودند. ^(۱)

بر این اساس، در مورد شناخت اعجاز قرآن نیز متخصصان می‌توانند با بررسی کارشناسانه خویش، به اعجاز قرآن و فوق توان بشر بودن و عدم امکان همانندآوری آن پی ببرند. حال این سؤال مطرح می‌شود که متخصصان تشخیص دهنده اعجاز قرآن چه کسانی هستند؟ پاسخ اجمالی این پرسش این است که چون وجوه اعجاز قرآن متعدد و متنوع است، در هر بعد از اعجاز قرآن، متخصصان آن حوزه قادر به تشخیص

۱. قرآن در قرآن، ص ۱۲۵.

احساس، در نهایت حوصله و آرامش، معنای عدم قبول و عدم امکان تا اعماق جان تو خطور کند. ^(۱)

۲. این مثال درباره حالات روحی و درونی است که مانند معانی مجرد و انتزاعی، جامه حسی در بر می‌پوشند. در بیان حالات تذبذب و سرگردانی میان شرک و توحید و دل سپردن به خدای یگانه یا خدایان دروغین متعدد، گزیدن راه هدایت یا گمراهی به نحوی خیال‌انگیز و محسوس چنین می‌فرماید: «قُلْ أَتَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُزِدُ عَلَى أَغْطَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى اثْنًا قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَ أُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» ^(۲) (بگو: آیا غیر از خدا چیزی را بخوانیم که نه ما را سود و نه ما را زیان می‌رساند و پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده باز عقب گرد کنیم؟ مانند کسی که او را شیطانها در زمین از راه به در برده‌اند و حیران بر جای مانده. وی را یارانی است که به هدایت می‌خوانند که به سوی ما بیا. بگو: هدایتی که از سوی خدا باشد، تنها هدایت واقعی است و ما مأموریم که در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شویم.)

از یک سو شیطان راه او را می‌زند و از سوی دیگر یارانش او را به راه راست فرا می‌خوانند و او پریشان و حیران و متذبذب بر سر دو راه مردد و دودل مانده است. ^(۳) ۳. اینک مثالی را یاد می‌کنیم که واقعیت خارجی داشته است؛ گرچه در روش بیان با مطالب و مثالهای گذشته مشترک و وجوه مشابهت بین آنها بسیار است. در ماجرای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل که در حال ساختن خانه کعبه‌اند، با تن کار

۱. آفرینش هنری در قرآن، ص ۴۴-۴۶.
۲. انعام / ۷۱.
۳. همان، ص ۵۳-۵۴.

تصویر هنری در قرآن تصویری است آمیخته با رنگ و جنبش و موسیقی و زنگ کلمات و نغمه عبارات و سجع جملات به گونه‌ای که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و وجدان را از خود آکنده می‌سازد. این تصویر از رنگهای مجرّد و خطوط بی روح انتزاع نشده؛ بلکه تصویری است گویا و زنده که ابعاد و مسافات، از راه مشاعر و وجدانیات در آن اندازه‌گیری می‌شود و معانی بدین صورت در نفوس آدمیان با مناظری از طبیعت که خلعت حیات بر تن پوشیده‌اند اثر می‌گذارد.

اینک به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: ۱. این مثال درباره معانی ذهنی است که جامه حسی در بر می‌پوشند. درباره ناباورانی که هرگز در بارگاه قبول او راه نخواهند یافت و مطلقاً به بهشت داخل نخواهند شد یا به عبارت دیگر، در تفهیم امری محال‌گونه و حقیقتی که کاملاً ذهنی و مجرد است اسلوب بیان با توسل به طریقه حسی و تصویری انجام می‌گیرد. «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ»^(۱) (کسانی که نشانه‌های ما را تکذیب کردند و بدان استکبار ورزیدند، درهای آسمان بر روی آنان گشوده نخواهد شد و داخل بهشت نمی‌شوند تا وقتی که شتر در سوراخ سوزن داخل شود).

بدین ترتیب تو را آزاد می‌گذارد که صورتی از باز شدن آسمان برای خود ترسیم و تصویری دیگر از داخل شدن ریسمانی قطور در سوراخ سوزن برای خود رسم کنی (جمل در عربی هم به معنای شتر و طناب ضخیم هم آمده است) و بی آنکه بخواهی به طور شتاب زده از راه ذهن مبادرت به دریافت یک معنای تجریدی کنی از راه چشم و

اعجاز قرآن می‌باشند. به فرمایش علامه طباطبائی رحمته الله قرآن معجزه برای بلیغان در بلاغت، برای فصیحان در فصاحت، برای حکماء در حکمت، برای قانون‌گذاران در قانون‌گذاری، برای سیاست‌مداران در سیاست و برای حاکمان در حکومت و بالاخره برای همه عالمیان در حقایقی که برای کشف آن راهی ندارند مانند امور غیبی، اختلاف در حکم، علم و بیان^(۱). بنابراین متخصصان از تخصصهای گوناگون - که به برخی اشاره شد - می‌توانند اعجاز قرآن را در زمینه تخصص خویش تشخیص دهند.

۳. رجوع به متخصص

رجوع به متخصص در زندگی یک اصل عقلی و عقلایی است. هم عقل انسان حکم می‌کند، چون انسانها نوعاً نمی‌توانند در همه رشته‌ها به حد تخصص برسند، لازم است و هم رویه عقل چنین است که مراجعه به متخصص را یک روش مورد قبول و پذیرش سخن متخصص را در حوزه تخصصی او لازم می‌دانند. در مورد قرآن نیز راه پی بردن به اعجاز قرآن برای توده مردم و حتی دانشمندانی که در بعد خاصی از ابعاد اعجاز قرآن تخصصی ندارند، رجوع به متخصص ضروری است و سخن و قضاوت متخصصان منصف برایشان حجت است و به حکم عقل باید به آن گردن نهند. بنابراین، راه سوم برای شناخت اعجاز قرآن، رجوع به متخصصان است.

تفاوت بین معاصران و غیر معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله

میان معاصران و غیر معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله در پی بردن به اعجاز قرآن تفاوتی وجود

ندارد. تنها تفاوت موجود میان معاصران با غیر معاصران، در نحوه انتساب قرآن به پیامبر ﷺ است. معاصران قرآن را از رسول اکرم ﷺ مستقیماً می شنیدند و هیچ شکی در انتساب قرآن به ایشان وجود نداشت. اما غیر معاصران در انتساب قرآن به پیامبر اکرم ﷺ نیاز به راهی غیر از راه معاصران (شنیدن مستقیم) دارند. این راه، تواتر انتساب قرآن به پیامبر اکرم ﷺ است که در این زمینه تواتر بی نظیری وجود دارد. بنابراین، غیر معاصران پس از اثبات قطعی انتساب قرآن به پیامبر اکرم ﷺ در کشف اعجاز با معاصران هیچ گونه تفاوتی ندارند. علاوه بر اینکه چه بسا غیر معاصران در اثر پیشرفت علوم، جلوه های نوینی از اعجاز قرآن کشف کنند که پی بردن به این وجوه برای معاصران میسر نبوده است.

پیدا کرده و یکی دیگر از شاهکارهای قرآن بیش از پیش روشن شده است. بعد از سید قطب برخی از این تعلیل دفاع کرده اند. برای یافتن مقصود از تصویر هنری به کلام خود سید اشاره می کنیم.

تصویر ابزار خاص و مناسب در اسلوب بیان قرآنی است. قرآن، معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال انگیز می نمایاند و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر مورد نظر را چون نمونه های انسانی و طبایع بشری از طریق تصویر، تفهیم می کند. صورتی را که قرآن ترسیم می کند، بزودی زنده و متحرک می شود و معانی ذهنی جان می گیرد و طبیعت بشری مجسم می شود و حوادث و مناظر و سرگذشتها همه مشهود و مرئی می گردند و حالت و معنی پیدا می کنند. اگر گفتار با آنها همراه گردد تمام عناصر خیال انگیز در آن گرد می آید به قسمی که منظره سمعی برای شنونده به زودی تبدیل به منظره بصری و صحنه ای تماشایی می گردد. گویی شخصیت های جاننداری بر روی صحنه منظور در حال رفت و آمد و گفت و شنودند. حادثه هر دم از پس حادثه روی می دهد. دریافت و کلمه و انفعال و حادثه و هماهنگی، همه دست در دست پرده مطلوب را ارائه می دهند. اینجا خود زندگی است که چهره گشایی می کند نه حکایت زندگی! ابزاری که به وسیله آن معانی ذهنی و حالت های نفسانی بیان یا حوادث گذشته و نمونه های انسانی مجسم می گردد تنها و تنها به وسیله همین الفاظ جامد یعنی واژه های بیجان صورت می گیرد. نه شخصی است که گزارشگر و نه رنگی است که توصیفگر باشد. اگر این «دقیقه» را درست درک کنیم به گوشه ای از رازهای اعجاز قرآن آشنا شده ایم.

این عبارت در نفی فرزند از خدا و پدر نبودن خدا صراحت دارد. این سخن با جملات متعددی - که بر خدای متعال پدر و بر حضرت مسیح علیه السلام پسر اطلاق شده است و پسر مستلزم داشتن پدر است - تعارض دارد. مانند (و اذ بعث به الالب) (تجسد / ۹) و (الی ابیه السماوی) (تجسد / ۱۲) و (انت هو ابن الله حقاً) (ایمان / ۹).

۲. (لیس المسيح خلیقه الله اذ کان مع الله قبل البدء و هو معه ابدًا) (تجسد / ۷)
صریح عبارت، مخلوق نبودن حضرت مسیح علیه السلام است. این سخن با (فیه و منه کان) (تجسد / ۸) تعارض دارد. چرا که معنای (منه) بوجود آمدن توسط خدای متعال است.
۳. در توصیف حضرت مسیح علیه السلام عبارات متناقضی ذکر شده است: ۱. به عنوان پروردگار (... فقالوا ا هو ربنا... فجاءهم صوت المعلم... انی انا هو) (ایمان / ۲-۳) ۲. به عنوان خدا (لیس المسيح خلیقه الله اذ کان مع الله قبل البدء و هو معه ابدًا) (تجسد / ۷) ۳. به عنوان پسر خدا (انت هو ابن الله حقاً) (ایمان / ۹) ۴. به عنوان پیامبر (انا ارسلناک للعالمین) (وصایا / ۲) و (و اذ قد ختمنا بک الانبیاء) (وصایا / ۵) و (و اذ بعث به الالب للعالمین) (تجسد / ۹)

تذکر این نکته ضروری است که معارضه‌هایی که تاکنون صورت گرفته است، همواره دچار اشکال اقتباس از قرآن و عدم تطابق با فصاحت و بلاغت تام و کامل بوده است.

۲. تصویر هنری در قرآن

اصطلاح «تصویر هنری» نزد قداما شایع نیست. آنان به جای این اصطلاح، از واژه‌های تشبیه، استعاره، تمثیل و مجاز استفاده می‌کردند. این اصطلاح توسط سید قطب رواج

خلاصه:

۱. علم حضوری، علمی است که بدون واسطه به ذات معلوم تعلق می‌گیرد. در علم حصولی، شخص به وسیله صورت یا مفهوم ذهنی از شیء یا شخص درک شونده آگاه می‌شود.

۲. دلیل عقلی علم حضوری پیامبر صلی الله علیه و آله به اعجاز قرآن این است که: عمل پیامبر صلی الله علیه و آله به شریعت باید بر علم مبتنی باشد. اگر علم ایشان به شریعت، از طرق عادی باشد، حصولی است و در نتیجه امکان اشتباه وجود دارد. اگر بر اساس فهم نادرست، عمل ناشایست؛ صادر شود، مردم به ایشان اعتماد نمی‌کنند و در این صورت هدف از بعثت محقق نمی‌شود، و این خلاف حکمت است. پس علم حضرت به شریعت، که منبع علم آن قرآن است، حضوری بوده و علم حضوری به قرآن مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است.

۳. روح مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را بدون وساطت حواس ظاهری دریافت می‌کند، لذا علم ایشان به قرآن حضوری است و چنانکه گفته شد علم حضوری به قرآن مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است.

۴. هدف از امامت، حفظ شریعت و هدایت مردم است. اگر علم امام به شریعت از طرق عادی و حصولی باشد، امکان اشتباه در آن وجود دارد. در صورت وقوع اشتباه امام نمی‌تواند شریعت را حفظ و مردم را هدایت کند و این نقض غرض و خلاف حکمت است، پس علم امام به شریعت باید حضوری باشد و علم حضوری به شریعت - که منبع آن قرآن است - مستلزم علم حضوری به اعجاز قرآن است.

۵. حضرت علی علیه السلام به منزله نفس پیامبر اکرم است. یکی از صفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله درک اعجاز قرآن با علم حضوری است. پس حضرت علی علیه السلام نیز دارای این مقام هستند.

۶. از برخی از آیات استفاده می‌شود که شهادت ائمه علیهم السلام بر حقانیت قرآن، هم‌ردیف شهادت خداوند و مبتنی بر شهادت تحمل با علم حضوری است. لذا علم حضوری به اعجاز قرآن دارند.

۷. از خصوصیات ذکر شده در آیه برای حضرت علی علیه السلام می‌توان فهمید که شهادت ایشان با شهادت‌های دیگران متفاوت و مبتنی بر تحمل حضوری است.

۸. طبق برخی از احادیث، حضرت علی علیه السلام علم حضوری و شهودی به قرآن دارند.

۹. متخصصان رشته‌های مختلف با بررسی کارشناسانه قرآن، می‌توانند به اعجاز قرآن و فوق توان بشری بودن و عدم امکان همانندآوری پی ببرند.

۱۰. غیر متخصصان می‌توانند با رجوع به متخصصان از اعجاز قرآن آگاه شوند.

۱۱. تفاوت معاصران با غیر معاصران تنها در نحوه انتساب قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

است.

کشتن آنان به خاطر روزی نمی‌دهد و چنین کاری را جایز نمی‌داند.

۷. (قل یا ایها المسلمون انکم لفی ضلال بعید) (مسلمون/ ۲)

طبق این سخن، مسلمانان در گمراهی‌اند. واقعیت این است که مسلمانان در هدایتند و دیگران در گمراهی.

۸. (و اذ قال الله یا محمد اغویت عبادی و جعلتهم من الکافرین) (مسلمون/ ۸)

بنابراین گفتار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گمراه کننده بندگان است و نیز ایشان، بندگان را کافر کرده است. واقعیت این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هادی بندگان بوده است.

۹. (قال ربی انما اغوانی الشیطان) (مسلمون/ ۹)

بنابراین کلام، شیطان، پیامبر صلی الله علیه و آله را گمراه کرده است. واقعیت این است که نه شیطان، او را گمراه نموده است و نه چنین کاری از دست او بر می‌آید. اساساً طبق ادله عصمت، پیامبر صلی الله علیه و آله از وسوسه و گمراهی شیطان، در امان است. در نتیجه، اتهام گمراهی مسلمانان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اتهامی کاملاً نادرست و مخالف با واقع است.

۳. تناقض

همانگونه که در درس یازدهم به طور تفصیل ذکر خواهد شد، یکی از خصوصیات قرآن کریم، نبود هرگونه تناقض در آن است. قرآن با اینکه در شرایط مختلف زمانی و مکانی نازل شده است، کم‌ترین تناقضی در آن دیده نمی‌شود. این چهار سوره با اینکه جملات اندکی دارد، دارای تناقضهای زیادی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. (سبحانه رب العالمین ان یتخذ من خلأفه ولدا) (تجسد/ ۶)

۲. (لیس المسيح خلیقة الله إذ كان مع الله قبل البدء و هو معه أبداً فيه و منه كان مع روح قدسه إلهاً سرمدیاً واحداً أحداً) (تجسد/ ۸۷) بنا بر مفهوم سخنان مزبور خدای دیگری به عنوان و نام حضرت مسیح علیه السلام وجود دارد و حضرت مسیح علیه السلام مخلوق خدا نیست. بلکه وی با خدا قبل از آفرینش بوده و خواهد بود. در صورتی که واقعیت این است که خدای متعال واحد و احد است و خدای دیگری وجود ندارد. حضرت مسیح علیه السلام نیز مخلوق و بنده خداست و قبل از آفرینش با خدا نبوده است.

۳. (مات عن الانسان فدی) (تجسد/ ۱۱)

در این عبارت، به مرگ و فدا شدن حضرت مسیح علیه السلام تصریح شده است. واقعیت این است که حضرت مسیح علیه السلام نمرود و فدیة بودن ایشان نیز ناصواب است.

۴. (و الی ابیه السماوی بعد ثلاثة ايام صعد) (تجسد/ ۱۰)

طبق این کلام، حضرت مسیح علیه السلام بعد از سه روز به سوی پدر صعود کرده است. واقعیت این است که نه حضرت مسیح علیه السلام مرده و نه پس از سه روز به سوی پدر صعود کرده است.

۵. (اذ قد ختمنا بک الانبیاء و جعلناک علیهم امیراً) (وصایا/ ۵)

در این گفتار، ختم نبوت به وسیله حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است. واقعیت این است که ختم نبوت به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله تحقق یافته است.

۶. (قل لعبادی الذین امنوا یغزوا من ارادوا و یقتلوا من اجل رزقهم) (وصایا/ ۱۱)

بنابر این عبارت، مؤمنان می توانند با هر که بخواهند جنگ کنند و به خاطر روزیشان آنها را بکشند. واقعیت این است که هیچ عاقلی حکم به جنگ با هر کس و

پرسش

۱. علم حضوری و علم حصولی را تعریف و فرق آنها را بیان نمایید.
۲. دلیل عقلی حضوری بودن علم پیامبر صلی الله علیه و آله به اعجاز قرآن را تبیین کنید.
۳. به چه دلیل، علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به اعجاز قرآن، علم حضوری است؟
۴. دلیل عقلی بر حضوری بودن علم ائمه علیهم السلام به اعجاز قرآن را توضیح دهید.
۵. با استدلال به «انفسنا و انفسکم» علم حضوری حضرت علی علیه السلام به اعجاز قرآن را ثابت کنید.
۶. آیا دلیل نقلی به علم حضوری ائمه علیهم السلام به اعجاز قرآن وجود دارد؟ توضیح دهید.
۷. کدام حدیث بر وجود علم حضوری حضرت علی علیه السلام به اعجاز قرآن دلالت می کند؟ آن را تجزیه و تحلیل کنید.
۸. متخصصان چگونه می توانند به اعجاز قرآن پی ببرند؟
۹. نحوه آگاهی غیر متخصصان از اعجاز قرآن چگونه است؟
۱۰. تفاوت معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله با غیر معاصران در چیست؟

❖ برای پژوهش

به روایاتی که در کتب تاریخ و حدیث درباره حالات پیامبر ﷺ در هنگام وحی اشاره شده است، مراجعه کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد علم حضوری پیامبر اکرم ﷺ به اعجاز قرآن ر.ک:

- قرآن در قرآن، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸، ص ۳۷-۳۸ و ۶۴.

- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی، قم: منشورات

جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسه، ج ۱۵، ص ۳۱۷-۳۱۹.

۲. در مورد علم حضوری ائمه علیهم السلام به اعجاز قرآن ر.ک:

- قرآن در قرآن، ص ۳۹-۴۱.

۳. در مورد تخصص ر.ک:

- قرآن در قرآن، ص ۱۲۴-۱۲۷.

نه همراه شخص دیگر، عبارت (بعث به) نادرست است و (بعثه) صحیح می باشد.

۲. و اذ کر فی الكتاب الحواریین اذ عصفت الريح بهم لیلا و هم یبحرون (ایمان / ۱۱)

با توجه به معنای واژه (عصفت) و سیاق جمله واژه (بهم) بی معنا و زاید است.

۳. عسی ان یدلل الله شکی بیقین (ایمان / ۴)

(بدل) در این موارد به خودی خود به دو مفعول متعدی است زیرا به معنای

(جعل) و (صیر) است که آنها دو مفعول طلبند. همانگونه که در قرآن مفعول دوم

بدون حرف باء استعمال شده است مانند: فرقان / ۷۰؛ ابراهیم / ۲۸.

۴. (فاطلب الیک جبریل یأتیک ساعیا مأمورا) (وصایا / ۱۰)

با توجه به جزم (یأتیک) به سبب حذف و فعل شرط محذوف، واژه درست

(یأتیک) است.

۲-۲. عدم تطابق با واقعیت خارجی

یکی از شرایط فصاحت و بلاغت تام و کامل، مطابقت کلام با واقعیت خارجی است. با

صرف نظر از اقتباس از قرآن و فصاحت و بلاغت، سوره های جعلی در موارد بسیاری

با واقعیت خارجی - که دلایل عقلی و نقلی بر آن دلالت دارد - منافات دارد.

۱. (سبحان الذی خلق السموات فلم یجعل لها حدّا) (تجسد / ۱)

طبق مفاد سخن مزبور، آسمانها نامحدودند. در حالی که لازمه مخلوق بودن

آسمانها، محدودیت آنهاست و تنها خدای متعال به جهت واجب الوجود بالذات

بودن، نامحدود است.

است. فردی که ادعای همانندآوری دارد، باید سخنی عرضه کند که فصاحت و بلاغت در حد قرآن باشد. لکن سوره‌های جعلی فاقد فصاحت و بلاغت تام و کامل است. برخی از مغایرتهای سوره‌ها با فصاحت و بلاغت تام و کامل عبارت است:

۲-۱. عدم تطابق با قواعد فصاحت و بلاغت

سوره‌های جعلی دارای عباراتی است که بکارگیری آنها برای رساندن مقصود نویسندگان سوره‌ها، نادرست است. لذا اصلاً اطلاق فصیح به این کلام نارواست، چه رسد به اطلاق فصیح و بلیغ تام و کامل. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. و اذ بعث به الالب للعالمین (تجسد / ۹)

مفاد جمله این است که پدر، مسیح را برای جهانیان فرستاده است. اشکال عبارت، ذکر حرف باء است. به نظر برخی از اهل لغت، چیزی که خود به خود برسد مثل انسان، فعل متعدی بنفسه است و در این صورت (بعثته) گفته می‌شود. ولی اگر چیزی خود بخود نرسد مانند کتاب و هدیه و نیاز به فرستادن آن به وسیله چیز دیگر باشد، فعل متعدی به حرف باء است و در این صورت (بعثت به) گفته می‌شود.^(۱) با توجه به اینکه حضرت مسیح علیه السلام از نوع اول است، بایستی حرف باء حذف شده و عبارت چنین باشد (و اذ بعثه الالب للعالمین). به نظر برخی دیگر اگر کسی به تنهایی فرستاده شود، (بعثه) گفته می‌شود ولی اگر همراه با دیگری فرستاده شود، (بعثت به) گفته می‌شود.^(۲) با توجه به اینکه طبق نظر مسیحیان، پدر حضرت مسیح علیه السلام را تنها ارسال کرده است و

۱. مصباح المنیر، ص ۵۲.

۲. لسان العرب ج ۲، ص ۱۱۶.

درس پنجم

مبانی اثبات اعجاز قرآن (۱)

تحدی

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:

۱. با مبنای اول اثبات اعجاز قرآن آشنا شود.
۲. تحدی را تعریف نماید و برهان آن را بیان کند.
۳. اقسام تحدی در قرآن را بداند.
۴. از برخی از نکات آیات تحدی آگاه شود.
۵. راز تحدی‌های گوناگون را بداند.
۶. قلمرو تحدی را بازشناسد.

پیامبر ﷺ با استفاده از اسلوب و واژه‌های قرآنی و تبدیل برخی از کلمات، می‌توانستند کلامی همانند قرآن عرضه کنند؛ بدون اینکه به تهمت، آزار جنگ و... نیازی داشته باشند. ولی آنها چون با اسلوب معارضه آشنا بودند و رموز بلاغت قرآن را درک می‌کردند، زیر بار معارضه با قرآن نرفته و بر ناتوانی خویش اعتراف نمودند. حال، برخی از آیات قرآن کریم و سوره‌های مجعوله مقایسه می‌شود تا اقتباس نویسندگان روشن شود.^(۱)

سوره مسلمون	قرآن کریم
۱. الصم (۱)	۱. المص (اعراف/ ۱)
۲. قل یا ایها المسلمون انکم لفی ضلال بعی (۲)	۲. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ (اعراف/ ۱۵۸)
	۳. انکم لفی قولٍ مُّخْتَلِفٍ (ذاریات/ ۸)
	۴. لَیْی ضَلَالٍ بَعِیدٍ (شوری/ ۱۸)
۳. وجوه یومئذ صاغرة (۴)	۳. وَجُوهٌ یُّؤْمِنُ بِخَاشِعَةٍ (غاشیه/ ۲)
۴. وان قضی الله امرا فانه اعلم بما قضی (۱۱)	۴. اِذَا قُضِيَ لِلّٰهِ وُزُوْلُهُ اَمْرًا اَنْ یَّکُوْنَ لَهُمُ الْجِزَیَّةُ مِنْ اَمْرِہِم (احزاب/ ۲۶)
۵. و هو علی کل شیء قَدِیر (۱۱)	۵. وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (هود/ ۴)

۱. اکبر اسدزاده، سوره‌های دروغین در شبکه اینترنت، مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۳۳، سال نهم، ص ۱۴۰-۱۵۳.

نقد و بررسی موارد تحدی به قرآن (پایان نامه)، سعید شمس، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال ۱۳۷۹.

تعریف تحدی

تحدی در لغت به معنای مبارزه طلبی است^(۱) و در اصطلاح به معنای دعوت نمودن منکران نبوت به آوردن مثلی برای معجزه است. تحدی اختصاص به اعجاز قرآن کریم ندارد بلکه معجزات پیامبران گذشته (علیهم‌السلام) نیز همواره همراه تحدی بوده است و آن رسولان الهی همیشه به مردم زمان خود می‌گفتند: هر کس در حقانیت این معجزه تردید دارد و آن را کاری بشری می‌داند، اگر می‌تواند شبیه آن را بیاورد.

تحدی مشتمل بر قیاس و برهان است: بدین گونه که «لو کان هذا الكتاب من عند غیر الله لامکن الاتیان بمثله لکن التالی باطل فالمقدم مثله». یعنی اگر این کتاب، کلام الله نباشد. پس کلام بشری است و اگر بشری باشد، پس شما هم که بشر هستید باید بتوانید مثل آن را بیاورید اگر شما توانستید مثل آن را بیاورید، بشری بودنش اثبات می‌شود و اگر نتوانستید، معلوم می‌شود که بشری نیست و معجزه است که اثبات‌کننده ادعای نبوت و رسالت آورنده آن، خواهد بود.

قیاس تحدی، مشتمل بر قاعده تماثل است. وقتی که دو نفر از یک نوع باشند و اوصاف مشترکی داشته باشند، آن دو نفر را مثلاً می‌گویند و حکم عقل درباره مثلاً این است که «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد» یعنی اگر کاری را بشری توانست انجام دهد، دیگر هموعان او نیز می‌توانند آن را انجام دهند و اگر این کتاب (قرآن) را بشر آورده است، پس شما هم که بشر هستید، باید بتوانید کتابی مانند آن و معجزه‌ای چون آن بیاورید.^(۲)

۱. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۶۸.

۲. قرآن در قرآن ص ۱۲۸-۱۲۹.

اقسام تحدی در قرآن

خدای سبحان در آیات خود می‌فرماید که قرآن کتابی نیست که بشر بتواند مثل آن را بیاورد؛ زیرا کتابی الهی است که به علم و قدرت و عزت و حکمت و دیگر اسمای حسنی تکیه دارد و تجلی ذات اقدس اله است. در بعضی از روایات نیز در عظمت قرآن آمده است که چون خدای سبحان (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) است و مثل و مانندی ندارد، کتاب و کلام او نیز که تجلی اوست، بی‌نظیر است (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)^(۱)

در قرآن کریم چندین بار، به این کتاب تحدی شده است که عبارتند از:

۱. «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»^(۲) (بگو اگر انس و جن گرد هم آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که برخی از آنها، پشتیبان برخی باشند).

۲. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۳) (آیا می‌گویند: آن را به دروغ ساخته و به خدا نسبت داده است. بگو: اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن را بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید (به یاری) فراخوانید).

۳. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۴) (آیا می‌گویند: این را به دروغ ساخته و به خدا نسبت داده است. بگو اگر راست می‌گویید، ده سوره ساختگی مانند آن را بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید (به یاری) فراخوانید).

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. اسراء / ۸۸.

۳. یونس / ۳۸.

۴. هود / ۱۳.

لَا تَخَذُ مِنَ الْحِجَارَةِ أَوْلَاداً لَهُ أَذْهُو الذِّی قَالَ لِلْكَوْنِ كُنْ فَكَانَ وَ سُبْحَانَهُ أَنْ یَسْتَشِیرَ فِی أَمْرِهِ أَحَدًا (۵) سُبْحَانَهُ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ أَنْ یَتَّخِذَ مِنْ خَلْقِهِ وَلَدًا (۶) قُلْ لِلَّذِیْنَ یَمْتَرُونَ فِیْمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِ لَیْسَ الْمَسِیْحُ خَلِیقَةُ اللَّهِ إِذْ كَانَ مَعَ اللَّهِ قَبْلَ الْبَدْءِ وَ هُوَ مَعَ أَهْدًا (۷) فِیه وَ مِنْهُ كَانَ مَعَ رُوحِ قُدْسِهِ إِلَهًا سَرْمَدِیًّا وَاحِدًا أَحَدًا (۸) وَ إِذْ بَعَثَ بِهِ الْآبَ لِلْعَالَمِیْنَ كَمَا وَعَدَ (۹) حُلٌّ فِی بَطْنِ عِذْرَاءَ كَلِمَةً وَ خَرَجَ مِنْ جَسَدِهَا (۱۰) عَاشَرَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا تَمَاتَ عَنِ الْإِنْسَانِ فِدِی وَ كَالْإِنْسَانَ رَقْدًا (۱۱) وَ إِلَى آبِیهِ السَّمَاوِیِّ بَعْدَ ثَلَاثَةِ آیَامٍ صَعَدَ (۱۲) إِنْ الذِّیْنَ كَفَرُوا بِآبَاتِهِ وَ قَالُوا قَوْلًا إِذَا (۱۳) لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ أَمَدِهِ بُدًّا (۱۴) أَمَّا الذِّیْنَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ مَسِیْحِهِ فَلَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ جَنَّاتُ نَعِیمٍ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا (۱۵)

بررسی معارضه‌های جدید

مقایسه بین معارضه‌های جدید و قرآن کریم نشان می‌دهد که نویسندگان آن‌ها بیشتر جملات را از خود قرآن اقتباس کرده و با اضافه نمودن چند لفظ، تعدادی جمله مهمل، نادرست و بی‌پایه ارائه کرده‌اند. اینک به طور اختصار به برخی از اشکالات سوره‌های جعلی اشاره می‌شود:

۱. اقتباس از قرآن

یکی از اصول مهم معارضه، بکارگیری الفاظ جدید با اسلوب خاص است. معارضه این نیست که مدعی معارضه با کلام فصیح، از اسلوب و الفاظ آن استفاده کند و تنها برخی از واژه‌ها را تغییر دهد. اگر معارضه به این آسانی باشد، مشرکان معاصر با

ختمنا بک الأنبياء و جعلناک علیهم أمیراً (۵) فانسخ مالک أن تنسخ ممّا امرناهم به فقد سمعنا لک ان تجری علی قراراتنا تغییراً (۶) قل لعبادی الذین آمنوا إن ثناءوا يستعیدوا بالرحمن أن لا یضحک منهم الشیطان و لیکبرو الله إن عطسوا تکبیراً (۷) و أن لا یقتنوا فی بیوتهم کلباً و لا یضعوا علی حیطانهم تصویراً (۸) و إذا أرادوا انتعالاً فلیبدأوا بالیمین قبل الشمال و ان لم یفعلوا فقد اقترفوا نهباً کبیراً (۹) و ان تبرزوا فلیمسحوا مؤخراتهم بحجار ثلاثه و ینتهوا عن الروث اذ قد جعلناه للجنّ غذاء و علی المؤمنین أمراً محظوراً (۱۰) قل لعبادی الذین آمنوا یغزوا من أرادوا و یقتلوا من أجل رزقهم و من لم یغز منهم أولم یحدث نفسه بغزومات منافقاً منکورا (۱۱) و للذین ینخشون سحراً یا کلوا سبع عجوات ینجیهم الله من السحر و یبعد عنهم شراً مستطیراً (۱۲) قل لعبادی ان ارادوا أن یحلفوا فلیحلفوا بالله و لا یخافوا تبذیراً (۱۳) و أن ینکحوا ما طاب من النساء مثنی و ثلاث و رباع أو ما ملکتم أیمانهم إنا جعلنا لهم الدین أمراً سیراً (۱۴) و إذا فرغت من بین یدیک الوصایا فاطلب إلیک جبریل یتیک ساعیاً مأموراً (۱۵) و ان شغل عنک فعلیک بورقة بن نوفل و استفد منه قبل ان تتوفاه فیصبح الوحی علیک أمراً عسیراً (۱۶)

۴. سورة التجدد

سبحان الذی خلق السموات فلم یجعل لها حدّاً (۱) و خلق الأرض و کورها و جعلها ماء و جلدّاً (۲) قل للذین خدعوا به عوة الشیطان عمیت بضائرکم فافتریتم علی الله کذباً و کتمتم للشیطان سندا (۳) إن الشیطان کان للإنسان عدواً ألدّاً (۴) لو شاء ربکم

۴. «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^(۱) (پس اگر راست می‌گویند سخنی مثل آن

بیآورند)

۵. «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۲) (و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس اگر راست می‌گویید، سوره‌ای همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا (به یاری) فراخوانید.)

نکاتی درباره آیات تحدی

۱. نکات عمومی

۱-۱. واژه (مثل) در همه آیات تحدی به کار رفته است. مثل در لغت به معنای شبیه^(۳) و نظیر و^(۴)... به کار رفته است. برخی از لغویان با ردّ مترادف گفته‌اند: ندّ تنها به معنای مشارکت در جوهر، شبه تنها به معنای مشارکت در کیفیت، مساوی تنها به معنای مشارکت در کمیت، شکل تنها به معنای مشارکت در قدر و مساحت است و مثل در همه اینها عمومیت دارد^(۵). به نظر می‌رسد سازگارترین معنا در این بحث معنای اصطلاحی منطقی مثل است که در برهان تحدی به آن اشاره شده است طبق این معنی مثل به معنای اشتراک در صفات و از یک نوع بودن است؛ به عنوان مثال وقتی دو نفر از

۱. طور / ۳۴.

۲. بقره / ۳۳.

۳. صحاح اللغة ج ۵، ص ۱۸۱۶، مصباح المنیر، ص ۵۶۳.

۴. مقاییس اللغة ج ۵، ص ۲۹۶.

۵. مفردات ص ۷۵۹.

یک نوع بوده و اوصاف مشترکی داشته باشند، آن دو نفر را (مثلاً) می‌گویند^(۱). مقصود از آوردن مثل قرآن، نیز آوردن نوشته‌ای است که در اوصاف اصلی قرآن با نوشتار قرآنی مشترک باشد بگونه‌ای که یک نوع تلقی شوند.

۱-۲. واژه (سوره - سور) در برخی از آیات تحدی به کار رفته است. سوره در اصطلاح به معنای مجموعه‌ای از آیات است که دارای ابتدا، انتهای و نام خاصی است^(۲). (سوره) در قرآن دو کاربرد یا مصداق دارد: ۱. سوره اصطلاحی، مثل «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^(۳) (این) سوره‌ای است که آن را نازل کردیم و آن را فرض گردانیدیم و در آن، آیاتی روشن فرو فرستادیم باشد که شما پند پذیرید ۲. طائفه‌ای از آیات گرچه کمتر از یک سوره اصطلاحی باشد؛ مانند «يَخَذِرُ الْمُُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ»^(۴) (منافقان بیم دارند که از اینکه (مبادا) سوره‌ای درباره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دلهایشان هست، خبر دهد) و «وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ»^(۵) (و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، ثروتمندانشان از تو عذر و اجازه خواهند و گویند: بگذار ما با خانه‌نشینان باشیم) روشن است که در این موارد، مراد سوره کامل به معنای رایج آن نیست؛ زیرا هراس منافقان و انتظار مومنان از نزول سوره تام و کامل نبود^(۶). هم چنین

۱.

۲. نفحات الرحمان، ج ۱، ص ۸۷.

۳. نور / ۱.

۴. توبه / ۶۴.

۵. توبه / ۸۶.

۶. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۳۰۰-۳۰۱.

اغواهُمْ الْإِنْسَانُ وَيَبْعُثُ بِالَّذِي كَانَ لِلشَّيْطَانِ نَصِيرًا إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰) وَإِنْ قَضَى اللَّهُ أَمْرًا فَإِنَّهُ أَعْلَمُ بِمَا قَضَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۱)

۲. سورة الايمان

واذْكُرْ فِي الْكِتَابِ الْحوَارِيْنَ اِذْ عَصَفَتِ الرِّياحُ بِهِمْ لَيْلًا وَهُمْ يُجِيرُونَ (۱) اِذْ تَدَاعَىٰ عَلَى الْمِيَاهِ لَهُمْ طَيْفٌ الْمَسِيحِ يَمْشِي فَقَالُوا هُوَ رَبُّنَا يَهْزَأُ بِنَا اَمْ قَدِ مَسَّنَا ضَرْبٌ مِنْ جُنُونٍ (۲) فَجَازَهُمْ صَوْتُ الْمَعْلَمِ اَنْ لَا تَخَافُوا اِنِّي اَنَا هُوَ اَفَلَا تَبْصُرُونَ (۳) فَهَتَفَ هَاتِفٌ مِنْهُمْ يَقُولُ رَبِّي مُزْنِي اِنْ كُنْتَ حَقًّا هُوَ، اَتَى عَلَى الْمِيَاهِ الْيَك، عَسَى اِنْ يَبْدَلُ اللَّهُ شَيْئًا بِيَقِيْنٍ (۴) قَالَ فَاسْمَعْ اِلَيَّ وَلَتَكُنْ لِلنَّاسِ اَيَّةٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵) وَ اِذَا طَوَّقَ الْحوَارِيُّ يَمْشِي رَأَى شِدَّةَ الرِّيحِ فَخَافَ وَ بَدَأَ يَغْرَقُ فَصَاحَ بِرَبِّهِ يَسْتَعِيْن (۶) فَمَدَّ بِيَمِيْنِهِ لَهْ فَاَخَذَهُ هَمَا وَ قَالَ يَا قَلِيلَ الْاِيْمَانِ هَذَا جَزَاءُ الْمُؤْمَرِيْنَ (۷) وَ اِذْ رَكِبَ السَّفِيْنَةَ مَعَهُ سَكَنَتِ الرِّياحُ لَتَوَّهَا فَسَبَّحَ الْحوَارِيُونَ بِحَمْدِهِ وَ هَتَفُوْا لَهُ قَائِلِيْنَ (۸) اَنْتَ هُوَ اِبْنُ اللَّهِ حَقًّا، بَكْ نَحْنُ اٰمَنَّا، وَ اَمَامَكَ نَخْرُ سَاجِدِيْنَ (۹) قَالَ طَوْبِي لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا اِيْمَانَهُمْ بِشَكِّ فَاولئك هم الْمَفْلُحُونَ (۱۰)

۳. سورة الوصايا

المذ(۱) انا ارسلناك للعالمين مبشرا و نذيرا (۲) تقضى بما يخطر بغيرك و تدبر الامور تدبيرا (۳) فمن عمل بما رايت فلننفسه و من لم يعمل فلسوف يلقي على يديك جزاء ميرزا (۴) انا اعطينا موسى من قبلك من الوصيات عشرة و نعطيكم عشرات اخرى اذ قد

در آغاز یک شرکت آمریکائی^(۱) با اقدامی شیطننت آمیز، سوره‌هایی با نامهای «مسلمون، تجسد، وصایا و ایمان» را عرضه نمود که با مخالفت گسترده مجامع اسلامی از جمله دانشگاه الازهر و برخی نویسندگان عرب مسلمان مواجه و نهایتاً تعطیل شد. سپس شرکت انگلیسی^(۲)، سایت دیگری برای ارائه و نشر همان صفحات چهارگانه اقدام نمود.

لازم به یادآوری است که در این پایگاه به نویسندگان یا سازنده این سوره‌های جعلی هیچ اشاره‌ای نشده است.^(۳)

۱. سوره مسلمون

الصم (۱) قُلْ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ إِنَّكُمْ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ
مَسِيحِهِ لَهُم فِي الْأَجْزَةِ نَارُ جَهَنَّمَ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۳) وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ صَاغِرَةٌ مَكْفَهْرَةٌ
تَلْتَمِسُ عَفْوَ اللَّهِ وَاللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ (۴) يَوْمَ يَقُولُ الرَّحْمَنُ يَا عِبَادِي قَدْ أَنْعَمْتُ عَلَى
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِالْهُدَى مِنْزَلًا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ (۵) فَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُكَفَرُوا بِمَا
أَنْزَلْتُ وَ تَضَلُّوا سِوَا السَّبِيلِ (۶) قَالُوا رَبَّنَا مَا ضَلَلْنَا أَنْفُسَنَا بَلْ أَضَلَّنَا مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ مِنَ
الْمُرْسَلِينَ (۷) وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ أَغْوَيْتَ عِبَادِي وَ جَعَلْتَهُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ (۸) قَالَ رَبِّي
إِنَّمَا اغْوَانِي الشَّيْطَانُ إِنَّهُ كَانَ لِبَنِي آدَمَ أَعْظَمَ الْمَفْسَدِينَ (۹) وَ يَغْفِرُ اللَّهُ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ مِمَّنْ

1. on line.

2. surag likeit.uk.

۳. اکبر اسدزاده، سوره‌های دروغین در شبکه اینترنت، مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۳۳، سال نهم، ص ۱۲۳ و نقد و بررسی موارد تحدی به قرآن، سعید شمس، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، سال ۱۳۷۹.

حکم لزوم ایمان آوردن به خدا و جهاد در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله مستلزم آمدن سوره کامل نیست، بلکه با نزول طائفه‌ای از آیات، ابلاغ می‌شود.

در معنای (سوره - سور) در آیات تحدی اقوال مختلفی وجود دارد: ۱. در همه آیات، (سوره) به معنای مصطلح اراده شده است. این دیدگاه مطابق با ظاهر اقوال غالب مفسران است. ۲. در همه آیات مقصود، مجموعه‌ای از آیات است که هدف مهمی را تعقیب می‌کند^(۱). ۳. مراد از (سور) سوره‌های کامل و مراد از (سوره) طائفه‌ای از آیات است^(۲). به نظر می‌رسد قدر متیقن از معنای سوره در همه آیات، طائفه‌ای از جملات است که هدف مهمی را تعقیب می‌کند که ممکن است یک آیه مانند آیه دین یا چند آیه باشد و قرینه‌ای بر اراده معنای اصطلاحی سوره وجود ندارد. بلکه شواهدی برخلاف آن می‌توان ذکر کرد.

۱-۳. سوره در آیات مزبور اطلاق دارد و شامل هرگونه سوره، اعم از کوتاه و بلند، می‌شود.

۱-۴. تحدی قرآن کریم منحصر به فصاحت و بلاغت نیست؛ زیرا مفید ساختن عبارت عام و مطلق «فاتوا» به آوردن همانند قرآن در فصاحت و بلاغت و عبارت عام و مطلق «و ادعوا من استطعتم من دون الله» به فصیحان و بلیغان، تقییدی بدون دلیل است. علاوه بر آن در میان مصادیق «من استطعتم» و «الانس و الجن» افرادی وجود دارد که یا کلام عربی را نمی‌دانند یا به استواری نظم و صفت بلاغت آگاه نیستند. و از

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۵.

۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۳۰۰-۳۰۱.

چنین افرادی یاری طلبیدن و پشتیبانی آنان فایده‌ای در بر ندارد. همچنین آیه ۸۳ سوره نساء بر عدم وجدان اختلاف در آیات قرآن به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن تأکید دارد که اعم از مصادیق تحدی به فصاحت و بلاغت نیست. بنابراین، قلمرو تحدی از فصاحت و بلاغت فراتر است^(۱).

۱-۵. قرآن نه تنها مخالفان را دعوت به همانندآوری کرده؛ بلکه با وسایل مختلف به این کار تشویق و تحریک نموده است^(۲).

۲. نکات اختصاصی

۲-۱. برخی از نکات آیه ۸۸ سوره اسراء

۱-۲-۱. دعوت به همانندآوری، به دلیل اطلاق و ذکر نشدن زمان در (لایأتون بمثله)، جاویدان و ابدی است^(۳).

۲-۲-۱. ظاهر کلام غالب مفسران و تصریح برخی از مفسران^(۴) این است که منظور از (القرآن) کل قرآن است. اما این احتمال به صورت جدی مطرح است که مقصود از قرآن در این آیات، معنای جنسی باشد و در صدد بیان مقدار معجز قرآن نباشد^(۵). بر فرض ناظر بودن (القرآن) به مقدار معجزه قرآن، باید این کلیت را نسبی

۱. المیزان، ج ۶، ص ۶۵.

۲. قرآن‌شناسی، مجموعه کتب آموزشی از راه دور، ص ۱۳۶.

۳. المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۱.

۴. تفسیر کبیر ج ۱۷ ص ۹۷ - المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۸، الفرقان ج ۱ ص ۲۲۵.

۵. قرآن‌شناسی، ص ۱۳۴.

۹. آیه شریفه ضمن دربر داشتن ویژگیهای فوق به انسان یک بینش صحیح و منطقی می‌دهد که نباید قصاص به خاطر انتقام و خاموش ساختن التهاب درونی انجام گیرد. بلکه در راه یک زندگی صحیح و عادلانه، شرافتمندانه و آرامش‌بخش باید اجرا گردد^(۱).

بنابراین، از مقایسه دو عبارت با توجه به شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل چند نتیجه می‌توان گرفت: ۱. جمله (القتل انفی للقتل) با قواعد فصاحت مطابقت ندارد (شماره ۴) ۲. جمله فوق با قواعد بلاغت تطابق ندارد (شماره ۲) ۳. جمله فوق با واقعیت خارجی مطابق نیست (شماره ۳، ۵، ۷) ۴. آیه شریفه علاوه بر واجد بودن شرایط فوق، نکات اضافی را افاده کرده است (شماره ۱، ۱-۳، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) در نتیجه جمله مزبور، که عجیب‌ترین و بهترین جمله نزد آنان بود، در موارد متعددی، که البته همه موارد بزرتری آیه بر جمله در اینجا ذکر نشده است، فاقد شرایط فصاحت و بلاغت تام و کامل است.

۱-۶. معارضه با قرآن در شبکه اینترنت

با توجه به گسترده شدن هر چه بیشتر شبکه جهانی رایانه‌ای (اینترنت) و در ادامه تحدی مدعیان دروغین معارضه با قرآن، اخیراً گروهی که ظواهر، نشان از مسیحی بودن آنها می‌دهد به هدف تبلیغ برای مسیحیت و معارضه با قرآن و اسلام به ساخت چهار قطعه شبیه سوره‌های قرآن اقدام نموده‌اند^(۲).

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ معترک الاقران فی اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۹؛ التمهید، ج ۵، ص ۶۱-۶۵ و قرآن‌شناسی، ص ۱۳۶-۱۳۹.

2. <http://dialspace.dial.pipex.com/town/pard/geq/96/original>.

۲. آیه به فلسفه و نتیجه قصاص (زندگی) صریحاً اشاره می‌کند.

۳. آیه به وسیله رسیدن به نتیجه و هدف مذکور (زندگی) تصریح می‌کند. این وسیله قصاص است که منجر به حیات می‌شود. ولی قتل همواره منجر به حیات نمی‌شود. زیرا برخی از قتلها غیر عادلانه و ناحق است. به عبارت دیگر، قتل اعم است. بنابراین، قصاص همواره با زندگی است.

۴. آیه، انسانها را به زندگی تشویق کرده و دلالت می‌کند که زندگی حق آنهاست.

۵. قصاص شامل انواع مختلفی از کیفرها (قتل، قطع عضو، از کار انداختن عضو و...) می‌شود؛ ولی جمله دیگر تنها شامل قتل می‌شود.

۶. در آیه از زندگی - که مطلوب است - صریحاً نام برده شده است؛ ولی در جمله دوم دو بار از کشتن و مرگ - که نامطلوب است و آیه در صدد جلوگیری از آن می‌باشد - سخن به میان آمده است و از مرگ خبری نیست.

۷. آیه مفهوم نادرستی ندارد. در صورتی که جمله دیگر مفهوم نادرست دارد. مفهوم جمله دیگر این است که ترک کیفر و رها کردن قاتل نیز از قتل جلوگیری می‌کند.

۸. جمله آیه سیراب کننده بعد بینش و گرایش انسان است. زیرا از یک سو با به کار بردن واژه «قصاص» کیفر عادلانه را مطرح می‌سازد که هر عقلی به آن حکم می‌کند. به این ترتیب عقل (بعد بینش در انسان) را کاملاً قانع می‌سازد. از سوی دیگر با همین واژه، مسأله کیفر و سرانجام ناگوار هر گونه جنایت را بیان می‌کند. بنابراین، با این واژه، مرحله بیم را تحقق می‌بخشد. و با به کار بردن کلمه حیات، امید به زندگی در سایه آرامش، شرافت و عدالت را نوید می‌دهد و شمع امید را در قلبها برمی‌افروزد.

شمرد. به این بیان که سوره اسراء پنجاهمین سوره مکی است^(۱) و این سوره طبق شمارش تقریبی، بعد از نزول قرآن نازل شده است. پس (القرآن) باید اشاره به مقداری باشد که تا زمان نزول این سوره، نازل شده است؛ چرا که تحدی به آیات و سوره‌هایی که بعداً نازل می‌شود، صحیح نیست.

۲-۲. برخی از نکات آیه ۳۸ سوره یونس

ظاهر کلام غالب مفسران و تصریح برخی از مفسران^(۲) این است که سوره اطلاق دارد و شامل سوره‌های کوتاه مثل کوثر و سوره بلند مثل اعراف می‌شود، لکن برخی گفته‌اند: ممکن است مراد، سوره‌هایی باشد که در آنها، قصص انبیاء، اخبار و نیز حوادث دنیا و آخرت ذکر می‌شود؛ زیرا افتراء و تهمت به اخبار متعلق می‌شود، نه به انشائات از قبیل امر و نهی^(۳).

در نقد این سخن باید گفت: تمام آیات قرآن به خدای سبحان منسوب است و در این زمینه، آیات مشتمل بر انشا و اخبار و نیز سوره‌های بلند یا کوتاه، حتی یک آیه، تفاوتی ندارد. نسبت افتراء می‌تواند نسبت به همه قرآن باشد؛ زیرا آن، تکذیب نمودن نسبت آیات به خداوند است که متعلق به همه آیات می‌باشد. به عبارت دیگر به نظر مشرکان، پیامبر همه آیات را به دروغ به خدا نسبت می‌دهد. بنابراین، فرقی بین انشائات و اخباریات نیست^(۴).

برخی دیگر گفته‌اند: مراد، سوره یونس است؛ زیرا این سوره، مکی است و

۱. التمهید، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۶۴-۶۵، تنسیم، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳. المنار، ج ۱۱، ص ۳۶۹.

۴. المیزان، ج ۱۰، ص ۶۵.

نزدیک‌ترین سوره‌ای است که اشاره به آن ممکن است^(۱). در نقد این سخن هم باید گفت: ۱. هیچ دلیلی بر حمل (سوره) بر سوره یونس نیست. ۲. قبل از این سوره، سوره‌های زیادی نازل شده است که می‌تواند به آنها اشاره داشته باشد. ۳. امکان اشاره به این سوره، سبب حمل (سوره) بر این سوره نمی‌شود؛ زیرا صرف امکان، دلیل اثبات نمی‌شود. این سوره، مصداقی از (سوره) است و سوره‌های دیگر، مصادیق دیگر از این (سوره) هستند و اطلاق عبارت آیه شامل همه سور قرآن است.

۳-۲. برخی از نکات آیه ۱۳ سوره هود

۳-۱. ۲. ظاهر کلام بسیاری از مفسران این است که منظور از (عشر) همان عدد ده است؛ لکن برخی مثل مرحوم علامه طباطبایی^(۲) مدعی شده‌اند که عدد ده خصوصیت ندارد و مراد کثرت است^(۳).

۳-۲. ۲. ظاهر کلام غالب مفسران و تصریح برخی^(۴) این است که سوره اطلاق دارد و شامل سوره کوتاه و بلند می‌شود. ولی برخی گفته‌اند: طبق روایت ابن عباس مقصود از (عشر) عبارت است از: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، هود^(۴).

در نقد نظریه مذکور باید گفت: ۱. این قول، خلاف ظاهر آیه است که مطلق سوره را مطرح می‌کند و هر سوره‌ای را شامل می‌شود. مگر اینکه قبل از سوره هود، تنها همان نه سوره نازل شده باشد و حال آنکه قائلین به این قول هم، آن را نمی‌پذیرند.

۱. تفسیر کبیر، ج ۱۷، ص ۱۶.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۸؛ قرآن‌شناسی، ص ۱۱۵-۱۲۰.

۳. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۵.

۴. تفسیر کبیر، ج ۱۷، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۳. در جمله قرآنی بین متضادین (مرگ و زندگی)^(۱) جمع شده است که در اصطلاح طباق گفته می‌شود.^(۲)

۴. تلفظ جمله قرآنی، سلیس و روان است برخلاف جمله دیگر. به عبارت دیگر، حروف آیه متناسب است و قاف و صاد (در «القصاص») از حروف استعلاء هستند. ولی قاف و تاء (در «القتل») از حروف استعلاء و منخفص است که متناسب نیستند. همچنین خروج از صاد (در «القصاص») به حاء (در «حیوة») بهتر از خروج از لام (در «القتل») به همزه (در «انفی») است زیرا مخرج تلفظ این دو (لام و همزه) بعید است. ۵. در آیه، کلمه‌ای حذف نشده است. لکن در جمله دیگر عبارت «من ترکه» حذف گردیده است.^(۳)

ب: برتری‌های معنوی

۱. نکره بودن (حیوة) دلالت می‌کند که نتیجه قصاص «حیات» از خود قصاص، وسیع‌تر و بزرگ‌تر است. به عبارت دیگر، بر عظمت و نوع خاص حیات دلالت می‌کند. نوع خاص حیات که در آیه ذکر شده است، از دو جهت می‌تواند مورد نظر باشد:

۱. کمی: زندگی برای انسانهای بی‌شمار ۲. کیفی: الف - زندگی با شرافت ب - زندگی در کمال آرامش ج - زندگی در سایه قانون عادلانه.

۱. قصاص اشاره به قتل دارد.

۲. طباق عبارت است از جمع بین دو لفظی که معنای مخالف دارند مانند (هو الاول و الاخر).

۳. از آنجا که کلمه «انفی» صفت تفضیلی است، نیاز به متمم دارد. «من ترکه» در واقع، متمم آن بوده که حذف شده است. مفاد جمله یاد شده این است که کشتن، بهتر و بیشتر از ترک کشتن از خونریزی جلوگیری می‌کند.

به طوری که بلاغت و استواری اسلوبشان مورد اعجاب و تحسین بوده است مثل (قتل البعض احياء للجميع) (کشتن برخی موجب حیات همه است) یا (اکثروا القتل ليقل القتل) (زیاد بکشید تا کشتن کم شود) عجیب‌ترین جمله نزد آنان این جمله بود (القتل انفى للقتل) (کشتن بهترین بازدارنده از کشتن است). در قرآن مجید عبارت (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)^(۱) در همین زمینه بیان شده است، این عبارت کوتاه علاوه بر روانی الفاظ، شفافیت ترکیب، از پر معنا ترین آیات در بیان بلندترین آیات در بلاغت است که بین استدلال قوی، زیبایی، لطافت معنی، ظرافت دلالت و آشکاری مدلول جمع کرده است. اینکه آن مقدار از عبارت آیه شریفه را (فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ) که معادل با (القتل انفى للقتل) است مقایسه نموده و به برخی از برتریهای آیه شریفه اشاره می‌کنیم تا فصاحت و بلاغت تام و کامل قرآن روشن گردد.

الف: برتری‌های صوری

۱. کم بودن حروف:

(فی القصاص حیوة) در نوشتن ۱۲ حرف در تلفظ ۱۰ حرف

(القتل انفی للقتل) در نوشتن ۱۴ حرف در تلفظ ۱۴ حرف

۲. در جمله قرآنی هیچ تکرار وجود ندارد. ولی در جمله دیگر کلمه «قتل» تکرار شده است. در صورتی که عبارت خالی از تکرار برتر از عبارات دارای تکرار است، گرچه به فصاحت خللی وارد نسازد.

هیچ قرینه‌حالی و یا مقالی دیگری بر اراده‌خلاف ظاهر و تخصیص اطلاق آیه به سوره‌های دهگانه یاد شده وجود ندارد.

۲. کسانی که نسبت افترا به پیامبر ﷺ می‌دادند، این نسبت را در مورد سور معینی قائل نبودند و همه سور قرآن برایشان یکسان بود. در این صورت، تحدی به سوره خاص، آن هم سوره بزرگ قرآن بی وجه خواهد بود. معنی ندارد به کسی که می‌گوید: سوره کوثر افتراست و از سوی خدا نیست، گفته شود: ده سوره مانند سوره طوال اول قرآن بیاور.

۳. سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، و براءت که در این مجموعه قرار دارد، به اتفاق اهل فن^(۱)، مدنی است و در زمان تحدی به ده سوره، هنوز نازل نشده بود، تا به آنها تحدی شود^(۲).

برخی دیگر گفته‌اند: مراد از (عشر سور) سوره‌هایی است که قصص انبیا در آن زیاد ذکر شده باشد و آنها به ترتیب موجود در مصحف فعلی عبارتند از: اعراف، یونس، هود، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، قمر، ص^(۳).

در نقد این سخن تذکر نکاتی ضروری است: ۱. ظاهر قول خداوند متعال (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ)^(۴) این است که تهمت کافران، به اینکه پیامبر ﷺ به خدای سبحان افتراء می‌بندد، نسبت به جمیع سوره‌های قرآن، چه کوتاه و چه بلند، مطرح بود؛ بدون اینکه به سوره‌ای اختصاص بدهند. پس لازم است که

۱. التمهید، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۵، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۳۴.

۲. قرآن‌شناسی، ص ۱۲۷.

۳. المنار، ج ۱۲، ص ۳۹-۴۰.

۴. هود/ ۱۳.

آنان، با چیزی، که ماده شبهه را نسبت به همه سوره‌های قرآن ریشه کن سازد، جواب داده شوند^(۱).

۲. اختصاص افتراء به آیات دال بر اخبار، وجهی ندارد. گویا رشیدرضا چنین تصور کرده است که افتراء در اخبار صادق است و در انشاء صادق نیست و مشرکان، آیات اخبار قرآن را مفتری می‌دانستند؛ در صورتی که مشرکان، «قرآن بما هو قرآن» و اعم از اخبار و انشاء را مفتری می‌دانستند^(۲).

۲-۴. برخی از نکات آیه ۳۴ سوره طور

۲-۴-۱. عبارت (فلیأتوا بحدیث) گویا تحدی به چیزی اعم از تحدی‌های سه گانه گذشته است؛ زیرا حدیث شامل سوره، ده سوره، و کل قرآن می‌شود. بنابراین، این تحدی، نسبت به مطلق خصوصیت قرآن انجام گرفته است و این مطلب روشن است^(۳).

۲-۵. برخی از نکات آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره

۲-۵-۱. جمله ولن تفعلوا دلالت بر آن دارد که ناتوانی بشر از همانندآوری قرآن جاودانه است و این خود یکی از اخبار غیبی و معجزات قرآن مجید است.

۲-۵-۲. بحث درباره مرجع ضمیر در (مثله) شهرت بسزایی یافت و تضارب آراء در آن، موجب تألیف چند رساله شد^(۴). درباره مرجع ضمیر سه قول وجود دارد: ۱. رجوع ضمیر به قرآن (مما نزلنا). غالب مفسران به این قول عقیده دارند و شواهد متعددی برای این قول ذکر کرده‌اند^(۵). ۲. رجوع ضمیر به پیامبر اکرم ﷺ (عبدنا) که

۱. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۵. ۲. قرآن‌شناسی، ص ۱۲۹.

۳. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۹. ۴. روح المعانی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۵. تسنیم ج ۲، ص ۴۲۵-۴۲۷ و المنار ج ۱ ص ۱۹۲، و التفسیر الکبیر ج ۲ ص ۱۱۸؛ قرآن‌شناسی.

کلامش فاقد بعض یا همه شروط سه گانه باشد. در نتیجه فصیح و بلیغ تام نباشد.

اشکال دوم: اعجاز در فصاحت و بلاغت به این معنی است که بهترین تعبیر ممکن برای ادای یک سخن انتخاب شود و بهترین همواره یکی بیش نیست. در صورتی که در قرآن بسیار دیده می‌شود که یک مطلب با تعابیر متعدد بیان می‌شود. از این تعدد باید نتیجه گرفت که یا همه این تعابیر مادون اعجاز است و یا تنها یک تعبیر آن معجزه است.

جواب: با وجود شرایط شش گانه مزبور، کلام، معجزه می‌شود و ممکن است چندین تعبیر از یک حقیقت به گونه‌ای باشد که شرایط فوق در آن موجود بوده و همه آنها معجزه باشد و آیات قرآن از این مقوله است. بلکه امکان دارد که چندین تعبیر از یک حقیقت یا واقعیت که از جهت فصاحت و بلاغت در درجات مختلف قرار دارند هر یک معجزه باشند و برخی نسبت به برخی دیگر دارای محسناتی باشد که فقدان آنها از اعجاز آن نکاهد و آن را از حد اعجاز تنزل ندهد. بنابراین، تعابیر مختلف قرآن در مورد یک موضوع می‌تواند در یک درجه از فصاحت و بلاغت و همه فوق طاقبت بشر باشد و می‌تواند در درجات مختلف و در عین حال فوق قدرت بشر باشد^(۱).

۵-۱. نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت تام و کامل

بلیغان عرب برای اجرای قانون عادلانه قصاص و جلوگیری از قتل و خون‌ریزی که یکی از مشکلات جامعه عرب جاهلی بود جملاتی را در قالب شعار ملی ساخته بودند

۱. قرآن‌شناسی، ص ۱۷۴-۱۷۶ و المیزان، ج ۱، ص ۶۹-۷۳.

شروط مربوط به گوینده: ۱. احاطه بر لغات ۲. احاطه بر قواعد فصاحت و بلاغت ۳. داشتن آگاهی کافی درباره موضوع سخن ب. شروط مربوط به کلام: ۱. تطابق کلام با قواعد فصاحت و بلاغت ۲. تطابق کلام با مافی الضمیر گوینده ۳. تطابق مافی الضمیر با واقعیت خارجی.

امکان دارد کسی لغات یک زبان، مثلاً عربی، را به طور کامل نداند، به طور طبیعی چنین شخصی نمی تواند فصیح و بلیغ سخن گوید. ممکن است انسانی به واژه ها تسلط داشته باشد که حتی یک لغت برایش ناشناخته نباشد ولی نتواند لغت شایسته را در مکان مناسب به کار ببرد چرا که با قواعد فصاحت و بلاغت آشنا نیست. چه بسا شخصی بر لغتها احاطه دارد و قواعد فصاحت و بلاغت را به خوبی می داند اما علوم و معارف لازم را ندارد و در نتیجه از سخن گفتن فصیح و بلیغ عاجز می ماند.

چه بسا فردی بر لغتها تسلط دارد و قواعد فصاحت و بلاغت را به خوبی می داند و معارفی نیز برای گفتن دارد، اما هنگام سخن گفتن، در اثر غفلت یا عدم مهارت یا اشتباه حتی در یک جمله، سخنش برخلاف قواعد فصاحت و بلاغت باشد؛ زیرا صرف آگاهی از قواعد سبب مصون ماندن از خطا در به کارگیری قواعد نمی شود؛ چنانکه دانستن قواعد منطق هرگز موجب نمی شود که هیچ سخنی برخلاف قواعد منطقی حتی از برترین منطق دانان زبردست صادر نشود. امکان دارد انسانی بر لغتها تسلط یافته و قواعد فصاحت و بلاغت را به خوبی بداند و معارفی را نیز داشته باشد و کلامش را طبق قواعد فصاحت و بلاغت بگوید، لکن سخنش با مافی الضمیر یکسان نباشد. به عبارت دیگر، آنچه را که در باطن و قلب خویش دارد، نتواند به طور کامل بر

تعداد اندکی به این قول، قائلند^(۱). ۳. امکان رجوع ضمیر به هر دو^(۲). به این بیان که شما هم اگر می توانید چنین کتابی با همه معارف بلند و بیانات بدیع، به وسیله فردی درس نخوانده، بیاورید^(۳). در این صورت هم جمع بین دو وجه شده است و هم معجزه بودن قرآن، روشنتر و استوارتر گردیده است؛ زیرا هم به خود قرآن تحدی شده و هم به آورنده آن، که قرآن کریم بر امی بودن او تکیه دارد (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا)^(۴). در روایات تفسیری، ضمیر به قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارجاع داده شده است^(۵).

۳-۵-۲. برخی (شهداء) را به معنای گواه گرفته اند^(۷). و برخی به معنای یاور و ناصر^(۸). به نظر می رسد معنای دوم صحیح است زیرا مطابق با سایر آیات تحدی است؛ چنانکه با واقعیت موجود عصر نزول قرآن موافق است؛ زیرا مردم آن عصر یا مؤمن بودند یا کافر بودند که خود مدعی افترا بودند، نه شاهد و یا منافق بودند که گرچه باطناً کافر بودند ولی ظاهراً شهادت به اختلاق و افترا نمی دادند و از همین جا بین خود عربها اختلاف پدید می آید؛ زیرا عربهای مؤمن و نیز منافق پذیرفته اند که این کتاب معجزه است و اگر عرب کافر شهادت به نظیر داشتن قرآن می داد از باب اتحاد شاهد و مدعی از یک سو و از باب تنازع شهدا از سوی دیگر چنین شهادتی مسموع نبود^(۹).

۱. جامع البیان، ج ۱، ص ۲۰۹، روح المعانی، ج ۱، ص ۳۱۲؛ قرآن شناسی.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۵۸ و تبیین ج ۲، ص ۴۴۲. ۳. المیزان، همان.

۴. جمعه / ۲. ۵. تبیین، ج ۲، ص ۴۲۷-۴۲۸.

۶. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۷. جامع البیان، ج ۱، ص ۲۰۲ و تفسیر کبیر ج ۲، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۸. تبیان، ج ۱، ص ۱۰۵، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۳۲ و...

۹. تفسیر تبیین، ج ۲، ص ۴۳۰.

راز تحدّی‌های گوناگون

همانگونه که اشاره شد در قرآن کریم. تحدّی گاه به کل قرآن، گاه به ده سوره، گاه به یک سوره از آن شده است. این درخواستها زمینه ساز این سؤال شده است که راز همانند خواهیهای متفاوت چیست؟ پاسخی که معمولاً داده می‌شود آن است که قرآن با این شیوه، تحدّی از اشد به اخف کرده است تا اعجاز قرآن بهتر به کرسی بنشیند. در آغاز درخواست کرده تا همانند کل قرآن را بیاورند. پس از آنکه تلاش برای همانندآوری کل قرآن صورت گرفت و ناتوانی بشر از آوردن همانند آن روشن شد، ده سوره همانند سور قرآن را می‌طلبند و پس از تلاش و اثبات عجز آنان از آوردن ده سوره، از آنان می‌خواهد که یک سوره همانند سور قرآن بیاورند.

این پاسخ بر یک پیش فرضی استوار است و آن اینکه نزول و ابلاغ این سور، طبق ترتیب مذکور (کل قرآن، ده سوره، یک سوره) باشد ولی نه در آیات شاهی بر این مدعا وجود دارد و نه با قول مشهور بین مفسران و دانشمندان علوم قرآنی موافق است. به نظر ایشان سوره یونس که مشتمل بر آیات تحدّی به یک سوره است، قبل از سوره هود، که مشتمل بر آیات تحدّی به ده سوره می‌باشد، نازل شده است^(۱). به این دلیل پیش فرض یاد شده مورد تردید قرار گرفته و پاسخ مذکور را دچار تزلزل ساخته است، زیرا در این صورت معنی ندارد پس از آنکه مردم از آوردن یک سوره همانند قرآن ناتوان ماندند، از ایشان خواسته شود ده سوره مانند قرآن بیاورند. این نکته مفسران را بر آن داشته است که تبیین و توجیه‌های دیگری به میان کشند و یا دفاعی

زبان بیاورد و معنی را به طور کامل به شنونده منتقل سازد و مافی الضمیر خود را در قالبهای دقیق و گویایی بریزد. چه بسا شخصی بر لغتها احاطه داشته باشد و قواعد فصاحت و بلاغت را به خوبی بداند و معارفی نیز داشته باشد و هنگام سخن قواعد فصاحت و بلاغت را رعایت کند و سخنش با مافی الضمیر یکسان باشد، ولی مافی الضمیر با واقعیت خارجی تفاوت داشته باشد و در فهم واقع دچار خطا شده باشد.

دقت در شروط مزبور نشان می‌دهد که انسان، به دلیل ویژگیهای ذاتی اختلاف آفرین خود که در درس بعد به آن اشاره خواهد شد، نمی‌تواند فصیح و بلیغ کامل باشد. در بین ویژگیهای مزبور برای انسان امکان دارد کسی واجد شروط سه گانه نخست شود، لکن ممکن است کلامش فاقد شروط سه گانه اخیر شود و به تأمین آنها موفق نگردد. در نتیجه کلامش بلیغ تام نباشد.

با این بیان به دو اشکال پاسخ داده می‌شود.

اشکال اول: فصاحت و بلاغت و اوصاف و قواعد آن، ساخته و پرداخته ذهن بشر است. اعجاز در فصاحت و بلاغت به این معناست که بر اساس همین قواعد، جملائی پدید آید که بشر، که خود واضع این قواعد بوده است، نتواند همانند آن را بیاورد. معنای این سخن آن است که این قواعد ساخته ذهن بشر، محصولی غالب بر اندیشه بشر و معلولی فائق بر علت خود می‌آفریند و این امر ناشدنی است.

جواب: گرچه وضع لغات و قواعد فصاحت و بلاغت ساخته ذهن بشر است ولی سایر امور در پی تلاش گوینده سخن حاصل می‌شود و انسان به دلیل ویژگیهای ذاتی اختلاف آفرین خود ممکن است در هر یک از تطابقهای سه گانه دچار اشتباه شود و

آن واژه حذف و واژه‌ای دیگر جایگزین شود یا اصلاً واژه‌ای جایگزین نشود و یا جایگاه واژه عوض شود، ویژگیها و مفاهیم کلمه اول از بین می‌رود. بزرگان ادب و بلاغت، گزینش و چینش کلمات قرآن را در حد اعجاز ستوده‌اند. ابن عطیه می‌گوید: اگر لفظی از کتاب خدای سبحان برداشته شود و عرب بخواهد لفظی بهتر از آن پیدا کند، چنین لفظی پیدا نمی‌شود.^(۱) اما بدرالدین زرکشی می‌گوید: بدان که پایه اصلی بلاغت قرآن که صفات یاد شده را در خود گردآورده، بر این اساس است که هر نوع لفظی را که ویژگیهای یاد شده در آن فراهم است، درست به جای خود به کار برده که مخصوص به آن و متناسب با آن بوده است به گونه‌ای که اگر به جای آن، کلمه‌ای دیگر را به کار برند، یا معنای کلی تغییر می‌کند و موجب تباهی مقصود می‌شود یا آنکه رونق و جلوه خود را از دست می‌دهد و از درجه بلاغت مطلوب ساقط می‌گردد.^(۲) عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: ادبا و بلغا از دقت در چینش و گزینش کلمات قرآن، کاملاً فریفته و مجذوب شدند. زیرا هرگز کلمه‌ای را نیافتند که متناسب با جای خود نباشد یا در جای بیگانه قرار گیرد یا کلمه دیگری شایسته‌تر، مناسب‌تر باشد. بلکه آن را با چنان انسجام و دقت نظمی یافتند که مایه حیرت صاحب خردان و عجز همگان شده است.^(۳)

۴-۱. شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل

در تحلیل فصاحت و بلاغت تام و کامل شش شرط ضروری به نظر می‌رسد: الف.

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ص ۱۱۲؛ و ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۲۹.

۳. دلائل الاعجاز، ص ۲۸.

ویژه از پیش فرض یاد شده به عمل آورند^(۱). حال از ذکر و بررسی اقوال گوناگون صرف نظر کرده و جهت اختصار به دو دیدگاه قابل قبول می‌پردازیم.

مفسر بزرگ جهان اسلام مرحوم طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید: جهات و شئون قرآن، که حقیقت قرآن بر آن نهاده شده است، علاوه بر فصاحت و بلاغت، به مبانی و مقاصد قرآن برمی‌گردد. منظور از معنی و مقصود قرآن، توصیف قرآن به کتاب حکیم، نور مبین، قرآن عظیم، فرقان و... است. ممکن است تحدی به آیه‌ای چون «قُلْ لِّیْنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ...»^(۲) در مقام تحدی به همه قرآن آمده باشد، از این جهت که همه اغراض الهی در قرآن جمع شده و صفت اختصاصی قرآن آن است که هر چه مردم تا روز قیامت احتیاج دارند، در بر دارد.

تحدی به «قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» از نظر خصوصیتی است که یک سوره دارد. یعنی در یک سوره، غرض تام و جامع از اغراض الهی با بیان قاطع و بدون هیچگونه سستی بیان شده است. تحدی به «قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ» از این جهت است که تفنن در بیان و تنوع در اغراض از جهت کثرت وجود دارد. بنابراین، مراد از ده سوره، سوره‌های زیادی است که بعضی از مراتب کثرت را، که بین مردم معروف است، در بر داشته باشد. گویا گفته شده است: تعدادی از سوره‌ها را بیاورید و باید ده سوره باشد تا روشن شود که تنوع غرضهای قرآن در بیان معجزه آسای آن، جز از طرف خدا نیست^(۳).

استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله) می‌فرماید: با فرض

۱. قرآن‌شناسی، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. اسراء / ۸۸.

۳. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۸-۱۶۹.

پذیرش قول مفسران که «هذا القرآن» را به کل قرآن، تفسیر می‌کنند، می‌توان گفت: آیات تحدّی در مرحله اول از بشر می‌خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارد، کتابی همانند قرآن که دارای همه امتیازات قرآن باشد، بیاورند. پس از آنکه عجزشان ثابت شد، تخفیف داده و می‌فرماید: یک سوره که از هر جهت شبیه سوره قرآنی باشد و همه امتیازات یکی از سوره قرآن را در برداشته باشد، بیاورند پس از آنکه از چنین امری نیز عاجز شدند، تخفیف داده از ایشان می‌خواهد که ده سوره بسازند که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد: به طوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگیهای یک سوره قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره که در همه جهت شبیه یک سوره قرآن باشد، مشکل‌تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه قرآن باشد. پس تحدّی از اشد به اخف صورت گرفته و معقول است^(۱). این دیدگاه به دلایلی که از سوی ایشان مطرح شده است متقن‌تر و سازگارتر با ظاهر آیات است.

قلمرو تحدّی (مخاطبان تحدّی)

یکی از مسائل مهم تحدّی، قلمرو زمانی و مکانی تحدّی از جهت مخاطبان است. آنچه در معجزات انبیای گذشته علیهم‌السلام و سایر معجزات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم بجز قرآن سراغ داریم، محدود بودن حوزه این معجزات به زمان و احیاناً افراد خاصی است. آیا قرآن از سنخ این معجزات است و تنها معاصران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم مخاطب تحدّی هستند یا

۱. قرآن‌شناسی، ص ۱۳۳.

اعلی است^(۱) و در اصطلاح به معنای رسایی، گویایی و دقتِ تعبیر در فهماندن مقصود است.^(۲) کلام بلیغ دو شرط عمده دارد: ۱. الفاظ کلام فصیح باشد ۲. کلام با مقتضای حال مطابقت داشته باشد. و مقتضای حال عبارت است از شرایط کلام، شنونده و گوینده.^(۳) بنابراین، لازمه بلاغت کلام، فصاحت الفاظ است و به همین جهت ما ابتدا به تعریف فصاحت و سپس به بیان معنای بلاغت پرداختیم.

۳-۱. گزینش الفاظ

هر واژه مفهوم خاصی دارد. برای رساندن یک مقصود از واژه‌های متعددی می‌توان استفاده نمود. به عنوان مثال برای درخواست رفتن می‌توان چند واژه را به کار برد: ۱. بفرمایید ۲. بروید ۳. برو ۴. بروگم شو. از تعاریف اصطلاحی فصاحت و بلاغت استفاده می‌شود که انتخاب واژه مناسب، نقش عمده و کلیدی در فصاحت و بلاغت دارد. ممکن است با انتخاب واژه‌ای، کلام از فصاحت و بلاغت ساقط شود یا کلامی به درجه فصاحت و بلاغت برسد.

واژه‌های قرآن از علم حق تعالی نشأت می‌گیرد و چون علم خدای متعال نامحدود است، در هر مقام، واژه‌ای مناسب گزینش می‌شود. در نتیجه قرآن مجید در حد اعلای فصاحت و بلاغت قرار می‌گیرد. علاوه بر تأثیر واژه مناسب بر فصاحت و بلاغت قرآن، چینش هر واژه در جایگاه معین و ساختار خاص مفهومی را القاء می‌کند که اگر

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲. قرآن‌شناسی، ص ۱۶۶.

۳. اسالیب البیان فی القرآن، ص ۱۴۵؛ شرح مختصر المعانی، ص ۱۱-۱۵؛ کرانه‌ها، ج ۱، ص ۱۲۷ و...

همانند قرآن به اعجاز قرآن اعتراف مضاعف می‌کنند. از این روی، وجه بلاغی قرآن از قرون اولیه همواره وجه مهم اعجاز تلقی شده و کتابهای زیادی به ویژه در عصر حاضر در این باره نوشته شده است تا عظمت فصاحت و بلاغت قرآن، که مشرکان ادیب و کینه‌توز را از پا درآورد، روشن شود. تحدی قرآن بیش از ۱۴۰۰ سال اعلام شده و تاکنون کسی نتوانسته است همانندی برای آن ارائه نماید. آخرین تلاشهای انجام گرفته و نمونه ارائه شده را در ادامه بحث مورد بررسی قرار خواهیم داد و روشن خواهد شد که این نمونه‌ها با آیات و سور قرآن تفاوت بسیار زیاد دارد.

۲-۱. تعریف فصاحت و بلاغت

فصاحت در لغت به معنای آشکار شدن می‌باشد^(۱) و در اصطلاح به معنای شیوایی کلمات و روانی تلفظ آنها و گوشنواز بودن سخن است.^(۲) کلمه فصیح چند شرط دارد: ۱. کلمه طبق قوانین به دست آمده از کلام عرب به کار رود. ۲. حروف آن، هماهنگ و متناسب باشد. ۳. در زبانهای مردم عرب زیاد استعمال شده باشد. برای کلام فصیح نیز چند شرط ذکر شده است: ۱. کلام سست پیوندی و نادرستی ترکیب نداشته باشد. ۲. از دشواری و اژه‌ها بر زبان خالی باشد. ۳. از پیچیدگی لفظی و معنوی تهی باشد. ۴. همه واژه‌هایش فصیح باشد.^(۳)

بلاغت در لغت به معنای رسیدن به چیزی^(۴) و به تعبیر دقیق‌تر رسیدن به حد

۱. لسان العرب، ج ۲، ص ۵۴۴ و التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۹۳-۹۴.

۲. قرآن‌شناسی، ص ۱۶۶.

۳. اسالیب البیان فی القرآن، ص ۶۷. حاشیه الدسوقی شرح مختصر المعانی، ص ۶-۱۱.

۴. مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۱.

اینکه همه انسانها در طول تاریخ به مبارزه طلبی دعوت شده‌اند. بر فرض تحدی همگانی، آیا همگان مستقیماً مورد تحدی هستند یا اینکه عده‌ای مستقیماً و دیگران مخاطب غیر مستقیم تحدی هستند؟ بالاخره آیا تمامی وجوه برای همه انسانهاست یا اینکه باید بین وجوه تفکیک نمود؟ در این زمینه دیدگاههای مختلفی وجود دارد که به اختصار یادآور می‌شویم.

۱. عمومیت و جاودانگی تحدی

بسیاری معتقدند که تحدی قرآن، اختصاص به زمان و افراد خاصی نداشته و تا قیامت ادامه دارد^(۱). چنانکه می‌فرماید: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ»^(۲) و اژه (انس و جن) به اصطلاح اصولی، اطلاق افرادی، احوالی و ازمانی دارد. بدین معنا که خطاب همه انسانها (تمام انسانهای موجود، انسانهایی که بعداً خواهند آمد در هر زمان و مکانی که باشند) را شامل می‌شود. و دلیلی بر تنقید اطلاق و عموم آیه وجود ندارد. مضافاً بر اینکه، تأکید قرآن بر عموم افراد بشر است؛ چنانکه می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ... وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ) (۳) و اژه (الناس) بر عموم افرادی دلالت کرده و اطلاق احوالی و ازمانی دارد.

علاوه بر شواهد مزبور، چون دین اسلام، آخرین دین آسمانی و دین جاویدان است و پیامبر اکرم ﷺ آخرین فرستاده الهی، چنانکه می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ

۱. از جمله میزان ج ۱، ص ۶۰. التمهید ۴، ص ۲۳ و...

۲. اسراء/ ۸۸ ۳. بقره/ ۲۲ و ۲۳.

مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ^(۱) معجزه او نیز باید جاویدان باشد، چنانکه می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^(۲) و با توجه به اینکه یکی از قیود معجزه، مبارزه طلبی است، روشن می شود که قرآن کریم از هنگام نزول تا قیامت، معجزه الهی بوده و بشر را به مبارزه فرا می خواند. به بیان دیگر گستره تحدی قرآن باید هماهنگ با قلمرو دعوت آن باشد و چون قلمرو دعوت قرآن همه انسانها در سراسر تاریخ است، میدان تحدی آن نیز همگانی و همیشگی است. همانگونه که دعوت قرآن منحصر به صدر اسلام یا قوم عرب نبود، تحدی آن نیز منحصر به عصر رسول اکرم ﷺ یا عرب زبانان نیست^(۳). از این رو می فرماید: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^(۴).

ممکن است گفته شود: هر چند تحدی قرآن عام است، اما قرینه عقلی بر عدم اراده عموم تحدی وجود دارد و آن اینکه، همانند آوری از عهده کسانی بر می آید که قدرت آن را دارند. بنابراین، چون مردم عادی توان پی بردن به ظرافتهای قرآن را ندارند، تحدی اینها به دور از حکمت است.

جواب شبهه این است که اگر یک وجه عام وجود داشته باشد، تحدی عمومی صحیح است. تحدی عمومی و همگانی است؛ اما نسبت به برخی از وجوه، تحدی همگانی و مستقیم است مانند اعجاز از جهت آورنده و اعجاز غیبی که برای عموم قابل تشخیص است و فهم آن به تخصص وابسته نیست و نسبت به برخی از وجوه

۱. احزاب / ۴۰.

۲. حجر / ۹.

۳. تسنیم، ج ۲، ص ۴۳۳.

۴. اسراء، ۸۸.

به گونه ای که روان مخاطبان خویش را سرمست و شاداب می سازد. بنابراین قرآن هم بُعد فکری و عقلی انسان را سیراب می سازد و هم بُعد احساسی و عاطفی را، برخلاف دیگر کتب که تنها به یکی از دو بُعد می پردازد. به همین جهت بسیاری از نویسندگان، به ویژه ادیبان عرب به بُعد بیانی قرآن توجه کرده و تحقیقات وسیعی ارائه داده اند که به دلیل رعایت اختصار به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. فصاحت و بلاغت

۱-۱. جایگاه و اهمیت وجه فصاحت و بلاغت

همان گونه که در درس سوم ذکر شد معجزات پیامبران هماهنگ با پیشرفته ترین علم و فن زمان خویش است. در زمان پیامبر اکرم ﷺ فصاحت و بلاغت رواج فراوانی داشت و بی شک این دوران، دوران رسیدن به اوج شکوفایی و تکامل در فصاحت و بلاغت است. در این روزگار شاعران بزرگ، برجسته ترین شاهکارهای ادبی و فرهنگی خویش را در نمایشگاه فرهنگی (بازار عکاظ) به نمایش می گذاشتند و داوران، برترین نمونه ها را گزینش و معرفی می نمودند. آن برگزیده ها بر دیوار کعبه آویخته و مایه مباهات پدیدآورندگان به شمار می رفت.

در چنین فضایی قرآن کریم نازل می شود و مخاطبان را تحت تأثیر قرار می دهد. از بین وجوه متعدد اعجاز قرآن، بعد بلاغی قرآن مورد توجه قرار گرفته و وجه برجسته اعجاز نزد آنان به شمار می رود. هنگامی که قرآن آنان را به تحدی فرا می خواند، عکس العمل نشان نداده و چنانکه گذشت علاوه بر اقرار لفظی با ارائه نکردن نمونه ای

دیگر همگانی و غیر مستقیم است؛ که در این صورت همه متخصصان مربوطه، مخاطب مستقیم تحدی هستند و دیگران مخاطب غیر مستقیم تحدی می‌باشند. به این معنی که متخصصان مخاطب مستقیم هستند و دیگران همانند هر مورد دیگر با مواجهه و نظرخواهی از متخصصان به اعجاز قرآن و عدم امکان همانندآوری آن پی می‌برند. علاوه بر این، می‌توان گفت: حتی در این مورد نیز تحدی می‌تواند همگانی باشد و همه مخاطب مستقیم آیات باشند به این صورت که همگان می‌توانند تخصص مربوطه را یاد بگیرند و خود را در جایگاه همانندآوری قرار دهند. پس نسبت به برخی از وجوه، همه بالفعل مخاطب مستقیم تحدی هستند و نسبت به سایر وجوه همه بالقوه مخاطب تحدی هستند و اگر جوهی یافت شود که برای همگان امکان تخصص در آن وجود نداشته باشد؛ در آن وجوه، همه مخاطب غیر مستقیم و متخصصان و کسانی که امکان دستیابی به آن تخصص را دارند، مخاطب مستقیم تحدی هستند.

۲. اختصاص تحدی به معاصران نزول قرآن

به نظر برخی، صریح آیات قرآن، بر تحدی همه انس و جن دلالت کرده و ظاهر خطاب قرآنی متوجه همه مردم است؛ لکن حقیقت این خطاب متوجه مشرکان عربی است که در مورد معجزه اختلاف داشته و نزاع کردند. اقتضای مقام این است که کسانی که به میدان این مبارزه پا می‌گذارند، اگر توانش را داشته باشند، بلند مرتبه‌ترین اعراب در بلاغت و تواناترین آنان بر بیان و سخنوری باشد زیرا طبیعت این جایگاه اقتضا می‌کند که از عامه مشرکان عرب، انتظار چنین رویارویی و مواجهه‌ای وجود نداشته

مقدمه

همان گونه که در درس گذشته اشاره شد، وجوه اعجاز به دو قسمت تقسیم می‌گردد: ۱. وجوه اعجاز برون‌متنی ۲. وجوه اعجاز درون‌متنی. وجوه اعجاز درون‌متنی به ذات و جوهر و الفاظ و معانی قرآنی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، در این بخش، متن قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد. وجوه درون‌متنی نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱. وجوه بیانی ۲. وجوه معنوی. در وجوه بیانی، متن قرآن از جهت فصاحت و بلاغت، تصویر هنری، سبک و نظم، موسیقی و نظام‌هنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. گرچه نمی‌توان نحوه بیان را از معنی جدا ساخت، ولی در بحث وجوه بیانی، نظر به بیان قرآن، با صرف نظر از معنی و محتوی است. بنابراین، در این درس به وجوه بیانی قرآن می‌پردازیم.

وجوه بیانی

ادیان الهی علاوه بر قلمرو اندیشه، با احساسات و عواطف و قلب انسان سر و کار دارد. قرآن کریم که تجلی و تنزل یافته خدای متعال است، افزون بر اشتغال بر حقایق و معارف والا و ارزشمند، از جهت بیان و ظاهری نیز، زیبایی و دلربایی بی‌ظیری دارد؛

باشد؛ بلکه به طور طبیعی کسانی داوطلب این امر می‌شوند که به گمان خود، قدرت چنین کاری را دارند. اعراب بدین پدیده خو گرفته بودند که در اواخر دوران جاهلیت در زمان حج، شاعری بزرگ بر می‌خواست، شعری می‌سرود و همه حاضران در مراسم حج را در برابر شعر خود و از آوردن همانندی برای آن به عجز و ناتوانی متصف می‌ساخت و در آوردن همانندی برای شعر خویش، آنان را به مبارزه می‌طلبید. پس نمی‌توان برداشت کرد که هم‌اوردی به عامه مردم متوجه است. مبارزه طلبی تنها متوجه هم‌تایان قرآن، از بین شاعران بزرگ است... بنابراین طبیعت مسأله اعجاز اقتضاء می‌کند که قرآن، با امیران بیان که در خود، توهم قدرت به آوردن مثل آن می‌کنند، رقابت کند؛ گرچه تحدی برای همه عموم باشد^(۱).

به نظر می‌رسد این تحلیل ناتمام است زیرا ممکن است در زمانهای بعدی، برخی در فصاحت و بلاغت به حدی از رشد برسند که به پایه بلیغان عرب معاصر نزول قرآن برسند و مخاطب مستقیم تحدی قرار گیرند. علاوه بر اینکه، وجه تحدی تنها فصاحت و بلاغت نیست؛ آنان در فصاحت و بلاغت مهارت داشتند و فصاحت و بلاغت برای آنان برجسته بود. معاصران از بسیاری از وجوه اطلاع نداشتند، لذا انحصار به فصاحت و بلاغت و انحصار مخاطب به معاصران نزول، نادرست است.

۳. تفصیل بین وجوه

به نظر مرحوم بلاغی یکی از وجوه اعجاز قرآن این است که خود قرآن، عهده‌دار

۱. الاعجاز الیبانی للقرآن و مسائل ابن الارزق، ص ۶۹-۷۰.

درس دهم

وجوه اعجاز (۳)

وجوه درون‌متنی (۱)

وجوه اعجاز بیانی

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. با جایگاه وجوه بیانی آشنا شود.
۲. جایگاه و اهمیت وجه فصاحت و بلاغت را بداند.
۳. فصاحت و بلاغت را تعریف و شروطشان را بیان کند.
۴. شروط فصاحت و بلاغت تام و کامل را ذکر کند.
۵. نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت تام و کامل ارائه دهد.
۶. تصویر هنری در قرآن را تجزیه و تحلیل کند.
۷. از نظم و سبک قرآن آگاه شود.
۸. موسیقی قرآن را بازشناسد.

📖 برای مطالعه بیشتر

- التمهيد في علوم القرآن، محمد هادي معرفت، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ، ج ۴، ص ۱۳۸ - ۱۸۰.
- اعجاز القرآن و البلاغة النبوية، مصطفى صادق الرافعي، بيروت: دار الكتاب العربي، بی‌چا، ۱۴۱۰ هـ، ص ۱۴۴ - ۱۴۷.
- قرآن‌شناسی، محمد تقی مصباح یزدی، به کوشش محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶ - ۱۵۳.
- علوم القرآن عند المفسرين، مركز الثقافة و المعارف القرآنية، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، مركز النشر، ج اول، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۳۴ - ۴۴۱ - ۴۴۴ - ۴۵۱ - ۴۵۷.

اثبات مقدماتی است که دلیل بر رسالت خاصه و شهادت اعجاز قرآن بر رسالت خاصه از آنها تشکیل می‌شود. ایشان بعد از ذکر تفصیلی این مقدمات در پایان می‌فرمایند: این از جهت اعجازی است که با آن دلیل بر عرب اقامه می‌شود و برای قرآن مجید وجوه دیگری است که وقتی انسانهای آگاه از آنها مطلع شوند، در شناخت آنها مشترک هستند. به عبارت خلاصه‌تر، برخی از وجوه مختص عرب است و برخی از وجوه مشترک میان انسانها.^(۱)

در توجیه عبارت ایشان باید گفت: با توجه به عربی بودن قرآن و عرب بودن امت زمان ایشان، خطاب تحدی به صورت اولیه به اعراب زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بر می‌گردد. زیرا غیر عرب متوجه قرآن نبوده و اسلام در عصر نبوی صلی الله علیه و آله در محیط جزیره العرب وجود داشت. اگر یهود در کنار عرب بود یا جزء عرب شده و یا تسلط به زبان عربی نداشتند تا مخاطب قرآن قرار گیرند.

برخی دیگر سخنی شبیه سخن مرحوم بلاغی داشته و می‌گویند: برخی از وجوه اعجاز در زیبایی بیان، بلاغت اسلوب و استواری الفاظ و نظم مختص عرب است و برخی از وجوه مثل اخبار از غیب شامل عرب و غیر عرب می‌شود.^(۲)

به نظر می‌رسد این سخن نیز ناتمام است زیرا با توجه به اینکه ثابت کردیم که تحدی قرآن عمومی و جاویدان است، عرب، خصوصاً عرب معاصر نزول قرآن، یکی از مصادیق مخاطب تحدی است و تحدی می‌تواند مخاطبان دیگری در زمانها و مکانهای دیگری داشته باشد. علاوه بر اینکه این وجه مختص عرب نیست. زیرا غیر

عرب می‌تواند عربی را یاد بگیرد و مخاطب تحدی در فصاحت و بلاغت باشد. به عبارت دیگر عرب مخاطب بالفعل و غیر عرب مخاطب بالقوه تحدی از جهت فصاحت و بلاغت است.

به نظر برخی دیگر اعجاز از جهت غیب‌گویی برای معاصران نزول ثابت می‌شود و برای دیگران از طریق نقل متواتر پذیرفته می‌شود و مستقیماً برای آنان ثابت نمی‌شود؛ ولی احتمال بر حکمت همگانی است.

به نظر برخی، کلام قدیم بودن قرآن و اخبار غیبی برای مؤمن به قرآن، معجزه است. اعجاز از حیث آورنده، ویژه اهل کتاب است و سایر وجوه همگانی است و مشترک بین مؤمن و غیر مؤمن.

پرسش

۱. مفهوم صرف را بیان کنید.
۲. تفاسیر سه گانه صرف را توضیح دهید و قائلان به هر یک را نام ببرید.
۳. دلایل قول به صرف را ذکر و نقد کنید.
۴. اصل ادعا را بررسی کنید.
۵. عوامل روی آوردن به طرح دیدگاه صرف را بیان کنید.

۶. ادعای صرف به خودی خود نادرست است؛ زیرا: ۱. با ظاهر آیات تحدی سازگار نیست. ۲. اگر اعجاز قرآن تنها به خاطر صرف بود، بایستی اعراب معارضه کننده، تحول ناگهانی را در خود احساس کرده و از آن تعجب می کردند، در حالی که تعجب نکردند. ۳. بر فرض پذیرش صرف، باید همانند آیات و سوره قرآن، قبل از نزول قرآن و بعد از نزول قرآن در غیر معارضه زیاد یافت می شد، در صورتی که یافت نشده است.

۷. یکی از عوامل اعتقاد به صرف، توجه به بعد لفظی و غفلت از بعد محتوایی آیات قرآن است.

خلاصه

۱. مبانی اول اثبات اعجاز قرآن این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را به عنوان معجزه که تنها با امداد ویژه الهی تحقق می یابد و دلیل بر نبوت اوست، مطرح نموده و دعوت به همانندآوری کرده باشد.

۲. علاوه بر تاریخ و روایات، قرآن کریم این مقدمه را در آیات تحدی اثبات می کند.

۳. تحدی در لغت به معنای مبارزه طلبی و در اصطلاح به معنای دعوت نمودن منکران نبوت برای آوردن مثلی برای معجزه است. تحدی نوعی برهان عقلی است و متضمن بیان زیر است: لو كان هذا الكتاب من عند غير الله لامكن الاتيان بمثله لكن التالي باطل فالمقدم مثله.

۴. در قرآن پنج بار تحدی شده است که بر طبق ترتیب نزول عبارتند از: ۱. به کل یا جنس قرآن ۲. به یک سوره ۳. به ده سوره ۴. به سخنی مثل قرآن. ۵. به یک سوره.

۵. سوره در قرآن دو کاربرد دارد: ۱. مجموعه ای از آیات که دارای ابتداء، انتهاء و نام خاصی است. ۲. طایفه ای از جملات یا آیات، گرچه کمتر از یک سوره اصطلاحی باشد و مقصود از سوره در آیات تحدی به همین معنای دوم است.

۶. تحدی قرآن، منحصر به فصاحت و بلاغت نیست.

۷. سوره به هر معنا که باشد در آیات تحدی اطلاق دارد و شامل سوره های کوتاه و بلند می شود.

۸. معمولاً در توجیه راز تحدی های گوناگون گفته می شود که مسیر از اشد به

اخف است، و این مدعا هر چند با توجه به ترتیب نزول آیات تحدی، سخن ناتمام به نظر می‌رسد ولی با تبیینهایی که مطرح شده است درستی آن اثبات می‌شود.

۹. به نظر مرحوم علامه، تحدی به کل قرآن، اجتماع همه اغراض الهی در آن، تحدی به یک سوره از جهت وجود یک غرض تام و جامع، تحدی به ده سوره به خاطر تفنن در بیان و تنوع در اغراض از جهت کثرت است.

۱۰. به نظر حضرت آیت الله مصباح یزدی، تحدی به کل قرآن، ناظر به آوردن کتابی که همه امتیازات قرآن را داشته باشد. تحدی به یک سوره، از جهت آوردن سوره‌ای که همه امتیازات یک سوره قرآن را داشته باشد. تحدی به ده سوره از جهت آوردن ده سوره که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد.

۱۱. برخی معتقدند که تنها معاصران نزول، مخاطب تحدی هستند؛ لکن این دیدگاه با توجه به عدم انحصار وجه تحدی در فصاحت و بلاغت و امکان دستیابی غیر معاصران به فصاحت و بلاغت معاصران نزول، صحیح نیست.

۱۲. دیدگاه صحیح و مورد قبول اکثر قریب به اتفاق دانشمندان، این است که تحدی عمومی و جاویدان است هر چند برخی به تفصیل قائل شده‌اند و برخی از وجوه را مختص به عرب و برخی را عام می‌دانند.

خلاصه:

۱. صرف در لغت به معنای تحول از امری به امر دیگر است و در اصطلاح به معنای سلب انگیزه، علم و قدرت معارضه با قرآن است.

۲. اولین شخصی که صرف را ادعا نمود، ابراهیم بن سيار (نظام) است. به گفته برخی منشأ اعتقاد وی، تأثیرپذیری از فرهنگ غیر عرب می‌باشد.

۳. برای صرف سه تفسیر وجود دارد: ۱. سلب انگیزه معارضه با قرآن باشد: ۲. سلب علمی باشد که در آوردن مثل قرآن، ضروری است. ۳. سلب قدرت بر همانندآوری.

۴. دلایل قول به صرف عبارت است از: ۱. وجود سخنان مشابه قرآن در کلام عرب ۲. عرب زبانان قادر بر مفردات، قادر بر آوردن جمله‌ها و سوره هستند. ۳. تردید برخی از صحابه در انتساب برخی از آیات و سوره‌ها به قرآن ۴. مردود بودن وجوه دیگر اعجاز ۵. شواهد قرآنی

۵. نقد دلایل قول به صرف عبارت است از: ۱. کلامی شبیه قرآن در کلام عرب وجود ندارد و شهادت ادیبان بزرگ بر این مطلب دلالت می‌کند. ۲. کسی که قادر بر مفردات است، لزوماً قادر بر جمله فصیح و یا جملات و سوره فصیح نیست. ۳. تردید شاید به جهت رعایت احتیاط بوده است. ثانیاً: اعجاز در جمیع مراتب و جمیع آیات برای همه کس به طور مساوی آشکار نمی‌شود. ۴. هر چند برخی از وجوه اعجاز ذکر شده غیر قابل دفاع است ولی برخی از وجوه اعجاز، قابل اثبات و دفاع است. ۵. استدلال قائلان به صرف به آیات قرآن نیز ناتمام است.

شان کلام با آن افزون می شود، لکن به حدی نیست که کلام را از حد معمول خارج کند؛ به طوری که بر فصیحان کلام و بلیغان بیان غیر ممکن باشد. بنابراین، عامل اصلی قول به صرف، توجه به بعد لفظی قرآن است که همانندش در برخی از کلام عرب وجود دارد. اگر ایشان علاوه بر بعد لفظی قرآن، به بعد معنوی و معانی و دقایق والای قرآن، عنایت می کردند، پی می بردند که این معانی بلند و معارف جامع، نه تنها در کلام عرب بلکه در کلام هیچ فردی یافت نمی شود.

پرسش

۱. مبانی اول اثبات اعجاز قرآن را بیان نمایید.
۲. تحدی را معنا کرده و برهان آن را ذکر کنید.
۳. اقسام تحدی در قرآن را توضیح دهید.
۴. سه نکته از نکات عمومی آیات تحدی را بیان کنید.
۵. سخن مشهور درباره راز تحدی های گوناگون را ذکر و نقد نمایید.
۶. نظر مرحوم علامه و استاد مصباح یزدی درباره راز تنوع تحدی ها را ذکر کنید.
۷. دیدگاههای مربوط به قلمرو تحدی را توضیح دهید.
۸. قول صحیح در قلمرو را بیان و ادله آن را ذکر کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

۱. در مورد مبانی اثبات اعجاز قرآن ر.ک:

- محمد تقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۴۰

۲. در مورد راز تحدی‌های گوناگون ر.ک:

- همان، ص ۱۲۵-۱۳۴

- علامه سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة

المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ج ۱۰، ص ۱۶۴-۱۶۹.

- محمد موحدی فاضل، مدخل التفسیر، تهران، مطبعة الحیدری، ج ۱، ۱۳۹۶، ص

۳۷-۴۱.

- محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم (المنار)، بیروت: دارالمعرفة، ج ۱۲، ص

۳۲-۴۰.

۳. در مورد قلمرو تحدی

- همان، ج ۱، ص ۵۹-۶۰.

- محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

لجماعة المدرسين بقم المقدسة، چاپ اول، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۳-۲۴.

- عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص

۱۳۲-۱۳۴.

- عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بنیاد فرهنگ اسلامی، چاپ

دوم، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۸.

کلامی مثل آن بیاورید. و حمل این آیات بر صرف و دست برداشتن از ظاهر آنها نیازمند دلیل متقنی است که قائلان به صرف چنین قرینه و دلیلی را ارائه نکرده‌اند.

۲. اگر اعجاز قرآن تنها به خاطر صرف بود، می‌بایست افرادی که در صدد مبارزه و همانندآوری قرآن برمی‌آمدند و از عجز ناگهانی خود و وقوع چنین تحولی در خود به محض در صدد معارضه برآمدن مطلع شده و تعجب می‌کردند؛ اما واقعیت این است که آنان نسبت به خود قرآن شگفت‌زده شدند. شهادت آنان بر مزیت لفظی و معنوی قرآن، بزرگترین دلیل بر عظمتی است که آن را در جوهر و ذات قرآن یافتند.

۳. در صورت پذیرش قول به صرف باید همانند آیات قرآن و سور آن را در نظم و نثر پیش از نزول قرآن و پس از آن در مقام غیر معارضه به وفور یافت. در صورتی که حتی یک نمونه ارائه نشده است.

۴. آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^(۱) به روشنی دلالت بر بطلان قول به صرف دارد.^(۲)

عامل اصلی طرح «صرف»

به نظر می‌رسد در پشت این دلایل ظاهری و صوری، علل دیگری وجود دارد. شاید بتوان گفت یکی از اموری که طرفداران نظریه صرف را به چنین نظریه‌ای سوق داده است، مواجهه ایشان با کسانی بود که وجه اعجاز را در بعد لفظ، حروف و زیبایی سبک و اسلوب منحصر کردند. به نظر قائلان به صرف، این بُعد گرچه عظمت دارد و

از آن داشتند، ناامید بودند.»^(۱)

۴. سیاق آیات، سیاق نکوهش است و سخن آنان به معنای عدم پذیرش آیات است. به ویژه ذیل آیه (إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ) بدون شک مورد قبول قرآن نیست. پس صدر آیه (لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا) نیز مورد قبول قرآن نیست.

۵. جواب سخن آنان در آیات دیگر آمده است که اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید.^(۲) بنابراین، نیازی به تکرار پاسخ نیست.

۶. صرف سکوت، دلیل تأیید نیست؛ همانگونه که در موارد دیگری پس از بیان سخن باطل، به جواب اشاره‌ای نشده است.

بررسی اصل ادعا

بسیاری از دانشمندان قول به صرف را مردود می‌دانند. از دانشمندان سلف می‌توان شیخ طوسی - شاگرد برجسته سید مرتضی که در رد مذهب صرف و پاسخگویی به سید مرتضی سخن گفت - و نیز یحیی بن حمزه علوی در کتاب «الطراز» یاد کرد که با بیان سه تفسیر برای صرف، سه برهان در رد مذهب صرف اقامه کرده است.

با صرف نظر از دلایل صرف درباره اهل قول به صرف، اشکالهایی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. آیات تحدی ظاهر در آن است. خداوند می‌فرماید که قرآن به لحاظ محتوا و فصاحت و بلاغت لفظی، خود معجزه و فوق توان بشر است و اگر قبول ندارید،

درس ششم

مبانی اثبات اعجاز قرآن (۲)

تلاش برای همانندآوری

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. مبنای دوم اثبات اعجاز قرآن را بیان کند.
۲. با انگیزه‌های مشرکان برای معارضه با قرآن آشنا شود.
۳. برخورد مشرکان با قرآن را باز شناسد.
۴. با نمونه‌هایی از معارضه‌ها در تاریخ آگاه شود.
۵. معارضه‌ها را بتواند نقد کند.

واقعیت داشته، بیان کرده‌اند. در صورتی که بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که آنان به خاطر تعصب و پیروی از نیاکان و عوامل دیگر نوعاً و در اکثر قریب به اتفاق موضع‌گیری‌های خویش نسبت به قرآن و پیامبر موضعی بی‌طرفانه نداشته و همواره در صدد نفی و ردّ معارف مستدل و متقن قرآن و پیامبر بوده‌اند.

۲. بر فرض پذیرش این برداشت، به هیچ وجه از آیه شریفه، قول به صرف استفاده نمی‌شود. بلکه آیه دلالت بر آن دارد که آنان در صدد همانندآوری بر نیامدند؛ نه آنکه پس از تصمیم بر همانندآوری انگیزه، علم و قدرت ایشان سلب شده است، چنانکه قائلان به صرف ادعا می‌کنند.

۳. سکوت و عدم موضع‌گیری منفی قرآن نسبت به این مدعا نیز، دلیل پذیرش دیدگاه صرف نیست. بلکه دلیل این سکوت آن است که این سخن، یک مدعای بی‌دلیل و واضح البطلان است زیرا از یک سو قرآن به کرات از همه انسان‌ها می‌خواهد که برای روشن شدن حقانیت و اعجاز آن، همانند یک سوره از قرآن را بیاورند و برای تشویق انسان‌ها بیشترین تعبیر تحریک‌کننده و تشویق‌کننده را به کار می‌گیرد. از سوی دیگر مخالفان با نشان دادن نمونه‌های مشابه قرآن، بیشترین سود را عاید خود می‌ساختند و از آن همه جنگ و سرمایه‌گذاری‌های کلان برای نابودی اسلام فارغ می‌شدند. اکنون با توجه به این دو نکته به راستی چه چیزی مانع آنان از آوردن و یا ساختن و به تعبیر خودشان، گفتن همانند قرآن می‌شده است که تصمیم بر چنین امری نگرفته‌اند. آنان در این ادعا دروغگو و از آوردن همانند قرآن با شناختی که

مقدمه

در درس قبل گفتیم که برای اثبات اعجاز قرآن به سه مبنا و مقدمه نیاز داریم. مقدمه اول این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را به عنوان معجزه - با همه خصوصیات معجزه - مطرح کرده باشد. مقدمه دوم این است که مخاطبان مخصوصاً معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله مسأله را جدی گرفته و در صدد بررسی قرآن و همانندآوری آن، بر آمده باشند. این اصل نیز از مسلمات است. علاوه بر معاصران، که انگیزه‌های زیادی برای همانندآوری داشتند، دیگران نیز مسأله را جدی گرفته و برخی برای همانندآوری تلاش نمودند. در این فصل به انگیزه‌های معاصران و نحوه برخورد آنان و تلاش دیگران برای همانندآوری اشاره می‌کنیم.

انگیزه‌های مشرکان برای همانندآوری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کودکی با اعتقادات، اخلاق و اعمال صحیح رشد کرده بود و زبانزد همگان بود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن ان کان فطیماً اعظم ملک من ملائکته یسلک به طریق المکارم و محاسن اخلاق العالم ليله و

می یافتند، به تکذیب آن اقدام نمی کردند. چنانکه در قیامت وقتی تأویل قرآن بیاید، حتی مخالفان هم به حقانیت قرآن و پیامبر ﷺ اعتراف خواهند کرد. در این صورت، این آیه هم معنی با آیه شریفه ۱۱ از سوره احقاف است که می فرماید: «وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَمَنَّبُوهُنَّ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ» (و چون بدان هدایت نیافته اند، به زودی خواهند گفت: «این دروغی کهنه است.») در این آیه دلیل عدم پذیرش و تکذیب قرآن، عدم شناخت کامل و دقیق قرآن عنوان شده است.^(۱)

۳. سخن در این آیه، نداشتن علم به تأویل یا محتوا و حقیقت قرآن است نه سلب علم.

۵-۳. «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^(۲) (و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می خواستیم قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.») جمله «لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا» دلالت می کند به اینکه آنان می توانستند کلامی مثل قرآن بیاورند، ولی نخواستند. قرآن مجید پس از نقل این قول، موضع مخالفی اتخاذ نمی کند و با سکوتی که حاکی از پذیرش مطلب است، از آن می گذرد.

بررسی:

۱. استفاده اعتقاد به صرف از این آیه بر یک پیش فرض نادرست و دست کم اثبات نشدنی مبتنی است و آن اینکه مخالفان قرآن در بیان مطلبی که از آنان نقل شده است، برخوردی صادقانه و به تعبیری دقیق تر واقع گرایانه داشته اند و دقیقاً آنچه را که

نهاره»^(۱) (از همان لحظه ای که پیامبر اکرم ﷺ را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته خود را مأمور تربیت حضرت کرد، تا شب و روز او را به راههای بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.) این پاکی ادامه داشت تا اینکه از جانب خدای متعال به پیامبری برگزیده شد. تبلیغ دین اسلام، مستلزم مردود شمردن دین و تحلق و خوی عرب بود و این برای آنان، قابل تحمل نبود. برخی از علل و عواملی که سبب دشمنی مشرکان با پیامبر اکرم ﷺ گردید و انگیزه برای معارضة و همانندآوری ایجاد نمود، عبارتند از:

۱. مبارزه پیامبر ﷺ با آئین شرک آلود عرب

پیامبر اکرم ﷺ بر اساس آموزه های وحیانی با آئین شرک آمیز و فرهنگ خرافاتی و رفتارهای مخالف عقل و فطرت انسانی عرب مخالفت می ورزید و مشرکان همواره از خرده گیری پیامبر ﷺ از آئین و فرهنگ آنان ناراضی بودند^(۲). عقاید و فرهنگ و رفتارهایی مانند: بت پرستی، کشتن انسان، غارت و چپاول، قماربازی، رباخوری، اسیرگیری افراد، باده گساری، زنده به گورکردن دختران، حمایت از هم پیمانان و افراد قبیله حتی اگر حق با آنها نباشد، منزلت پستی که برای زن به عنوان کالایی قابل خرید و فروش قائل بودند و نگرش کلی آنان به زندگی که فقط بر محور زن، شراب و جنگ متمرکز بود مهمترین اموری بود که آنان سخت مدافع آن و پیامبر به صورت جدی با آن مبارزه می کرد^(۳).

۱. نهج البلاغه، خطبه قاصه، ص ۳۹۸.

۲. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۵ و ۲۹۳ و تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. فروغ ابديت، ج ۱، ص ۶۱-۶۲.

۲. مبارزه پیامبر اکرم ﷺ با بت پرستی

قرآن کریم پیوسته شرک را ابطال و توحید را اعلان فرموده است. در آیات بسیاری توحید با عبارت (إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ)^(۱) و (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ)^(۲) و (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)^(۳) و... بیان شده است قرآن کریم در آیات متعددی با بیان صفاتی چون خالقیت^(۴)، وسعت علمی^(۵)، رازقیت^(۶)، آورنده نور و روشنایی^(۷)، آورنده شب^(۸) و... الوهیت را در خدای متعال منحصر کرده و الوهیت بتها را پوچ و ناصواب شمرده است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز علاوه بر اینکه از ابتدا موحد بود، با برگزیده شدن به نبوت، توحید را شعار خویش ساخت و اعلام فرمود: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا^(۹). حضرت از بتها عیب‌گیری کرده و آنان را مانند اشیای دیگر، موجودات بی جان می‌دانست، لذا به نظر ایشان، بتها شایسته پرستش نبودند. این گونه برخورد با بتها برای مشرکان بسیار ناگوار بود؛ به همین دلیل از حضرت رسول ﷺ می‌خواستند از عیب‌گیری بتها و دشنام دادن به آنها دست بردارند.^(۱۰)

در منابع تاریخی آمده است که بیست و پنج نفر از اشراف قریش مثل ولید بن مغیره، ابوجهل، ابی، امیه و... پیش ابوطالب آمدند و گفتند: تو شیخ و بزرگ مایی و ما

۱. نحل / ۲۲ - بقره / ۱۶۳ - کهف / ۱۱۰ و...

۲. بقره / ۱۶۳ و ۲۵۵ - آل عمران / ۲ و ۱۸ - نساء / ۸۷ و...

۳. صافات / ۳۵ - محمد / ۱۹.

۴. طه / ۹۸.

۵. قصص / ۷۱.

۶. فاطر / ۳.

۷. قصص / ۷۲.

۸. قصص / ۷۲.

۹. بحارالانوار، ج ۱۸ ص ۲۳۰.

۱۰. سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۲۱۵ و ۲۹۳ و تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۳۶.

هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است؟

در این آیه شریفه، خداوند راز ناتوانی بر همانندآوری قرآن را فقدان احاطه علمی مخالفان به قرآن و در اختیار نداشتن تأویل آن می‌داند و این بیان اشاره به سلب علوم مورد نیاز برای همانندآوری دارد که مقتضای قول به صرف طبق تفسیر سوم است.

بررسی:

۱. در این آیه به هیچ وجه سلب علوم مورد نیاز برای همانندآوری مطرح نشده است؛ بلکه از اینکه چنین علمی در اختیار بشر نیست، سخن به میان آمده است و توضیح آن را در آیه چهاردهم از سوره هود می‌یابیم که می‌فرماید: «فَالَّذِينَ لَا يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» قرآن چون از علم و ویژه الهی برخاسته و چنین علمی در اختیار بشر و در توان او نیست، نمی‌توانند همانندش را بیاورند و اگر چنین نبود و در سطح و افق معارف بشری قرار داشت، همانندآوری آن ممکن بود.

۲. اگر برداشت فوق از آیه شریفه را تنها برداشت و تفسیر صحیح از آیه شریفه ندانیم، برداشت دیگری وجود دارد که با ظاهر آیه شریفه، سازگارتر از تفسیر آیه بر مذاق اهل صرف است. طبق این برداشت جدید که مورد نظر بسیاری از مفسران است، آیه شریفه در صدد توییح و سرزنش معارضان قرآن است که چرا بدون تأمل و تدبیر در قرآن و فهم معارف آن در مورد آن قضاوت می‌کنند. اگر معارضان قرآن، در آیات تأمل و تدبیر می‌کردند و معارف آن را درمی‌یافتند، خارق‌العاده بودنش برایشان روشن می‌شد و دست از تکذیب آن برمی‌داشتند. چنانکه اگر به تأویل دست

۳. بر فرض، اگر مقصود از «آیات» آیات قرآن و مقصود از «صرف» منصرف ساختن در مقام معارضه و تحدی باشد، چنانکه بسیاری از مفسران فرموده‌اند، مقصود منصرف ساختن جبری نیست؛ بلکه انصراف اختیاری از همانندآوری قرآن به دلیل اتقان و استحکام و اعجاز آیات است؛ به این معنی که خداوند با خارق‌العاده و معجزه روشن قرار دادن قرآن، اعجاز قرآن را در حد موضوعی نزدیک به بدیهی قرار داده است و مخالفان با پی بردن به این امر از معارضه با قرآن با اختیار خویش منصرف می‌شوند، زیرا یقین می‌کنند که با توجه به خارق‌العاده بودن آشکار قرآن، هرگونه تلاشی برای همانندآوری آن بیهوده و محکوم به شکست است.^(۱)

۴. برگرداندن خداوند اختصاص به «الَّذِينَ يَكْفُرُونَ فِي الْأَرْضِ» ندارد. به عبارت دیگر ادعای قائلان به صرف، برگرداندن همه کسانی است که قصد همانندآوری قرآن را دارند ولی دلیلشان (آیه مذکوره) اخص از ادعاست. زیرا صرف را مختص (الَّذِينَ يَكْفُرُونَ فِي الْأَرْضِ) کرده است.

۵. ظهور آیه در صرف از خود آیات است. در حالی که طبق ادعای قائلان به صرف باید کلمه‌ای (مثلاً معارضه) در تقدیر گرفته شود. مانه تنها دلیلی بر این تقدیر نداریم؛ بلکه دلیل برخلاف آن داریم. زیرا از ذیل آیه فهمیده می‌شود که این صرف، نوعی مجازات و عقوبت است که آنان را از بهره‌مندی از قرآن منع می‌کند.

۵-۲. «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»^(۲)؛ (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و

پیش تو آمده‌ایم تا بین ما و پسر برادرت قضاوت کنی. او عاقلان ما را سفیه شمرده و به خدایان ما ناسزا گفته است. ابوطالب، رسول اکرم ﷺ را خواست و گفت: ای پسر برادرم ایشان خویشاوند تو هستند و از تو تقاضایی دارند. حضرت ﷺ فرمود: از من چه چیزی می‌خواهند؟ گفتند: از ما و خدایان ما دست بردار تا از تو و خدای تو دست برداریم. حضرت ﷺ فرمودند: آیا به من تعهد به کلمه‌ای می‌دهید که با آن بر عجم و عرب حکومت کنید؟ ابو جهل گفت: «تعهد به ده کلمه مثل آن می‌دهیم! حضرت ﷺ فرمود: بگویند (لا اله الا الله) آنان بلند شدند و گفتند: (أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا)^(۱) (آیا خدایان را یک خدا قرار داد) و آیات ۱ تا ۵ سورة ص نازل شد.^(۲) طبری شبیه به این روایت را نقل کرده و گفته است که تا آیه ۷ نازل شد.^(۳)

۳. گمراه شمرده شدن پدران عرب توسط پیامبر ﷺ

در طول تاریخ، همواره آئین پدران، دلیل برگزیدن آئین فرزندان، عنوان شده است. هنگامی که حضرت ابراهیم علیهِ السلام از بت‌هایی که قومش آنها را ملازم قرار داده و عبادت می‌کردند، می‌پرسد، می‌گویند: ما پدرانمان را عبادت کننده آنها یافتیم «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ. قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ»^(۴) حتی طبق آیات، هر پیامبری که برای ترساندن به شهر و دیاری می‌رفت، خوشگذرانان آنجا می‌گفتند: ما پدرانمان را بر آئینی یافتیم و به آثار و اعمال آنها اقتدا می‌کنیم «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ^(۱)

مشرکان نیز تعصب خاصی به پدران خویش داشته و به پیروی از راه و روش آنان اصرار داشتند «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا»^(۲) (هنگامی که به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده، پیروی کنید، می‌گویند: (نه) بلکه از آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم). پیامبر اکرم ﷺ و قرآن کریم با گمراهی شمردن پرستش بت، بت پرستان را گمراه معرفی می‌نماید و چون اجداد و پدران مشرکان بت پرست بوده و ایشان از آنان بت پرستی را به ارث برده بودند، آنان را نیز گمراه محسوب می‌کردند. «إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَفْلَهُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»^(۳) (و چون به آنان گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی‌دانستند و هدایت یافته نبودند).

۴. نادان شمرده شدن مشرکان عرب توسط پیامبر اکرم ﷺ

در بین عرب جاهلی افراد زیادی وجود داشت که در عین برخورداری از نعمت عقل، بت پرست بوده و در دین و اخلاقیات انحرافات زیادی داشتند. پیامبر اکرم ﷺ با توجه به نادرستی این عقاید و اخلاق و اعمال؛ چنین کسانی را، سفیه می‌شمردند.^(۵)

۱. زخرف / ۲۳.

۲. لقمان / ۲۱.

۳. سیره و تاریخ طبری همان.

۴. مانده / ۱۰۴.

۵. همان

از آیاتم روی گردان می‌سازم و اگر هر نشانه‌ای را [از من] بنگرند، به آن ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند. این بدان سبب است که آنان، آیات ما را دروغ انگاشته و از آن در غفلت بودند).

واژه «سأصرف» به معنای بازداشتن و منصرف نمودن متکبران از ابطال آیات، به وسیله معارضه است و این مقتضای صرف طبق تفسیر نخست است.

بررسی:

۱. اختصاص دادن واژه «آیات» در آیه شریفه به قرآن یا معجزاتی مشابه آن، مدعایی بی دلیل است و آیات، حداقل شامل کل معجزات انبیاء علیهم السلام می‌شود؛ در حالی که قائلان به صرف، صرف در دیگر معجزات به ویژه معجزات انبیای گذشته را قبول ندارند.

۲. مقصود از واژه «سأصرف» با توجه به قرینه دنباله آیه و مقام و سیاق آیات قبل و بعد، برگرداندن مخالفان از ایمان و اثرپذیری و بهره‌مندی از آن به عنوان یک عقوبت الهی است، آیات قبل و بعد این آیه، قصه‌های حضرت موسی علیهما السلام را بیان می‌کند. در آیات قبل (آیه ۱۱۷) از یکی از معجزات حضرت موسی علیهما السلام (ازدها) سخن می‌گوید. در آیه بعدی (۱۴۷) نتیجه تکذیب آیات را حبط عمل ذکر می‌کند. همچنین در خود آیه، عبارات (وَإِنْ يَرَوْا كَلَّآةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا) در روی گردانی مخالفان از ایمان ظهور دارد. بنابراین «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي» به معنای برگرداندن مخالفان از ایمان به عنوان یک عقوبت الهی است.

قرآن تردید داشتند. این تردید دلیل آن است که نظم و بلاغت قرآن در حد اعجاز نبوده است و گرنه آیات قرآن از غیر قرآن به همین دلیل متمایز می‌گشت و در قرآن بودن آن تردید نمی‌شد.

بررسی:

تردید صحابه شاید به جهت رعایت احتیاط و احتراز از کوچک‌ترین اشتباه بوده است. افزون بر آن، اعجاز در جمیع مراتبش و در جمیع آیات برای همه کس به طور مساوی آشکار نمی‌شود.

۴. مردود بودن وجوه دیگر اعجاز مثل اخبار از غیب و انتفاء تناقض از آن و معارف توحیدی و...

بررسی:

برخی از وجوه مطرح شده ذوقی است و قابل دفاع نمی‌باشد. لکن برخی از وجوه قطعاً صحیح است و قابل دفاع. وجوه رد شده توسط قائلان به صرف در کتابهای علوم قرآن، اعراب القرآن و بیانه و تفسیر جواب داده شده است.

۵. برخی از آیات:

۵-۱. «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ»^(۱) (به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌کنند،

چرا که عقل انسانی بت را لایق پرستش ندانسته، ظلم به دیگری را روا نمی‌دارد و اینگونه عقاید اخلاق و رفتار به طور کلی با آموزه‌های حیات بخش و قضاوت عقل سلیم، فاصله زیادی دارد.

۵. پدید آمدن تفرقه بین عرب در اثر روشنگریهای پیامبر ﷺ

وحدت بین افراد آثار و برکات زیادی دارد. نبود وحدت، کینه و کدورت‌ها را، روز به روز، افزون‌تر کرده و چه بسا به قتل همدیگر بکشاند. به همین جهت یکی از علل و نتایج برخی از دستورات دینی مثل حج، نماز جماعت و... وحدت به شمار می‌رود.

با ظهور اسلام برخی از مردم عرب به پیامبر اسلام ﷺ ایمان آوردند ولی برخی مقاومت کرده و ایمان نیاوردند. در اثر روشنگریهای پیامبر ﷺ آئین بت پرستی تضعیف و اقتدار و ریاست سران شرک رو به افول نهاد و جنگهای مسلمانان با مشرکان که نوعی جنگ خانوادگی در قبایل عرب بشمار می‌رفت دامنه اختلاف و کدورت و تفرقه را در خانواده‌هایی که برخی به اسلام ایمان آورده و برخی ایمان نیاورده بودند گسترش داد. و این تفرقه برای عرب ناگوار بود لذا از پیامبر اکرم ﷺ بسیار ناراضی بودند.^(۱)

۶. روحیه تکبر و استکبار عرب

یکی از اخلاق نکوهیده عرب جاهلی تکبر و برتری خواهی بود، که در اثر آن قبول

دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنان مشکل بود. در ذیل آیه ۱۲۴ سوره انعام نقل شده است که ولید بن مغیره به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: قسم به خدا اگر نبوت حق است، من سزاوارتر از تو به نبوت هستم؛ زیرا من از تو بزرگ‌تر و مالم از تو بیشتر است.^(۱) در یکی از آیات در توصیف کافران می‌فرماید: «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ»^(۲) بلکه کسانی که کفر ورزیدند، در سرکشی و ستیزاند. بسیاری از مفسران، (عزت) را به معنای تکبر از قبول حق معنا کرده‌اند.^(۳) بنابراین خلق تکبر یکی از اسباب دشمنی قریش و از عوامل ایجاد انگیزه برای همانندآوری بود.

۷. تشویق قرآن به همانندآوری

قرآن کریم با بیان امکان کمک‌گیری و یاری‌طلبی از دیگران (وَ اذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ) و سیر از اشد به اخف، آنان را تشویق به همانندآوری نمود و این به نوبه خود، انگیزه برای معارضة ایجاد می‌نماید.^(۴)

نحوه برخورد مشرکان

مشرکان با آنکه نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و معجزه بودن قرآن را جدی گرفتند و انگیزه‌های زیادی برای معارضة و همانندآوری داشتند. از ابتدا دریافتند که قرآن کلام الهی و مافوق کلام بشری است، لذا در صدد همانندآوری برنیامده و برای مقابله با آن به راههای دیگری متوسل شدند که در درس آینده به آنها خواهیم پرداخت.

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳. مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۷۲۶.

۲. ص ۲/۲.

۴. قرآن‌شناسی، ص ۱۱۷.

دلایل قول به صرف

۱. این ادعا که در کلام عرب، فصاحتی شبیه قرآن وجود دارد و فرق روشنی بین سوره‌های کوتاه و گزیده‌های برتر از کلام فصحای عرب وجود ندارد، حتی با قبول مزیت قرآن بر کلام بشر، قرآن به حد خارق‌العاده بودن نمی‌رسد.

بررسی:

تعدادی از متخصصان موافق و مخالف قرآن بر خارق‌العاده بودن قرآن شهادت داده‌اند. شهادت ولید و... که گذشت، نمونه‌هایی از آن است و این شهادت، شامل سوره‌های کوچک هم می‌شود. و همانگونه که در هر زمینه دیگر رأی متخصصان برای دیگران معتبر است، رأی این ادیبان نیز در خارق‌العاده بودن قرآن دارای اعتبار است.

۲. عرب زبانان که قادر بر آوردن مفردات و جملات کوتاه مثل (الحمد لله) و مفرد ترکیبی مانند (رب العالمین) هستند، قادر بر ساختن جملات متعدد و سوره‌ها می‌باشند؛ زیرا که جمله‌ها از مفردات و سوره‌ها از جملات ترکیب می‌شوند.

بررسی:

حکم جمله با حکم مفردات تفاوت دارد و آشنایی با مفردات برای ساختن جملات فصیح کفایت نمی‌کند. اگر سخن مزبور صحیح باشد، هر یک از اعراب باید قادر بر آوردن قصائدی مثل قصائد امرئ القیس و دیگران باشند؛ در حالی که چنین قدرتی ندارند. در زبان فارسی نیز که ما با مفردات آن کاملاً آشنا هستیم نمی‌توانیم اشعاری مثل اشعار حافظ بیاوریم.

۳. هنگام جمع‌آوری قرآن، برخی از صحابه در بودن بعضی از آیات و سوره‌ها

صرفاً چون کلام خداست و خداوند مردم را از معارضه با آن منع می‌کند، معجزه می‌داند و اگر غیر خداوند این کلمات را می‌خواند، بلاخلاف معجزه نبود. بنابراین قرآن صفات خاصی ندارد. رافعی با مسخره کردن ابن حزم می‌گوید: ماکسی را که صرف را مثل ابن حزم تفسیر کند، ندیده‌ایم.^(۱)

به عبارت دیگر و خلاصه‌تر، بنا بر تفسیر اول صرف عبارت است از برانگیخته نشدن انگیزه‌های معارضه، با وجود قدرت بر معارضه و فراوانی انگیزه‌های معارضه. بنا بر تفسیر دوم، آنان از وسایل عمده‌ای که در معارضه قرآن نیاز داشتند، تهی دست بودند. حال، یا دارای علوم بودند که محو شد یا دارای علوم نبودند و از تحصیل باز داشته شدند. بنا بر تفسیر سوم با اینکه اسباب لازم برای معارضه در اختیارشان بود و انگیزه‌های زیادی برای معارضه داشتند، از قیام به معارضه، جبراً منع شدند.^(۲)

سخن نظام به تفصیل در دسترس نیست. تنها منقولاتی از ایشان وجود دارد. درباره تفسیر نظام از تفاسیر سه گانه اختلاف وجود دارد. سید شریف جرجانی (م ۸۱۶) معتقد است که مراد نظام از قول به صرف، معنای اول است.^(۳) زملکانی (م ۶۵۱) نظر نظام را معنای دوم می‌داند.^(۴) ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰) تصریح می‌کند که مراد نظام، معنای سوم است.^(۵)

تعداد زیادی از اصحاب نظام از عقیده او تبعیت نمودند که برخی از آنها عبارتند از: ابو اسحاق نصیبی، عباد بن سلیمان صمیری، هشام بن عمرو فوطی و...

۱. اعجاز القرآن، ص ۱۴۶.

۲. التمهید، ج ۴، ص ۱۳۹.

۳. شرح المواقف، ج ۳، ص ۱۱۲.

۵. مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۲۹۶.

نمونه‌ای از همانندآوریها در تاریخ

همانطوری که در ابتدای فصل گفتیم مبنای دوم اثبات اعجاز قرآن، تلاش مخاطبان برای همانندآوری است. در کتابهای تاریخ به نام افرادی بر می‌خوریم که به گمان خود، به معارضه پرداختند. برخی از معارضان، ادعای نبوت کرده و آیاتی را به اسلوب قرآن، به عنوان سند نبوت خویش ساخته‌اند. برخی نیز بدون ادعای نبوت، در صدد معارضه با قرآن بر آمده‌اند. در این قسمت به برخی از معارضان و نمونه‌های همانندآوری آنان از عصر نزول تا عصر حاضر، اشاره می‌کنیم.

۱. مسیلمه کذاب

وی از کسانی است که در سال دهم هجرت به حضور رسول خدا ﷺ شرفیاب گردید و ایمان آورد. پس از بازگشت به یمامه، خودخواهی و جاه‌طلبی وی، سبب شد که ادعای نبوت کند و گروهی را دور خود گرد آورد. افرادی که دور او بودند، از ماهیت دعوت دروغین وی کاملاً آگاه بودند ولی می‌گفتند: دروغ‌گوی قبیله ربیعیه از راستگوی قبیله مضر بهتر است.^(۱) وی در سال دهم هجری در نامه‌ای به رسول خدا ﷺ نوشت: از مسیلمه رسول خدا به محمد رسول خدا، سلام بر تو اما بعد، من در امر (نبوت) با تو شریک گشته‌ام. نیمی از زمین از آن ما و نیمی دیگر از آن قریش، لکن قریش قومی است که تجاوز می‌کند. پس نامه را به وسیله دو نفر فرستاد. پیامبر اکرم ﷺ بعد از قرائت نامه به آن دو نفر فرمود: شما چه می‌گویید؟ گفتند: آنچه را که او

۱. اعجاز القرآن رافعی ص ۱۷۳، التمهید ج ۴، ص ۲۲۸، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۶.

گفت، می‌گوییم. حضرت ﷺ فرمود: اگر نبود که فرستادگان، کشته نمی‌شوند، قسم به خدا گردن شما را می‌زد. پس به مسیلمه نامه‌ای به این مضمون نوشت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ از محمد رسول خدا به مسیلمه کذاب سلام بر کسی که از هدایت تبعیت کند. اما بعد به راستی زمین از آن خداست و به هر که از پیندگانش بخواهد، می‌دهد و عاقبت از آن متقین است.^(۱) مسیلمه با سجاح که همزمان با او ادعای نبوت کرده بود، ازدواج نمود و در سال یازدهم هجری در جنگی که بین او و طرفدارانش و بین مسلمانان به فرماندهی خالد اتفاق افتاد. به دست وحشی کشته شد.^(۲)

نمونه‌ای از قرآن او: ۱. «و المبذرات زرعاً و الحاصدات حصداً و الذاریات قمحاً و الطاحنات طحناً و العاجنات عجناً و الخابزات خبزاً و الثاردات ثرداً و اللاقمات لقماً اهاله و سمناً لقد فضلتم علی اهل الوبر و ماسبقکم اهل المدر رنیکم فامعنوه و المعتر فادوه و الباغی فناووه.»^(۳) (سوگند به تخم افشانان، به درو کنندگان، به پاک کنندگان گندم، به آسیا کنندگان، به خمیر کنندگان، به نان پزان، به ترید کنندگان، به لقمه گیران، برای چاقی و فربهی شما بر اهل و بر (بیابان نشینان) برتری دارید، اهل بیابان بر شما پیشی نجسته‌اند، دیگران را از مراتع و مزارع خود باز دارید و بینوایان را جای دهید و با متجاوز نبرد کنید.

۲. «والشاة و الوانها و اعجبها السود و البانها و الشاة السوداء و اللبن الابيض انه لعجب محض و قد حرم المذوق فما لكم لاتمجعون»^(۴) (سوگند به گوسفندان و رنگهای آنان و

۱. سیره ابن هشام، ج ۴-۳، ص ۶۰۰-۶۰۱

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۷-۱۳۸

۳. همان و التمهید ج ۴ ص ۲۲۹-۲۳۱

۴. اعجاز القرآن، ص ۱۷۵

دست می‌آید که قائل به تفسیر اول است.

۲. صرف به معنای سلب علومی باشد که در آوردن مثل قرآن ضروری است. البته سلب علوم بر دو وجه است؛ ۱. این علوم مستمراً وجود داشت. لکن خداوند متعال، آنها را از قلوب آنان محو کرده و از بین برده است. ۲. آنان دارای این علوم نبودند و خداوند متعال انگیزه‌های آنان را از تحصیل علوم، به خاطر ترس از حصول معارضه منصرف نمود. در نتیجه این علوم را کسب نکردند.

نظر مرحوم سید مرتضی، تفسیر دوم از صرف است. برخی معتقدند که مرحوم سید مرتضی به وجه دوم از تفسیر دوم معتقد است. لکن به نظر می‌رسد از کلمات سید استفاده نمی‌شود که به کدامیک از دو وجه معتقد است.

برخی در دفاع از سید گفته‌اند: سید معروف به نیرومندی در جدل و تحول در مناظره با مناظره کنندگان بود. پس معلوم نیست که صرف، عقیده و نظریه ثابت او باشد.^(۱) به نظر می‌رسد این دفاع چندان تمام نیست؛ زیرا کلمات سید و شاگردانش که نظر او را نقل کرده‌اند، نشان می‌دهد که صرف، عقیده و نظریه ثابت وی بوده است.

ابو محمد عبدالله بن محمد بن سنان (م ۴۶۶) به وجه اول از تفسیر دوم عقیده دارد. ۳. صرف به معنای منع جبری از معارضه با قرآن باشد. خداوند متعال آنان را جبراً از معارضه با قرآن منع می‌کند و با اینکه آنان قادرند، خداوند قدرشان را از معارضه با قرآن سلب می‌کند.^(۲)

ابو محمد علی بن احمد بن حزم اندلسی به تفسیر سوم قائل است. ایشان قرآن را

۱. المعجزة الخالدة، ص ۹۷-۹۸

۲. الطراز، ج ۳، ص ۳۹۱-۳۹۲

مصطفی صادق رافعی، منشأ اعتقاد نظام به صرف را، رواج فلسفه یونان و غیر آنها و تأثیر پذیری از آنها می‌داند.^(۱) محمد ابوزهره نیز درباره منشأ قول نظام به صرف می‌گوید: از بین علمای مسلمان، برخی از فیلسوف‌نماها به گفته‌های «برهمنیان» در کتاب «الفیدا» دست پیدا کردند. این کتاب دارای مجموعه اشعاری است که به گمان آنان در گفتار مردم نظیر آن یافت نمی‌شود و علمای بزرگ آنان می‌گویند: بشر نمی‌تواند مثل آن را بیاورد؛ زیرا «برهما» از این کار باز می‌دارد. هنگامی که در دوران منصور ابوجعفر، خلیفه دوم عباسی (م ۱۵۶) و خلیفه‌های بعد از وی، افکار هندی به جامعه اسلامی رسوخ کرد، کسانی که تجددگرا و دنبال افکار بیگانه بودند، این نظر را به گرمی پذیرفتند و آن را بر قرآن تطبیق کردند، گرچه قابل انطباق نیست. از این رو، برخی از آنان گفتند: ناتوانی عرب از آوردن مثل قرآن، نه به خاطر یک امر ذاتی در الفاظ و معانی، بافت و نظم آن بود؛ بلکه خداوند متعال آنان را از این کار باز می‌داشت.^(۲)

تفاسیر سه‌گانه برای صرف

امیر یحیی بن حمزه علوی زیدی (م ۷۴۹) می‌گوید: قول به صرف سه تفسیر دارد:

۱. صرف به معنای سلب انگیزه‌های آنان بر معارضه قرآن باشد با اینکه اسباب فراوانی انگیزه در حق آنان از قبیل سرزنش و ملامت به سبب عجز، چشم پوشی از مراتب عالی، تکلیف نمودن به فرمانبرداری و مخالفت با میل و شهوات وجود دارد. از برخی از کلمات عمرو بن بحر جاحظ (م ۲۵۵) - که از شاگردان نظام است - به

۱. اعجاز القرآن، ص ۱۴۵. ۲. معجزه بزرگ، ص ۹۹-۱۰۰.

زیباترین آنها سیاه رنگ و دنبه آنها است. سوگند به گوسفندان سیاه و شیر سفید آنها که مورد شگفت است. آمیختن شیر با آب حرام است. چرا شیر را با خرما مخلوط نمی‌کنید. ۳. «الفیل و ما ادراک ما الفیل له ذنب و بیل و خرطوم طویل...»^(۱) (فیل و چه دانی که فیل چیست، آن دارای دم بد و خرطوم بلند است)

۴. یا ضفدع بنت ضفدع نفی ما نقین اعلاک فی الماء و اسفلک فی الطین لا الشارب تمنعین ولا الماء تکدرین»^(۲) (ای قورباغه دختر قورباغه تمیز و صاف کن آنچه را که تمیز و صاف می‌کنی، بالای تو در آب و پایین تو در گل است. نه نوشنده را منع می‌کنی و نه آب را کدر می‌کنی).

۲. اسود عنسی

نام او عهله بن کعب است. وی مردی فصیح و معروف به کفایت سجع و عالم به نسبتها بود. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یمن ادعای نبوت نمود و یک روز پیش از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کشته شد. نمونه‌ای از کلام او: «سبح اسم ربک الاعلی الذی یسر علی الجبلی فاخرج منه نسمة تسعی من بین اضلاع و حشی منهم من یموت و یدس فی الثوی و منهم من یعیش و یبقی»^(۳) و تسبیح کن نام پروردگار بلند مرتبه را، کسی که بر زن آستن، کار را آسان ساخت. از او انسان زنده خارج نمود. او را از میان دنده‌ها و شکم بیرون آورد. برخی از آنها می‌میرد و در خاک پنهان می‌گردد و برخی دیگر زنده می‌ماند.

۱. التمهید، همان. ۲. همان و التمهید ج ۴ ص ۲۳۹-۲۴۱.

۳. برهان رسالت، ص ۷۰.

۳. نصر بن حارت

قریش، او را، که داستان سرای عرب بود، دعوت به مبارزه کرد. او نیز دعوت آنان را پذیرفته و چند روزی جوانان را با داستانهای بی اساس سرگرم ساخت؛ ولی دیری نپائید که همگی از دور او پراکنده شدند و هرگز تاریخ نویسان از وی جمله‌ای به اسلوب قرآن نقل نکردند.^(۱)

۴. چهار دانشمند عهد عباسی

هشام بن حکم از یاران دانشمند امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که چهار تن از سران الحاد به نامهای ابن ابی العوجاء، ابوشاکر، عبدالله بن مقفع و عبدالملک مصری در مسجدالحرام، حاجیان را مسخره کرده و به اسلام و قرآن طعنه می‌زدند. ابن ابی العوجاء گفت: بیایید هر کدام از ما، یک چهارم قرآن را نقض کنیم و وقتی قرآن را نقض کردیم نبوت محمد صلی الله علیه و آله باطل می‌شود و با ابطال نبوت ایشان، اسلام از بین می‌رود.

آنان توافق کردند که بعد از یکسال در همانجا گرد هم آیند و آنچه را که درست کرده‌اند، بیاورند. بعد از یکسال در مسجدالحرام جمع شدند، در حالی که چیزی نیاورده بودند. ابن ابی العوجاء گفت: از وقتی که از همدیگر جدا شده‌ایم، درباره این آیه فکر کرده‌ام «فَلَمَّا اسْتِئْذِنُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاءَكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ

مورد استناد طرفداران این دیدگاه آیه شریفه «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ...»^(۱) بوده است و نیز مفاد این دیدگاه آن است که خداوند انگیزه یا علم یا قدرت معارضة کننده را از معارضة با قرآن بر می‌گرداند و منصرف می‌کند، این دیدگاه به «قول به صرفه» معروف شده است.

برخی از علماء شیعه و سنی به صرف قائلند. به نظر ایشان، معجزه بودن قرآن به جهت متن و ذات قرآن نیست؛ بلکه به جهت منصرف کردن و بازداشتن خداوند مردم را از معارضة با قرآن است. به عبارت دیگر، ناتوانی عرب از آوردن مثل قرآن، به خاطر امر ذاتی در الفاظ و معانی قرآن نیست. بلکه به خاطر اراده حق تعالی بر عدم همانندآوری و منصرف کردن مردم از آن است. بنابراین، اگر اراده خداوندی نبود، مخاطبان مخصوصاً مشرکان می‌توانستند همانندی برای قرآن بیاورند.

تاریخچه و منشأ قول به صرف

اولین کسی که صرف را ادعا کرد، ابواسحاق ابراهیم بن سيار مشهور به نظام (۲۴۴ یا ۲۳۱) است. نظام از متکلمین بزرگ معتزله بود. جاحظ مؤلف اولین کتاب درباره اعجاز القرآن که شاگرد نظام است در توصیف نظام می‌گوید: تنها عیب او سوء ظن بود و بر اصل ظنی، خوب قیاس می‌کرد. وی ابتداء با گمان خود، اصلی درست می‌کرد و سپس چیزی را با آن قیاس می‌نمود و به آن یقین پیدا می‌کرد در حالی که فراموش می‌نمود که اصلش ظنی است.^(۲)

لِي وَهُوَ خَيْرُ الْخَافِينَ»^(۱) (هنگامی که از او ناامید شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند، بزرگشان گفت: مگر نمی دانید که پدرتان از شما پیمان الهی گرفته و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟ من از این سرزمین نمی روم تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا درباره ی من داوری کند که او بهترین داوران است، و بر آوردن جمله ای همسان با آن در فصاحت و بلاغت قادر نشدم و این جمله مرا از تفکر در دیگر آیات باز داشت.

عبدالملک گفت: از هنگام جدایی، من در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ»^(۲) (ای مردم مثلی زده شده است به آن گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز مگسی نمی آفرینند، هر چند برای (آفریدن) آن اجتماع کنند و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید، نمی توانند آن را باز پس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند) فکر می کردم و بر شبیه سازی آن قدرت پیدا نکردم.

ابن مقفع گفت: ای قوم، برآستی این قرآن از جنس کلام بشر نیست و من از وقتی که جدا شده ایم درباره ی این آیه فکر می کردم: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَفُصِّي الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^(۳) (و گفته شد: ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان (از باران) خودداری کن و آب فرو کاست

مقدمه

در درس گذشته وجوه اعجاز را به وجوه برون متنی و وجوه درون متنی تقسیم کردیم. در وجوه برون متنی، اعجاز از جهت امی بودن آورنده قرآن بحث و بررسی شد که مقبول واقع گردید. در این درس به وجه دیگر اشاره می کنیم. این وجه، صرف^(۱) است که در طول تاریخ بسیار مورد بحث واقع شده است. از طرفی برخی از بزرگان تشیع و تسنن به آن معتقد گشته اند و از سوی دیگر بسیاری از قرآن پژوهان آن را تخطئه کرده اند.

مفهوم صرف

ریشه لغت «صرف» به معنای تحوّل از امری به امر دیگر است از قبیل تحوّل از مکانی به مکان دیگر، از حالتی به حالت دیگر از عقیده ای به عقیده ای دیگر. این واژه وقتی با حرف جاره «عن» متعدی شود به معنای برگرداندن و منصرف ساختن می آید. در معنای اصطلاحی صرف نیز با همین معنی تناسب دارد^(۲) این واژه در اصطلاح علوم قرآنی و تفسیر به معنای سلب انگیزه یا علم یا قدرت است. و از آنجا که یکی از آیات

۱. این قول بیشتر به عنوان (قول به صرفه) مشهور است.

۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۹.

و فرمان گزارده شد و (کشتی) بر جودی پهلو گرفت و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار
من از آوردن نظیر آن ناتوان شدم.

ابوشاکر گفت: من نیز از هنگام مفارقت از شما در این آیه تفکر می‌کردم «لَوْ كَانَ
فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^(۱) (اگر در آنها [آسمان و زمین] جز خدا خدایانی (دیگر)
وجود داشت، قطعاً [آسمان و زمین] تباه می‌شد) و بر آوردن مثل آن، قادر نشدم.
در این حال که، امام صادق (ع) از جریان آنان با خبر بود، از کنارشان گذشت و
جهت تنبیه آنان این آیه را خواند: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا
الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»^(۲)،^(۳)

البته برخی با توجه به مهارت و قوت عبدالله بن مقفع در ادبیات و آگاهی او به
محال بودن معارضه، نسبت معارضه قرآن را به او انکار کرده و در توجیه روایت
گفته‌اند: شاید به خاطر همراهی با برخی از اهل ادب که گاهی در آیات الهی الحاد
می‌ورزیدند، دست به این کار زد و با این تجربه، قصد داشت که آنان را ساکت کرده و
به واقع امر قانع سازد.^(۴)

ابن مقفع کتابی بنام (الدرة الیتیمیة) دارد که به طور مکرر چاپ شده است. برخی
گمان کرده‌اند که وی این کتاب را به عنوان معارضه با قرآن نوشته است. این سخن
نادرست بوده و از هیچ جای کتاب استفاده نمی‌شود که او این کتاب را به عنوان مقابله
با قرآن نوشته باشد.^(۵) علت نسبت معارضه به ابن مقفع این است که وی معروف به

۱. انبیاء / ۲۲.

۲. اسراء / ۸۸.

۳. احتجاج طبرسی، ص ۳۷۷ و بحارالانوار ج ۱۷، ص ۲۱۳.

۴. التمهید ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. اعجاز القرآن، ص ۱۷۹، برهان رسالت ص ۷۲.

درس نهم

وجوه اعجاز (۲)

وجوه برون متنی (۲)

صرف (۲)

از دانش پژوه انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم صرف را بیان کند.
۲. از تاریخچه و منشأ قول به صرف آگاه شود.
۳. با تفاسیر سه گانه برای صرف آشنا شود.
۴. اقوال در مذهب صرف را بداند.
۵. دلایل قول به صرف را بیان کند.
۶. عامل اصلی طرح صرف را توضیح دهد.
۷. اصل ادعای صرف را تجزیه و تحلیل نماید.
۸. دلایل قول به صرف را بررسی نماید.

الحاد و زندقه بود و پس از وی، فتنه ملاحدّه به وقوع پیوست. از این جهت وی پیوسته مورد سوء ظن نویسندگان معاصر خود بود و بر اثر نقاط ضعف و آسیب پذیری که در امثال این افراد وجود دارد برخی از نوشته‌های او رنگ معارضه با قرآن را به خود گرفت؛ در حالی که خود او بهتر می‌دانست که قرآن بالاتر از آن است که او و هزاران نفر مانند او بتوانند با آن به مقابله برخیزند.^(۱)

۵. نصیرالدین ظافر

مؤلف رساله احسن الایجاز فی ابطال الاعجاز به گمان خود با سوره‌های کوچک قرآن معارضه کرده است. ایشان در معارضه با سوره حمد، سوره‌ای نوشته، که به نظرش لفظاً مختصرتر و معنأً جامع‌تر از سوره حمد است «الحمد للرحمان رب الاکوان الملك الدیان لک العباد و بک المستعان اهدنا صراط الایمان» و در معارضه با سوره کوثر گفته است «انا اعطیناک الجواهر فصل لربک و جاهر و لاتعتمد قول ساحر»^(۲)

۶. علی محمد باب

بابت فرقه‌ای است که علی محمد بن میرزا رضا بزاز شیرازی آن را تأسیس کرد. وی در سال ۱۲۳۶ در شیراز متولد شد و برای یادگیری ادبیات عرب و دروس دینی در

۱. همان ص ۱۷۹ و همان ص ۷۳.

۲. مرحوم آیت الله خویی در کتاب البیان ص ۹۵ - ۱۰۰ و حضرت استاد مصباح یزدی در قرآن شناسی ص ۱۶۸ - ۱۷۴، تطبیقی انجام داده‌اند که نقاط ضعف نوشته نصیرالدین ظافر و امتیازات دو سوره قرآنی را آشکار می‌سازد.

سال ۱۲۵۵ به کربلا رفت و نزد سید کاظم رشتی (متوفی ۱۲۵۸) شاگردی کرد. وی شیخ را باب اعظم می خواند و بعد از وفاتش برای خود، بابیت (واسطه بین حضرت مهدی (ع) و مردم) را ادعا کرد. سپس از این مرحله جلوتر رفت و ادعای مهدویت نمود و خود را بقیه الله توصیف کرد و به رهروانش دستور داد تا جمله (اشهد انّ علی محمد الباب بقیه الله) را در اذان داخل کنند. سپس ادعای نبوت نمود و بالاخره ادعای الوهیت کرد. سرانجام به امر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۶ در سن ۳۱ سالگی به قتل رسید.

او در تمام این مراحل، سخنان سست و بیهوده داشت که شیطان بر او املاء می نمود و آنها را به صورت لوحهای قدسی، که از آسمان نازل می شود، ابلاغ می کرد. وی در لوح حمد می گوید: استحمد حمدا ما حمده احد من قبل و لایستحمده احد من بعد حمدا طلع و اضاء و تشعشع و اشرق و انار و برق فابار فارتنع و تسطّع فامتنع حمدا شرّاقا ذو الاشتراق و برّاقا ذو الابرّاق و شقاقا ذو الاشتقاق...

در لوح بعماء می گوید: بسم الله البهی الابهی لاله الا هو الواحد البهتان بهاء السموات و الارض و ما بینهما فوق کل ذی البهاء لن یقدر ان یمتنع عن ملیک سلطان ابهائه من احد لافی السماوات و لافی الارض و لا ما بینهما انه کان بهاء باهیا بهیاء. و در لوح قدم گوید: «بسم الله الاقدم الواحد القدّام المقدم القدوم المتقدم المقّدم... اشهد یا ابراهیم انه لاله الا انا الرّحام الرحیم لن یری فی الاسماء الا الله انک رب العالمین لم یکن لما خلقت من اول و لا آخر و کل ما یری قائمون... و در لوح قائم گوید: دو نفی انا القائم الذی کل ینتظرون یومه و کل به یوعدون قد خلقتنی الله بامرّه و جعلنی قائما علی

برای مطالعه بیشتر

- در مورد وجوه اعجاز ر.ک:

۱. اعجاز القرآن، محمد بن الطیب الباقلانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱، ص ۲۸-۱۶۶.

۲. معترک الاقران فی اعجاز القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵-۳۸۷.

۳. قرآن در قرآن، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۱۳۳-۱۵۷.

- در مورد امی بودن آورنده قرآن: ر.ک:

۱. مکاتیب الرسول، علی احمدی میانجی، به کوشش مرکز تحقیقات حج، دارالحديث، چاپ اول، ۱۹۹۸ م، ج اول، ص ۸۵-۹۸.

۲. قرآن شناسی، محمدتقی مصباح یزدی، به کوشش محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳-۱۸۲.

۳. پیامبر امی، مرتضی مطهری، قم: انتشارات صدرا.

پرسش

۱. در بین مسائل اعجاز قرآن، چه بحثی ابتدا مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و اولین تألیف مربوط به چه وجهی است؟
۲. آیا وجه اعجاز قرآن، قابل درک است؟ به چه دلیل؟
۳. وجوه اعجاز به چه صورت درک می شوند؟
۴. گستره وجوه اعجاز و قول حق و دلیلش را ذکر کنید.
۵. علل اختلاف در تبیین وجوه اعجاز را نام ببرید.
۶. سه وجه از وجوهی را که در تمام آیات وجود دارد، بیان کنید.
۷. تقسیمات مختلف و تقسیم صحیح را در وجوه اعجاز ذکر کنید؟
۸. اعجاز از جهت امی بودن آورنده را به طور اختصار توضیح دهید؟

کل نفس بما قد آتانی الله من آلیات و انه هو المهیمن القیوم... قل کل شی مالک الا وجهه کذلک یظهر الله صدق ما نزل لعلکم تتذکرون... ولعمری ان امر الله فی حقّی اعجب من امر محمد رسول الله من قبل لو انتم فیه تتفکرون، قل انه ربّی فی الحرب ثم من بعد اربعین سنة قد نزل الله علیه آلیات قل انی ربّیت فی الاعجمین و قد نزل الله علی من بعد ما قد قضی من عمری خمسة بعد عشرين سنة آیات التی کل عنها یعجزون انا کنا نستنسخ ما کنتم به تعملون.^(۱)

۷. حسین علی بهاء الله

آنان جانشینان فرقه بابیه هستند که در صحرای ضلالت گمراه شدند همانطوری که گذشتگان آنان گمراه شدند. اولین کسی که خود را جانشین باب معرفی کرد، میرزا یحیی ملقب به صبح ازل بود که در سال ۱۲۶۵ هـ جانشین باب شد و با اصحابش به بغداد کوچ نمود و آنجا از دیدگان مردم غائب شد. واسطه بین او و بابیه، برادرش میرزا حسین علی ملقب به بهاء الله بود که بعداً بر برادرش (صبح ازل) چیره شد و او را عزل نمود و در جای او ایستاد و فرقه بهائیه به او منسوب است.

برخی از کلمات صبح ازل که به صورت آیات نازل کرده است عبارت است از «سبحان الذی نزل الکتاب بالحق فیه آیات اللوح هدی و بشری لقوم یسمعون ان اتبع حکم ربک لاله الا هو کل الیه ترجعون و ان فی العین قد خرجن الحوریات من قصد بحکم ربک العزیز الحیدوان من دعائهن قل هذا الحرف فلما جاء الرجال الذین

يقاتلون من الله بالحق فاننا نحن لفائزون وان وعد الله لمفعول...»^(۱)

برخی از کلمات بهاء: «يا هذا الهيكل ابسط يدك على من في السماوات والارض وخذ زمام الامر بقبضة ارادتک انا جعلنا فی یمینک ملکوت کل شیء افعل ما شئت ولا تخف من الذين هم لا يعرفون... ترتفع ایدای کل شیء الى الله المقتدر العزيز الودود سوف نبعث من يدك ایدای القوة و القدرة الاقتدار و تظهر بها قدرتی لمن فی ملکوت الامر و الخلق لیعرف العباد انه لا اله الا انا المهيمن القيوم...»

۸. غلام احمد قادیانی

قادیانیّه فرقه هندی اسلامی است که میرزا غلام احمد قادیانی (۱۲۴۸-۱۳۱۹ هـ) آن را تأسیس کرد. وی در سال ۱۸۸۰ م در کتابش (برهان احمدی) اعلان کرد که مهدی موعود است و سپس در کتابهای دیگرش اعلان کرد که وحی بر او نازل می شود. برخی از جملاتی که وحی گمان کرده است، این است: «فالهمني ربی میثرا بفضل ما عنده و قال انک من المنصورین و قال یا احمد بارک الله فیک ما رمیت اذ رمیت و لكن الله رمی لتندر قوم ما انذر اباؤهم و لتستبین سبیل المجرمین... و قال انت علی بینه من ربک رحمة من عنده و ما انت بفضلہ من المجانین و یخوفونک من دونه انک باعیننا سمیتک المتوکل... فادخل الله فی لفظ اليهود معشر علماء الاسلام الذین تشابه الامر علیهم کاليهود و تشابهت قلوبهم و العادات و...»^(۲)

خلاصه:

۱. در بین مسائل اعجاز قرآن، وجوه اعجاز اولین مسأله ای است که دانشمندان به آن پرداخته اند و اولین تألیف در اعجاز قرآن، مربوط به نظم است.
۲. وجه اعجاز قابل درک است.
۳. همگان برخی از وجوه را مستقیماً و برخی از وجوه را به طور غیر مستقیم درک می کنند.
۴. انحصار وجه اعجاز آن در یک وجه یا اجتماع چند وجه خاص دلیل متقنی ندارد.
۵. برخی از وجوه مثل فصاحت و بلاغت، نظم و سبک، موسیقی، امی بودن آورنده و هماهنگی در همه آیات وجود دارد.
۶. تقسیمات مختلفی در وجوه اعجاز ارائه شده است، تقسیم صحیح، تقسیم به وجوه برون متنی و وجوه درون متنی است.
۷. یکی از وجوه برون متنی، اعجاز از جهت امی بودن آورنده است به این بیان که ارائه چنین معارفی جامع و گسترده از فردی درس نخوانده، خارق العاده است و دلیل بر ارتباط با خدای متعال می باشد.
۸. علاوه بر دلالت آیات، کتب تاریخی مسلمین، شرق شناسان مسلمان و غیر مسلمان به درس ناخوانده بودن پیامبر ﷺ تصریح می کنند.

از آیات قرآن نازل شده بود. افراد دیگر نیز نه در آغاز دعوت اسلام ایمان آوردند و نه پیامبر ﷺ با آنان مراوده داشته است.

۳. سفر آن حضرت ﷺ به شام یک بار در پنج سالگی و بار دیگر در بیست و پنج سالگی بوده است که شب و روز با کاروانیان بوده است.

۴. قرآن همه مطالب تورات و انجیل را نمی گوید بلکه آنها را نقد و تصحیح می کند.

۵. اگر پیامبر ﷺ قرآن را از دیگران فرا گرفته بود، همانندآوری آن آسان بود و صورت می گرفت.

نتیجه اینکه پیامبر ﷺ خواندن و نوشتن را از راههای متعارف بشری (تعلیم و تعلم) فرا نگرفته است. و نیز قبل از بعثت خویش، خطی ننوشته و نوشته ای را نخوانده است ولی ادله یاد شده قدرت خواندن و نوشتن به صورت خارق العاده را پس از بعثت پیامبر ﷺ نفی نمی کند. البته دلایل عقلی و قرآنی صریح بر این قدرت و اعمال آن پس از بعثت در دست نیست. ولی برخی از روایات دلالت می کند بر اینکه پیامبر ﷺ به صورت خارق العاده قدرت بر نوشتن و خواندن داشته و احیاناً اعمال کرده است.

بررسی:

نمونه های یاد شده به قدری بلحاظ محتوا و فصاحت و بلاغت ضعیف است که در واقعی بودن آنها و یا در مقام همانندآوری بودن صاحبان آنها تردید روا داشته اند. هرچند تردید در این امر نیز نیازمند دلیل است ولی نقاط ضعف آنها ضرورت بررسی و نقد آنها را منتفی می سازد و نسبت به برخی از آنها نیز بررسیهایی در کتب مربوطه صورت گرفته است. بنابراین همانندها دارای چند اشکال است: ۱. اسلوب آنها از اسلوب قرآن اقتباس شده است. ۲. فصاحت و بلاغت آنها ضعیف است. ۳. برخی از محتواها بی معناست و محتوای معنادار قابل مقایسه با محتوای آیات قرآن نیست.

شبهه

ممکن است گفته شود: شاید همانندآوری صورت گرفته باشد ولی به دست ما نرسیده است. لکن پاسخ آن اینست که (لو کان لبان) اگر چنین چیزی، به این مهمی وجود داشت، آشکار می شد. پس آشکار نشدن دلیل بر نبودن است.

بنابراین بررسی مختصر معارضه ها نشان می دهد که با وجود تلاشهای زیاد برای همانندآوری، تاکنون همانندی آورده نشده است و با توجه به بررسی ویژگیهای قرآن و توانمندیهای انسان در آینده نیز همانندی آورده نخواهد شد (لَئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً)

خلاصه

۱. مقدمه دوم اثبات اعجاز قرآن یعنی این که مخاطبان مخصوصاً معاصرین نزول، مسأله را جدی گرفته و در صدد بررسی قرآن و همانندآوری آمده باشند. این اصل از مسلمات تاریخ است.

۲. برخی از انگیزه‌های مشرکین برای همانندآوری عبارت است از: ۱. مبارزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دین عرب ۲. مبارزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بت پرستی ۳. گمراه شمرده شدن پدران عرب عصر نزول توسط پیامبر صلی الله علیه و آله ۴. نادان شمرده شدن عاقلان عرب توسط پیامبر صلی الله علیه و آله ۵. تفرقه بین عرب در اثر روشنگری‌های پیامبر صلی الله علیه و آله ۶. روحیه تکبر و استکبار عرب ۷. تشویق قرآن به همانندآوری

۴. مشرکان با وجود انگیزه‌های زیاد برای همانندآوری، قرآن را فوق کلام بشری یافتند، لذا از همانندآوری منصرف شده و به راههای دیگر برای مقابله با قرآن متوسل شدند.

۵. در تاریخ عده‌ای به عنوان همانندآور مطرح شده‌اند مثل مسیلمه، سجاح، اسود عنسی و ...

۶. مقایسه همانندها با قرآن نشان می‌دهد که: ۱. اسلوب آنها از اسلوب قرآن، گرفته شده است و این معارضه محسوب نمی‌شود ۲. فصاحت و بلاغت آنها با فصاحت و بلاغت قرآن قابل مقایسه نیست ۳. محتوای آنها با محتوای قرآن تفاوت زیادی دارد.

۷. اگر همانندی برای قرآن آورده شده بود، به دست ما می‌رسید و چون همانند به دست ما نرسیده است، پس همانندی آورده نشده است.

شبهه:

ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله معارف قرآن را از دیگران مثل نصر بن حارث، عداس، سلمان فارسی یا از راهبان مسیحی که آن حضرت در سفر شام با آنان ملاقات کرده است، گرفته باشد.

جواب:

۱. این شبهه و جواب آن در آیه ۱۰۳ سوره نحل آمده است «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند: جز این نیست که بشری به او می‌آموزد؛ [نه چنین نیست، زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است.

۲. حضرت سلمان در مدینه ایمان آورده است و تا آن زمان بخش قابل ملاحظه‌ای

دورانت، ویل، قصة الحضارة، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸، ج ۷-ص ۲۱. جان دیون پورت می‌نویسد: درباره تحصیل و آموزش، آن طوری که در جهان معمول است، همه معتقدند که محمد صلی الله علیه و آله تحصیل نکرده است و جز آنچه در میان قبیله‌اش معمول و رائج بوده چیزی نیاموخته است و آنچه امروز ادبیات می‌نامیم آن روزها از توجه به آن غفلت داشته‌اند.

(پورت، جان دیون، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن / ترجمه غلامرضا سعیدی، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۷-۱۸.

هنری دو کاستری می‌گوید:

بدون شبهه محال است مردی در مشرق زمین تحصیل علم کند و مردم مطلع نشوند زیرا تمام ترتیبات زندگی شرقیها علنی و آشکار است. بعلاوه خواندن و نوشتن در آن عصر در آن اقطار وجود نداشت و در مکه بجز یک مرد کسی خواندن و نوشتن نمی‌دانست.

دو کاستری، کنت هنری - اسلام - افکار و اندیشه‌ها، ترجمه سیدمحمد قمی فاطمی، چاپ اول، چاپخانه خاور، تهران، ۱۳۰۹، ص ۲۷.

گرنه باطل اندیشان قطعاً به شک می افتادند).

ب: «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^(۱) (بگو «اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم» و [خدا] شما را به آن آگاه نمی گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده‌ام. آیا فکر نمی کنید؟»)

ج: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي الشَّوَارِزِ وَالْإِنْجِيلِ»^(۲) (همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل، نوشته می یابند - پیروی می کنند...)

د: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ»^(۳) (پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید). استدلال به دو آیه اخیر بر این مبنا استوار است که «امی» به معنای انسان درس ناخوانده و خط نانوشته است.

درس ناخوانده بودن و خط نانوشته بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر تاریخی نیز مسلم است و حتی شرق شناسان و مورخان غیر مسلمان نیز بر آن صحه گذارده‌اند.^(۴)

۱. یونس / ۱۶

۲. اعراف / ۱۵۷

۳. اعراف / ۱۵۸

۴. کارلایل می گوید: محمد نزد کسی از استادان بشر درس نخوانده و خطی ننوشت و صنعت خط هم در آن اوان در بلاد عرب جدید العهد بود. کارلایل، توماس، تاریخ حیات پیغمبر اسلام، ترجمه ابو عبدالله زنجانی، چاپ سوم، کتابخانه سروش، تبریز، ۱۳۵۵، ص ۳۲.

ویل دورانت می گوید: به نظر می رسد هیچکس به آموزش خواندن و نوشتن به وی اهتمام نورزیده است و خواندن و نوشتن در آن زمان برای عربها بی ارزش بود و به همین دلیل در کل قبیله قریش تنها هفده نفر بر خواندن و نوشتن توانا بودند.

پرسش

۱. مقدمه دوم اثبات اعجاز قرآن را بیان کنید.
۲. انگیزه های مشرکین برای همانندآوری را ذکر کنید.
۳. نحوه برخورد مشرکان با قرآن را توضیح دهید.
۴. برخی از همانندآوریهای مشرکان در طول تاریخ را بررسی نمایید.
۵. آیا احتمال ندارد که همانندآوری صورت گرفته باشد؟ به چه دلیل؟

❖ برای پژوهش

با دقت در همانندآوریهای معاصر، بررسی کنید که اسلوب آنها از کدام یک از آیات قرآن گرفته شده است. ضمناً در بررسی معارضات جدید، موارد اختلاف با قرآن را پیدا کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

در مورد همانندآوریها در طول تاریخ ر.ک:

۱. اعجاز القرآن، مصطفی صادق الرافعی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۰ هـ ص ۱۷۲-۱۸۷.
۲. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ هـ ج ۴ ص ۲۲۷-۲۵۶.
۳. طبری تاریخ طبری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸، ج ۱، ج ۳، ص ۱۳۱-۱۴۷.
۴. قرآن‌شناسی، محمد تقی مصباح یزدی، به کوشش محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲-۱۶۷.
۵. برهان رسالت، جعفر سبحانی، قم: انتشارات مکتب اسلام، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۵۲-۷۶.

علوم و احکام و قوانین فردی و اجتماعی است که با دیگر کتابهای موجود در میان بشر قابل مقایسه نیست. این مجموعه ژرف‌ترین و بلندترین معارف و والاترین و ارزشمندترین دستورات اخلاقی و عادلانه‌ترین مواعظ و نکات تاریخی و سازنده‌ترین شیوه‌های تعلیم و تربیت را در خود جای داده است.

فراهم آوردن این همه معارف و حقایق در چنین مجموعه‌ای فراتر از توان انسانهای عادی است. ولی آنچه که به شگفتی می‌افزاید و جای هیچ گونه تردید را برای هیچ کس باقی نمی‌گذارد، این است که این کتاب به وسیله فردی درس‌نخوانده و آموزش ندیده که هرگز قلمی بر کاغذ نیاورده و خطی ننوشته و نخوانده و در محیطی دور از تمدن و فرهنگ ارائه شده است. شگفت‌تر آنکه در طول دوران چهل ساله پیش از بعثت از این سخنان حتی جمله‌ای بر زبان جاری نساخته و این معارف ارائه شده به عنوان وحی قرآن، دارای اسلوب ویژه و هماهنگی خاصی است که آن را از دیگر سخنانش کاملاً متمایز می‌سازد. بنابراین، قرآن با وجود چنین صفاتی با توجه به درس‌نخوانده بودن آورنده‌اش، معجزه است.

علاوه بر آیه ۲۳ سوره بقره که در صورت ارجاع ضمیر (مثله) به (عبدنا) یعنی پیامبر اکرم ﷺ دلیل بر اعجاز قرآن از جهت آورنده خواهد بود، برخی از آیات دیگر به این وجه اشاره می‌کنند:

الف: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَأَزْتَابُ الْمُبِطُلُونَ»^(۱) (و هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی و

۴-۸. وجوه برون متنی و وجوه درون متنی

به نظر می‌رسد، تقسیم جامع که شامل همه وجوه اعجاز شود، تقسیم به وجوه برون متنی و درون متنی است. مزیت این تقسیم بر تقسیمات دیگر، بر اشمال بر صرف، و امی بودن آورنده قرآن است.

وجوه اعجاز قرآن

همانگونه که ذکر گردید، قرآن کریم دارای وجوه متعدد است و نیز گفتیم برخی از وجوه مربوط به بیرون از متن و صرف نظر از متن می‌باشد و برخی به متن قرآن. حال، به طور ایجاز به این وجوه می‌پردازیم.

۱. وجوه برون متنی

بنابر این وجوه، معجزه بودن و ناتوان نمودن قرآن به امری بیرون و خارج از متن قرآن وابسته است. در این وجوه، از متن قرآن صرف نظر می‌شود و به امر بیرون پرداخته می‌شود؛ گرچه ممکن است برخی از قائلان به برخی از این وجوه، به وجوه درون متنی نیز معتقد باشند.

۱-۱. امی بودن آورنده قرآن

قرآن کریم با وجود حجم کم و کمیت نسبتاً اندک آن در بردارنده انواعی از معارف و

جامع باشد تا آن را نیز شامل شود.

درس هفتم

مبانی اثبات اعجاز قرآن (۳)

ناتوانی از همانندآوری

از دانش پژوه انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس:

۱. مبانی سوم اثبات اعجاز قرآن را بداند.
۲. بتواند برخی از شهادتها را بر ناتوانی از همانندآوری بیان کند.
۳. از تهمتهای مشرکین به پیامبر ﷺ آگاه شود.
۴. برخی از آزارهای مشرکان به پیامبر ﷺ را بشناسد.

۸-۲. وجوه مختص به عرب و وجوه مشترک

قرآن کریم دارای وجوه متعدد است که برخی از آنها مثل فصاحت و بلاغت مختص عرب است چراکه عرب آن را می‌فهمد و قرآن بیشتر با این وجه مشرکان را به تحدی دعوت نمود. ولی برخی از وجوه مثل اعجاز از جهت تاریخ و... مشترک بین همه انسانهای رشد یافته است.^(۱)

نقد: اختصاص برخی از وجوه به عرب ناتمام است. زیرا غیر عرب با تحصیل ادبیات عرب می‌تواند عربی را فرا گرفته و مخاطب تحدی به فصاحت و بلاغت باشد. بلکه اگر منظور مخاطب بالفعل هم باشد، عرب تنها مخاطب بالفعل وجه فصاحت و بلاغت نیست؛ زیرا بسیاری از امور مربوط به فصاحت و بلاغت مشترک میان ملت‌های مختلف است و آنچه اختصاص به عرب دارد فهم بیان قرآن است نه اعجاز در فصاحت و بلاغت آن.

۸-۳. اعجاز بیانی، علمی، تشریعی و غیبی

برخی از قرآن‌پژوهان معاصر ابعاد وجوه اعجاز را به بیانی، علمی و تشریعی تقسیم کرده‌اند.^(۲) و برخی اعجاز غیبی را به موارد فوق افزوده‌اند.^(۳)

نقد: این دو تقسیم‌گرچه فی نفسه صحیح است ولی جامع نیست زیرا برخی از وجوه مثل امی بودن آورنده و صرفه در آن جای نمی‌گیرد.^(۴)

۱. آلاء الرحمن، ص ۵-۱۶، التفسیر المنیر، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.

۲. التمهید فی علوم القرآن ج ۵-۶. ۳. مباحث فی اعجاز القرآن، ص ۱۱۳-۲۸۶.

۴. گرچه صرف باطل است ولی چون برخی از دانشمندان شیعه و سنی آن را قبول دارند، باید تقسیم به حدی

مقدمه

تاکنون دو مبنا و مقدمه برای اثبات اعجاز قرآن ذکر شد. مقدمه اول این بود که پیامبر اکرم ﷺ قرآن را به عنوان معجزه، با همه خصوصیات معجزه، مطرح کرده است. مقدمه دوم این بود که مخاطبان، مخصوصاً معاصران پیامبر ﷺ مسأله را جدی گرفته و در صدد بررسی قرآن و همانندآوری آن برآمده‌اند. گفتیم این دو مقدمه از مسلمات است.

مبنای سوم این است که در عین آنکه برای همانندآوری تلاش جدی صورت گرفته، نتوانسته باشند که همانند قرآن را بیاورند یا به روشنی دریافته باشند که نمی‌توان همانند قرآن را آورد. این اصل نیز از مسلمات تاریخی و روایی است. معاصران پیامبر ﷺ که در اوج فصاحت و بلاغت بودند، با شنیدن آیات الهی دریافتند که این کلام از جنس کلام بشری نیست و کلام الهی است و جمعی از آنان آشکارا این عقیده را ابراز کردند. به نظر آنان، این کلام، چون کلام خداست، امکان همانندآوری آن وجود ندارد. در این جهت حق با آنان است و گذشت زمان تاکنون اثبات کرده است که همانندآوری قرآن ممکن نیست.

اعجاز وجود دارد ولی آیات نسبت به یکدیگر در آن وجه دارای تفاوت هستند. به عنوان مثال آیه ۴۴ سوره هود از بسیاری از آیات افصح است «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^(۱) (و گفته شد: «ای زمین! آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن» و آب فرو کاست و فرمان گزارده شد و [کشتی] بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: «مرگ بر قوم ستمکار».)

۸. تقسیمات مختلف وجوه اعجاز

همانگونه که اشاره شد اقوال مختلفی در وجوه اعجاز مطرح شده است. برخی وجه اعجاز را به یک وجه منحصر می کنند. برخی وجوه اعجاز را متعدد می دانند. برخی کسانی که وجوه اعجاز را متعدد می دانند، به دسته بندی وجوه اعجاز نیز پرداخته اند. در اینجا به برخی دسته بندیهای مطرح شده در وجوه اعجاز قرآن می پردازیم.

۸-۱. اعجاز متعلق به نفس قرآن و به صرف مردم از معارضه

اعجاز قرآن از دو جهت ذکر شده است: ۱. اعجازی که متعلق به نفس قرآن باشد. ۲. اعجازی که متعلق به صرف کردن مردم از معارضه با قرآن باشد.^(۲) نقد: این تقسیم گرچه فی نفسه صحیح است ولی جامع نیست زیرا اعجاز از جهت آورنده را شامل نمی شود.

مشرکان با اینکه دریافتند که قرآن کلام خداست، انگیزه های متعددی برای مقابله با قرآن و پیامبر اکرم ﷺ داشتند. به همین جهت شیوه های مختلفی را برای مقابله برگزیدند. تهمت، اذیت و... از شیوه های دائمی و رایج آنان در مقابله با قرآن و پیامبر ﷺ بود. بنابراین، با اثبات مبانی و مقدمات سه گانه فوق، اعجاز قرآن ثابت می شود. آنچه در پی می آید نمونه هایی از شهادت معاصران قرآن بر عدم امکان همانندآوری آن و نیز برخی شیوه های مشرکان برای مقابله با پیامبر گرامی اسلام ﷺ و قرآن است.

شهادت بر ناتوانی

همانطور که در درس پنجم ذکر شد، یکی از راه های تشخیص اعجاز، رجوع به متخصصان است. گفتیم که به تبع تعدد وجوه اعجاز، متخصصان نیز متعدّدند. یکی از وجوه اعجاز، فصاحت و بلاغت است که تشخیص آن بر عهده ادیبان است. عرب معاصر پیامبر ﷺ در فصاحت و بلاغت به اوج رشد رسیده بود؛ به گونه ای که در هیچ عصری، چنین رشدی، یافت نشده است. ادیبان و بلیغان معاصر پیامبر ﷺ با شنیدن آیات نورانی قرآن در یافتند که قرآن کلام بشری نیست بلکه لفظ و محتوای آن کلام الهی است و به همین جهت امکان همانندآوری آن وجود ندارد. اینک به نمونه ای از شهادت های ادیبان معاصر پیامبر ﷺ اشاره می شود:

۱. شهادت ولید بن مغیره

۱.۱. قریش در دارالندوة جمع شدند. ولید (مرد معروف و سرشناس مکه، که مشرکان

به عقل و ذرایت او معتقد بودند و در مسائل مهم با او به مشورت می‌پرداختند) رو به آنها کرد و گفت: شما مردمی هستید دارای نسب والا و عقل و خرد؛ عرب از هر سو به سراغ شما می‌آید (برای زیارت خانه کعبه)، پاسخ‌های مختلفی از شما می‌شنوند، حرف خود را یکی کنید. سپس رو به آنها کرد و گفت: شما درباره این مرد (پیامبر اکرم ﷺ) چه می‌گوئید؟ گفتند: می‌گوئیم «شاعر است». ولید چهره در هم کشید و گفت: ما شعر بسیار شنیده‌ایم؛ اما سخن او شباهتی به شعر ندارد. گفتند: می‌گوئیم «کاهن است». گفت: هنگامی که نزد او می‌روید، سخنانی را، که کاهنان (به شکل اخبار غیبی) می‌گویند، در او نمی‌یابید. گفتند: می‌گوئیم «دیوانه است». گفت: وقتی به سراغ او می‌روید، هیچ اثری از جنون در او نخواهید یافت. گفتند: می‌گوئیم «ساحر است». گفت: ساحر به چه معنی؟ گفتند: کسی که میان دشمنان، دوستی و میان دوستان، دشمنی ایجاد می‌کند. گفت: پس او ساحر است. سپس از (دارالندوه) خارج شدند و در حالی که هر کدام پیامبر ﷺ را ملاقات می‌کرد، می‌گفت: ای ساحر ای ساحر. این مطلب بر پیامبر ﷺ گران آمد و خداوند آیات سوره مدثر از آغاز تا آیه ۲۵ را نازل نمود. (۱)

۱.۲. گروهی از قریش برای حل مشکل نفوذ روز افزون اسلام در میان جوانان و افراد آزادمنش به ولید بن مغیره مراجعه کردند و از او خواستند که نظر خود را درباره قرآن بیان کند. او از آنان مهلت خواست تا پس از استماع آیات قرآن، نظر خود را اظهار نماید. لذا از جای خود برخاست و در حجر اسماعیل کنار پیامبر ﷺ نشست و به او گفت: پاره‌ای از اشعارت را بخوان. پیامبر ﷺ فرمود: آنچه من می‌خوانم شعر

الف - عوامل برون قرآنی

علاوه بر اختلاف در بیان و تعبیر، تفاوت سلیقه در گزینش معیارها و تعریف‌ها، پیشرفت زمان و طرح پرسشهای جدید و گسترش عرصه اندیشه‌های تخصصی و رشد و گسترش علوم موجب طرح روی‌کرد تازه و مباحث نوین در زمینه اعجاز قرآن گردید.

ب - عوامل درون قرآنی

بی‌کرائگی دنیای قرآن، تفاوت مراتب ظهور اعجاز در آیات و تفاوت دامنه وجوه اعجاز در شمول بر آیات را می‌توان به عنوان عوامل درون قرآنی اختلاف در تبیین وجوه اعجاز به شمار آورد.

۶. فراگیری برخی از وجوه نسبت به همه آیات

در بین وجوه، برخی از وجوه در همه آیات وجود دارد. این وجوه عبارتند از: ۱. فصاحت و بلاغت ۲. نظم و سبک ۳. موسیقی خاص قرآن. ۴. امی بودن آورنده آن؛ ۵. هماهنگی. البته استقصاء وجوه، شاید تعدادی را به این وجوه اضافه نماید. بنابراین، این وجوه در سرتاسر آیات قرآن، در کنار یکی از وجوه دیگر وجود دارد.

۷. تفاوت مراتب ظهور اعجاز در آیات

برخی از وجوه اعجاز قرآن در همه آیات به نحو یکسان وجود دارد، مانند هماهنگی محتوایی قرآن. ولی گفته شده است برخی از وجوه در عین آنکه در همه آیات در حد

نقد:

اگر منظور از بی‌نهایت، فراوانی و جوه اعجاز باشد که برخی کشف شده و چه بسا برخی از آنها بعداً کشف شود، صحیح است. ولی اگر منظور، بی‌نهایت بودن به معنای دقیق کلمه باشد، دلیل می‌خواهد.

۲-۲-۴. مرحوم علامه رحمه الله معتقدند که متقاضی تحدی در آیه شریفه «قُلْ لِّیْنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ»^(۱) شمول تحدی به همه انسانها و جنها با هر نوع تخصص است. بنابراین، قرآن معجزه برای ادیب در بلاغت و فصاحت، معجزه برای حکیم در حکمت، معجزه برای قانون‌گذار در قانون‌گذاری، معجزه در سیاست برای سیاستمدار و... است.^(۲) برخی دیگر نیز اعتقادی شبیه عقیده مرحوم علامه دارند.^(۳)

نقد: قول مرحوم علامه رحمه الله و برخی، قول صحیح است زیرا: ۱. همانگونه که در بحث قلمرو تحدی اثبات شد، تحدی قرآن شامل همه انسانها و جنها در هر زمان و در هر حالت می‌شود و چون هر کدام از انسانها دارای تخصص ویژه‌اند، قرآن انسانها را به آن تخصصها تحدی کرده است. بنابراین، تحدی به تخصصهای مختلف، صورت گرفته است.

۵. موجبات اختلاف در تبیین وجوه اعجاز

عوامل اختلاف در تبیین وجوه اعجاز را به دو دسته کلی عوامل برون قرآنی و درون قرآنی می‌توان تقسیم کرد.

۱. اسراء / ۸۸
۲. المیزان، ج ۱، ص ۵۹-۶۰

۳. التمهید، ج ۴، ص ۲۳، آلاء الرحمن، ۳-۱۶

نیست؛ بلکه سخن خداست که برای هدایت شما فرستاده است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله سیزده آیه از آیات سوره فصلت را تلاوت نمود. هنگامی که به این آیه رسید «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ»^(۱) (پس اگر روی برگردانند: بگو من شما را از صاعقه‌ای مثل صاعقه قوم عاد و ثمود می‌ترسانم) و لید سخت به خود لرزید و موهای او بر بدن وی راست شد و در حالی که سراپا وجود او را بهت فرا گرفته بود، راه خانه را پیش گرفت و چند روزی از خانه بیرون نیامد تا آنجا که برخی از قریش به او بدبین شده و گفتند: ولید راه نیاکان خود را ترک گفته و راه محمد را پیش گرفته است.^(۲)

۱.۳. هنگامی که آیات سوره غافر نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام (به نماز) ایستاده بود و ولید بن مغیره نزدیک حضرت بود و تلاوت او را می‌شنید. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه قضیه شد، تلاوت این آیات را تکرار کرد. ولید به مجلس خویشاوندانش (بنی مخزوم) رفت و گفت: به خدا سوگند، کلامی الآن از محمد صلی الله علیه و آله شنیدم که نه شبیه سخن انسانهاست و نه سخن جن، شیرینی خاصی دارد و زیبایی و طراوت مخصوص، شاخه‌هایش پرمیوه و ریشه‌هایش قوی و نیرومند، سخنی است که از هر سخن دیگر برتر است و هیچ سخنی بر آن برتری نمی‌یابد (والله قد سمعت من محمد أنفا کلاما ما هو من کلام الانس ولا من کلام الجن وان له لحلاوة وان علیه لطلاوة وان اعلاه لمتمروان اسفله لمغنی و انه یعلو ولا یعلی علیه) سپس به منزلش بازگشت. قریش به یکدیگر گفتند: به خدا سوگند او دل‌باخته آئین محمد شده و از آئین ما بیرون رفته و تمام قریش را از دینشان بیرون خواهد برد. ابو جهل گفت: من چاره این کار را می‌کنم. وی حرکت کرد و آمد با چهره‌ای غمگین

کنار ولید نشست. ولید گفت: چرا غمگینی، فرزند برادر؟ گفت: قریش بر تو، با این سن و سال، عیب می‌نهند و گمان می‌کنند که تو سخن محمد را زینت بخشیدی. او همراه ابو جهل برخاست و به مجلس خویشاوندان درآمد و گفت: شما گمان می‌کنید، محمد دیوانه است؟ آیا هرگز آثار جنون بر او دیده‌اید؟ گفتند: نه. گفت: فکر می‌کنید او کاهن است؟ آیا هرگز آثار کهنات بر او دیده‌اید؟ گفتند: نه. گفت: تصور می‌کنید او شاعر است؟ آیا هرگز دیده‌اید لب به شعر بگشاید؟ گفتند: نه. گفت: آیا فکر می‌کنید او دروغگو است؟ آیا هرگز سابقه دروغی درباره او دارید؟ گفتند: نه او نزد ما همیشه به عنوان «صادق امین» قبل از ادعای نبوت شناخته شده است. قریش به ولید گفتند: پس او کیست و درباره او چه بگوئیم؟ ولید فکر کرد و نگاهی نمود و چهره در هم کشید و گفت: او تنها مرد ساحری است. مگر ندیده‌اید که بین مرد و خانواده و فرزندان و دوستانش جدائی می‌اندازد. پس او ساحر است و آنچه می‌گوید سحری است جالب. (۱)

۲. شهادت نضر بن حارث

نضر بن حارث از شیاطین قریش بود. وی از کسانی بود که رسول الله ﷺ را اذیت کرده و عداوت او را در دل داشت. روزی ابو جهل با خدا عهد می‌بندد که سر پیامبر اکرم ﷺ را در سجده نماز با سنگ بسیار بزرگ بشکند. پیامبر اکرم ﷺ بین رکن یمانی و حجر الاسود نماز می‌خواند و کعبه را بین خود و بین شام قرار داده بود.

تحقیق آن است که می‌گویند: اعجاز قرآن با تمامی وجوه یاد شده [تالیف خاص قرآن، اخبار از غیب... که مجمعه آمده وجه می‌شود] واقع شده است نه به تک تک آنها. چرا که قرآن، همه آنها را با هم جمع کرده است.

پس معنا ندارد که با وجود اشتغال بر همه وجوه، تنها به یک وجه استناد شود. (۱)
 رافعی نیز به نقل از برخی از متأخران می‌گوید: وجه اعجاز، اجتماع صفات فصاحت در الفاظ، بلاغت در معنی و صورت نظم در سرتاسر قرآن است. (۲)

نقد:

۱. هیچ دلیل یا مستند معتبری بر این دیدگاه وجود ندارد بلکه دیدگاه یاد شده چنانکه ذکر شد، با ظاهر آیات تحدی که اطلاق دارد سازگار نیست.
۲. در بین وجوه مذکوره، وجوهی چون هماهنگی و امی بودن آورنده قرآن، دیده نمی‌شود در صورتی که شکی در صحت آنها نیست.

۲-۲-۴. وجوه نامحدود

تعدادی از دانشمندان معتقدند که وجوه اعجاز منحصر به فصاحت و بلاغت و... نیست. بلکه قرآن وجوه اعجاز بسیاری دارد. تعبیر و بیانات صاحبان این نظریه متفاوت است لذا به نقل و نقد آنان می‌پردازیم.

- ۱-۲-۲-۴. سیوطی بدون ذکر هرگونه دلیل می‌گوید: وجوه اعجاز قرآن نهایت ندارد. (۳)

تک وجهی بودن اعجاز قرآن است. علاوه بر این ظهور، برخی به وجود یک وجه اعجاز تصریح می‌کنند. برخی معتقدند که تنها فصاحت و بلاغت قرآن، وجه اعجاز قرآن است.^(۱)

نقد:

۱. این دیدگاه با آیات تحدی، که اطلاق دارد و تقیید آن دلیل متقنی ندارد، ناسازگار است. در آیات تحدی، به مثلیت تحدی شده است و مثلیت اطلاق دارد که یکی از ابعاد و جهات آن فصاحت و بلاغت است.
۲. حداقل چندین وجه از اعجاز قرآن (هماهنگی، امی بودن آورنده و فصاحت و بلاغت) به طور قطع، وجه اعجاز قرآن به شمار می‌رود که با دیدگاههای فوق که وجه اعجاز را به یک وجه منحصر می‌کنند، مطابقت ندارد.

۲-۴. وجوه متعدد:

بسیاری از قرآن پژوهان، وجوه متعددی برای اعجاز قرآن ذکر کرده‌اند.^(۲) که با صرف نظر از مصداق وجوه اعجاز گفته شده، تعدد وجوه اعجاز - چنانکه اشاره شد - مورد پذیرش و قطعی است.

۲-۴-۱. اجتماع چندین وجه

برخی معتقدند که اعجاز از چندین وجه جمع می‌شود. زرکشی می‌گوید: نظر اهل

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۹۵، التفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۶۱، مفردات راغب.

۲. مجمع البیان، ج ۲-۱، المنار، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۱۱، الاعجاز فی القرآن طریق الی الایمان، ص ۷۷-۷۷ و...

پیامبر ﷺ به نماز ایستاد و قریش نزدیک شده بودند و منتظر بودند که ابوجهل چه کار می‌کند. هنگامی که پیامبر ﷺ به سجده رفت، ابوجهل سنگ را برداشت و سپس به طرف پیامبر اکرم ﷺ رفت تا اینکه به ایشان نزدیک شد. سپس با رنگ پریدگی و ترس و با حالت فرار برگشت و سنگ را از دستش انداخت. بزرگان قریش پیش او رفتند و گفتند: ای اباالحکم به تو چه شده است؟ گفت: به طرف او رفتم تا آنچه را که به شما گفته بودم، عملی کنم وقتی که نزدیک شدم، یک شتر نر قوی آشکار شد که مانند آن را ندیده بودم و می‌خواست مرا بخورد. هنگامی که ابوجهل به قریش این سخن را گفت نضر بن حارث بلند شد و گفت: ای طائفه قریش! به خدا سوگند پیش آمدی برایتان رخ داده است که تاکنون چاره‌ای برای آن نیاندیشیده‌اید. محمد ﷺ در میان شما جوانی بود آراسته، مورد پسند همگان، در سخن راست‌گوترین و در امانت بزرگ‌وارترین شما بود. تا هنگامی که موهای سفیدی در دو طرف گونه‌اش هویدا گشت و آورد آنچه را که برای شما آورد. آن‌گاه گفتید: ساحر است. نه به خدا سوگند! هرگز به ساحری نمی‌ماند. گفتید: کاهن است. نه به خدا سوگند! هرگز سخن او به سخن کاهنان نمی‌خورد. گفتید: شاعر است. نه به خدا سوگند! هرگز سخن او بر اوزان شعری استوار نیست. گفتید: دیوانه است. نه به خدا سوگند! هرگز رفتار او به دیوانگان نمی‌ماند. پس خود دانید و درست بیاندیشید که رخ داد بزرگی پیش آمد کرده که نباید آن را سباده گرفت!^(۱)

۱. سیره ابن هشام، ج ۲-۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۳. شهادت عتبه بن ربیعہ

ابو الولید عتبه بن ربیعہ، که یکی از بزرگان قریش محسوب می‌شد، روزی با سران قریش در مسجد الحرام نشسته بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در گوشه دیگر مسجد نشسته بود. عتبه رو به اشراف قریش کرده گفت: من پیش محمد صلی الله علیه و آله می‌روم و با او گفتگو می‌نمایم و چند چیز پیشنهاد می‌کنم شاید بعضی را قبول کند و هر چه بخواهد به او بدهیم و از ما دست بردارد. البته این قضیه وقتی اتفاق افتاد که حضرت حمزه اسلام آورده بود و قریش دیدند که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله روز به روز زیاد می‌شوند. قریش گفتند: بله ای ابا الولید به سوی او برو و با او سخن بگو. وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده گفت: ای فرزند برادر! ^(۱) تو دارای شرف خانوادگی هستی، ولی چیزی را مدعی هستی که موجب برخورد و تفرقه میان قوم خود گردیده است. اکنون گوش فراده تا مطلبی را بر تو عرضه دارم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بگو گوش فرا می‌دهم. عتبه گفت: ای فرزند برادر اگر هدف تو اندوختن ثروت است، آن اندازه اموال برای تو فراهم می‌سازیم تا ثروت مندترین ما باشی. اگر تشنه مقامی، تو را رئیس خود می‌گردانیم و اگر، حکومت را می‌خواهی، تو را فرمانروای خود می‌سازیم. سپس گفت: آن که بر تو ظاهر می‌گردد و چیزهایی با تو زمزمه می‌کند، خللی است که بر اعصاب تو اثر گذارده، حاضریم تو را با خرج خود کاملاً مداوا کنیم و از بذل مال در این زمینه دریغ نورزیم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او رو کرد و گفت: آیا سخنان خود را به پایان رسانیدی؟ گفت: بله.

۱. عرب را چنین عادت بود که افراد هر قبیله به افراد قبیله دیگر (یا ابن اخی = ای فرزند برادر) خطاب می‌کردند. ر.ک: محمد هادی معرفت، علوم قرآن، ص ۳۵۴.

۳. درک مستقیم یا غیر مستقیم وجوه اعجاز

بعد از اثبات امکان درک وجه اعجاز، این سؤال مطرح می‌شود که آیا همگان وجه اعجاز قرآن را به صورت مستقیم درک می‌کنند یا اینکه عده‌ای به صورت مستقیم و برخی دیگر به صورت غیر مستقیم وجوه قرآن را درک می‌کنند. به نظر می‌رسد باید بین وجوه اعجاز تفکیک شود. همه انسانها برخی از وجوه را - مانند اعجاز از جهت آورنده، اعجاز غیبی - به صورت مستقیم درک می‌کنند و فهم این وجوه به تخصص وابسته نیست. برخی از وجوه دیگر - مانند فصاحت و بلاغت - برای همه قابل درک نیست؛ که در این صورت همه متخصصان مربوطه، به صورت مستقیم، وجوه اعجاز را درک می‌کنند و دیگران همانند هر مورد دیگر با مواجهه و نظرخواهی از متخصصان به وجوه اعجاز قرآن پی می‌برند. بنابراین، همگان برخی از وجوه را به طور مستقیم و برخی از وجوه را به طور غیر مستقیم درک می‌کنند.

۴. گستره وجوه اعجاز

گرچه همه قرآن پژوهان به معجزه بودن قرآن و به وجه اعجاز بودن آن عقیده دارند، لکن در گستره وجوه اعجاز اختلاف دارند. برخی به یک وجه، و برخی به چندین وجه و برخی به وجوه بی‌نهایت قائل شده‌اند که به طور مختصر به نقل و نقد آنان می‌پردازیم.

۴-۱. انحصار وجه اعجاز در یک وجه

ظاهر بیان یک وجه اعجاز، که در اقوال بیشتر متقدمان دیده می‌شود، نشانگر اعتقاد به

شده و نتوانستند مثلی برای آن بیاورند. بنابراین عجز مشرکان با وجود فصاحت و بلاغت در حد اعلی و وجود انگیزه‌های گوناگونی برای همانندآوری، نشانه آشکاری بر عظمت فصاحت و بلاغت قرآن می‌باشد که نظر دانشمندان را به بررسی فصاحت و بلاغت قرآن، جلب کرده است.

۲. درک یا عدم امکان درک وجه اعجاز

به نظر برخی، وجه اعجاز قرآن، هر چه که باشد، برای بشر قابل درک نیست و تردید در تعیین وجه اعجاز قرآن، دلیل بر نشناختن و در نیافتن وجه اعجاز قرآن است.^(۱)

نقد:

۱. ظاهراً منشأ اعتقاد به این سخن، تعدد اقوال در وجوه اعجاز است. در جواب باید گفت: تعدد اقوال درباره وجوه اعجاز قرآن، دلیل بر نیافتن و نشناختن وجه اعجاز قرآن نیست. هر کدام از اقوال (بجز صرف) به بعدی از ابعاد قرآن اشاره کرده‌اند. خدشه مهم به نظریات زیادی در وجوه اعجاز، به تفکر تک وجهی دانستن اعجاز قرآن است. بارز این تفکر، تردید مزبور از بین می‌رود و در نتیجه اعتقاد به قابل درک نبودن وجه اعجاز، از بین می‌رود.

۲. برخی از وجوه مثل هماهنگی و امی بودن آورنده در قرآن به آنها اشاره شده و از قطعیات است. بنابراین، حداقل چندین وجه، قطعی است.

حضرت فرمود: پس اکنون به سخن من گوش فراده. عتبه گفت: با جان و دل آماده‌ام. پیامبر ﷺ در این هنگام لب به تلاوت قرآن گشود و از ابتدای سوره «فصلت» شروع به خواندن نمود و عتبه با تمام وجود گوش فرا می‌داد؛ دست‌ها را به عقب سر به زمین تکیه داده، مجذوب تلاوت پیامبر گردیده بود تا موقعی که به آیه سجده رسید و پیامبر ﷺ سجده نمود. سپس گفت: ای ابالولید! شنیدی آن چه را که بر تو تلاوت کردم. در این هنگام عتبه از حالت جذبه روحی که به او دست داده بود، بیرون آمد و بدون آنکه چیزی بگوید به سوی دوستانش روانه گشت. او را دیگرگون دیدند و میان خود گفتند: عتبه با آن حالتی که رفت با حالتی دیگر می‌آید. وقتی که نزد آنان نشست، گفتند: چه خبر آورده‌ای؟ گفت: آن چه آورده‌ام آن است که سخنی شنیدم که به خدا سوگند هرگز چنین سخن شیوایی نشنیده بودم، به خدا سوگند! نه شعر است و نه سحر و نه کهنات (قد سمعت قولاً والله ما سمعت مثله قط والله ما هو بالشعر ولا بالسحر ولا بالكهانة) ای گروه قریش! از من بپذیرید و به من واگذار کنید. این مرد را به حال خود رها سازید و با او کاری نداشته باشید. به خدا سوگند! سخنی که من از وی شنیدم، پیامد کلانی به دنبال دارد. اگر عرب با دست دیگران [جز قریش] کار او را ساختند از دست او آسوده شده‌اید و اگر بر عرب پیروز آید - که آینده چنین می‌نماید - پس پیروزی او پیروزی شماست و فرمان‌روایی او، فرمان‌روایی شما و عزت و آبروی او، عزت و آبروی شماست. آن‌گاه شما به وسیله او خوش‌بخت‌ترین مردم جهان خواهید گردید. به او گفتند: ای ابالولید! محمد ﷺ تو را با بیان خود سحر کرده است. گفت: آن چه به شما گفتم نظر من است.

اکنون هرگونه می‌خواهید رفتار کنید.^(۱)

۴. شهادت انیس بن جناده

انیس برادر بزرگ ابوذر غفاری بود که شاعری توانا و هم‌آورد طلب بود و در مسابقات شعری شرکت می‌نمود و بر رقیبان خود برتری می‌یافت. حضرت ابوذر رضی الله عنه گوید: سوگند به خدا نیر و مندتر از برادرم انیس، شاعری نیافتم، با دوازده شاعر نامی در دوران جاهلیت مسابقه داد و بر همه برتری یافت. او عازم مکه بود. به او گفتم: تو از سخن و سخن‌وری سر رشته داری، باشد از پیامبری که در آنجا به دعوت برخاسته، خبری برایم بیاوری. مدتی طولانی گذشت و از سفر آمد. به او گفتم: چه کردی؟ گفت: مردی را در مکه دیدم که بر شیوه و دین تو بود - ابوذر رضی الله عنه بیش از سه سال بود که خدا را عبادت می‌کرد و از بتان بیزاری می‌جست - و گمان می‌کرد که خداوند او را به پیامبری فرستاده است. ابوذر گوید: به او گفتم: مردم چه می‌گویند؟ گفت: می‌گویند: شاعر یا کاهن یا ساحر است. ولی من سخنان ناهنجار کاهنان را شنیده‌ام و اوزان شعری را خوب یاد دارم، هرگز بدان نمی‌ماند؛ به خدا سوگند! او راست می‌گوید و مردم درباره او دروغ می‌گویند.^(۲)

۵. شهادت طفیل بن عمرو الدوسی

طفیل مرد شریف، شاعر و خردمندی بود. وی در حالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مکه

۱. سیره ابن هشام، ج ۲-۱، ص ۲۹۳-۲۹۴. ۲. اصابه ابن حجر، ج ۱، ص ۷۵-۷۶.

۱. تاریخچه بحث از وجوه اعجاز

بررسی کتب اعجاز قرآن نشان می‌دهد که وجوه اعجاز از بین مسائل اعجاز قرآن، از آغاز مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است و در طول تاریخ نیز حجم نسبتاً زیادی از کتب اعجاز قرآن به بررسی وجوه اعجاز اختصاص یافته است. چنانکه در درس اول ذکر شد به عقیده برخی از دانشمندان، نخستین کسی که درباره اعجاز قرآن به تألیف کتاب اقدام کرد، جاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ) است که کتاب «نظم القرآن» را درباره یکی از وجوه اعجاز قرآن «نظم» نوشته و به دفاع از آن پرداخته است. برخی دیگر از مولفان آغازین وجوه اعجاز عبارتند از: ۱. ابن قتیبه (متوفی ۲۸۲ هـ) مؤلف کتاب «نظم القرآن». ۲. واسطی (متوفی ۳۰۷) مؤلف «اعجاز القرآن فی نظم و تالیفه». ۳. رمانی (متوفی ۳۸۴) مؤلف «اعجاز القرآن» درباره وجوه اعجاز قرآن. ۴. خطابی (متوفی ۳۸۸) مؤلف «بیان اعجاز القرآن» درباره وجوه اعجاز قرآن. ۵. باقلانی (متوفی ۴۰۳) مؤلف «اعجاز القرآن» درباره وجوه اعجاز قرآن و...^(۱)

در بین وجوه اعجاز، اعجاز بیانی قرآن، بیشتر از وجوه دیگر بررسی شده است و کتابهای زیادی در این زمینه تألیف گشته است. شاید دلیل مهم آن توجه به فصاحت و بلاغت بی نظیر قرآن، عرب بودن مخاطب اولیه قرآن و عاجز ماندن آنان از همانندآوری است. در فضایی که فصاحت و بلاغت به اوج خود رسیده بود. فصاحت و بلاغت قرآن، وجه برجسته اعجاز قرآن نزد مشرکان بود. مشرکانی که با وجود انگیزه‌های گوناگون برای مقابله با قرآن، در مقابل فصاحت و بلاغت قرآن شکست زده

۱. الاتقان فی علوم القرآن، الجزء الرابع، ص ۳.

بود، وارد مکه شد. سران قوم پیش او رفتند و گفتند: ای طفیل! تو به بلاد ما وارد شده‌ای و این مرد که پشت ماست [که کنار کعبه نماز می‌گذارد] برای ما مشکل درست کرده و اتفاق ما را به هم زده و با بیان سحرآمیز خود بین ما تفرقه انداخته است. ما می‌ترسیم آنچه که بر ما وارد شده بر تو و خویشاوندان تو وارد شود؛ پس با او گفتگو نکن و چیزی از او نشنو.

طفیل گوید: سوگند به خدا! سخنان آنان چنان مرا متأثر کرد که تصمیم گرفتم با او سخن نگویم و سخنی از او نشنوم، به حدی که هنگام داخل شدن به مسجد، پنبه‌ای در گوشه‌ایم قرار دادم تا مبادا چیزی از سخن او به من برسد. پیامبر ﷺ در کنار کعبه ایستاده و مشغول نماز بود. من به وی نزدیک شدم و خداوند مقداری از سخن او را به من شنواند و مقداری از سخن نیکویش را شنیدم. با خود گفتم: مادرت عزادار شود سوگند به خدا من مرد خردمند و شاعری هستم؛ سخن نیکو از سخن زشت بر من پنهان نمی‌ماند. چه مانع دارد که من سخن این مرد را بشنوم، اگر خوب بود می‌پذیرم و اگر زشت باشد، ترک می‌کنم. مکث کردم تا اینکه پیامبر اکرم ﷺ به خانه‌اش برگشت و من نیز دنبال ایشان رفتم تا اینکه وارد خانه‌اش شدیم. گفتم: ای محمد ﷺ خویشاوندان تو به من چنین و چنان گفتند و مرا از کار تو می‌ترسانیدند، تا اینکه من در گوشم پنبه گذاشتم تا سخن تو را نشنوم؛ ولی خداوند خواست که سخن تو را بشنوم و سخن تو را سخن نیکو یافتم؛ پس امرت را بر من عرضه کن. پیامبر اکرم ﷺ اسلام را بر من عرضه کرد و قرآن برای من تلاوت فرمود. سوگند به خدا! سخنی زیباتر از آن و آئینی معتدل‌تر از آن ندیده بودم (فلا والله ما سمعت قولاً قط احسن منه ولا امراً اعدل منه) سپس اسلام

مقدمه

بعد از اثبات اعجاز قرآن کریم، اولین سؤالی که به ذهن خطور می‌کند، جهت اعجاز قرآن است. لذا، اندیشمندان از قرون اولیه به بررسی وجوه اعجاز پرداخته‌اند که به علل گوناگون به نتایج مختلف رسیده‌اند. بسیاری از دانشمندان به برخی از وجوه مثل فصاحت و بلاغت تکیه کرده و دیگر وجوه را رد می‌کنند. برخی به وجوه اعجاز محدود قائلند. بعضی از بی‌نهایت بودن وجوه اعجاز سخن به میان آورده‌اند و بالاخره بسیاری به وجوه برون‌متنی و درون‌متنی عقیده دارند. هر کدام از این گروه‌ها برای اثبات مدعای خویش، دلائلی آورده و احیاناً به نقد دیدگاه‌های دیگر پرداخته‌اند. برای رعایت اختصار ابتدا به برخی از نکات پیرامون وجوه اعجاز پرداخته و سپس وجوه اعجاز را بررسی می‌کنیم.

درآمدی بر وجوه اعجاز

قبل از بررسی وجوه اعجاز، تذکر چند نکته که رتبتاً مقدم بر وجوه اعجاز است ضروری می‌نماید.

آوردم و شهادت حق دادم و گفتم: ای پیامبر خدا! من در میان قبیله خود مرد مطاع و نافذالقولی هستم، پیش آنان می‌روم و به اسلام دعوت می‌کنم. پس از خدا بخواه که برای من نشانه‌ای قرار دهد که در آنچه که من آنان را به اسلام فرامی‌خوانم، یاور باشد. حضرت ﷺ فرمود: خدایا برای او نشانه قرار ده، سپس پیش خویشاوندانش رفت و آنان را به اسلام دعوت نمود. سرانجام بعد از وفات رسول اکرم ﷺ در یمامه به شهادت رسید.^(۱)

۶. شهادت ابوسفیان، ابو جهل و اخنس

ابوسفیان، ابو جهل و اخنس بن شریق یک شب بدون اطلاع از یکدیگر به قصد شنیدن قرآن از پیامبر اکرم ﷺ از خانه‌های خود خارج شدند. پیامبر اکرم ﷺ در خانه‌اش مشغول نماز بود. هر کدام از آنان در گوشه‌ای نشسته و قرآن می‌شنید در حالی که از مکان دیگری خبر نداشت. آنان تا صبح در آنجا ماندند و قرآن استماع نمودند. هنگام سپیده دم مجبور شدند که به خانه‌های خود بازگردند. هر سه در راه به هم رسیدند و یکدیگر را سرزنش کردند. برخی از آنها به بعضی دیگر گفت: این کار را نکنید. اگر برخی از ساده‌لوحان شما، شما را در این وضع ببیند، در دلشان چیزی [شک و تردید] انداخته‌اید. سپس روانه شدند. شب دوم نیز عینا این قضیه اتفاق افتاد و همان سخنان گفته شد. در شب سوم نیز همین اتفاق، روی داد هنگامی که در راه به هم رسیدند، پیمان بستند که دیگر این کار را انجام ندهند.^(۲)

۱. سیره ابن هشام، ج ۲- ۱، ص ۳۸۲- ۳۸۵. ۲. همان، ص ۳۱۵.

درس هشتم

وجوه اعجاز (۱)

درآمدی بر وجوه اعجاز

وجوه برون‌متنی (۱)

امی بودن آورنده قرآن

از دانش پژوه انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. از تاریخچه بحث وجوه اعجاز آگاه شود.
۲. امکان یا عدم امکان درک وجوه اعجاز را بداند.
۳. گستره وجوه اعجاز را تجزیه و تحلیل کند.
۴. موجبات اختلاف در تبیین وجوه اعجاز را باز شناسد.
۵. نسبت به فراگیری برخی از وجوه بر همه آیات توضیح دهد.
۶. تفاوت مراتب ظهور اعجاز را در آیات بفهمد.
۷. تقسیمات مختلف و تقسیم صحیح در وجوه اعجاز را بداند.
۸. از اعجاز از جهت امی بودن آورنده قرآن آگاه شود.

❖ برای پژوهش

عکس‌العمل‌های مشرکان در مقابله با قرآن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از قبیل اعتراض‌ها و دستاویزها، تهمت‌ها، درخواست‌های نامعقول و... را بررسی کنید.

📖 برای مطالعه بیشتر

- در مورد شهادت بر ناتوانی ر.ک:

۱. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ، ج ۴، ص ۱۹۱-۲۰۳.

۲. برهان رسالت، جعفر سبحانی، قم: انتشارات مکتب اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۳۵-۶۲.

- در مورد آزار و اذیت‌ها ر.ک:

۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت: دارالطباعة والنشر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۰-۷۶.

۲. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ذهبی، به کوشش دکتر عمر عبد السلام تدمرمی، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۲۴.

۳. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۸۳ و ۳۲۲-۳۳۵ و ۳۵۲-۳۵۸.

۴. منشور جاوید، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۲۵-۱۶۸.

نحوه برخورد مشرکان با قرآن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

بعد از اینکه مشرکان به کلام الهی بودن قرآن پی بردند و از همانندآوری ناتوان گشتند، برای مقابله با قرآن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شیوه‌های گوناگونی را برگزیدند. لکن دین و روش آنان باطل بود و قرآن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حق؛ لذا شیوه‌های آنان سودی نبخشید و در زمانی کوتاه دعوت و دین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرتاسر جزیره العرب را فراگرفت و قرآن برای ابد باقی ماند. چنانکه می‌فرماید: «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۱) (بگو حق آمد و باطل نابود شد، آری باطل همواره نابودشدنی است.) نکته قابل توجه، زمان نزول این آیه است. آیه مذکور، در سوره اسراء و در مکه نازل شده است.^(۲) در فضایی که مشرکان شیوه‌های مختلفی از قبیل تهمت، درخواست‌های نامعقول، آزار و اذیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یاران او و... برای مقابله، به کار می‌بردند. اینک مناسب است به طور اختصار به برخی از شیوه‌های برخورد مشرکان اشاره شود.

۱. تهمت و ناسزاگویی‌ها

تهمت و ناسزاگویی یکی از حربه‌ها و اهرم‌های فشار مخالفان فعالیت‌ها (اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی) است. مخالف، هنگامی که خود را در برابر شخص یا اشخاصی ناتوان می‌بیند، جهت مقابله با او از راه تهمت وارد می‌شود. انتشار تهمت و ناسزا، شخصیت و کار طرف مقابل را زیر سؤال می‌برد، به طوری که پذیرش آن، سبب روی گردانی از وی می‌شود.

مشرکان نیز برای مقابله با قرآن و پیامبر اکرم ﷺ تهمت را از راه‌های مؤثر و مفید می‌دانستند. این مسأله از مسلمات تاریخ است^(۱) و در آیات زیادی عنوان شده است. برخی از تهمت‌ها به شرح زیر است:

۱-۱. کاهن: کسی که باجن و پری در تماس باشد و اخبار گذشتگان و آیندگان را از آنان می‌گیرد و در اختیار جامعه می‌گذارد. چنانکه می‌فرماید: «وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَا نَذْكُرُونَ»^(۲) (و نه گفتار کاهنی است، هرچند کمتر متذکر می‌شوید).

۱-۲. ساحر: کسی که کارش حل و عقد امور است و چه بسا کارهای شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد که عاری از حقیقت می‌باشد. به عبارت دیگر امور غیر واقعی را واقع نشان می‌دهد. چنانکه می‌فرماید: «وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ»^(۳) (و از اینکه هشدار دهنده‌ای از خودشان به سویشان آمده، تعجب کردند و کافران گفتند: این ساحری دروغ‌گوست).

۱-۳. مسحور: جادوگری که او را سحر کرده باشد و عقل و خرد او دستخوش سحر شده است. این تهمت، صورت محترمانه دیوانه است که بعداً بیان می‌شود. چنانکه می‌فرماید: «وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا»^(۴) (و ستمگران گفتند: شما تنها از مردی افسون شده پیروی می‌کنید).

۱-۴. مجنون (دیوانه): تهمت جنون و سحر از اتهام‌های رایج در میان ملل گذشته نسبت به پیامبران بود: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ

۱. سیره ابن هشام، ج ۲-۱، ص ۲۷۰-۲۹۴.
۲. حاقه / ۴۲.
۳. ص / ۴.
۴. فرقان / ۸.

پرسش

۱. مقدمه سوم را ذکر کنید.

۲. شهادت‌های ادیبان معاصر پیامبر ﷺ بر کلام الهی بودن قرآن به چه دلیل معتبر

است؟

۳. چهار تهمت از تهمتهایی که مشرکان به پیامبر اسلام ﷺ زدند و وجه زدن

چنین تهمتی را بیان نمایید.

۴. چرا مشرکان به اذیت و آزار پیامبر ﷺ پرداختند؟

خلاصه:

۱. با اینکه تلاش جدی برای همانندآوری قرآن صورت گرفته است، معارضان نتوانسته‌اند یا به روشنی دریافته‌اند که نمی‌توانند همانند قرآن را بیاورند.
۲. تعدادی از ادیبان بزرگ عرب معاصر پیامبر ﷺ به کلام الهی بودن قرآن شهادت داده‌اند.
۳. مشرکان معاصر پیامبر ﷺ پس از ناتوانی از همانندآوری، برای مقابله با قرآن و پیامبر ﷺ به اذیت و آزار پیامبر و تهمت و ناسزاگویی (از قبیل کاهن، مسحور، معلم، معجون، شاعر و...) روی آوردند.
۴. با اثبات مبانی سه گانه، اعجاز قرآن ثابت می‌شود.

مَجْنُونٌ»^(۱) (این گونه است که هیچ پیامبری برای ملت‌های پیشین نیامد مگر اینکه گفتند: او ساحر یا دیوانه است). مشرکان نیز این تهمت را به پیامبر ﷺ می‌زدند، چنانکه می‌فرماید: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ»^(۲) (و گفتند: ای کسی که ذکر بر او نازل شده است، یقیناً تو دیوانه‌ای).

۱-۵. معلم: تعلیم یافته: چنانکه می‌فرماید: «أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ»^(۳) (چگونه و از کجا متذکر می‌شوند، با اینکه پیامبری روشنگر آمده است. سپس از او روی برتافتند و گفتند: تعلیم یافته‌ای دیوانه است).

۱-۶. مفتری: افتراگر، مقصود این است که این کتاب از آن خود اوست ولی به دروغ آن را به خدا نسبت می‌دهد. چنانکه می‌فرماید: «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتِرٌ»^(۴) (گفتند: تو تنها دروغ بافی).

۱-۷. شاعر: «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ»^(۵) (یا می‌گویند: شاعری است که انتظار مرگش را می‌بریم).^(۶)

۲. آزار و اذیت پیامبر ﷺ

مشرکان علاوه بر اذیت زبانی، اذیت‌های عملی فراوانی از خود نشان دادند. اذیت‌ها به گونه‌ای بود که هیچ پیامبری، حتی حضرت نوح که نزدیک به هزار سال به هدایت

۱. ذاریات / ۵۲

۲. حجر / ۴

۳. دخان / ۱۳-۱۴

۴. نحل / ۱۰۲

۵. طور / ۳۰

۶. منشور جاوید، ج ۶، ص ۱۳۰-۱۳۴

قومش مشغول بود، چنین اذیت نشده بود (ما اوذی نبی مثل ما اوذیت)^(۱) (هیچ پیامبری مثل من اذیت نشد). آیات زیادی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به صبر توصیه می‌کند، نشانگر شدت اذیت‌هاست.^(۲) اینک برخی از اذیت‌ها و کسانی که بیشترین اذیت را داشته‌اند، به طور اختصار ذکر می‌کنیم.

۲-۱. اذیت‌های مشرکان در مکه

مشرکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مکه بسیار اذیت نمودند، به گونه‌ای که سوره‌هایی از قرآن کریم در شأن برخی از آنان نازل گشت. برخی از آنها عبارتند از: ۱. سوره «لهب» در شأن ابولهب و همسرش^(۳) ۲. سوره «همزه» در شأن امیه بن خلف^(۴) ۳. سوره «کوثر» در شأن عاص بن وائل.^(۵)

یکی از آزارهای سخت مشرکان، حصر بنی هاشم در شعب ابی طالب است. بنی هاشم به مدت دو یا سه سال در نهایت سختی و فشار در این شعب زندگی کردند. ایشان گاهی با خوردن یک دانه خرما در شبانه‌روز و حتی گاهی نصف خرما به زندگی خویش ادامه دادند. شدت سختی به حدی بود که عده‌ای از آنان در شعب جان دادند.^(۶)

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۶.

۲. انعام / ۳۴، احقاف / ۳۵، یونس / ۱۰۹، نحل / ۱۲۷، کهف / ۲۸، قلم / ۴۸، مزمل / ۱۰.

۳. ر.ک: سیره ابن هشام، ج ۱-۲، ص ۳۵۶-۳۵۵. همان ۴.

۵. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۲-۷۳.

۶. ر.ک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ سیره ابن هشام، ج ۱-۲، ص ۳۵۰-۳۵۴؛ فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۱.

۲-۲. اذیت‌های مشرکان بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه

مشرکان با هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اذیت‌ها و مخالفت‌ها دست برنداشتند و به صورت‌های دیگر، مخالفت خویش را ابراز کردند. تصرف نمودن اموال مهاجرین، راه اندازی جنگ‌های بی‌پای مثل احد، بدر و... نمونه‌ای از این مخالفت‌هاست.

نتیجه مبانی سه گانه

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را معجزه خویش خوانده و دعوت به همانندآوری می‌کند (مبنای اول) و مخاطبان مخصوصاً معاصران مسأله را جدی گرفته و در صدد همانندآوری می‌شوند (مبنای دوم) و نمی‌توانند یا به روشنی در می‌یابند که امکان همانندآوری وجود ندارد (مبنای سوم) اعجاز قرآن ثابت می‌شود.